جلد اول خیر المواعظ

که مجموعهٔ احادیث صحیحه است نهایت مفید برای هر عالم و واعظ مؤلفه
مجمع العلوم کاشف السر المکتوم جامع الفضائل والکمالات واقف الاحادیث
والآیات علامهٔ وحید جناب مولانا حاجی مولوی محمد زمان خان
شهید غفر له الرب المجید بتحشیه و ترجمهٔ عالم جلیل
محدث نبیل فقیه حق آگاه عارف بالله
مولانا مولوی محمد شاه سلمه الله ذوالبقاه

بتصحیح و تنقیح تمام
و سعی و اهتمام
تمام

در مطبع اسلامیه واقع حیدرآباد دکن مطبوع گردید

فہرس مضامین خیر المواعظ

تمّت

هذا بيان للناس وهدى وموعظة للمتقين

قد طبع النصف الاول من هذا الكتاب المستطاب نافع كل المتعظ والواعظ

[illegible] تصنيفا للمحقق [illegible] الفقيه [illegible] الحاج المولوي محمد انوار الله [illegible]

عين المواعظ

سنه ١٣[illegible] ھ

بالسعي الجميل الذي عزي الى الاخ الاصغر للمصنف الشهير والاكبر بالفضل متنا [illegible] وللابن المولوي محمد مسيح الزمان خان

في المطبعة [illegible] الواقع في بلدة [illegible] الاسلام حيدرآباد صينت عن الفتن والفساد

بسم الله الرحمن الرحيم

شروع کنم بنام خدا بخشنده مهربان۔

الحمد لله الذي خلق السموات والارض وانزل من السماء ماء فاخرج

همه ستایش خدا راکه آفرید آسمانها و زمین را و فرود آورد از آسمان آب پس بیرون آورد

به من الثمرات رزقا لكم هو الذي يريكم البرق خوفا وطمعا وينشئ

بسبب او ازان انواع میوه ها روزی برای شما اوست آنکه مے نماید شمارا برق برای پیدا کردن ترس و امید و برمیدارد

السحاب الثقال ويسبح الرعد بحمده والملائكة من خيفته لا اله

ابرهاے گران را و پاکی یاد میکند رعد بستایش او و فرشتگان از ترس او نیست هیچ معبود

الا هو يحيي ويميت ربكم ورب آبائكم الاولين فاذا قضى امرا

مگر او زنده میکند و می میراند پروردگار شماست و پروردگار پدران نخستین شماست پس چون میکند کارے

فانما يقول له كن فيكون يعذب من يشاء ويرحم من يشاء واليه تقلبون

پس جز این نیست که میگوید او را بشو پس میشود عذاب کند هر کرا که خواهد و رحم کند هر کرا که خواهد و بسوے او باز گردانیده خواهید شد

هو الذي جعل الشمس ضياء والقمر نورا وقدره منازل لتعلموا

او آنست که ساخت آفتاب را درخشنده و ماه را روشن و مقرر ساخت برای او منزلها تا بدانید

عدد السنين والحساب ان يشأ يذهبكم ايها الناس ويأت بآخرين

شمار سالها و حساب را اگر خواهد دور کند شما را ای مردمان و بوجود آرد دیگران را

وكان الله على ذلك قديرا تبارك الذي نزل الفرقان على عبده

و هست خدا بر این کار توانا بسیار با برکت هست آنکه فرود آورد فرقان را بر بنده خویش

ليكون للعالمين نذيرا قد جاءكم من الله نور وكتاب مبين يهدي

تا باشد ترساننده عالمیان را هر آئینه آمد شما را از جانب خدا نورے و کتابے روشن بسبب آن هدایت

به الله من اتبع رضوانه سبل السلام ويخرجهم من الظلمت الى النور

می نماید خدا کسے را که طالب رضا کرد بسوے راه نجات و بیرون می آرد ایشان را از تاریکیها بسوی روشنی

باذنه ويهديهم الى صراط مستقيم لقد من الله على المؤمنين اذ بعث

بحکم خود و راه می نماید ایشان را بسوے راه راست هر آئینه نعمت فراوان داد خدا مومنان را آنگاه که فرستاد

فيهم رسولا من انفسهم يتلوا عليهم آياته ويزكيهم ويعلمهم

درمیان ایشان پیغمبرے از قوم ایشان میخواند بر ایشان آیتهاے خود و پاک میسازد ایشان را و می آموزد ایشان را

الكتب والحكمة وان كانوا من قبل لفي ضلال مبين فآمنوا

کتاب و علم و هر آئینه ایشان بودند پیش ازین در گمراهے ظاهر پس ایمان آرید

بالله ورسوله النبي الامي الذي يؤمن بالله وكلماته واتبعوه لعلكم

بخدا و به پیغمبر او که نبی امی است آنکه تصدیق مے نماید خدا را و سخنان [illegible] و پیروی کنید او را تا بود که شما

تهتدون محمد رسول الله والذين معه اشداء على الكفار رحماء

راه یاب شوید محمد پیغمبر خداست و آنانکه همراه وے اند سخت اند بر کافران مهربان اند

بينهم تراهم ركعا سجدا يبتغون فضلا من الله ورضوانا سيماهم

درمیان خود ها می بینی ایشان را رکوع کنندگان و سجده نمایندگان می طلبند فضل را از خدا و خوشنودی را نشان صلاح ایشان

فی وجوههم من اثر السجود ان الله وملئکته یصلون علی النبی

در روی ایشان است از اثر سجود هر آئینه خدا و فرشتگان او درود میفرستند بر پیغامبر

یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه وسلموا تسلیما والسابقون الاولون

ای مسلمانان درود فرستید بروی و سلام سلام گفتنی و سبقت کنندگان نخستیان

من المهاجرین والانصار والذین اتبعوهم باحسان رضی الله عنهم

از مهاجران و انصار و آنانکه پیروی ایشان کردند به نیکوکاری خوشنود شد خدا از ایشان

ورضوا عنه واعد لهم جنت تجری تحتها الانهار خالدین فیها

و خوشنود شدند ایشان از وی و آماده ساخت برای ایشان بوستانهائی که میرود زیر آن جویها جاوید باشند در انجا

ابدا ذلک الفوز العظیم ربنا اغفر لنا ولاخواننا الذین سبقونا

همیشه اینست فیروزی بزرگ ای پروردگار بیامرز مارا و برادران مارا که سبقت کردند برما

بالایمان ربنا اتمم لنا نورنا واغفر لنا انک علی کل شیء قدیر

بایمان آوردن ای پروردگار ما تمام کن مارا نور ما و بیامرز مارا هر آئینه تو بر هر چیز توانا است

فی ثناء الله جل ذکره وعز اسمه

الحمد لله الذی له ما فی السموات وما فی الارض وله الحمد فی الاخرة

همه ستایش خدا راست که بدست اوست انچه در آسمانها و انچه در زمین است و مر او راست ستایش در آخرت

وهو الحکیم الخبیر یعلم ما یلج فی الارض وما یخرج منها وما ینزل

و اوست با حکمت آگاه میداند انچه در میآید بزمین و انچه بر میآید از وی و انچه فرو میآید

من السماء وما یعرج فیها وهو الرحیم الغفور بدیع السموات

از آسمان و انچه بالا میرود دروی و اوست مهربان آمرزنده آفریننده آسمانها

والارض واذا قضی امرا فانما یقول له کن فیکون وهو

و زمین است و چون میکند کاری پس جز این نیست که میگوید او را بشو پس میشود و اوست

الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ

غالب بر بندگان خود واوست با حکمت دانا واوست آنکه فرو می آرد باران

مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ

بعد از آن که نا امید شدند و پراگنده میسازد رحمت خود را واوست کارساز ستوده و از نشانهای اوست

السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ

آفریدن آسمانها و زمین و آفریدن آنچه پراگنده کرده است در میان هر دو از جانوران واو بر جمع آوردن

قَدِيرٌ رَبِّ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ يَسْأَلُهُ

تواناست پروردگار آسمانها و زمین است و آنچه در میان آنهاست اگر ایمان آرنده اید سوال

مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ وَسَخَّرَ لَكُمُ

می کند از خدا هر که در آسمانها و زمین است هر روز خدا در حالتی است و رام ساخت برای شما

الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ وَسَخَّرَ لَكُمُ

کشتی را تا برود در دریا بحکم او و رام ساخت برای شما جویها را و رام گردانید برای شما

الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَآتَاكُمْ مِنْ كُلِّ

آفتاب و ماه همیشه روندگان و رام ساخت برای شما شب و روز و داد شمارا هرچه

مَا سَأَلْتُمُوهُ تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا

خواستید از آن بسیار با برکت است آن خدا که ساخت در آسمان بروج را و ساخت در آن چراغ

وَقَمَرًا مُنِيرًا إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي

و ماه روشن هر آینه خدا پوشیده نمی شود بروی چیزی در زمین و نه در

السَّمَاءِ هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ

آسمان او آنست که بصورت می کند شمارا در رحمها چنانکه خواهد نیست هیچ معبود

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ

سوای او غالب استوار و خدا بیرون آورد شمارا از شکم

أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ

مادران شما نمیدانستید چیزی را و ساخت برای شما شنوائی و چشمها و دلها

لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنْ تَكْفُرُوا

شاید که شما شکر کنید و اگر بشمارید نعمت خدا را احاطه نتوانید کرد آنرا اگر کفران نعمت

أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ

کنید شما و هر که در زمین است همه پس هر آئینه خدا توانگر است ستوده شده اگر خواهد نابود

وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ وَمَا ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ وَلَوْ شَاءَ

سازد شما را و بیارد آفرینش نو و نیست اینکار بر خدا دشوار + و اگر خواستی

رَبُّكَ لَآمَنَ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ

پروردگار تو هر آئینه ایمان آوردندی آنانکه در زمین اند همه ایشان هر آئینه خدا میکند آنچه میخواهد

وَهُوَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ وَإِنْ

و او دانا تر است بآنچه می کنند + و هر که را خوار کند خدا پس نیست او را هیچ گرامی دارنده و اگر

يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمْسَسْكَ

سختی رساند بتو خدا پس هیچ دفع کننده نیست او را مگر او و اگر نعمت رساند بتو

بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ

پس او بر هر چیز توانا است + بگو بار خدایا ای خداوند پادشاهی میدهی پادشاهی

مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ

هر کرا خواهی + و باز میگیری پادشاهی از هر که میخواهی ارجمند میسازی هر کرا خواهی و خوار میسازی

تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ تُولِجُ اللَّيْلَ فِي

خواهی بدست تست نیکی + هر آئینه تو بر هر چیز توانا هستی + در می آری شب را در

النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ

روز و در می آری روز را در شب و بیرون می آری زنده را از مرده و بیرون می آری مرده را از زنده و روزی میدهی هر کرا

بغير حسنات ويرسل الصواعق فيصيب بها من يشاء وهم يجادلون

بی شمار + و میفرستد صاعقها پس میرساند آنرا به هر که خواهد + و کافران مکابره می کنند

في الله وهو شديد المحال عالم الغيب والشهادة الكبير المتعال سواء

در باب خدا و او سخت کننده عقوبت هست داناست بنهان و آشکارا بزرگ هست بلند قدر

منكم من أسر القول ومن جهر به ومن هو مستخف بالليل وسارب

یکسانست از شما کسیکه پوشیده سخن را و کسیکه به آواز بلند گوید آنرا و کسیکه وی پنهان هست در شب و کسیکه

بالنهار له معقبات من بين يديه ومن خلفه يحفظونه من

ره میرود بروز برای او فرشتگانند از پی یکدیگر میان دست و پس پشت او نگاه میدارند او را

أمر الله إن الله لا يغير ما بقوم حتى يغيروا ما بأنفسهم وهو

بحکم خدا هر آئینه خدا بدل نمی کند حالتی را که بقوم میباشند تا وقتیکه ایشان بدل کنند آنچه در

القاهر فوق عباده ويرسل عليكم حفظة حتى إذا جاء أحدكم

ضمیر ایشان هست و او هست غالب بر بندگان خود میفرستد بر شما نگاهبانان را تا وقتیکه بیاید یکی

الموت توفته رسلنا وهم لا يفرطون ثم ردوا إلى الله مولاهم

از شما مرگ قبض روح او کنند فرشتگان ما و ایشان تقصیر نمی کنند پس باز گردانیده شوند مرگان

الحق ألا له الحكم وهو أسرع الحاسبين ويوم يحشرهم كأن لم

ایشان که حق است بدانید مر او راست حکم و او شتاب حساب کنندگان است و روزیکه بر انگیزد

يلبثوا إلا ساعة من النهار يتعارفون بينهم وما قدروا الله

گویا درنگ نکرده بودند مگر ساعتی از روز شناسا باشند با یکدیگر و نه شناختند خدا را

حق قدره والأرض جميعا قبضته يوم القيامة والسماوات مطويات

حق شناختن او و حال آنکه زمین همه یکجا در مشت او باشد روز قیامت و آسمانها پیچیده شوند

بيمينه سبحانه وتعالى عما يشركون ونفخ في الصور فصعق

در دست راست او پاکی او راست و برتر است از آنکه شریک مقرر می کنند و دمیده شود در صور پس بیهوش گردد

مَن فِي السَّمٰوٰتِ وَمَن فِي الْاَرْضِ اِلَّا مَن شَآءَ اللّٰهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ

هر که در آسمان و هر که در زمین است مگر آنکه خواسته خدا است باز دمیده شود در صور

اُخْرٰى فَاِذَا هُمْ قِيَامٌ يَّنظُرُونَ وَاَشْرَقَتِ الْاَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ

بار دیگر پس ناگهان ایشان ایستادگانند می نگرند و روشن شود زمین بنور پروردگار خود و نهاده شود

الْكِتٰبُ وَجِايْٓءَ بِالنَّبِيّٖنَ وَالشُّهَدَآءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

نامهٔ اعمال و آورده شود پیغامبران و گواهان و حکم کرده شود میان آدمیان براستی و ایشان ستم

وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُوَ اَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَظْلِمُ

و تمام داده شود هر شخصی جزای آنچه کرده است و خدا داناتر است بآنچه می کنند هر آینه خدا ستم

النَّاسَ شَيْـًٔا وَّلٰكِنَّ النَّاسَ اَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ اَمَّن جَعَلَ الْاَرْضَ قَرَارًا وَّ

بمردمان و لیکن مردمان بر خویشتن ستم می کنند + نه بلکه بپرسیم که کرساخت زمین قرارگاه

جَعَلَ خِلٰلَهَآ اَنْهٰرًا وَّجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا

و پیدا کرد در زمین جویها + و بیافرید برای زمین کوهها + و بیافرید میان دو دریا حجاب

ءَاِلٰهٌ مَّعَ اللّٰهِ بَلْ اَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ اَمَّن يُّجِيبُ الْمُضْطَرَّ اِذَا دَعَاهُ

آیا معبود دیگر است با خدا بلکه بیشتر ایشان نمی دانند + نه بلکه بپرسیم که بشنود دعای بیقرار را چون

وَيَكْشِفُ السُّوٓءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَآءَ الْاَرْضِ ءَاِلٰهٌ مَّعَ اللّٰهِ قَلِيلًا مَّا

بخواندش و بردارد سختی و بسازد شما را جانشینان زمین آیا معبودی هست دیگر بجز خدا اندکی

تَذَكَّرُونَ اَمَّن يَّهْدِيكُمْ فِي ظُلُمٰتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَن يُّرْسِلُ الرِّيٰحَ

پند می پذیرید + نه بلکه بپرسیم که که راه می نماید شما را در تاریکی بیابان و دریا که میفرستد بادها

بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهٖ ءَاِلٰهٌ مَّعَ اللّٰهِ تَعٰلَى اللّٰهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ

مژده دهنده پیش از رحمت او + آیا معبودی هست با خدا برتر است خدا از آنکه شریک میکنند

اَمَّن يَّبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهٗ وَمَن يَّرْزُقُكُم مِّنَ السَّمَآءِ وَالْاَرْضِ

نه بلکه بپرسیم که بیافرید خلق را ابتدا باز آرد او را و آنکه روزی میدهد شما را از آسمان و زمین

جزو ۲۱ رکوع ۱۲

جزو ۲۲ رکوع ۲

ءَاِلٰهٌ مَّعَ اللّٰهِ وَلَوْ اَنَّ مَا فِي الْاَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ اَقْلَامٌ وَّالْبَحْرُ يَمُدُّهُ

آیا معبودی هست با خدا و اگر آنچه در زمین هست از درختان قلمها شوند و دریا اسیاهی آن شود

مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ اَبْحُرٍ مَّا نَفِدَتْ كَلِمٰتُ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ

از پس او هفت دریای دیگر بپایان نرسند سخنان خدا هر آینه خدا غالب با حکمت ست

فَسُبْحٰنَ الَّذِيْ بِيَدِهٖ مَلَكُوْتُ كُلِّ شَيْءٍ وَّاِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ ۝

پس پاکست آنکه بدست اوست بادشاهی هر چیز و بسوی او باز گردانیده شوید

وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

روایت است از ابی هریره رضی الله تعالے عنه گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ لِلّٰهِ مِائَةَ رَحْمَةٍ اَنْزَلَ مِنْهَا رَحْمَةً وَّاحِدَةً بَيْنَ الْجِنِّ

وسلم مر خدا تعالی راست صد رحمت فرود آورده است از آن صد رحمت یک رحمت را میان

وَالْاِنْسِ وَالْبَهَائِمِ وَالْهَوَامِّ فَبِهَا يَتَعَاطَفُوْنَ وَبِهَا يَتَرَاحَمُوْنَ

پریان و آدمیان و میان چارپایان و جنبندهای روی زمین بآن رحمت آنها مهربانی میکنند بر یکدیگر

وَبِهَا تَعْطِفُ الْوَحْشُ عَلٰى وَلَدِهَا وَاَخَّرَ اللّٰهُ تِسْعًا وَّتِسْعِيْنَ رَحْمَةً

و بآن رحمت می‌بخشایند بر یکدیگر و بآن رحمت مهربانی میکنند جانوران وحشی بر فرزندان خود و پس گذاشته است خدای تعالی نود و نه رحمت

يَرْحَمُ بِهَا عِبَادَهٗ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَفِيْ رِوَايَةٍ لِّمُسْلِمٍ عَنْ

که رحم میکند بآن رحمتها بندگان خود را روز قیامت متفق علیه و در روایتی مر مسلم را از سلمان فارسی

سَلْمَانَ نَحْوَهٗ وَفِيْ اٰخِرِهٖ قَالَ فَاِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيٰمَةِ اَكْمَلَهَا بِهٰذِهِ الرَّحْمَةِ

مانند این آمده است و در آخرش این عبارت است که گفت پس چون باشد روز قیامت تمام میگرداند از آن باین یک رحمت

وَعَنْهُ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

روایت است از وی رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغامبر خدا رحمت خدا باد بر وی

وَسَلَّمَ لَوْ يَعْلَمُ الْمُؤْمِنُ مَا عِنْدَ اللّٰهِ مِنَ الْعُقُوْبَةِ مَا طَمِعَ بِجَنَّتِهٖ

و سلام اگر بداند مومن چیزی را که نزد خداست از عذاب طمع نکند به بهشت خدا

أَحَدٌ وَلَوْ يَعْلَمُ الْكَافِرُ مَا عِنْدَ اللهِ مَا قَنِطَ مِنْ جَنَّتِهِ أَحَدٌ متفق عليه

یکی از مؤمنان و اگر بداند کافر چیزی را که نزد خداست از رحمت ناامید نگردد از بهشت او هیچ یکی از کافران

وَعَنْهُ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از وی رضی الله عنه گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

يَدُ اللهِ مَلْأَى لَا تَغِيضُهَا نَفَقَةٌ سَحَّاءُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْفَقَ

دست عنایت خدا پر است هیچ کم نمیسازد او را هیچ نفقه عطای ریزنده و سیل کننده در شب و روز خبر

مُنْذُ خَلَقَ السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ فَإِنَّهُ لَمْ يَغِضْ مَا فِي يَدِهِ وَكَانَ عَرْشُهُ

دهید که چه قدر انفاق و عطا کرده است حق تعالی از ان باز که پیدا کرده است آسمان و زمین را پس بدرستی که عطای او کم نساخت چیزی را که در دست

عَلَى الْمَاءِ وَبِيَدِهِ الْمِيزَانُ يَخْفِضُ وَيَرْفَعُ متفق عليه

دست او بود در وقت پیدا کردن آسمان و زمین عرش او بر آب و بدست قدرت اوست ترازو پست میکند و برمیدارد ترازو را متفق علیه

وَعَنْ أَبِي مُوسَى رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ قَامَ فِينَا رَسُولُ اللهِ صَلَّى

روایت است از ابی موسی اشعری رضی الله تعالی عنه گفت استاد میان ما پیغمبر خدا صلی الله علیه

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِخَمْسِ كَلِمَاتٍ فَقَالَ إِنَّ اللهَ لَا يَنَامُ وَ

وسلم برای وعظ و تذکیر به پنج سخن پس گفت آنحضرت بدرستی که خدا تعالی خواب

لَا يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَنَامَ يَخْفِضُ الْقِسْطَ وَيَرْفَعُهُ يُرْفَعُ إِلَيْهِ عَمَلُ

نمیکند و نمی سزد او را که خواب کند پست میکند ترازو را و بالا میبرد او را برداشته میشود بسوی درگاه وی عملهای

اللَّيْلِ قَبْلَ عَمَلِ النَّهَارِ وَعَمَلُ النَّهَارِ قَبْلَ عَمَلِ اللَّيْلِ حِجَابُهُ النُّورُ

شب پیش از عملهای روز و برداشته میشود عمل روز پیش از عمل شب پرده حق تعالی نور است

لَوْ كَشَفَهُ لَأَحْرَقَتْ سُبُحَاتُ وَجْهِهِ مَا انْتَهَى إِلَيْهِ بَصَرُهُ

اگر برداشتی این پرده را هر آینه بسوختی انوار روی وی هر چیز را که رسیده بسوی او بصر خدا

مِنْ خَلْقِهِ رواه مسلم وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

که خلق خدا باشد رواه مسلم و روایت است از ابی ذر رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ اللّٰهُ تَعَالٰى يَا عِبَادِي كُلُّكُمْ ضَالٌّ

صلی الله علیه وسلم میگوید خدای تعالی ای بندگان من همه شما گمراهید

اِلَّا مَنْ هَدَيْتُ فَاسْئَلُوْنِي الْهُدٰى اَهْدِكُمْ وَكُلُّكُمْ فُقَرَاءُ اِلَّا

مگر کسی که راه نمودم من او را پس سوال کنید از من راه راست بنمایم شما را راه راست و همه شما فقیرانید

مَنْ اَغْنَيْتُ فَسْئَلُوْنِي اَرْزُقْكُمْ وَكُلُّكُمْ مُذْنِبٌ اِلَّا مَنْ عَافَيْتُ

مگر کسی که غنی گردانم من او را پس سوال کنید از من که رزق دهم شما را و همه شما گناهگارانید مگر کسی که عفو کردم من

فَمَنْ عَلِمَ اَنِّي ذُوْ قُدْرَةٍ عَلَى الْمَغْفِرَةِ فَاسْتَغْفَرَنِي غَفَرْتُ لَهُ

او را پس کسیکه بداند که من خداوند قدرتم بر آمرزیدن گناهان پس طلب آمرزش کند از من می آمرزم

وَلَا اُبَالِي وَلَوْ اَنَّ اَوَّلَكُمْ وَاٰخِرَكُمْ وَحَيَّكُمْ وَمَيِّتَكُمْ وَرَطْبَكُمْ

او را و باک ندارم واگر بدرستی که اول شما و آخر شما و زنده شما و مرده شما و تر شما

وَيَابِسَكُمْ اِجْتَمَعُوْا عَلٰى اَتْقٰى قَلْبِ عَبْدٍ مِّنْ عِبَادِي مَا زَادَ

و خشک شما جمع شوند بر ترسنده تر دل بنده از بندگان من زیاده نگرداند

ذٰلِكَ فِي مُلْكِي جَنَاحَ بَعُوْضَةٍ وَلَوْ اَنَّ اَوَّلَكُمْ وَاٰخِرَكُمْ وَحَيَّكُمْ

آن در ملک من مقدار بازوی پشه واگر بدرستی که اول شما و آخر شما و زنده شما

وَمَيِّتَكُمْ وَرَطْبَكُمْ وَيَابِسَكُمْ اِجْتَمَعُوْا عَلٰى اَشْقٰى قَلْبِ عَبْدٍ

و مرده شما و تر شما و خشک شما جمع شوند بر بدبخت ترین دل بندهٔ

مِنْ عِبَادِي مَا نَقَصَ ذٰلِكَ مِنْ مُلْكِي جَنَاحَ بَعُوْضَةٍ وَلَوْ اَنَّ

از بندگان من کم نگرداند آن از ملک من مقدار بازوی پشه واگر بدرستی

اَوَّلَكُمْ وَاٰخِرَكُمْ وَحَيَّكُمْ وَمَيِّتَكُمْ وَرَطْبَكُمْ وَيَابِسَكُمْ اِجْتَمَعُوْا

که اول شما و آخر شما و زنده شما و مرده شما و تر شما و خشک شما جمع شوند

فِي صَعِيْدٍ وَّاحِدٍ فَسَاَلَ كُلُّ اِنْسَانٍ مِّنْكُمْ مَا بَلَغَتْ اُمْنِيَّتُهُ

در یک روی زمین پس سوال کند هر آدمی از شما چیزی که نهایت آرزوی اوست۔

فَأَعْطَيْتُ كُلَّ سَائِلٍ مِّنْكُمْ مَا نَقَصَ ذٰلِكَ مِنْ مُلْكِي إِلَّا كَمَا

پس بدهم هر سایل را هرچه خواهد کم نکند آن از ملک من مگر چنانکه اگر بکند

لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ مَرَّ بِالْبَحْرِ فَغَمَسَ فِيهِ إِبْرَةً ثُمَّ رَفَعَهَا ذٰلِكَ

یکی از شما در دریا پس فرو برد در آن سوزنی را پستر بردارد آن سوزن را

بِأَنِّي جَوَادٌ مَاجِدٌ أَفْعَلُ مَا أُرِيدُ عَطَائِي كَلَامٌ وَعَذَابِي كَلَامٌ

آن بجهت اینکه من بخشنده ام بخشایش کننده بزرگم میکنم هرچه میخواهم دادن من سخن ست وعذاب من سخن ست

إِنَّمَا أَمْرِي لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْتُ أَنْ أَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ رواه احمد

نیست کار من بچیزی وقتیکه خواهم مگر اینکه بگویم مر آن چیز را شو پس میشود آن چیز روایت کرد

والترمذی وابن ماجه وَعَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا

این حدیث را احمد و ترمذی و ابن ماجه و روایت ست از عبد الله ابن عمر رضی الله تعالی

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَطْوِي اللهُ السَّمٰوٰتِ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم به پیچید خدای تعالی آسمانها را

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ثُمَّ يَأْخُذُهُنَّ بِيَدِهِ الْيُمْنٰى ثُمَّ يَقُولُ أَنَا الْمَلِكُ

روز قیامت پس میگیرد آسمانها را بدست راست خود باز میگوید منم بادشاه

أَيْنَ الْجَبَّارُونَ أَيْنَ الْمُتَكَبِّرُونَ ثُمَّ يَطْوِي الْأَرَضِينَ بِشِمَالِهِ

کجا اند جبر کنندگان و کجا اند تکبر کنندگان پستر به پیچد زمین ها را بدست چپ خود

وَفِي رِوَايَةٍ يَأْخُذُهُنَّ بِيَدِهِ الْأُخْرٰى ثُمَّ يَقُولُ أَنَا الْمَلِكُ أَيْنَ

و در روایت دیگر ست که میگیرد آنها را بدست دیگر خود پستر میگوید منم بادشاه کجا اند

الْمُتَكَبِّرُونَ رواه مسلم وَعَنِ ابْنِ الدَّيْلَمِيِّ قَالَ أَتَيْتُ

تکبر کنندگان روایت کرد این حدیث را مسلم و روایت ست از فرزند دیلمی گفت که آمدم

أُبَيَّ بْنَ كَعْبٍ فَقُلْتُ لَهُ قَدْ وَقَعَ فِي نَفْسِي شَيْءٌ مِّنَ الْقَدَرِ

نزد ابی ابن کعب پس گفتم مر او را بتحقیق در افتاد در دل من چیزی از شک از قضا و تقدیر

تحدثني لعل الله ان يذهبه من قلبي فقال لو ان الله

پس حدیثی بخوان مرا تا شاید که خدا ببرد آن شک را از دل من پس گفت اگر هر آینه خدایتعالی

عذب اهل سمواته واهل ارضه عذبهم وهو غير ظالم

عذاب میکرد تمامه آسمانیانرا و زمینیانرا عذاب کند ایشانرا وحال آنکه وی غیر ظالم

لهم ولو رحمهم كانت رحمته خيرا لهم من اعمالهم

کننده هست مر ایشانرا واگر رحمت میکرد بر آنها میبود رحمت او بهتر مر ایشانرا از عملهای ایشان

الحديث رواه احمد وابو داود وابن ماجة وعن ابي ذر

تا آخر حدیث روایه احمد وابو داود وابن ماجه روایت است از ابی ذر

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم فيما يروي عن

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم در آنچه روایت می کند از

الله تبارك وتعالى انه قال يا عبادي اني حرمت الظلم

خدایتعالی که تحقیق وی گفت ای بندگان من تحقیق که من حرام گردانیده ام ظلم را

على نفسي وجعلته بينكم محرما فلا تظالموا يا عبادي كلكم

بر نفس خود و گردانیده ام ظلم را در میان شما حرام پس ظلم نه کنید بر یکدیگر ای بندگان من همه شما

ضال الا من هديته فاستهدوني اهدكم يا عبادي كلكم جائع

گمراهید مگر کسیکه راه نمودم او را پس طلب هدایت کنید از من که هدایت کنم شمارا ای بندگان من همه شما گرسنه اید

الا من اطعمته فاستطعموني اطعمكم يا عبادي كلكم عار

مگر کسیکه طعام بخورانم او را پس طلب طعام کنید از من که طعام کنم شمارا ای بندگان من همه شما برهنه اید

الا من كسوته فاستكسوني اكسكم يا عبادي انكم

مگر کسی که جامه پوشانم او را پس طلب کسوت کنید از من که کسوت دهم شمارا ای بندگان من تحقیق شما

تخطئون بالليل والنهار وانا اغفر الذنوب جميعا

گناه میکنید شب و روز و من می آمرزم همه گناهان را

فَاسْتَغْفِرُوْنِی أَغْفِرْ لَكُمْ يَا عِبَادِی إِنَّكُمْ لَمْ تَبْلُغُوْا

پس طلب آمرزش کنید از من که بیامرزم مر شمارا ای بندگان من تحقیق که شما هرگز نمی رسید

ضَرِّيْ فَتَضُرُّوْنِي وَلَنْ تَبْلُغُوْا نَفْعِي فَتَنْفَعُوْنِي يَا عِبَادِي

زیان مرا تا که گزند رسانید مرا و هرگز نمی رسید سود مرا تا سود رسانید مرا ای بندگان من

لَوْ أَنَّ أَوَّلَكُمْ وَآخِرَكُمْ وَإِنْسَكُمْ وَجِنَّكُمْ كَانُوْا عَلٰی أَتْقٰی

اگر باشند اول شما و آخر شما و آدمیان شما و جنیان شما باشند بر پرهیزگارترین

قَلْبِ رَجُلٍ وَاحِدٍ مِنْكُمْ مَا زَادَ ذٰلِكَ فِی مُلْكِی شَيْئًا يَا عِبَادِی

دل یک مرد از شما زیاده نمی کند آن در ملک من چیزی را ای بندگان من

لَوْ أَنَّ أَوَّلَكُمْ وَآخِرَكُمْ وَإِنْسَكُمْ وَجِنَّكُمْ كَانُوْا عَلٰی أَفْجَرِ

اگر باشند اینکه اول شما و آخر شما و آدمیان شما و جنیان شما باشند بر گناه کننده ترین

قَلْبِ رَجُلٍ وَاحِدٍ مِنْكُمْ مَا نَقَصَ ذٰلِكَ مِنْ مُلْكِی شَيْئًا يَا عِبَادِی

دل یکمرد از شما کم نکند آن از ملک من چیزی را ای بندگان من

لَوْ أَنَّ أَوَّلَكُمْ وَآخِرَكُمْ وَإِنْسَكُمْ وَجِنَّكُمْ قَامُوْا فِی صَعِيْدٍ

اگر باشند اینکه اول شما و آخر شما و آدمیان شما و جنیان شما بایستند در یک روی زمین

وَاحِدٍ فَسَأَلُوْنِی فَأَعْطَيْتُ كُلَّ إِنْسَانٍ مَا نَقَصَ ذٰلِكَ مِمَّا

پس سوال کنند مرا پس بدهم هر آدمی را کم نکند آن از آنچه

عِنْدِی إِلَّا كَمَا يَنْقُصُ الْمِخْيَطُ إِذَا أُدْخِلَ الْبَحْرَ يَا عِبَادِی إِنَّمَا هِیَ

نزد من است مگر چنانچه کم میکرداند سوزن چون در آورده شود در دریا ای بندگان من نیست آن

أَعْمَالُكُمْ أُحْصِيْهَا عَلَيْكُمْ ثُمَّ أُوَفِّيْكُمْ إِيَّاهَا فَمَنْ وَجَدَ خَيْرًا

مگر عملهای بد و عملهای نیک شما که می شمارم بر شما پس تمام میدهم شما را جزای آن اعمال پس کسیکه یابد نیکی را

فَلْيَحْمَدِ اللّٰهَ وَمَنْ وَجَدَ غَيْرَ ذٰلِكَ فَلَا يَلُوْمَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

پس باید شکر کند خدا را و کسیکه یابد غیر نیکی را پس باید که ملامت نکند مگر نفس خود را رواه مسلم

فى مدح النبىّ القريشىّ الهاشمىّ المكىّ صلوٰة الله وسلامه عليه وعلى آله وصحبه

لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص
البته تحقیق آمده است بشما پیغمبری از قبیلهٔ شما دشوار است بروی رنج شما حریص است
عليكم بالمؤمنين رءوف رحيم ۝ وما ينطق عن الهوى ان
بر هدایت شما بمسلمانان شفقت کننده مهربان است و سخن نمیگوید از خواهش نفس نیست
هو الا وحى يوحى ۝ قال الله تعالى انا ارسلناك بالحق بشيرا
آن سخن مگر وحی که بسوی او فرستاده میشود فرمود خدای تعالی هر آینه ما فرستادیم ترا بحق مژده دهنده
ونذيرا ولا تسئل عن اصحب الجحيم ۝ وانزل الله عليك الكتب
و ترساننده و پرسیده نخواهی شد از اهل دوزخ و فرود آورده است خدا بر تو کتاب
والحكمة وعلمك ما لم تكن تعلم وكان فضل الله عليك
و دانش و آموخته است ترا آنچه نمیدانستی و هست فضل خدا بر تو
عظيما ۝ وما رميت اذ رميت ولكن الله رمى ۝ وما كان الله
بزرگ و نه افگندی تو وقتیکه افگندی ولیکن خدا افگند و نیست خدا که عذاب کند
ليعذبهم وانت فيهم ۝ وما ارسلناك الا رحمة للعالمين ۝
ایشان را و تو در میان ایشان باشی و نه فرستادیم ما ترا مگر رحمت برای عالمیان -
يا ايها النبى انا ارسلناك شاهدا ومبشرا ونذيرا وداعيا
ای پیغامبر هر آینه ما فرستادیم ترا گواهی دهنده و مژده دهنده و ترساننده و خواننده
الى الله باذنه وسراجا منيرا ۝ وبشر المؤمنين بان لهم
بسوی خدا بحکم او و چراغ روشن و بشارت ده مومنان را بآنکه ایشان را باشد

مِّنَ اللّٰهِ فَضْلًا كَبِيرًا ○ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللّٰهِ إِلَيْكُمْ

از جانب خدا بخشایش بزرگ بگو ای مردمان هر آینه من فرستاده خدا ام بسوی شما

جَمِيعًا نِ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ

همه شما آن خدا انکه او راست پادشاهی آسمانها و زمین نیست معبود مگر او زنده میکند

يُحْيِي وَيُمِيتُ هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ

و می میراند اوست انکه برانگیخت در ناخواندگان پیغامبر را از قوم ایشان

يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ

که میخواند بر ایشان آیات او را و پاک میکند ایشانرا و می آموزد ایشانرا کتاب و دانش

وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ○ إِنَّ اللّٰهَ وَمَلَائِكَتَهُ

واگرچه ایشان بودند پیش ازین در گمراهی ظاهر هر آینه خدا و فرشتگان او درود

يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ○

میخوانند بر پیغامبر ای مسلمانان درود بخوانید بر وی و سلام گوئید سلام گفتنی

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از ابی هریره رض که گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم

أَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَأَوَّلُ مَنْ يَنْشَقُّ عَنْهُ الْقَبْرُ

من سردار فرزندان آدم روز قیامت و نخست کسی ام که شگافته خواهد شد از وی قبر

وَأَوَّلُ شَافِعٍ وَأَوَّلُ مُشَفَّعٍ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ قَالَ

و من نخستین شفاعت کننده ام و نخستین کسیکه قبول کرده شود شفاعت وی روایه مسلم و روایت است از ابی سعید رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم من بهتر فرزندان آدمم روز قیامت

وَلَا فَخْرَ وَبِيَدِي لِوَاءُ الْحَمْدِ وَلَا فَخْرَ وَمَا مِنْ نَبِيٍّ يَوْمَئِذٍ آدَمُ

و نمیگویم بطریق فخر و بدست من است رایت حمد و نیست فخر و نیست هیچ پیغمبری در روز قیامت چه آدم

وَمَنْ سِوَاهُ اِلَّا تَحْتَ لِوَائِي وَاَنَا اَوَّلُ مَنْ يَنْشَقُّ عَنْهُ الْاَرْضُ

وجه سوای اوست مگر آنکه در زیر لوای من در آید و من آنم که نخستین شگافته شود از وی زمین

وَلَا فَخْرَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ جَابِرٍ رض اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ

و نیست فخر روایت کرد او را ترمذی و روایت است از جابر که آنحضرت صلی الله علیه

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اَنَا قَائِدُ الْمُرْسَلِينَ وَلَا فَخْرَ وَاَنَا خَاتَمُ

و سلم فرمود من پیشوای مرسلینم و نیست فخر و من خاتم

النَّبِيِّينَ وَلَا فَخْرَ وَاَنَا اَوَّلُ شَافِعٍ وَمُشَفَّعٍ وَلَا فَخْرَ

الانبیاءام و نیست فخر و من نخستین شفاعت کننده و شفاعت قبول کرده شده ام و نیست فخر

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ اَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى

روایت کرد او را ترمذی و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنَا اَوَّلُ النَّاسِ خُرُوجًا اِذَا بُعِثُوا وَاَنَا

علیه و سلم من نخستین مردمم از روی بیرون آمدن از قبر وقتیکه برانگیخته شوند از قبر و من

قَائِدُهُمْ اِذَا وَفَدُوا وَاَنَا خَطِيبُهُمْ اِذَا اَنْصَتُوا وَاَنَا مُسْتَشْفِعُهُمْ

پیشوای مردمم وقتیکه بیایند بدرگاه خدا و من خطبه خواننده ایشانم وقتیکه تکلم نتوانند کرد و من طلب کرده شده ام

اِذَا حُبِسُوا وَاَنَا مُبَشِّرُهُمْ اِذَا اَيِسُوا اَلْكَرَامَةُ وَالْمَفَاتِيحُ

شفاعت بسوی خدا وقتیکه حبس کرده شوند مردم و من بشارت دهنده ام مردم را وقتیکه نومید شوند بزرگی و کلیدها

يَوْمَئِذٍ بِيَدِي وَلِوَاءُ الْحَمْدِ يَوْمَئِذٍ بِيَدِي وَاَنَا اَكْرَمُ وُلْدِ

آن روز بدست من باشد و لوای حمد در آن روز بدست من باشد و من بزرگترین فرزندان

آدَمَ عَلٰى رَبِّي يَطُوفُ عَلَيَّ اَلْفُ خَادِمٍ كَاَنَّهُمْ بَيْضٌ مَكْنُونٌ

آدمم نزد پروردگار خود گرد من میگردند هزار خادم گویا این خادمان بیضهای پوشیده اند

اَوْ لُؤْلُؤٌ مَنْثُورٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْهُ

یا مرواریدهای پراگنده شده روایت کرد این را ترمذی و دارمی و روایت است از وی

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنَا اَوَّلُ شَفِيْعٍ فِي

گفت فرمود پیغامبر صلی الله علیه وسلم من نخستین کسی ام که شفاعت کند در

الْجَنَّةِ لَمْ يُصَدَّقْ مِنَ الْاَنْبِيَاۤءِ مَا صُدِّقْتُ وَاِنَّ مِنَ الْاَنْبِيَاۤءِ

بهشت تصدیق کرده نشد هیچ پیغامبر از پیغامبران آنمقدار که تصدیق کرده شدم وتحقیق از جمله پیغامبران

نَبِيًّا مَا صَدَّقَهُ مِنْ اُمَّتِهٖ اِلَّا رَجُلٌ وَّاحِدٌ رواه مسلم وَعَنْ

پیغمبری است که تصدیق نکرد او را از امت وی مگر یک مرد رواه مسلم و روایت است

جُبَيْرِ بْنِ مُطْعِمٍ قَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ

از جبیر ابن مطعم رض گفت شنیدم پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را که میفرمود

اِنَّ لِيْ اَسْمَاۤءً اَنَا مُحَمَّدٌ وَّاَنَا اَحْمَدُ وَاَنَا الْمَاحِي الَّذِي يَمْحُو اللهُ

تحقیق که مرا نامهاست من محمدم و من احمدم و من ماحی ام آنکه محو می کند خدا

بِيَ الْكُفْرَ وَاَنَا الْحَاشِرُ الَّذِي يُحْشَرُ النَّاسُ عَلٰى قَدَمِيْ وَاَنَا

بوجود من کفر را و نام من حاشر است که برانگیخته شوند مردم بر قدم من و نام من

الْعَاقِبُ وَالْعَاقِبُ الَّذِي لَيْسَ بَعْدَهٗ نَبِيٌّ متفق عليه وَعَنْ

عاقب است و عاقب آنکه نیست پس از وی کسی پیغمبری متفق علیه است و روایت است

اَبِيْ هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنَّهٗ قَالَ اِنَّمَا اَنَا رَحْمَةٌ

از ابی هریره رض از پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم تحقیق آنحضرت فرمود که آمده من رحمت ام

مُهْدَاةٌ رواه الدارمي والبيهقي في شعب الايمان وَعَنْ عَمْرِو

در راه یافته شده رواه دارمی والبیهقی در شعب الایمان و روایت است از عمر

بْنِ قَيْسٍ اَنَّ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ نَحْنُ

بن قیس تحقیق که پیغمبر خدا صلی علیه وسلم فرمود ما در ظهور

الْاٰخِرُوْنَ وَنَحْنُ السَّابِقُوْنَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَاِنِّيْ قَاۤئِلٌ قَوْلًا غَيْرَ فَخْرٍ

پسترآمدیم و در مرتبه سابق و پیشیم روز قیامت و تحقیق من گوینده ام گفتاری بی گفاخرت

إِبْرَاهِيمُ خَلِيلُ اللهِ وَمُوسَى صَفِيُّ اللهِ وَأَنَا حَبِيبُ اللهِ وَمَعِي

کہ ابراہیم خلیل اللہ است وموسی برگزیدہ خدا است ومن محبوب خدا ام وبا من باشد

لِوَاءُ الْحَمْدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَإِنَّ اللهَ وَعَدَنِي فِي أُمَّتِي وَأَجَارَهُمْ

لوای حمد روز قیامت وبتحقیق خدا تعالے وعدہ کردمرا درباب امت من وامان داد ایشانرا

مِنْ ثَلٰثٍ لَا يَعُمُّهُمْ بِسَنَةٍ وَلَا يَسْتَأْصِلُهُمْ عَدُوٌّ وَلَا يَجْمَعُهُمْ

از سہ چیز در نمیگیرد ایشانرا بقحط سال وہلاک نمیکرداند ایشانرا دشمنان وجمع نمی کند

عَلٰى ضَلَالَةٍ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ إِنَّ اللهَ تَعَالٰى

ایشان را بر گمراہی روایت کرد دارمی روایت است از ابن عباس رض گفت تحقیق کہ خدا تعالے

فَضَّلَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ وَعَلٰى أَهْلِ السَّمَاءِ

فضیلت داد آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم را بر پیغمبران وبر اہل آسمان

فَقَالُوا يَا أَبَا عَبَّاسٍ بِمَ فَضَّلَهُ عَلٰى أَهْلِ السَّمَاءِ قَالَ إِنَّ اللهَ تَعَالٰى

گفتند ای ابا عباس بچہ چیز فضل داد خدا آنحضرت را بر اہل آسمان گفت تحقیق کہ خدای تعالے

قَالَ لِأَهْلِ السَّمَاءِ وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلٰهٌ مِنْ دُونِهِ فَذٰلِكَ

فرمود فرشتگان را اینکلام وکسی کہ گوید از فرشتگان کہ من خدا ام جز خدا پس آنکس پاداش

نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذٰلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ وَقَالَ اللهُ تَعَالٰى لِمُحَمَّدٍ

میدہیم او را دوزخ ہمچنین پاداش میدہیم ظالمان را وفرمود خدای تعالے مر آنحضرت

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا لِيَغْفِرَ لَكَ اللهُ

صلے اللہ علیہ وسلم را تحقیق کہ فتح دادیم ترا فتح ظاہر تا بیامرزد مر خدای تعا

مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ قَالُوا وَمَا فَضْلُهُ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ

ہر چہ پیش رفتہ از گناہ تو وہر چیز کہ پس آید گفتند وچیست فضل محمد بر انبیا

قَالَ قَالَ اللهُ تَعَالٰى وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ

گفت فرمود خدای تعالے ونفرستادیم ما ہیچ پیغامبر را مگر بزبان قوم او

لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللّٰهُ مَنْ يَشَاءُ الآيَة وَقَالَ اللّٰهُ تَعَالَى لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ

تا بیان کند برای قوم خود پس گمراه میگرداند خدا هر کرا میخواهد تا تمام آیه وگفت خدای تعالے مر محمد صلے الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَمَا أَرْسَلْنٰكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ فَأَرْسَلَهُ إِلَى الْجِنِّ

علیه و سلم را و نفرستادیم ما ترا مگر برای کافه آدمیان پس فرستاد خدای تعالی او را بسوی پریان

وَالْإِنْسِ رَوَاهُ الدَّارِمِي وَعَنِ الْعَبَّاسِ رض أَنَّهُ جَاءَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ

و آدمیان رواه دارمی و روایت است از عباس رض که وی آمد بسوی آنحضرت صلے الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَكَأَنَّهُ سَمِعَ شَيْئًا فَقَامَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى الْمِنْبَرِ

علیه و سلم پس گویا که عباس شنیده بود چیزی را پس ایستاد آنحضرت صلے الله علیه وسلم بر سر منبر

فَقَالَ مَنْ أَنَا فَقَالُوا أَنْتَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ أَنَا

پس فرمود که من کیستم پس گفتند صحابه تو پیغمبر خدای صلے الله علیه و سلم فرمود که من

مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ إِنَّ اللّٰهَ خَلَقَ الْخَلْقَ فَجَعَلَنِي فِي

محمد بن عبد الله بن عبد المطلب ام تحقیق که خدای تعالے پیدا کرد خلق را پس گردانید

خَيْرِهِمْ ثُمَّ جَعَلَهُمْ فِرْقَتَيْنِ فَجَعَلَنِي فِي خَيْرِهِمْ فِرْقَةً ثُمَّ جَعَلَهُمْ

مرا در بهترین ایشان پس گردانید آدمیان را دو گروه پس گردانید مرا در بهترین فرقه ایشان پس گردانید ایشانرا

قَبَائِلَ فَجَعَلَنِي فِي خَيْرِهِمْ قَبِيلَةً ثُمَّ جَعَلَهُمْ بُيُوتًا فَجَعَلَنِي

قبیله پس گردانید مرا در بهترین ایشان از روی قبیله پس گردانید ایشانرا خانه ها پس گردانید مرا

فِي خَيْرِهِمْ بَيْتًا فَأَنَا خَيْرُهُمْ نَفْسًا وَخَيْرُهُمْ بَيْتًا رَوَاهُ التِّرْمِذِي

در بهترین خانه های ایشان پس من بهترین ایشانم از روی نفس و بهترین ایشانم از روی خانه رواه ترمذی

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَثَلِي

و روایت است از ابی هریره گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه و سلم مثال من

وَمَثَلُ الْأَنْبِيَاءِ كَمَثَلِ قَصْرٍ أُحْسِنَ بُنْيَانُهُ تُرِكَ مِنْهُ مَوْضِعُ

و مثل پیغمبران سابق همچو مثل کوشکی است که نیکو کرده شد بنای او گذاشته شد از آن جای

لَبِنَةٍ فَطَافَ بِهِ النُّظَّارُ يَتَعَجَّبُوْنَ مِنْ حُسْنِ بُنْيَانِهِ إِلَّا مَوْضِعَ
خشت پس گرد اگرد آن گشتند نظر کنندگان در حالیکه تعجب میکردند از خوبی بنائے آن مگر جائے

تِلْكَ اللَّبِنَةِ فَكُنْتُ أَنَا سَدَدْتُ مَوْضِعَ اللَّبِنَةِ خُتِمَ بِيَ
آن خشت که خالی مانده پس بودم من که بستم جائے آن خشت را ختم کرده شد بمن

الْبُنْيَانُ وَخُتِمَ بِيَ الرُّسُلُ وَفِي رِوَايَةٍ فَأَنَا اللَّبِنَةُ وَأَنَا خَاتِمُ
بنا و ختم کرده شد بمن پیغمبران و در روایت دیگر پس منم مثل آن خشت و من ختم کننده

النَّبِيِّيْنَ متفق عليه وَعَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ
پیغمبران ام متفق علیه است و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آتِي بَابَ الْجَنَّةِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فَأَسْتَفْتِحُ
صلی الله علیه وسلم می آیم در بهشت را روز قیامت پس طلب کنم کشادن در را

فَيَقُوْلُ الْخَازِنُ مَنْ أَنْتَ فَأَقُوْلُ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَيَقُوْلُ
پس میگوید دارو غه بهشت که تو کیستی پس میگویم من محمد ام صلی الله علیه وسلم پس میگوید آن دارو غه

بِكَ أُمِرْتُ أَنْ لَا أَفْتَحَ لِأَحَدٍ قَبْلَكَ رواه مسلم وَعَنِ الْعِرْبَاضِ
بسبب تو امر کرده شدم که نه کشایم برای کسے پیش از تو رواه مسلم و روایت است از عرباض

بْنِ سَارِيَةَ عَنْ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ
ابن ساریه رض از پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بتحقیق آنحضرت می فرمود

إِنِّي عِنْدَ اللّٰهِ مَكْتُوْبٌ خَاتِمُ النَّبِيِّيْنَ وَإِنَّ آدَمَ لَمُنْجَدِلٌ
که بتحقیق من نزد خدا نوشته شده ام خاتم پیغمبران حال آنکه آدم هر آئینه افتاده بود

فِي طِيْنَتِهِ وَسَأُخْبِرُكُمْ بِأَوَّلِ أَمْرِي دَعْوَةُ إِبْرَاهِيْمَ وَبِشَارَةُ
در گل خود و قریب است که خبر دهم شما را به نخست کار خود دعائے ابراهیم است و خوشخبری

عِيْسٰى وَرُؤْيَا أُمِّيَ الَّتِيْ رَأَتْ حِيْنَ وَضَعَتْنِيْ وَقَدْ خَرَجَ لَهَا نُوْرٌ
عیسی است و خواب مادر من است که دید وقتیکه زائید مرا و بتحقیق برآمد مر آنرا روشنی

أَضَاءَ لَهَا مِنْهُ قُصُورُ الشَّامِ رَوَاهُ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ وَرَوَاهُ

که ظاهر شد برای آنسه از ان نور کوشکهای شام روایت کرد آنرا در شرح سنه و در روایت کرد آنرا

أَحْمَدُ عَنْ أَبِي أُمَامَةَ مِنْ قَوْلِهِ سَأُخْبِرُكُمْ الخ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

احمد از ابی امامه از قول او که ساخبرکم است تا آخر و در روایت است از ابی هریرة

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ فَأُكْسَى حُلَّةً مِنْ حُلَلِ

از پیغمبر صلی الله علیه وسلم گفت پس پوشانیده میشوم من حله از حله های

الْجَنَّةِ ثُمَّ أَقُومُ عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ لَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الْخَلَائِقِ

بهشت پس تر می ایستم من از جانب راست عرش نیست کسی از خلق

يَقُومُ ذٰلِكَ الْمَقَامَ غَيْرِي رواه الترمذی وَفِي رِوَايَةِ

که باستد دران مقام جز من رواه ترمذی و در روایة

جَامِعِ الْأُصُولِ عَنْهُ أَنَا أَوَّلُ مَنْ يَنْشَقُّ عَنْهُ الْأَرْضُ فَأُكْسَى

جامع اصول اینست که من اول آنکسی ام که شگافته میگردد از وی زمین پس پوشانیده میشوم

وَعَنْ أُبَيِّ بْنِ كَعْبٍ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِذَا

و در روایت است از ابی بن کعب از پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمود آنحضرت چون

كَانَ يَوْمُ الْقِيٰمَةِ كُنْتُ إِمَامَ النَّبِيِّينَ وَخَطِيبَهُمْ وَصَاحِبَ

باشد روز قیامت باشم پیشوای پیغمبران و باشم خطیب ایشان و خداوند

شَفَاعَتِهِمْ غَيْرَ فَخْرٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى

شفاعت میان ایشان بی آنکه فخر کنم رواه ترمذی و در روایت است از نبی صلی

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ سَلُوا اللهَ لِيَ الْوَسِيلَةَ قَالُوا يَا رَسُولَ اللهِ

الله علیه وسلم فرمود بخواهید از خدا برای من وسیله گفتند ای پیغمبر خدا

وَمَا الْوَسِيلَةُ قَالَ أَعْلَى دَرَجَةٍ فِي الْجَنَّةِ لَا يَنَالُهَا إِلَّا رَجُلٌ

و چیست وسیله فرمود وسیله بلند ترین پایه ایست در بهشت نمی یابد آنرا مگر یک مرد

وَاحِدٌ اَرْجُوْا اَنْ اَكُوْنَ اَنَا هُوَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

امید میدارم کہ باشم من آن مرد رواہ ترمذی و روایت است از

وَاثِلَةَ بْنِ الْاَسْقَعِ قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

واثلہ بن اسقع گفت شنیدم پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم را

يَقُوْلُ اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰى كِنَانَةَ مِنْ وُّلْدِ اِسْمٰعِيْلَ وَاصْطَفٰى

کہ میگفت کہ بتحقیق کہ خدا برگزید کنانہ را از اولاد اسمعیل و برگزید

قُرَيْشًا مِّنْ كِنَانَةَ وَاصْطَفٰى مِنْ قُرَيْشٍ بَنِيْ هَاشِمٍ وَاصْطَفَانِيْ

قریش را از کنانہ و برگزید از قریش بنی ہاشم را و برگزید مرا

مِنْ بَنِيْ هَاشِمٍ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَفِيْ رِوَايَةٍ لِلتِّرْمِذِيِّ اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰى

از بنی ہاشم رواہ مسلم و در روایت ترمذی اینقدر زیادہ کرد بتحقیق خدا برگزید

مِنْ وُّلْدِ اِبْرَاهِيْمَ اِسْمٰعِيْلَ وَاصْطَفٰى مِنْ وُّلْدِ اِسْمٰعِيْلَ بَنِيْ كِنَانَةَ

از فرزند ابراہیم اسمعیل را و برگزید از اولاد اسمعیل بنی کنانہ را

وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنَ الْاَنْبِيَاءِ

و روایت است از وے گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم نیست از پیغمبران

مِنْ نَّبِيٍّ اِلَّا قَدْ اُعْطِيَ مِنَ الْاٰيَاتِ مَا مِثْلُهٗ اٰمَنَ عَلَيْهِ الْبَشَرُ

ہیچ پیغمبرے مگر بہ تحقیق دادہ شد از معجزات معجزہ کہ مثل آن مردم را مجاز ایمان آوردہ اند برآن

وَاِنَّمَا كَانَ الَّذِيْ اُوْتِيْتُ وَحْيًا اَوْحَى اللّٰهُ اِلَيَّ فَاَرْجُوْا اَنْ

و جز این نیست معجزہ کہ دادہ شدہ ام من وحی است کہ فرستادہ است خدا بسوے من پس امید میدارم کہ

اَكُوْنَ اَكْثَرَهُمْ تَابِعًا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ

باشم من اکثر پیغمبران از روی تابعان روز قیامت متفق علیہ و روایت است از وے

اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ فُضِّلْتُ عَلَى الْاَنْبِيَاءِ

بتحقیق پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم فرمود تفضیلت دادہ شدم من بر پیغمبران

بِسِتٍّ أُعْطِيتُ جَوَامِعَ الْكَلِمِ وَنُصِرْتُ بِالرُّعْبِ وَأُحِلَّتْ

بشش چیز داده شدم کلمات جامع را و نصرت داده شدم برعب و حلال کرده شد

لِيَ الْغَنَائِمُ وَجُعِلَتْ لِيَ الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَطَهُورًا وَأُرْسِلْتُ

برای من غنیمت ها و گردانیده شد برای من همه زمین مسجد و پاک و فرستاده شده‌ام من

إِلَى الْخَلْقِ كَافَّةً وَخُتِمَ بِيَ النَّبِيُّونَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

بسوی تمام خلق و ختم کرده شدند بمن پیغمبران رواه مسلم و روایتست از

ثَوْبَانَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللهَ

ثوبان رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بتحقیق خدا

زَوَى لِيَ الْأَرْضَ فَرَأَيْتُ مَشَارِقَهَا وَمَغَارِبَهَا وَإِنَّ أُمَّتِي

جمع آورد برای من زمین را پس دیدم من بلاد مشرق و مغرب را و هر آینه امت من

سَيَبْلُغُ مُلْكُهَا مَا زُوِيَ لِي مِنْهَا وَأُعْطِيتُ الْكَنْزَيْنِ

نزدیکست که برسد بادشاهی ایشان آنقدر که فراهم آورده شد برای من از زمین و داده شد مرا دو گنج

الْأَحْمَرَ وَالْأَبْيَضَ الْحَدِيثَ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالُوا يَا

سرخ و سفید تا آخر حدیث و روایت است از ابی هریره رض گفت گفتند صحابه ای

رَسُولَ اللهِ مَتَى وَجَبَتْ لَكَ النُّبُوَّةُ قَالَ وَآدَمُ بَيْنَ الرُّوحِ

پیغمبر خدا کی لازم شد ترا نبوت فرمود درانحال که آدم میان روح

وَالْجَسَدِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَطَاءِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ لَقِيتُ

و جسد بود رواه ترمذی و روایت است از عطاء بن یسار گفت ملاقات کردم

عَبْدَ اللهِ بْنَ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ قُلْتُ أَخْبِرْنِي عَنْ صِفَةِ

عبد الله ابن عمرو بن عاص را گفتم خبر ده مرا از بعضی صفات

رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي التَّوْرَاةِ قَالَ أَجَلْ وَاللهِ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم که در توریت است گفت آری سوگند بخدا

إِنَّهُ لَمَوْصُوفٌ فِي التَّوْرَاةِ بِبَعْضِ صِفَتِهِ فِي الْقُرْآنِ

تحقیق که آنحضرت وصف کرده شده است در توریت ببعض صفات وے که در قرآن است

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَحِرْزًا

ای پیغمبر ما فرستادیم ترا گواهی دهنده و بشارت دهنده و بیم کننده و پناه

لِلْأُمِّيِّينَ أَنْتَ عَبْدِي وَرَسُولِي سَمَّيْتُكَ الْمُتَوَكِّلَ لَيْسَ بِفَظٍّ

مر عرب را تو بنده خاص من و پیغمبر من هستی نام نهاده ام ترا متوکل که نیست درشت خو

وَلَا غَلِيظٍ وَلَا صَخَّابٍ فِي الْأَسْوَاقِ وَلَا يَدْفَعُ بِالسَّيِّئَةِ

و نه درشت سخن و نه آواز بلند کننده در بازار و نه دور کند به بدی

السَّيِّئَةَ وَلٰكِنْ يَعْفُو وَيَغْفِرُ وَلَنْ يَقْبِضَهُ اللّٰهُ حَتّٰى يُقِيمَ

بدی را و لیکن در گذر میکند و می پوشد و هرگز قبض نمیکند خدا تعالی او را تا آنکه راست میکرداند

بِهِ الْمِلَّةَ الْعَوْجَاءَ بِأَنْ يَقُولُوا لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَيُفْتَحُ بِهَا أَعْيُنًا

بوجود وی دین قوم کج را که بگویند لا اله الا الله و تا آنکه میگشاید خدا باین کلمه چشمهای

عُمْيًا وَآذَانًا صُمًّا وَقُلُوبًا غُلْفًا رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَكَذَا الدَّارِمِيُّ

کور را و گوشهای کر را و دلهای را که نمی فهمد رواه بخاری و همچنین روایت کرد دارمی

عَنْ عَطَاءٍ عَنِ ابْنِ سَلَامٍ نَحْوَهُ وَعَنْ جَابِرٍ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ

از عطا بن سلام مانند آن و روایت است از جابر رض بتحقیق که پیغمبر صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِنَّ اللّٰهَ بَعَثَنِي لِتَمَامِ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ

علیه وسلم فرمود هر آینه خدا فرستاده است مرا برای اتمام خوبیهای نیک

وَكَمَالِ مَحَاسِنِ الْأَفْعَالِ رَوَاهُ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ وَعَنْ

و برای کامل گردانیدن نیک اعمال. رواه فی شرح السنة و روایت است از

كَعْبٍ يَحْكِي عَنِ التَّوْرَاةِ قَالَ نَجِدُ مَكْتُوبًا مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ

کعب رض حکایت میکند از توریت گفت که یافتم من نوشته که محمد رسول الله

عَبْدِي الْمُخْتَارُ لَا فَظٌّ وَلَا غَلِيظٌ وَلَا صَخَّابٌ فِي الْأَسْوَاقِ

بندہ برگزیدۂ من است نہ سخت خوی است و نہ درشت سخن و نہ آواز بلند کنندہ در بازار

وَلَا يَجْزِي بِالسَّيِّئَةِ السَّيِّئَةَ وَلٰكِنْ يَعْفُو وَيَغْفِرُ مَوْلِدُهٗ

و پاداش نمیدہد بدی را بہ بدی و لیکن محو میکند و می بخشد ولادت او

بِمَكَّةَ وَهِجْرَتُهٗ بِطِيبَةَ وَمُلْكُهٗ بِالشَّامِ وَأُمَّتُهُ الْحَمَّادُوْنَ

در مکہ است و ہجرت او بمدینہ و بادشاہی او در شام و امت وی بسیار حمد گویان اند

يَحْمَدُوْنَ اللّٰهَ فِي السَّرَّآءِ وَالضَّرَّآءِ يَحْمَدُوْنَ اللّٰهَ فِي كُلِّ

کہ حمد میگویند مر خدا را در شادی و غمی حمد میگویند مر خدا را در ہر

مَنْزِلَةٍ وَيُكَبِّرُوْنَهٗ عَلٰى كُلِّ شَرَفٍ رُعَاةٌ لِّلشَّمْسِ يُصَلُّوْنَ

منزل و تکبیر میگویند خدا را در ہر جای بلند رعایت کنندگان آفتاب را میگذارند

الصَّلٰوةَ إِذَا جَآءَ وَقْتُهَا يَتَأَزَّرُوْنَ عَلٰى أَنْصَافِهِمْ

نماز چون آید وقت نماز ازار می بندند بر میانہای خود

وَيَتَوَضَّئُوْنَ عَلٰى أَطْرَافِهِمْ مُنَادِيْهِمْ يُنَادِيْ فِي جَوِّ

و وضو میکنند بر اطراف خود آواز کنندۂ ایشان آواز میکند در میان

السَّمَآءِ صَفُّهُمْ فِي الْقِتَالِ وَصَفُّهُمْ فِي الصَّلٰوةِ سَوَآءٌ لَهُمْ

آسمان و صف بستن ایشان در کارزار و صف بستن ایشان در نماز برابر است مر ایشان را

بِاللَّيْلِ دَوِيٌّ كَدَوِيِّ النَّحْلِ هٰذِهٖ لَفْظُ الْمَصَابِيْحِ

در شب آواز پست مانند آواز مگس شہد این لفظ مصابیح است

وَرَوَى الدَّارِمِيُّ مَعَ تَغَيُّرٍ يَسِيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ سَلَامٍ

و روایت کرد دارمی باندکی تغیر از عبد اللہ بن سلام

قَالَ مَكْتُوْبٌ فِي التَّوْرٰىةِ صِفَةُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

گفت نوشتہ است در توریت صفت محمد صلی اللہ علیہ و سلم

وَعِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يُدْفَنُ مَعَهُ قَالَ اَبُو مَوْدُودٍ وَقَدْ بَقِيَ
واینکه عیسی بن مریم دفن خواهد شد با آنحضرت صلعم گفت ابو مودود بتحقیق باقیمانده است

فِي الْبَيْتِ مَوْضِعُ قَبْرٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض
در خانه آنحضرت صلعم جاے یکقبر روایت ترمذے وروایت است از ابن عباس رض

قَالَ جَلَسَ نَاسٌ مِّنْ اَصْحَابِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
گفت نشسته بودند مردمان از یاران رسول خدا صلے اللہ علیہ وسلم

فَخَرَجَ حَتّٰى اِذَا دَنَا مِنْهُمْ سَمِعَهُمْ يَتَذَاكَرُونَ قَالَ بَعْضُهُمْ
پس برون آمد آنحضرت صلعم تا آنکه چون نزدیک شد آنحضرت صلعم ایشانرا شنید اصحابرا که تذکره میکردند گفت بعض ایشان

اِنَّ اللّٰهَ اتَّخَذَ اِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا وَقَالَ آخَرُ مُوسٰى
بتحقیق که خدا تعالے گرفت ابراهیم را دوست و گفت دیگر که موسی

كَلَّمَهُ تَكْلِيمًا وَقَالَ آخَرُ عِيسٰى كَلِمَةُ اللّٰهِ وَرُوحُهُ
سخن کرد خدا او را سخن کردنی و گفت دیگر که عیسے کلمه خدا وروح خدا است

وَقَالَ آخَرُ آدَمُ اصْطَفَاهُ اللّٰهُ فَخَرَجَ عَلَيْهِمْ رَسُولُ
و گفت دیگر که آدم برگزیده ویرا خدا پس ناگاه بیرون آمد برایشان پیغمبر

اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَقَالَ قَدْ سَمِعْتُ كَلَامَكُمْ
خدا صلے اللہ علیہ وسلم و فرمود بتحقیق شنیدم من سخن شمارا

وَعَجَبَكُمْ اَنَّ اِبْرَاهِيمَ خَلِيلُ اللّٰهِ وَهُوَ كَذٰلِكَ وَمُوسٰى
و تعجب آوردن شمارا که ابراهیم دوست خداست و وی همچنین است و موسے

نَجِيُّ اللّٰهِ وَهُوَ كَذٰلِكَ وَعِيسٰى رُوحُهُ وَكَلِمَتُهُ وَهُوَ
همراز خداست و وی همچنین است و عیسے روح خدا و کلمهٔ خداست و وی

كَذٰلِكَ وَآدَمُ اصْطَفَاهُ اللّٰهُ وَهُوَ كَذٰلِكَ اَلَا وَاَنَا حَبِيبُ اللّٰهِ
همچنین است و آدم برگزیده خداست و وی همچنین است آگاه باشید من دوست خدا ام

وَلَا فَخْرَ وَأَنَا حَامِلُ لِوَاءِ الْحَمْدِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

ونيست فخر ومن بردارنده لواے حمد روز قيامت ام

تَحْتَهُ آدَمُ فَمَنْ دُونَهُ وَلَا فَخْرَ وَأَنَا أَوَّلُ

زير آن لوا بود آدم است وهر كه جز اوست ونيست فخر ومن اول

شَافِعٍ وَأَوَّلُ مُشَفَّعٍ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَلَا فَخْرَ وَأَنَا

شفاعت كننده واول شفاعت قبول كرده شده ام روز قيامت ونيست فخر ومن

أَوَّلُ مَنْ يُحَرِّكُ حِلَقَ الْجَنَّةِ فَيَفْتَحُ اللّٰهُ لِي

اول آنكه جنبانند حلقهاے بهشت را پس ميكشايد خدا براى من

فَيُدْخِلُنِيهَا وَمَعِي فُقَرَاءُ الْمُؤْمِنِينَ وَلَا فَخْرَ

پس آورد مرا در بهشت حال آنكه با من باشند درويشان مسلمانان ونيست فخر

وَأَنَا أَكْرَمُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ عَلَى اللّٰهِ وَلَا

ومن بزرگترين اولين وآخرين ايشانم بر خدا ونيست

فَخْرَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالدَّارِمِيُّ كِتَابُ الْإِيمَانِ

فخر روايت ترمذے ودارمے

ھو اللہ الذی لا الہ الا ھو عالم الغیب والشہادۃ

اوست خدا آنکہ نیست ہیچ معبود مگر او دانندہ نہان و آشکارا

ھو الرحمن الرحیم ۝ ھو اللہ الذی لا الہ الا

اوست بخشایندہ مہربان اوست خدا آنکہ نیست ہیچ معبود مگر

ھو الملک القدوس السلام المؤمن

او بادشاہ نہایت پاک سلامت از ہمہ عیبہا امن دہندہ

المہیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان

نگاہبان غالب خود اختیار بزرگوار پاکی

اللہ عما یشرکون ۝ ھو اللہ الخالق الباری

خدا راست از شریک مقرر کردن ایشان اوست خدا آفریدگار نو پیدا آرندہ

المصور لہ الاسماء الحسنی یسبح لہ ما

صورت سازندہ او راست نامہاے نیک پاکی یاد میکنند او را ہر چہ

فی السموات والارض وھو العزیز الحکیم ۝

در آسمانہا و زمین است و اوست غالب با حکمت

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُم مِّن طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا

اوست آنکه آفرید شمارا از گل باز مقرر کرد وقت مرگ

وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِندَهُ ثُمَّ أَنتُمْ تَمْتَرُونَ وَهُوَ

و مدتے معین است نزدیک او باز شما شک میکنید واوست

الَّذِي أَنشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ

آنکه بیافرید برای شما شنوائی و دیده ها و دلها

قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ

اندکے شکرگزاری میکنید واوست آنکه پیدا کرد شمارا

فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ وَهُوَ الَّذِي

در زمین و بسوے او برانگیخته خواهید شد واوست آنکه

يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

زنده میکند و می میراند و او راست آمد و شد شب و روز

أَفَلَا تَعْقِلُونَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ يَا أَيُّهَا النَّاسُ

آیا نمی فهمید فرمود حق تعالے ای مردمان

إِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا

اگر در شک اید از رستخیز پس هر آیینه ما

خَلَقْنَاكُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ

آفریدیم شما را از خاک باز از نطفه باز

مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِن مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ

از خون بسته باز از گوشت پاره صورت داده

وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ

و غیر صورت داده تا واضح سازیم برای شما و قرار میدهیم

فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ

در رحم ها چیزے را که خواهیم تا میعادے

مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ

معین باز بیرون مے آریم شما را کودک باز

لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنكُم مَّن يُتَوَفَّىٰ

تربیت میکنیم تا برسید بنهایت جوانی خود و از شما کسے بود که قبض روح کرده شود

پس ای سالک در پیدایش خود نظر کن که چه طور آفرید خدای تعالی از خاک باز از نطفه باز از خون بسته باز از گوشت پاره و از آنجا بکجا رسانید و در تن حقیقت پیدایش سالک را بران دارد که باصلاح و تزکیه اعمال مشغول باشد

وَمِنكُم مَّن يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا

و از شما کسیکه بود که باز گردانیده شود طرف بد ترین عمر تا نه

يَعْلَمَ مِن بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ

داند چیزے را بعد از انکه میدانست بگو که ایمان آوردیم بخدا

وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ

وانچه فرود آورده شده است برما وانچه فرود آورده شده است بر ابراهیم

وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ

و اسمعیل و اسحاق و یعقوب و نبیره گان وے

وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ

وانچه داده شد موسیٰ و عیسیٰ و پیغمبران را

مِن رَّبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ

از پروردگار ایشان فرق نمی کنیم میان هیچ یکے از ایشان

وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ

و ما خدارا منقادیم سوال میکنند ترا از قیامت

ايان مرسىها قل انما علمها عند ربي

كى باشد استقرار او بگو جز اين نيست كه علم قيامت نزديك پروردگار

لا يجليها لوقتها الا هو ثقلت في السموت

بديد نه آرد او را در وقت او مگر او گران شد هست در آسمانها

والارض لا تاتيكم الا بغتة انما

و زمين نيايد شما مگر ناگهان جز اين نيست

المؤمنون الذين اذا ذكر الله

كه مومنان آنانند كه چون ياد كرده شود خدا

وجلت قلوبهم واذا تليت عليهم

بترسد دل ايشان و چون خوانده شود بر ايشان

ايته زادتهم ايمانا وعلى ربهم

آيات خدا زياده سازد آن آيات ايمان ايشان و بر پروردگار خويش

يتوكلون الذين يقيمون الصلوة ومما

توكل مى كنند آنانكه برپا ميدارند نماز را و از آنچه

رزقنهم ينفقون اولئك هم المؤمنون حقا

روزى داده ايم ايشانرا خرج مى كنند اين جماعت ايشانند مومنان به تحقيق

لهم درجت عند ربهم ومغفرة ورزق كريم

ايشان راست مرتبها نزديك پروردگار ايشان آمرزش و روزى نيك

وَعَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ قَالَ بَيْنَمَا نَحْنُ

روایت ست از عمر بن خطاب رض گفت در اثنای آنکه ما نزد

عِنْدَ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَاتَ

پیغامبر خدا صلے اللّٰہ علیہ وسلم بودیم

يَوْمٍ إِذْ طَلَعَ عَلَيْنَا رَجُلٌ شَدِيدُ بَيَاضِ الثِّيَابِ

روزی ناگاه پیدا گشت بر ما مردی سخت سفید جامه ها سخت

شَدِيدُ سَوَادِ الشَّعْرِ لَا يُرَى عَلَيْهِ أَثَرُ السَّفَرِ وَلَا يَعْرِفُهُ

سیاه موی دیده نمی شد بروی نشان سفر حال آنکه نمی شناخت او را

مِنَّا أَحَدٌ حَتَّى جَلَسَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

از ما هیچ یکی تا آنکه نشست پیش آنحضرت صلے اللّٰہ علیہ

وَسَلَّمَ فَأَسْنَدَ رُكْبَتَيْهِ إِلَى رُكْبَتَيْهِ وَوَضَعَ كَفَّيْهِ

وسلم پس تکیه زد هر دو زانوی خود را بهر دو زانوی آنحضرت و نهاد آن مرد هر دو کف دست خود را

عَلَى فَخِذَيْهِ وَقَالَ يَا مُحَمَّدُ أَخْبِرْنِي عَنِ الْإِسْلَامِ

بر بر دو ران آنحضرت و گفت ای محمد خبر ده مرا از حقیقت اسلام

قَالَ الْاِسْلَامُ اَنْ تَشْهَدَ اَنْ لَّا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاَنَّ

فرمود آنحضرت اسلام اینست که گواهی دهی آنکه نیست هیچ معبود بحق مگر خدا و بتحقیق

مُحَمَّدًا رَّسُوْلُ اللّٰهِ وَتُقِيْمَ الصَّلٰوةَ وَتُؤْتِيَ

محمد فرستاده خداست و برپا داری نماز را و بدهی

الزَّكٰوةَ وَتَصُوْمَ رَمَضَانَ وَتَحُجَّ الْبَيْتَ اِنِ

زکوة را و روزه داری ماه رمضان و بگذاری مناسک حج را اگر

اسْتَطَعْتَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا قَالَ صَدَقْتَ فَعَجِبْنَا

میتوانی بسوی وی راه گفت آنمرد راست گفتی پس شگفت داشتیم ما

لَهٗ يَسْئَلُهٗ وَيُصَدِّقُهٗ قَالَ فَاَخْبِرْنِيْ عَنِ الْاِيْمَانِ

حال آنمرد را که می پرسد آنحضرت را و تصدیق میکند او را گفت آنمرد پس خبر ده ما را از ایمان

قَالَ اَنْ تُؤْمِنَ بِاللّٰهِ وَمَلٰئِكَتِهٖ وَكُتُبِهٖ وَرُسُلِهٖ

فرمود که بگروی بخدا و بفرشتگان وی بکتابهای وی و به پیغمبران وی

وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَتُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ خَيْرِهٖ وَشَرِّهٖ

و بروز پسین و ایمان آری با خدا که همه چیز را از نیک و بد در ازل اندازه و تقدیر

قَالَ صَدَقْتَ قَالَ فَاَخْبِرْنِيْ عَنِ الْاِحْسَانِ قَالَ

گفت راست گفتی گفت پس خبر ده مرا از احسان فرمود احسان

اَنْ تَعْبُدَ اللّٰهَ كَاَنَّكَ تَرَاهُ فَاِنْ لَّمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَاِنَّهٗ

آنست که عبادت کنی خدا را گویا که وی را می‌بینی و اگر نیستی تو با این حال که وی را می‌بینی پس

يَرَاكَ قَالَ فَاَخْبِرْنِيْ عَنِ السَّاعَةِ قَالَ مَا الْمَسْئُوْلُ

عبادت کن که وی می‌بیند ترا گفت آمرد که خبر ده مرا از وقت قیامت فرمود آنکس که پرسیده نیست

عنها باعلم من السائل قال فاخبرني

از قیامت داناتر از کسے کہ پرسندہ ست گفت پس خبر دہ مرا

عن امارتها قال ان تلد الامة ربتها

از علامتہای قیامت فرمود اینکہ بزاید کنیزک مولای خود را

وان ترى الحفاة العراة العالة رعاء

و ببینی برہنہ پایان برہنہ تنان فقراے چرانندگان

الشاء يتطاولون في البنيان قال ثم

گوسفند را دراز یا بلی کنندگان بر یکدیگر در بناها گفت عمر رض پس تر

انطلق فلبثت مليا ثم قال لي يا عمر

روان شد پس درنگ کردم زمانی دراز باز فرمود آنحضرت مرا ای عمر رض

اتدري من السائل قلت الله ورسوله

ایا دانی کہ بود سائل گفتم خدا و رسول خدا

اعلم قال فانه جبريل اتاكم يعلمكم

داناتر ست فرمود پس این سائل جبرئیل بود آمد شمارا در حالیکہ تعلیم میکند

دينكم رواه مسلم ورواه ابو هريرة مع

بشما دین شمارا روایت کرد اینرا مسلم و روایت کرد اینحدیث را ابو ہریرہ با

اختلاف وفيه اذا رايت الحفاة العراة

اختلافے کہ با حدیث عمر دارد و در حدیث ابو ہریرہ است کہ چون بینی تو برہنہ

۳۷

فرموده امام مالک رح من تصوف ولم يتفقه فقد تزندق ومن تفقه ولم يتصوف فقد تفسق ومن جمع بينهما فقد تحقق

الصم البكم ملوك الارض في خمس

کران و گنگان که از ادب ملوک جاه علم قیامت در آن پنج

لا يعلمهن الا الله ثم قرء ان الله عنده

که نمیداند آنها را جز خدا بس خواند آنحضرت بدستیکه نزد خداست

علم الساعة وينزل الغيث ويعلم ما في

علم قیامت و علم باران و علم آنچه در

الارحام الاية متفق عليه وعن ابن عمر

شکم زنان حامله است تا آخر آیت متفق علیه است و روایت است از ابن عمر

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه سلم

بني الاسلام على خمس شهادة ان لا اله الا الله

بنا کرده شده است خانه مسلمانی بر پنج چیز اول گواهی دادن است بآنکه نیست معبودی بجز خدا

وان محمدا عبده ورسوله واقام الصلوة

و پیغامبری محمد صلی الله علیه سلم دوم بر پا کردن نماز

وَإِيتَاءِ الزَّكٰوةِ وَالْحَجِّ وَصَوْمِ رَمَضَانَ
و سوم دادن زکوٰة چهارم حج و پنجم روزه ماه رمضان
مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ
متفق علیه است و روایت است از ابی هریره رض گفت
قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم
الْإِيمَانُ بِضْعٌ وَسَبْعُونَ شُعْبَةً فَأَفْضَلُهَا
ایمان هفتاد و چند شاخ است پس فاضلترین شعبها ایمان
قَوْلُ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَأَدْنَاهَا إِمَاطَةُ الْأَذَى
گفتن لا اله الا الله کلمه طیبه و فروترین شعبها دور کردن انچه ایذا کند مردم را
عَنِ الطَّرِيقِ وَالْحَيَاءُ شُعْبَةٌ مِنَ الْإِيمَانِ
از راه و شرم داشتن شعبه عظیمه است از ایمان
مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ
متفق علیه است و روایت است از عبد الله بن
عَمْرٍو رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
عمرو رض که گفت فرمود رسول الله صلی الله
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ
علیه و سلم مسلمان کامل کسی هست که سلامت مانند مسلمانان

۳۹

مِنْ لِسَانِهٖ وَيَدِهٖ وَالْمُهَاجِرُ مَنْ هَجَرَ مَا نَهَى

اززبان وی وازدست وی و هجرت کننده کسی هست کہ ترک کند چیزی را کہ نهی کردہ ہست

اللّٰهُ عَنْهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ اَنَسٍ رض قَالَ

خدا ازان روایت کرد بخاری این حدیث را از انس ہست گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يُؤْمِنُ

فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ و سلم ایمان نمی آرد

اَحَدُكُمْ حَتّٰى اَكُوْنَ اَحَبَّ اِلَيْهِ مِنْ وَالِدِهٖ

یکی از شما تا آنکہ باشم من دوست داشتہ تر نسبوی او از پدرش

وَوَلَدِهٖ وَالنَّاسِ اَجْمَعِيْنَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

و فرزندانش و همہ مردم متفق علیہ ہست و روایت ہست

اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى

از ابی ہریرہ رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَالَّذِيْ نَفْسُ مُحَمَّدٍ

اللہ علیہ و سلم سوگند بخدائیکہ بقای ذات محمد

بِيَدِهٖ لَا يَسْمَعُ بِيْ اَحَدٌ مِّنْ هٰذِهِ الْاُمَّةِ يَهُوْدِيٌّ وَّلَا نَصْرَانِيٌّ

در دست اوست نشنود مرا هیچ یکی ازین امت یهودی باشد یا نصرانی

ثُمَّ يَمُوْتُ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِالَّذِيْ اُرْسِلْتُ بِهٖ اِلَّا كَانَ مِنْ

پس بمیرد الحسن حال آنکه ایمان نیاورد بدین و شریعتیکه فرستاده شده ام من بآن مگر آنکه باشد

اَصْحٰبِ النَّارِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ

اهل از دوزخیان روایت کرد مسلم و روایت است از ابو هریره رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اللّٰهُ تَعَالٰى يُؤْذِيْنِيْ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم گفت خدای تعالی ایذا میرساند مرا

ابْنُ اٰدَمَ يَسُبُّ الدَّهْرَ وَاَنَا الدَّهْرُ بِيَدِيَ الْاَمْرُ اُقَلِّبُ

فرزند آدم دشنام میدهد ابن آدم روزگار را و حال آنکه من دهرم بدست من است کار گردانم

اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ مُوْسَى الْاَشْعَرِيِّ

شب و روز را متفق علیه است روایت است از ابو موسی اشعری رضی الله عنه

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا اَحَدٌ اَصْبَرُ عَلٰى

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نیست هیچ کس صابرتر از خدا بر

اَذًى يَسْمَعُهٗ مِنَ اللّٰهِ يَدْعُوْنَ لَهُ الْوَلَدَ ثُمَّ يُعَافِيْهِمْ وَيَرْزُقُهُمْ

ایذائی که میشنود آنرا میخوانند برای وی فرزند پس تندرستی میدهد و روزی میرساند ایشانرا

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ ذَرٍّ قَالَ اَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

متفق علیه و روایت است از ابی ذر رض گفت آمدم پیغمبر را صلی الله علیه

وَسَلَّمَ وَعَلَيْهِ ثَوْبٌ اَبْيَضُ وَهُوَ نَائِمٌ ثُمَّ اَتَيْتُهٗ وَقَدِ

وسلم و حال آنکه بود بر آنحضرت جامه سفید و آنحضرت در خواب بود پس آمدم و حال آنکه بتحقیق

اسْتَيْقَظَ فَقَالَ مَا مِنْ عَبْدٍ قَالَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ ثُمَّ مَاتَ

بیدار شده بود پس گفت نیست هیچ بنده که گفت لا اله الا الله پس مرد

عَلٰى ذٰلِكَ إِلَّا دَخَلَ الْجَنَّةَ قُلْتُ وَإِنْ زَنٰى

بر این کلمه مگر آنکه در می آید آن بنده بهشت را گفتم اگرچه زنا کرده باشد

وَإِنْ سَرَقَ قَالَ وَإِنْ زَنٰى وَإِنْ سَرَقَ

و دزدی کرده باشد گفت اگرچه زنا کرده باشد و اگرچه دزدی کرده باشد

قُلْتُ وَإِنْ زَنٰى وَإِنْ سَرَقَ قَالَ وَإِنْ زَنٰى

گفتم اگرچه زنا کرده باشد و اگرچه دزدی کرده باشد گفت اگرچه زنا کرده باشد

وَإِنْ سَرَقَ قُلْتُ وَإِنْ زَنٰى وَإِنْ سَرَقَ

و اگرچه دزدی کرده باشد گفتم من اگرچه زنا کرده باشد و اگرچه دزدی کرده باشد

قَالَ وَإِنْ زَنٰى وَإِنْ سَرَقَ عَلٰى رَغْمِ أَنْفِ

گفت اگرچه زنا کرده باشد و اگرچه دزدی کرده باشد داخل شود بر خاک آلوده گی بینی

أَبِي ذَرٍّ وَكَانَ أَبُو ذَرٍّ إِذَا حَدَّثَ بِهٰذَا

ابی ذر و بود ابوذر در وقتی که بیان میکرد این حدیث را

قَالَ وَإِنْ رَغِمَ أَنْفُ أَبِي ذَرٍّ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

میگفت اگرچه خاک آلوده شود بینی ابو ذر رض متفق علیه است

وَعَنْ أَبِي أُمَامَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
و روایت است از ابی امامه رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَحَبَّ لِلّٰهِ وَأَبْغَضَ لِلّٰهِ وَأَعْطَى
علیه وسلم کسیکه دوست دارد کسی را برای خدا و کسیکه دشمنی دارد برای خدا و بدهد
لِلّٰهِ وَمَنَعَ لِلّٰهِ فَقَدِ اسْتَكْمَلَ الْإِيمَانَ رَوَاهُ
برای خدا و ندهد برای خدا پس بتحقیق کامل گردانید ایمان خود را روایت کرد
أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ رض قَالَ قَالَ
ابو داود و روایت است از ابی ذر رض گفت فرمود
رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَفْضَلُ
پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فاضل ترین
الْأَعْمَالِ الْحُبُّ فِي اللّٰهِ وَالْبُغْضُ فِي اللّٰهِ رَوَاهُ
عملها دوست داشتن است کسی را از جهت خدا و دشمن داشتن از جهت خدا روایت کرد آنرا
أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ قَالَ
ابو داود و روایت است از جابر رض گفت فرمود
رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثِنْتَانِ
پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم دو خصلت
مُوجِبَتَانِ قَالَ رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللّٰهِ مَا الْمُوجِبَتَانِ
واجب گردانده اند گفت مردی ای پیغمبر خدا چیست معنی موجبتان

۲۴۳

قال من مات يشرك بالله شيئا دخل النار

هر که بمیرد در حالیکه شریک بگرداند با خدا چیزی را می درآید آتش دوزخ

ومن مات لا يشرك بالله شيئا دخل الجنة

و کسیکه بمیرد در حالیکه شریک نگرداند بخدا چیزی درآید در بهشت

رواه مسلم وعن معاذ بن جبل

روایت کرد مسلم و روایت است از معاذ ابن جبل

قال قال لي رسول الله صلى الله عليه

گفت فرمود مرا پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم مفاتيح الجنة شهادة أن لا إله

وسلم کلید های بهشت گواهی دادن است باین کلمه که لا اله

إلا الله رواه أحمد وعن وهب بن

الا الله است روایت کرد احمد و روایت است از وهب ابن

منبه رض قيل له أليس لا إله إلا الله مفتاح

منبه رض گفته شد او را آیا نیست لا اله الا الله کلید

بهشت فقال بلى ولكن ليس مفتاح إلا وله أسنان

بهشت گفت آری ولیکن نیست کلیدے مگر آنکه مراو را دندانها ہست

فإن جئت بمفتاح له أسنان فتح لك وإلا لم يفتح لك

پس اگر آری تو کلیدی که مراو را دندانها ہست کشاده میشود برای تو وگرنه کشاده نمیشود برای تو

رواه البخاري في ترجمة باب وعن أبي هريرة رض

رواه بخاری در ترجمهٔ باب روایت ہست از ابی ہریره رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا أحسن

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم چون نیک گرداند

أحدكم إسلامه فكل حسنة يعملها تكتب بعشر

یکی از شما اسلام خود را پس ہر کار نیک که میکند او را نوشته می شود

أمثالها إلى سبع مائة ضعف وكل سيئة يعملها

برابر ده چند تا ہفت صد زیادتی و ہر بدی که می کند

تكتب بمثلها حتى يلقى الله متفق عليه وعن

نوشته میشود یکی بیکی تا دم مرگ ملاقات خدا متفق علیه روایت ہست از

أبي أمامة رض أن رجلا سأل رسول الله صلى الله

ابی امامه رض بدرستیکه مردی پرسید پیغامبر خدا را صلی الله

عليه وسلم ما الإيمان قال إذا سرتك

علیه وسلم چیست نشان ایمان فرمود چون شاد گرداند ترا

حسنتك وساءتك سيئتك فأنت مؤمن

عمل نیک تو و اندوهگین گرداند ترا بدی تو پس تو مومن ہستی

قال يا رسول الله فما الإثم قال

گفت ای پیغامبر خدا پس چیست گناه

إِذَا حَاكَ فِي صَدْرِكَ فَدَعْهُ رَوَاهُ أَحْمَدُ

چون بخارد در سینهٔ تو چیزی پس بگذار آنکار را روایت کرد آنرا احمد

وَعَنْ عَبَّاسِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ رض قَالَ قَالَ

و روایتست از عباس ابن عبد المطلب رض گفت فرمود

رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَاقَ طَعْمَ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چشید ذائقه

الْإِيمَانِ مَنْ رَضِيَ بِاللهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا

ایمان آنکه که راضی باشد با خدا از روی پروردگار و باسلام از روی دین

وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَسُولًا

و با محمد صلی الله علیه وسلم از روی نبی

رَوَاهُ مُسْلِمٌ بَابُ الْكَبَائِرِ وَعَلَامَاتِ النِّفَاقِ

رواه مسلم این باب در بیان گناهان کبیره و نشانهای نفاق است

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ

ای پیغامبر چون بیایند نزدیک تو زنان با ایمان که بیعت کنند با تو

عَلٰٓى اَنْ لَّا يُشْرِكْنَ بِاللّٰهِ شَيْـًٔا وَّلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِيْنَ

باین شرط که نکنند شریک باخدا چیزیرا و نکنند دزدی و نکنند زنا

وَلَا يَقْتُلْنَ اَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَاْتِيْنَ بِبُهْتَانٍ

و نکشند اولاد خود را و پیش نیارند سخن دروغ

يَّفْتَرِيْنَهٗ بَيْنَ اَيْدِيْهِنَّ وَاَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيْنَكَ

که بربسته باشند آنرا درمیان دستهای خویش و پایهای خویش نافرمانی نکنند ترا

فِيْ مَعْرُوْفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللّٰهَ

در کار نیک پس بیعت قبول کن ازایشان وطلب آمرزش کن برای ایشان

اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ۝ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَغْفِرُ اَنْ

هرآئینه خدا آمرزگار مهربان است هرآئینه خدا نے آمرزد آنرا

يُّشْرَكَ بِهٖ وَيَغْفِرُ مَا دُوْنَ ذٰلِكَ لِمَنْ يَّشَآءُ

که شریک آرند بخدای و می آمرزد غیر شریک را هرکه را خواهد

وَمَنْ يُّشْرِكْ بِاللّٰهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلٰلًا بَعِيْدًا

و هرکه شریک مقرر کند باخدا هرآئینه گمراه شد از حق گمراهی زیاده یعنی در نهایت ضلالت

عَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِجْتَنِبُوا السَّبْعَ الْمُوْبِقَاتِ

صلی الله علیه و سلم پرهیز کنید از هفت خصلت که هلاک کننده اند

قَالُوا يَا رَسُولَ اللّٰهِ وَمَا هُنَّ قَالَ الشِّرْكُ
گفتند صحابه ای پیغمبر خدا چه چیز اند آن هفت فرمود شرک آوردن
بِاللّٰهِ وَالسِّحْرُ وَقَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ
با خدا وجادو کردن وکشتن ذاتیکه حرام کرده ست
اللّٰهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَكْلُ الرِّبٰوا وَأَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ
خدا مگر بحق وخوردن ربا وخوردن مال یتیم را
وَالتَّوَلِّي يَوْمَ الزَّحْفِ وَقَذْفُ الْمُحْصَنٰتِ
وپشت دادن روز جنگ ودشنام دادن بزنان پارسا
الْغٰفِلٰتِ الْمُؤْمِنٰتِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ
مسلمان غافل از بد کرداری مسلمان متفق علیه ست و مرویست
قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
که گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم
لَا يَزْنِي الزَّانِي حِينَ يَزْنِي وَهُوَ مُؤْمِنٌ
زنا نمیکند زنا کننده هنگامی که زنا میکند وحال آنکه وی مؤمن ست

ولا يسرق السارق حين يسرق وهو مؤمن ولا يشرب الخمر

و دزدی نمیکند دزدی کننده هنگامی که دزدی میکند و حال آنکه مومن است و نمینوشد شراب کسی

حين يشربها وهو مؤمن ولا ينتهب نهبة يرفع الناس

هنگامی که مینوشد و حال آنکه وی مومن است و غارت نمیکند کسی غارت کردنی که بر میدارند مردم

اليه فيها ابصارهم حين ينتهبها وهو مؤمن ولا يغل

بسوی آن غارت کننده در ان غارت کردن چشمهای خود را وقتیکه غارت میکند و حال آنکه وی مومن است و خیانت نمیکند

احدكم حين يغل وهو مؤمن فاياكم اياكم متفق عليه

یکی از شما از غنیمت هنگامیکه خیانت میکند و حال آنکه وی مومن است پس دور دارید خود را ازین گناه متفق علیه است

وفي رواية ابن عباس ولا يقتل حين يقتل وهو مؤمن

و در روایت ابن عباس است و نمیکشد هیچکس هنگامیکه میکشد و حالانکه وی مومن است

قال عكرمة قلت لابن عباس كيف ينزع الايمان منه

گفت عکرمه گفتم من مر ابن عباس را چگونه کشیده میشود ایمان ازین شخص

قال هكذا وشبك بين اصابعه ثم اخرجها فان تاب

گفت اینچنین و تشبیک کرد میان انگشتان خود پس از هم بیرون آورد انگشتها را پس

عاد اليه هكذا وشبك بين اصابعه وقال

اگر توبه کرد و برگشت ازان معصیت باز میگردد ایمان بسوی وی و تشبیک کرد میان انگشتان خود و گفته است

ابو عبد الله لا يكون هذا مؤمنا تاما ولا يكون

ابو عبد الله بخاری نمیباشد این شخص مومن کامل و نمیباشد

له نور الايمان هذا لفظ البخاري وعن ابي هريرة

مر او را نور ایمان این عبارت بخاری است روایت است از ابو هریره

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا زنى العبد

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چون زنا میکند بنده

خَرَجَ مِنْهُ الْإِيمَانُ فَكَانَ فَوْقَ رَأْسِهِ كَالظُّلَّةِ فَإِذَا

بیرون می آید از وی ایمان پس می باشد بالای سر وی مانند سایبان پس چون

خَرَجَ مِنْ ذٰلِكَ الْعَمَلِ رَجَعَ إِلَيْهِ الْإِيمَانُ رَوَاهُ

بیرون بیاید بنده ازان عمل باز برگردد بسوی ایمان روایه

التِّرْمِذِيُّ وَأَبُو دَاوُدَ رح وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض

ترمذی و ابو داود رح و روایت است از ابی هریره رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

گفت فرمود رسول الله صلی الله علیه وسلم

آيَةُ الْمُنَافِقِ ثَلٰثٌ زَادَ مُسْلِمٌ وَإِنْ صَامَ وَ

نشان منافق سه خصلت است زیاده کرده است مسلم اگرچه روزه دارد و

صَلّٰى وَزَعَمَ أَنَّهُ مُسْلِمٌ ثُمَّ اتَّفَقَا إِذَا

نماز میگذارد و گمان می برد که من مسلمانم پس متفق اند بخاری و مسلم چون

حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ وَإِذَا اؤْتُمِنَ

دروغ گوید و چون وعده کند خلاف کند و چون امانت نهاده شود

خَانَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو رض

خیانت کند متفق علیه و روایت است از عبد الله بن عمرو رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَرْبَعٌ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چهار خصلت است

مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ مُنَافِقًا خَالِصًا وَمَنْ كَانَتْ فِيهِ

هرکس که باشند این چهار دروی باشد آنکس منافق خالص وهرکه باشد درو

خَصْلَةٌ مِنْهُنَّ كَانَتْ فِيهِ خَصْلَةٌ مِنَ النِّفَاقِ

یک خصلت ازین چهار باشد دروی یک خصلت از نفاق

حَتَّى يَدَعَهَا إِذَا اؤْتُمِنَ خَانَ وَإِذَا حَدَّثَ كَذَبَ

تا آنکه بگذارد آنرا چون امانت سپرده شود خیانت کند وچون سخن گوید دروغ گوید

وَإِذَا عَاهَدَ غَدَرَ وَإِذَا خَاصَمَ فَجَرَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

وچون عهد بندد بشکند وچون پیکار کند سرکشی ورزد متفق علیه

بَابٌ فِي الْوَسْوَسَةِ وَلَقَدْ خَلَقْنَا

این باب دربیان وسوسه است وهرآئینه آفریدیم

الْإِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ

آدمی را ومیدانیم چیزیکه بخاطر میگذراندش نفس او

وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ بِسْمِ اللَّهِ

ونزدیکتریم بآدمی از رگ جان بنام خدا بزرگ

الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ مَلِكِ

بخشاینده مهربان بگو پناه میگیرم به پروردگار مردمان پادشاه

النَّاسِ إِلٰهِ النَّاسِ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ

مردمان معبود مردمان از شر وسوسه اندازنده پس رونده

٥١

الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ

آنکه وسوسه می افکند در سینه های مردمان از جنس جن

وَالنَّاسِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

مردمان روایت است از ابی هریره گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللهَ تَجَاوَزَ عَنْ

صلی الله علیه وسلم بدرستیکه خدا تعالی درگذرانیده است

أُمَّتِي مَا وَسْوَسَتْ بِهِ صُدُورُهَا مَا لَمْ تَعْمَلْ

از امت من چیزیکه وسوسه کرد بدان چیز سینهای ایشان تا آدم که عمل نکرده

بِهِ أَوْ تَتَكَلَّمْ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ

بدان چیز یا نگفته متفق علیه است روایت است از وی گفت

٥٢

جَاءَ نَاسٌ مِنْ اَصْحَابِ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

آمدند جماعت از یاران پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ اِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَسَاَلُوْهُ

وسلم بسوی پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم پس پرسیدند او را

اِنَّا نَجِدُ فِيْ اَنْفُسِنَا مَا يَتَعَاظَمُ اَحَدُنَا اَنْ يَّتَكَلَّمَ

بتحقیق ما می یابیم در ذاتهای خود از وسواس چیزی که سخت بزرگ میدارد یکی از ما که

بِهٖ قَالَ اَوَقَدْ وَجَدْتُّمُوْهُ قَالُوْا نَعَمْ قَالَ ذَاكَ

از آن گفت آیا بتحقیق یافتید شما از آن گفتند آری گفت این

صَرِيْحُ الْاِيْمَانِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ عَنِ ابْنِ مَسْعُوْدٍ

محض ایمان است روایت مسلم و روایت است از ابن مسعود رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَا مِنْكُمْ مِّنْ اَحَدٍ اِلَّا وَقَدْ وُكِّلَ بِهٖ قَرِيْنُهٗ

نیست از شما کسی یک مگر آنکه بتحقیق گماشته شده است بروی قرینش

مِنَ الْجِنِّ وَقَرِيْنُهٗ مِنَ الْمَلٰٓئِكَةِ قَالُوْا وَاِيَّاكَ

از جنیان و قرین وی از فرشتگان گفتند صحابه و شما را از وی نیز

يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ قَالَ وَاِيَّايَ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ اَعَانَنِيْ

ای پیغمبر خدا فرمود و خود را نیز ولیکن خدای یاری کرد مرا

و گنهگاره و عذاب و ... ازان گویند که همه محل امتحان و آزمایش اند ۱۲

عليه فاسلم فلا يأمرني الا بخير رواه مسلم

بروی پس اسلام آورد و پس امر نمیکند مرا بجز نیکی رواه مسلم

وعن انس رض قال قال رسول الله صلى

در روایت است از انس رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

الله عليه وسلم ان الشيطان يجرى

الله علیه وسلم بدرستیکه شیطان میرود

من الانسان مجرى الدم متفق عليه

در آدمی مانند رفتن خون در بدن متفق علیه است

وعن جابر رض قال قال رسول الله صلى

در روایت است از جابر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

الله عليه وسلم ان ابليس يضع عرشه

الله علیه وسلم بدرستیکه ابلیس مینهد تخت خود را

على الماء ثم يبعث سراياه يفتنون الناس

بر آب پس میفرستد فوجهای خود را که در فتنه می اندازند مردم را

فادناهم منه منزلة اعظمهم فتنة يجئ

پس نزدیک تر ایشان از روی مرتبه بزرگترین ایشانست از روی فتنه می آید

احدهم فيقول فعلت كذا وكذا فيقول

یکی از شیاطین پس میگوید کردم من چنین و چنین پس میگوید ابلیس

ما صنعت شيئا قال ثم يجيئ احدهم فيقول

نكردي چيزي را گفت جابر پس مي آيد يكي از لشكريان او پس ميگويد

ما تركته حتى فرقت بينه و بين امرأته قال

نگذاشتم فرزند آدم را تا آنكه جدائى افگندم ميان وي و ميان زن وي گفت

فيدنيه منه فيقول نعم انت قال الاعمش

پس نزديك ميگرداند او را ابليس ميگويد نيكو بارسني تو گفت اعمش

اراه قال فيلتزمه رواه مسلم وعن

گمان ميبرم من جابر را كه گفت پس بكنار ميگيرد او را روايت كرد اين حديث را مسلم و روايت است

عثمان بن ابي العاص رض قال قلت يا

از عثمان ابن ابى العاص رضى الله عنه گفت گفتم اى

رسول الله صلى الله عليه وسلم ان

پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم بدرستيكه

الشيطان قد حال بيني و بين صلوتي و

شيطان حائل ميگردد ميان من و ميان نماز من و

بين قراءتي يلبسها علي فقال رسول الله صلى

ميان قراءة من و تخليط ميكند قراءة را بر من پس گفت پيغمبر خدا صلى

الله عليه وسلم ذاك شيطان يقال له

الله عليه وسلم آنكه حائل ميشود شيطانى است كه گفته ميشود مر او را

خنزب فاذا احسسته فتعوذ بالله منه واتفل

خنزب پس چون دريابي اين وسواس ابليس پناه جو بخدا از آن شيطان و تف كن

على يسارك ثلثا ففعلت ذلك فاذهبه الله

بر جانب چپ خود سه بار پس كردم از آن پس دور گردانيد او را خداى تعالى

ومن یتق الله یجعل له مخرجا

عن رواه مسلم باب الایمان بالقدر

از من روره مسلم این باب ایمان بتقدیر است

وعنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو

ونزدیک اوست کلیدهای غیب نمیداندش مگر او

ویعلم ما فی البر والبحر وما تسقط من

ومیداند انچه در بیابان و دریاست ونمی افتد هیچ

ورقة الا یعلمها ولا حبة فی ظلمت الارض

برگی مگر میداندش ونمی افتد هیچ دانه در تاریکیهای زمین

ولا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین

ونه هیچ تری ونه هیچ خشکی مگر ثبت است در کتاب روشن

وما من دابة فی الارض الا علی الله رزقها

نیست هیچ جنبنده در زمین مگر بر خداست روزی

ویعلم مستقرها ومستودعها کل فی کتاب

ومیداند جای ماندن او را وجای نگاه داشتن او را همه در کتاب

مُّبِيْنٌ ۵ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو رض قَالَ قَالَ
روشن ست و روایت ست از عبد اللہ بن عمرو رض گفت فرمود
رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَتَبَ اللّٰهُ
پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم نوشت خدائتعالی
مَقَادِيْرَ الْخَلَائِقِ قَبْلَ اَنْ يَّخْلُقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ
اقدار خلایق را پیش از پیدا کردن آسمانها و زمین
بِخَمْسِيْنَ اَلْفَ سَنَةٍ قَالَ وَكَانَ عَرْشُهٗ عَلَى الْمَاءِ
پنجاه هزار سال گفت و بود عرش خدا بر آب
رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ
رواه مسلم و روایت ست از ابی هریره رض گفت فرمود
رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ احْتَجَّ اٰدَمُ وَ
پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم مباحثہ کردند بیکدیگر آدم و
مُوْسٰى عِنْدَ رَبِّهِمَا فَحَجَّ اٰدَمُ مُوْسٰى قَالَ مُوْسٰى اَنْتَ اٰدَمُ
موسی نزدیک پروردگار شان پس غالب آمد بحجت آدم بر موسی گفت موسی تو آن آدمی
الَّذِيْ خَلَقَكَ اللّٰهُ بِيَدِهٖ وَنَفَخَ فِيْكَ مِنْ رُّوْحِهٖ
که پیدا کرد خدا ترا از دست قدرت خود و دمید در تو از روح خود
وَاَسْجَدَ لَكَ مَلٰٓئِكَتَهٗ وَاَسْكَنَكَ فِيْ جَنَّتِهٖ
و ساجد گردانید مر ترا فرشتگان خود را و سکونت داد ترا در بهشت

ثُمَّ اَهْبَطْتَ النَّاسَ بِخَطِيئَتِكَ اِلَى الْاَرْضِ قَالَ

خود بیشتر فرود افگندتو مردم را بسبب گناهی که کردی بر زمین گفت

اٰدَمُ اَنْتَ مُوسَى الَّذِى اصْطَفَاكَ اللّٰهُ بِرِسَالَتِهٖ

آدم تو آن موسی هستی که برگزید ترا خدا تعالی به پیغمبری خود

وَبِكَلَامِهٖ وَاَعْطَاكَ الْاَلْوَاحَ فِيهَا تِبْيَانُ كُلِّ شَيْءٍ

و بکلام و داد ترا الواح که در بیان هر چیز است

وَقَرَّبَكَ نَجِيًّا فَبِكَمْ وَجَدْتَ اللّٰهَ كَتَبَ التَّوْرٰىةَ

و نزدیک گردانید ترا راز گوینده پس بگو به چند مدت یافتی خدا را که نوشت

قَبْلَ اَنْ اُخْلَقَ قَالَ مُوسٰى بِاَرْبَعِينَ عَامًا قَالَ ٥٨

پیش از انکه پیدا کرده شوم گفت موسی بچهل سال گفت

اٰدَمُ فَهَلْ وَجَدْتَ فِيهَا وَعَصٰى اٰدَمُ رَبَّهٗ

آدم پس آیا یافتی تو در توریت و گناه کرده آدم پروردگار خود را

فَغَوٰى قَالَ نَعَمْ قَالَ اَفَتَلُومُنِى عَلٰى اَنْ عَمِلْتُ عَمَلًا

پس گم کرد راه را گفت موسی آری یافتم گفت آدم آیا پس ملامت میکنی مرا بر انکه کردم

كتبه الله علي ان اعمله قبل ان يخلقني باربعين

نوشت خدا بر من که بکنم آنرا پیش از انکه پیدا کند مرا بچهل

سنة قال رسول الله صلى الله عليه

سال فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم فحج ادم موسى رواه مسلم وعن

وسلم پس غالب آمد آدم بر موسی رواه مسلم و روایت است

ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

ز ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم ما من مولود الا يولد على الفطرة فابواه

وسلم نیست هیچ زائیده شده مگر انکه زائیده میشود بر فطرت پس مادر و پدر

يهودانه او ينصرانه او يمجسانه كما تنتج

یهودی میگردانند اورا یا نصرانی یا مجوسی میسازند اورا چنانکه زاینده میشود

البهيمة بهيمة جمعاء هل تحسون فيها من

چهارپایه چهارپا تمام کامل در اعضا آیا می بینید شما در آن بهایم هیچ بهیمه

جدعاء ثم يقول فطرة الله التي فطر الناس

بگوش بریده پستر گفت و خواند این آیه را لازم گیر خلقت خدا که پیدا کرده است

عليها لا تبديل لخلق الله ذلك الدين القيم

آدمیان را بر آن نیست تغیر پیدایش خدا را این مقتضای دین راست است

۵۹

متفق علیه وعن عبادة بن الصامت قال قال

متفق علیه روایت است از عباده بن صامت رض گفت فرمود

رسول الله صلی الله علیه وسلم ان اول ما

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستی که نخستین چیز که پیدا کرد

القلم فقال له اکتب قال ما اکتب قال اکتب القدر

خدا قلم است پس گفت مر او را بنویس گفت چه نویسم گفت بنویس چیزی را

فکتب ما کان وما هو کائن الی الابد رواه

که تقدیر کرده شده است پس نوشت آنچه بود و آنچه خواهد بود تا ابد رواه

الترمذی وعن ابی خزامة عن ابیه قال قلت

ترمذی وروایت است از ابی خزامه واو از پدر خود گفت گفتم

یا رسول الله ارایت رقی نسترقیها ودواء

ای پیغمبر خدا خبر ده مارا از حال افسونها که افسونگری میکنیم ما بآنها واز

نتداوی به وتقاة نتقیها هل ترد من قدر

تداوی میکنیم بآن وچاره ها که پناه میجوییم بدان آیا باز می گرداند آنها

الله شیئا قال هی من قدر الله رواه احمد

از قضا وقدر خدا تعالی چیزی را گفت این چیزها از قضا و قدر خدا است رواه احمد

والترمذی وابن ماجة وعن ابی هریرة قال

وترمذی وابن ماجه وروایت است از ابی هریره رض گفت

خرج علينا رسول الله صلى الله عليه وسلم

برآمد از خانه بر ما پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

ونحن نتنازع في القدر فغضب حتى احمرّ

و ما بحث و نزاع میکردیم در مسئله قضا و قدر پس خشم کرد آنحضرت تا آنکه سرخ شد

وجهه حتى كأنما فقئ في وجنتيه حب

روی مبارک وی گویا شکسته شده است در هر دو رخساره وی دانهای

الرمان فقال أبهذا أمرتم أم بهذا

انار پس گفت آیا باین امر کرده شده است شما را یا باین

أرسلت إليكم إنما هلك من كان قبلكم

فرستاده شده ام من بسوی شما هلاک نشدند کسانیکه بودند پیش از شما

حين تنازعوا في هذا الأمر عزمت عليكم

مگر هنگامیکه بحث کردند در قضا و قدر واجب میگردانم بر شما

عزمت عليكم ألا تتنازعوا فيه رواه

واجب میگردانم بر شما که نزاع نکنید در این امر روایت

الترمذي وعن عبد الله بن عمر قال

ترمذی و روایت است از عبدالله ابن عمر رض گفت

سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم

شنیدم من پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم

يَقُولُ اِنَّ اللّٰهَ خَلَقَ خَلْقَهٗ فِي ظُلْمَةٍ

گو میگفت بدرستی که خداتعالی بیدا کرد خلق خودرا در تاریکی

فَاَلْقٰى عَلَيْهِمْ مِنْ نُوْرِهٖ فَمَنْ اَصَابَهٗ

بس بینداخت بر خلق از نور خود بس کسیکه رسید اورا

مِنْ ذٰلِكَ النُّوْرِ اهْتَدٰى وَمَنْ اَخْطَاَهٗ

ازان نور راه راست یافت وکسیکه نرسید

ضَلَّ فَلِذٰلِكَ اَقُوْلُ جَفَّ الْقَلَمُ

گمراه شد بس ازین جهت میگویم خشک شد قلم

عَلٰى عِلْمِ اللّٰهِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

برانچه دانست خدا روایت کرد ترمذی

وَعَنْ عَايِشَةَ رض قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

وروایت است از عایشه رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سِتَّةٌ لَعَنْتُهُمْ لَعَنَهُمُ اللّٰهُ

صلی الله علیه وسلم شش کس اند که لعنت کرده ام ایشانرا لعنت کناد ایشانرا خدا

۶۳

وَكُلُّ نَبِيٍّ يُجَابُ الزَّائِدُ فِي كِتَابِ

وهر پیغمبری قبول کرده شده دعای او یکی ازان زیاده کننده در کتاب

اللهِ وَالْمُكَذِّبُ بِقَدَرِ اللهِ وَالْمُتَسَلِّطُ

خدا دوم تکذیب کننده بتقدیر الهی سوم غلبه نماینده بر مردم

بِالْجَبَرُوتِ لِيُعِزَّ مَنْ أَذَلَّهُ اللهُ وَ

بجبر تا گرامی وارجمند گرداند کسیرا که خوار گردانیده است خدا اورا

يُذِلَّ مَنْ أَعَزَّهُ اللهُ وَالْمُسْتَحِلُّ لِحَرَمِ

وخوار گرداند کسیرا که عزیز گردانیده است اورا خدا چهارم استحلال کننده مرحرم

اللهِ وَالْمُسْتَحِلُّ مِنْ عِتْرَتِي مَا حَرَّمَ اللهُ

خدا را پنجم حلال داننده از اهل قرابت من چیزیرا که حرام گردانیده است خدا

ایشان را تا ذلیل عبرت وقدرت نه بیند بعده امام احمد فرمود که ایا فسادی اعظم از قتل آل رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم هست۔

وَالتَّارِكُ لِسُنَّتِي رَوَاهُ البَيْهَقِي فِي المَدْخَلِ

وششم ترک کننده سنت مرا رواه بیهقی در مدخل

وَرَزِينٌ فِي كِتَابِهِ وَعَنْ مَطَرِ بْنِ عُكَامِسٍ رض

و رزین در کتاب خود و روایت است از مطر بن عکامس رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم که چون

قَضَى اللّٰهُ لِعَبْدٍ أَنْ يَمُوتَ بِأَرْضٍ جَعَلَ لَهُ

حکم کند خدا برآنکه بمیرد در زمین بگرداند مرآن بنده را

إِلَيْهَا حَاجَةً رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

بسوی آن زمین حاجتی رواه احمد والترمذی و روایت است

أَبِي الدَّرْدَاءِ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

از ابی درداء رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَغَ إِلَى كُلِّ عَبْدٍ

علیه وسلم بدرستیکه خدا تعالی فارغ شده بسوی هر بنده

مِنْ خَلْقِهٖ مِنْ خَمْسٍ مِنْ اَجَلِهٖ وَعَمَلِهٖ وَمَضْجَعِهٖ

که از مخلوقات اوست از پنج چیز از اجل او و از عمل هر بنده و از سکون

وَاَثَرِهٖ وَرِزْقِهٖ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَعَنِ ابْنِ الدَّيْلَمِيِّ

و حرکت و رزق هر بنده رواه احمد و روایت است از ابن دیلمی

قَالَ اَتَيْتُ اُبَيَّ بْنَ كَعْبٍ فَقُلْتُ لَهٗ قَدْ وَقَعَ

گفت آمدم من نزد ابی بن کعب پس گفتم من او را تحقیق که افتاد

فِيْ نَفْسِيْ مِنَ الْقَدَرِ فَحَدِّثْنِيْ لَعَلَّ اللّٰهَ اَنْ يُّذْهِبَهٗ

در دل من چیزی از تشکیک قضا و قدر پس حدیثی بخوان مرا شاید که خدا تعالی ببرد آن تشکیک

مِنْ قَلْبِيْ فَقَالَ لَوْ اَنَّ اللّٰهَ عَذَّبَ اَهْلَ سَمٰوَاتِهٖ

از دل من پس گفت اگر هر آینه آنست که خدا عذاب بکند تمامه آسمانیان را

وَاَهْلَ اَرْضِهِ عَذَّبَهُمْ وَهُوَ غَيْرُ ظَالِمٍ لَهُمْ وَلَوْ رَحِمَهُمْ

و زمینیان را عذاب میکرد ایشانرا وحال آنکه وی غیر ظالم است مر ایشان را و اگر رحمت میکرد

كَانَتْ رَحْمَتُهُ خَيْرًا لَهُمْ مِنْ اَعْمَالِهِمْ وَلَوْ اَنْفَقْتَ مِثْلَ اُحُدٍ

میبود رحمت او بهتر مر ایشانرا از عملهاے ایشان اگر خرچ کنی مانند کوه احد

ذَهَبًا فِي سَبِيْلِ اللّٰهِ مَا قَبِلَهُ اللّٰهُ مِنْكَ حَتّٰى تُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ

طلا را در راه خدا قبول نکند خدا او را از تو تا آنکه ایمان بیاری بقضا و قدر

وَتَعْلَمَ اَنَّ مَا اَصَابَكَ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَكَ وَاَنَّ مَا اَخْطَاَكَ

تا آنکه بدانی که آنچه رسیده است ترا نبود که نرسد ترا و بدانی که آنچه نرسیده است ترا

لَمْ يَكُنْ لِيُصِيْبَكَ وَلَوْ مُتَّ عَلٰى غَيْرِ هٰذَا لَدَخَلْتَ النَّارَ

نبود که برسد ترا و اگر بمیرے بر غیر این حال هر آئینه درآئے آتش دوزخ

قَالَ ثُمَّ اَتَيْتُ عَبْدَ اللّٰهِ بْنَ مَسْعُوْدٍ فَقَالَ مِثْلَ

گفت پسر آدم من عبد الله ابن مسعود رض را پس گفت مانند

ذٰلِكَ قَالَ ثُمَّ اَتَيْتُ حُذَيْفَةَ بْنَ الْيَمَانِ فَقَالَ

این سخن پسر آدم من نزد حذیفه بن یمان پس گفت

مِثْلَ ذٰلِكَ ثُمَّ اَتَيْتُ زَيْدَ بْنَ ثَابِتٍ فَحَدَّثَنِيْ

مانند این سخن پسر آدم زید بن ثابت را پس حدیث کرد

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِثْلَ ذٰلِكَ

مرا از پیغمبر صلی الله علیه وسلم مانند آن

رَوَاهُ اَحْمَدُ وَاَبُوْ دَاوٗدَ وَابْنُ مَاجَةَ

روا ه احمد وابو داود وابن ماجه

بَابُ الْاِعْتِصَامِ بِالْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ

این باب در چنگ زدن کتاب وسنت است

قُلْ إِن كُنتُمْ تُحِبُّونَ اللّٰهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللّٰهُ

بگو اگر دوست میدارید خدا را پس پیروی من کنید تا دوست دارد شما را خدا

وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللّٰهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝ قُلْ

و بیامرزد شما را گناهان شما و خدا آمرزنده مهربان است بگو

أَطِيعُوا اللّٰهَ وَالرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ

فرمان برید خدا را و پیغمبر را پس اگر رو گردانید مهر نیست خدا را

الْكٰفِرِينَ ۝ وَمَن يُطِعِ اللّٰهَ وَالرَّسُولَ فَأُولٰئِكَ

کافران را هرکه فرمان برد خدا و رسول را پس این جماعت

مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَيْهِم مِّنَ النَّبِيِّينَ وَ

همراه کسانند که انعام کرده است خدا بر ایشان از پیغمبران و

الصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصّٰلِحِينَ ۚ وَحَسُنَ

صدیقان و شهیدان و صالحان و نیکو رفیق

أُولٰئِكَ رَفِيقًا ۝ ذٰلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللّٰهِ ۚ وَكَفَىٰ بِاللّٰهِ

اند ایشان این بخشایش از خدا است و بس است خدا

عَلِيمٍ ۝ وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنسَ إِلَّا

دانا و نیافریدیم جن و انس را

لِيَعْبُدُونِ ۝ مَا أُرِيدُ مِنْهُم مِّن رِّزْقٍ

مگر تا که پرستند مرا نمیخواهم از ایشان رزق را

وَمَا أُرِيدُ أَن يُطْعِمُونِ ۝ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ

که مرا طعام دهند هر آینه خدا همونست رزق دهنده

ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ ۝ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ

خداوند توانائی استوار و هرچه بدهد شما را پیغمبر

فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانتَهُوا ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ

بگیرید آنرا و هرچه منع کند شما را ازان باز ایستید و بترسید از خدا

٦٨

إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

هرآینه خدا سخت کننده عقوبت است و فرمان برداری کنید خدا و فرمان برداری

الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبَلَاغُ

رسول را پس اگر رو گردان شوید پس جز این نیست که بر پیغمبر ما پیغام رسانیدن

الْمُبِينُ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنظُرْ

آشکارا است ای مسلمانان بترسید از خدا و باید که تأمل کند

نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ

هر شخص چه چیز پیش فرستاده است برای فردا و بترسید از خدا هرآینه خدا خبردار است

بِمَا تَعْمَلُونَ ۝ إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ

بآنچه میکنید هرآینه ما پیش آوردیم امانت را بر آسمانها

وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَن يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ

و بر زمین و بر کوه ها پس قبول نکردند که بردارند آنرا و بترسیدند

مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنسَانُ ۖ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا

از آن و برداشت آنرا آدمی هرآینه وی است ستمگار نادان

۱ جزء ۲۸ رکوع ۶ ۲ جزء ۲۲ رکوع ۵

وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی سعید رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ لَتَتَّبِعُنَّ سُنَنَ مَنْ قَبْلَكُمْ شِبْرًا بِشِبْرٍ وَذِرَاعًا

و سلم هر آئینه پیروی خواهید کرد شما طریقه پیشینیان را شبر بشبر و دست

بِذِرَاعٍ حَتّٰى لَوْ دَخَلُوا جُحْرَ ضَبٍّ تَبِعْتُمُوهُمْ قِيلَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ

بدست تا آنکه اگر داخل شوند ایشان سوراخ سوسمار را پیروی خواهید کرد شما ایشان را گفتند ای پیغمبر خدا

الْيَهُودَ وَالنَّصَارٰى قَالَ فَمَنْ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

اراده میکنی یهود و نصاری را فرمود پس کیست متفق علیه و روایت است

عَائِشَةَ رض قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

از عائشه رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم

مَنْ أَحْدَثَ فِي أَمْرِنَا هٰذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

کسیکه نو پیدا کرد در دین ما چیزی را که نیست از این دین پس آن چیز مردود است متفق علیه

وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از جابر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم

أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ خَيْرَ الْحَدِيثِ كِتَابُ اللّٰهِ وَخَيْرَ الْهَدْيِ

در خطبه بعد از حمد و نعت پس بهترین سخنان کتاب خدا است و بهترین طریقه

هَدْيُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَشَرَّ الْأُمُورِ مُحْدَثَاتُهَا

طریقه محمد است صلی الله علیه و سلم و بدترین چیزها آنست که نو پیدا کرده شده است

وَكُلُّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ

و هر بدعت سبب گمراهی است رواه مسلم و روایت است از ابن عباس رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَبْغَضُ النَّاسِ إِلَى اللّٰهِ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم دشمن داشته شده ترین مردم بسوی خدا

ثلثة ملحد في الحرم ومبتغ في الاسلام سنة الجاهلية

یکی ملحد کننده در زمین حرم وطلب کننده در اسلام طریقه جاهلیت را

ومطلب دم امرء بغير حق ليهريق دمه رواه البخاري

وطلب کننده خون مردی را ناحق برای آنکه بریزد او را رواه بخاری

وعن ابي موسى رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

و روایت است از ابو موسی رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم انما مثلي ومثل ما بعثني الله به كمثل رجل

وسلم جز این نیست که قصه من و قصه چیزی که فرستاده است مرا به وی خدا بدان چیز مانند قصه مردیست که

اتى قوما فقال يا قوم اني رأيت الجيش بعيني واني انا

آمد قومی را پس گفت ای قوم بدرستیکه من دیده ام لشکر را به چشم خود و بدرستیکه من

النذير العريان فالنجا النجا فاطاعه طائفة من قومه

ترساننده برهنه ام پس رستگاری طلبید پس فرمانبرداری کردند او را بعض از قوم او

فادلجوا فانطلقوا على مهلهم فنجوا وكذبت طائفة

پس رفتند شبانه پس رفتند بر آهستگی خود پس رستگاری یافتند و تکذیب کردند بعض

منهم فاصبحوا مكانهم فصبحهم الجيش فاهلكهم

از ایشان پس صبح کردند در جای خود پس صبح آمد بر ایشان لشکر پس هلاک کرد ایشان را

واجتاحهم فذلك مثل من اطاعني فاتبع ما جئت به

و بیخ کن کرد ایشان را پس این قصه کسیست که فرمانبرداری کرد مرا پس پیروی کرد چیزی را که آورده ام آنرا

ومثل من عصاني وكذب ما جئت به من الحق

و مثل کسیکه نافرمانی کرد مرا و دروغ داشت چیزی را که آورده ام من آنرا از نزد خدا

متفق عليه وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله

متفق علیه و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم مثلي كمثل رجل استوقد نارا

صلى الله عليه وسلم حال من همچو حال مردی است که افروخت آتشی

فلما اضاءت ما حولها جعل الفراش وهذه الدواب

پس چون روشن کرد آنچه گرد آتش است گردانید پروانه ها واین جنبنده ها را

التي تقع في النار يقعن فيها وجعل يحجزهن ويغلبنه

که می افتند در آتش می افتند در آن و شروع کرد باز می داشت آنها را و غالب می شدند بر او

فيتقحمن فيها فانا آخذ بحجزكم عن النار وانتم

پس در می آیند در آن پس من گیرنده ام کمرهای شما را از آتش و شما

تقحمون فيها هذه رواية البخاري ولمسلم نحوها

در می آیید در آن این روایت بخاری است و مسلم را مانند این روایت است

وقال في آخرها قال فذلك مثلي ومثلكم انا آخذ

و گفته است مسلم در آخر این روایت گفت پس آن حال من و حال شما است من گیرنده ام

بحجزكم عن النار هلم عن النار هلم عن النار فتغلبوني

کمرهای شما را از آتش بیایید از آتش بیایید از آتش پس غالب می آیید مرا

تقحمون فيها متفق عليه وعن ابي هريرة

می افتید در آتش متفق علیه و روایت است از ابی هریره

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

گفت فرمود پیغمبر خدا صلى الله علیه وسلم

يكون في آخر الزمان دجالون كذابون يأتونكم

می باشند در آخر الزمان تلبیس کنندگان دروغ گویان می آرند شما را

من الاحاديث بما لم تسمعوا انتم ولا اباؤكم

از احادیث آنچه نشنیده اید شما ونه پدران شما

فَاِيَّاكُمْ وَاِيَّاهُمْ لَا يُضِلُّوْنَكُمْ وَلَا يَفْتِنُوْنَكُمْ
دور دارید خود را از ایشان و ایشان را از خود تا گمراه نکردند و در فتنه نیندازند شما را

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ
رواه مسلم و روایت است از وی گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَفٰى بِالْمَرْءِ كَذِبًا
صلی الله علیه وسلم بس است مرد را از روی دروغ گفتن

اَنْ يُحَدِّثَ بِكُلِّ مَا سَمِعَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ
آنکه حدیث کند هر چیز را که شنیده است رواه مسلم

وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ
و روایت است از ابی هریره رضی الله عنه گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَنْ دَعَا اِلٰى هُدًى كَانَ لَهٗ مِنَ الْاَجْرِ مِثْلُ
کسیکه بخواند بسوی راه راست باشد او را از اجر مقدار

اُجُوْرِ مَنْ تَبِعَهٗ لَا يَنْقُصُ ذٰلِكَ مِنْ
مزدهای کسانیکه پیروی میکنند او را کم نمیکند این از

اُجُوْرِهِمْ شَيْئًا وَمَنْ دَعَا اِلٰى ضَلَالَةٍ
اجرهای ایشان چیزی را و کسیکه بخواند کسی را بگمراهی

كَانَ عَلَيْهِ مِنَ الْإِثْمِ مِثْلُ آثَامِ مَنْ تَبِعَهُ

باشد بر وے از بزه مقدار بزهای کسانیکه پیروی کنند اورا

لَا يَنْقُصُ ذٰلِكَ مِنْ آثَامِهِمْ شَيْئًا رَوَاهُ

کم نمی کند این از آثام ایشان چیزی را رواه

مُسْلِمٌ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

مسلم و در روایت است از وی رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَدَأَ الْإِسْلَامُ غَرِيبًا

صلی الله علیه وسلم پیدا شد اسلام در آغاز کار غریب

وَسَيَعُودُ كَمَا بَدَأَ فَطُوبٰى لِلْغُرَبَاءِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

وقریب است که باز گردد غریب چنانکه در ابتدا بود پس خوشی باد مر غریبان را رواه مسلم

وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ

و روایت است از وی که گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه

الْاِيْمَانَ لَيَاْرِزُ اِلَى الْمَدِيْنَةِ كَمَا تَاْرِزُ الْحَيَّةُ اِلٰى جُحْرِهَا

ایمان کرد مجاامد بسوی مدینه چنانکه بازمیگردد مار بسوی سوراخ خود

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ الْعِرْبَاضِ بْنِ سَارِيَةَ رض قَالَ فِي

متفق علیه است و روایت است از عرباض ابن ساریه رض گفت در

حَدِيْثِهٖ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَعَلَيْكُمْ بِسُنَّتِيْ

حدیث خود از پیغمبر صلی الله علیه وسلم پس لازم گیرید بر خود سنت من

وَسُنَّةِ الْخُلَفَاۗءِ الرَّاشِدِيْنَ الْمَهْدِيِّيْنَ تَمَسَّكُوْا بِهَا

و سنت خلفای راشدین که راه یافتگان اند چنگ در زنید بسنت من

وَعَضُّوْا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِذِ وَاِيَّاكُمْ وَمُحْدَثَاتِ الْاُمُوْرِ

و سخت زنید بر سنت من بدندانها را و دور دارید خود را از کارهای نو پیدا

فَاِنَّ كُلَّ مُحْدَثَاتٍ بِدْعَةٌ وَكُلَّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ رَوَاهُ اَحْمَدُ

پس بدرستیکه هر خصلت احداث کرده شده بدعت است و هر بدعت ضلالت است روایت کرد احمد

وَاَبُوْ دَاوٗدَ وَالتِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو

و ابو داود و ترمذی و ابن ماجه و روایت است از عبدالله ابن عمرو رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يُؤْمِنُ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم ایمان نمی آرد

است الی یوم القیامه و ادنی بدعت سیئه مکروه و اعلی سیئه کفر کذا فی مائة المسایل ۱۲ فصل الخطاب

أَحَدُكُمْ حَتَّى يَكُونَ هَوَاهُ تَبَعًا لِمَا جِئْتُ بِهِ

یکی از شما تا آنکه باشد هوای نفس او تابع مر چیزی را که آورده من آنرا

رَوَاهُ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ وَعَنْ بِلَالِ بْنِ الْحَارِثِ

روایت کرد در شرح سنته اینحدیث را و روایت است از بلال ابن حارث

الْمُزَنِيِّ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

مزنی رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَحْيَى سُنَّةً مِنْ سُنَّتِي

علیه و سلم کسیکه زنده گرداند سنتی از سنتهای مرا

قَدْ أُمِيتَتْ بَعْدِي فَإِنَّ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلَ أُجُورِ

که بتحقیق میرانیده شده است پس از من پس بدرستیکه مر او راست از مزد مانند مزدهای

مَنْ عَمِلَ بِهَا مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أُجُورِهِمْ

کسانیکه کار کنند بآن سنت بی آنکه کم کرده شود از مزدهای ایشان

شَيْئًا وَمَنِ ابْتَدَعَ بِدْعَةَ ضَلَالَةٍ لَا يَرْضَاهَا اللّٰهُ

بچیزی و کسی که بدعت پیدا کرد بدعت ضلالت که راضی نیست ازان بدعت خدا

وَرَسُوْلَهٗ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ الْاِثْمِ مِثْلُ اٰثَامِ مَنْ عَمِلَ بِهَا

پیغمبر خدا باشد بروی از بزه مقدار بزه های کسانیکه پیروی آن کرده اند

لَا يَنْقُصُ ذٰلِكَ مِنْ اَوْزَارِهِمْ شَيْئًا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

و کم نمیکند این از آثام ایشان هیچ چیز را روایت کرد ترمذی و روایت است

عَمْرِو بْنِ عَوْفٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

از عمرو بن عوف رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ اِنَّ الدِّيْنَ لَيَأْرِزُ اِلَى الْحِجَازِ كَمَا تَأْرِزُ الْحَيَّةُ

وسلم بدرستیکه اسلام گرد می آید بسوی حجاز چنانچه باز میگردد مار

اِلٰى جُحْرِهَا وَلَيَعْقِلَنَّ الدِّيْنُ مِنَ الْحِجَازِ مَعْقِلَ الْاُرْوِيَّةِ

بسوی سوراخ خود و هر آئینه پناه میجوید دین از زمین حجاز بجو پناه جستن بز کوهی

مِنْ رَاْسِ الْجَبَلِ اِنَّ الدِّيْنَ بَدَأَ غَرِيْبًا وَسَيَعُوْدُ كَمَا بَدَأَ

در سر کوهی بدرستیکه دین پیدا شده است غریب و تنها و قریب است که باز گردد چنانکه

فَطُوْبٰى لِلْغُرَبَاءِ وَهُمُ الَّذِيْنَ يُصْلِحُوْنَ مَا اَفْسَدَ النَّاسُ

بود پس خوش خبری باد مر غریبان را و غریبان آن کسانی اند که نیکو می سازند چیزی را که بد ساخته اند مردم

مِنْ بَعْدِيْ مِنْ سُنَّتِيْ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ

بعد از من از سنت من روایت کرد ترمذی و روایت است از عبد الله

بْنِ عَمْرٍو رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابن عمرو رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم

لَيَاْتِيَنَّ عَلٰى اُمَّتِيْ كَمَا اَتٰى عَلٰى بَنِيْ اِسْرَآءِيْلَ حَذْوَ النَّعْلِ

هر آئینه بیاید بر امت من مانند آنچه آمده بر بنی اسرائیل مطابق یکدیگر

بِالنَّعْلِ حَتّٰى اِنْ كَانَ مِنْهُمْ مَنْ اَتٰى اُمَّهٗ عَلَانِيَةً لَكَانَ

مانند آنکه اگر بود از بنی اسرائیل کسیکه آمد مادر خود را آشکارا هر آئینه باشد

ایشان شده باشد که حصول ولایت یقین ایشان شده بود از گشتن فرق و بحر موسی گوئی ... مقصود و مراد ولایت همین ایشان [illegible] ۱۲

فِي أُمَّتِي مَنْ يَصْنَعُ ذٰلِكَ وَإِنَّ بَنِي إِسْرَآءِيلَ

در امت من کسیکه بکند آن فعل شنیع را و هر آینه بنی اسرائیل

تَفَرَّقَتْ عَلٰى ثِنْتَيْنِ وَسَبْعِينَ مِلَّةً وَتَفْتَرِقُ

پراگنده شدند بر هفتاد و دو ملت و جدا شوند شد

أُمَّتِي عَلٰى ثَلٰثٍ وَسَبْعِينَ مِلَّةً كُلُّهُمْ

امت من بر هفتاد و سه مذهب همه ایشان

فِي النَّارِ إِلَّا مِلَّةً وَاحِدَةً قَالُوا مَنْ هِيَ يَا

مستحق در آمدن دوزخ باشند مگر یک ملت گفتند کیست آن یک ملت ای

رَسُولَ اللّٰهِ قَالَ مَا أَنَا عَلَيْهِ وَأَصْحَابِي رَوَاهُ

پیغمبر خدا فرمود آن ملت که من بر آنم و صحابه من بر آنند روایت کرده

التِّرْمِذِيُّ وَفِي رِوَايَةِ أَحْمَدَ وَأَبِي دَاوُدَ

ترمذی و در روایت احمد و ابی داود

عَنْ مُعَاوِيَةَ ثِنْتَانِ وَسَبْعُونَ فِي النَّارِ

از معاویه آمده که اهل هفتاد و دو ملت در آتش اند

وَوَاحِدَةٌ فِي الْجَنَّةِ وَهِيَ الْجَمَاعَةُ وَإِنَّهُ سَيَخْرُجُ

و اهل یک ملت در بهشت و آن کسی ــ جماعت است و بدرستی که شان اینست که بیرون خواهند آمد

فِي أُمَّتِي أَقْوَامٌ تَتَجَارَى بِهِمْ تِلْكَ الْأَهْوَاءُ

در امت من گروه های که روان میشود با ایشان آن اهوا

كَمَا يَتَجَارَى الْكَلْبُ بِصَاحِبِهِ لَا يَبْقَى مِنْهُ عِرْقٌ

چنانکه سرایت میکند گزیدن سگ مر صاحب خود را باقی نماند از صاحبه هیچ

وَلَا مَفْصِلٌ إِلَّا دَخَلَهُ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ

و بندی مگر در می آید دران و روایت هست از ابن عمر رضی الله عنه گفت فرمود

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللّٰهَ لَا يَجْمَعُ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه گرد نمی آرد خدا

أُمَّتِي أَوْ قَالَ أُمَّةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

امت مرا یا گفت امت محمد صلی الله علیه وسلم را

عَلَى ضَلَالَةٍ وَيَدُ اللّٰهِ عَلَى الْجَمَاعَةِ وَمَنْ شَذَّ شُذَّ

بر گمراهی و دست احسان خدا بر جماعت هست و کسیکه تنها افتد از جماعت انداخته شود

فِي النَّارِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وعنه قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى

در آتش رواه ترمذی در روایت است از وی گفت فرمود پیغمبر خدا صلے

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِتَّبِعُوا السَّوَادَ الْاَعْظَمَ فَاِنَّهُ مَنْ شَذَّ شُذَّ

الله علیه وسلم پیروی کنید مر جماعت بزرگ را که شان این است که کسیکه تنها ماند از جماعت انداخته شود

فِي النَّارِ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ اَنَسٍ قَالَ قَالَ لِي

در آتش رواه ابن ماجه در روایت است از انس رض گفت فرمود مرا

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا بُنَيَّ اِنْ قَدَرْتَ اَنْ

پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم ای پسرک من اگر توانی که

تُصْبِحَ وَتُمْسِيَ وَلَيْسَ فِي قَلْبِكَ غِشٌّ لِاَحَدٍ فَافْعَلْ

صبح کنی و شام کنی و حال آنکه نیست در دل تو کینه با هیچ یکی پس بکن

ثُمَّ قَالَ يَا بُنَيَّ وَذٰلِكَ مِنْ سُنَّتِي وَمَنْ اَحَبَّ سُنَّتِي فَقَدْ

بعد گفت ای پسرک من و آن کار از سنت من است و کسیکه دوست داشت سنت مرا پس تحقیق

اَحَبَّنِي وَمَنْ اَحَبَّنِي كَانَ مَعِي فِي الْجَنَّةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

دوست میدارد مرا و کسیکه دوست دارد مرا باشد با من در بهشت رواه ترمذی

وَعَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

در روایت است از ابو هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ تَمَسَّكَ بِسُنَّتِي عِنْدَ فَسَادِ اُمَّتِي فَلَهُ

علیه وسلم کسیکه چنگ در زند بسنت من نزد فساد امت من پس او راست

اجر مائة شهيد رواه البيهقي في كتاب الزهد له وعن

مزد و ثواب صد شهيد روا بيهقى در كتاب زهد بلفظ له بغير از فا

حديث ابن عباس وعن ابي هريرة قال قال رسول الله

از حديث ابن عباس رض و روايت است از ابى هريره رض گفت فرمود رسول الله

صلى الله عليه وسلم انكم في زمان من ترك منكم عشر

صلى الله عليه وسلم بدرستيكه شما در زمانى هستيد كه هر كه ترك كند از شما دهم حصه

ما امر به هلك ثم يأتي زمان من عمل منهم بعشر

آنچه امر كرده شده است بدان هلاك شود پس ترى آيد زمانيكه هر كه عمل كند از ايشان دهم حصه

ما امر به نجا رواه الترمذي وعن معاذ بن جبل رض

آنچه امر كرده شده است بدان نجات يابد روا ترمذى و روايت است از معاذ بن جبل

81

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان الشيطان

گفت فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم بدرستيكه شيطان

ذئب الانسان كذئب الغنم يأخذ الشاذة والقاصية

گرگ آدمى است مانند گرگ گوسفند كه ميگيرد گوسفند را كه از انس تنها گرديده است بكله

والناحية واياكم والشعاب وعليكم بالجماعة و

و دور رونده از گله و يك جانب افتاده است و دور داريد خود را از راههاى ميان دو كوه و لازم گيريد جماعت

العامة رواه احمد وعن ابي ذر قال قال

دگير را روا احمد و روايت است از ابى ذر رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم من فارق الجماعة

رسول الله صلى الله عليه وسلم كسيكه جدائى ورزد جماعت را

شبرا فقد خلع ربقة الاسلام من عنقه رواه احمد

مقدار يك شبر پس بتحقيق بركشيد ربقه اسلام را از گردن خود روا احمد

وابوداود وعن ابراهيم بن ميسرة رضـ

و ابو داود ودروايت است از ابراهيم ابن ميسره رضـ

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من وقر

گفت فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم كسيكه تعظيم كرد

صاحب بدعة فقد اعان على هدم الاسلام

خداوند بدعت را پس تحقيق مدد كرد بر ويران كردن دين اسلام

رواه البيهقي في شعب الايمان مرسلا وعن

رواه بيهقى در شعب الايمان مرسل ودروايت است از

ابن مسعود رضـ قال من كان مستنا فليستن بمن

ابن مسعود رضـ گفت كسيكه ميخواهد كه برود براه راست پس بايد كه برود راه

قد مات فان الحي لا تؤمن عليه الفتنة اولئك

كسانيكه بتحقيق از عالم گذشته اند پس بدرستيكه زندگان ايمنى كرده نميشود بر ايشان از فتنه آنمردگان

اصحاب محمد صلى الله عليه وسلم كانوا افضل

ياران محمد صلى الله عليه وسلم اند كه بودند فاضل تر

هذه الامة ابرها قلوبا واعمقها علما واقلها

از همه كه جز ايشان است درين امت ونيكتر ين پاك از روى دلها ودور انديش تر از روى علم وكمتر ين ان

تكلفا اختارهم الله لصحبة نبيه ولاقامة دينه

از روى تكلف برگزيد ايشانرا خدا از براى صحبت پيغمبر خود وبراى برپا داشتن دين وى

فاعرفوا لهم فضلهم واتبعوهم على آثرهم وتمسكوا

پس بشناسید برای ایشان فضل ایشان و پیروی کنید ایشان را بر نشانهای ایشان و چنگ در زنید

بما استطعتم من اخلاقهم وسيرهم فانهم كانوا

بانچه توانید از خوی های ایشان و روشهای ایشان که بتحقیق بودند

على الهدى المستقيم رواه رزين وعن

بر راه راست رواه رزين و روایت از

انس رض انه قال قال رسول الله صلى الله عليه

انس رض بدرستیکه وی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم لا يؤمن احدكم حتى اكون احب اليه

وسلم ایمان نمی آرد یکی از شما تا آنکه باشم دوست داشته تر بسوی او

من نفسه وماله وولده ووالده والناس اجمعين

از جانش و از مالش و از فرزندش و پدرش و مردمان همه

رواه الشيخان واحمد والنسائي وابن ماجة

رواه شیخان و احمد و نسائی و ابن ماجه

وَقِيلَ لِرَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَتَى أَكُونُ

وگفته شد پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم کے باشم

مُؤْمِنًا وَفِي لَفْظٍ آخَرَ مُؤْمِنًا صَادِقًا قَالَ إِذَا أَحْبَبْتَ

مومن ودر لفظ آخر مومن صادق گفت چون دوست داشته باشی

اللّٰهَ فَقِيلَ وَمَتَى أُحِبُّ اللّٰهَ فَقَالَ إِذَا أَحْبَبْتَ رَسُولَهُ

خدا را پس گفته شد وکی باشم که دوست دارم خدا را پس فرمود چون دوست داشتی پیغمبر او را

فَقِيلَ وَمَتَى أُحِبُّ رَسُولَهُ قَالَ إِذَا اتَّبَعْتَ طَرِيقَتَهُ

پس گفته شد وکے دوست دارم پیغمبر او را فرمود چون پیروی کنی طریقه او را

وَاسْتَعْمَلْتَ سُنَّتَهُ وَأَحْبَبْتَ بِحُبِّهِ وَأَبْغَضْتَ بِبُغْضِهِ

وعمل کنی سنت او را و دوست داری کسی را بسبب دوستی او و دشمن داری کسی را بسبب دشمنی او

وَوَالَيْتَ بِوَلَايَتِهِ وَعَادَيْتَ بِعَدَاوَتِهِ وَيَتَفَاوَتُ

و دوست شوی بدوستی وے و عداوت کنی بعداوت وے و متفاوت اند

النَّاسُ فِي الْإِيمَانِ عَلَى قَدْرِ تَفَاوُتِهِمْ فِي مَحَبَّتِي

مردمان در ایمان بمقدار تفاوت ایشان در محبت من

ويتفاوتون في الكفر على قدر تفاوتهم في بغضي ألا

ومتفاوت ميشوند در كفر براندازهٔ تفاوت ايشان در بغض من آگاه باشيد

لا إيمان لمن لا محبة له ألا لا إيمان لمن لا محبة له

نيست ايمان مرآن شخص را كه نيست محبت مر ويرا آگاه باش نيست ايمان مرآنكس را كه نيست محبت مر او را

ألا لا إيمان لمن لا محبة له كذا في الدلائل وقيل

آگاه باش نيست ايمان مرآنكس را كه نيست محبت آنرا چنين است در دلائل خيرات - وگفته شد

لرسول الله صلى الله عليه وسلم نرى مؤمنا يخشع و

مر پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم را مى بينيم مومنى را كه خوف ميكند

مؤمنا لا يخشع ما السبب في ذلك فقال من وجد لإيمانه

ومومنى را كه خوف نميكند چيست سبب درانميان پس گفت هركسيكه يابد براے ايمان خود

حلاوة خشع ومن لم يجدها لم يخشع فقيل بم توجد

ذائقه خوف ميكند وكسيكه نيافت آنرا خوف نمى كند پس گفته شد بچه يافته ميشود آن حلاوت

أو بم تنال وبما تكتسب قال بصدق الحب في الله فقيل

يا بچه حاصل كرده ميشود وباچه كسب كرده ميشود گفت براست محبت در مقدمهٔ خدا پس گفته شد

وبم يوجد حب الله أو بم يكتسب فقال بحب رسوله

وبچه يافته ميشود محبت خدا يا بچه كسب كرده شود پس گفت بسبب محبت پيغمبر وے

فالتمسوا رضاء الله ورضاء رسوله في حبهما كذا في الدلائل

پس بجوئيد رضاے خدا ورضاے پيغمبر او در محبت هردو چنانست در دلائل الخيرات

وَقِيلَ لِرَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ آلُ مُحَمَّدٍ

وگفته شده مر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را کیستند آل محمد

الَّذِينَ أَمَرْتَنَا بِحُبِّهِمْ وَإِكْرَامِهِمْ وَالْبِرِّ بِهِمْ فَقَالَ

که امر کرده شده ایم بمحبت ایشان وگرامی کردن ایشان ونیکوکاری کردن با ایشان پس گفت

أَهْلُ الصَّفَاءِ وَالْوَفَاءِ مَنْ آمَنَ وَأَخْلَصَ فَقِيلَ وَمَا عَلَامَاتُهُمْ

صاحب صفا و وفا آنکسان که ایمان آوردند وخالص کردند پس گفته شد وچیست نشان های ایشان

فَقَالَ إِيثَارُ مَحَبَّتِي عَلَى كُلِّ مَحْبُوبٍ وَاشْتِغَالُ الْبَاطِنِ

پس گفت اختیار کردن محبت من بر همه دوست داشته شده ومشغول داشتن باطن خود را

بِذِكْرِي بَعْدَ ذِكْرِ اللّٰهِ وَفِي أُخْرَى عَلَامَتُهُمْ إِدْمَانُ

بذکر من بعد از ذکر خدا ودر روایت دیگر نشان ایشان دوام کردن

ذِكْرِي وَالْإِكْثَارُ مِنَ الصَّلَوَاتِ عَلَيَّ دَلَائِلُ وَقِيلَ

ذکر من وبسیار درود فرستادن بر من است دلائل وگفته شد

لِرَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنِ الْقَوِيُّ فِي الْإِيمَانِ

مر پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم کیست قوی در ایمان آوردن

بِكَ فَقَالَ مَنْ آمَنَ بِي وَلَمْ يَرَنِي فَإِنَّهُ مُؤْمِنٌ بِي عَلَى

بتو پس فرمود کسیکه ایمان آرد بمن وندید مرا پس بدرستیکه وی مومن است بمن بر

شَوْقٍ مِنْهُ وَصِدْقٍ فِي مَحَبَّتِي وَعَلَامَةُ ذٰلِكَ مِنْهُ أَنَّهُ

شوقیکه اوراست وبر صدق که در محبت من است ونشان آن ازوی آنست که او

يَوَدُّ رُؤْيَتِي بِجَمِيعِ مَا يَمْلِكُ وَفِي أُخْرَى مِلْءَ الْأَرْضِ

دوست میدارد دیدار مرا بتمام آنچه که مالک شده است ودر روایت دیگر لفظ ملأ الارض

ذَهَبًا ذٰلِكَ الْمُؤْمِنُ بِي حَقًّا لَذَائِي الدَّلَائِلِ وَقَالَ

زر است آنکس مومن است بامن حقیقة چنین است در دلائل وگفته است

صَاحِبُ الْمَطَالِعِ فِي هٰذِهِ الْأَحَادِيثِ الْأَرْبَعَةِ لَا

صاحب المطالع در این چهار حدیث که

أَعْرِفُهَا وَلَا أَجِدُهَا كُتِبَ الْعِلْمِ إِنَّمَا يَخْشَى اللّٰهَ

نیستا هیچ ابها را و نیافتم این هر چهار را جز این بیت که

مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمٰؤُا وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْاٰنِ مِنْ قَبْلِ

عالمان از بندگان او و شتابی مکن بخواندن قرآن پیش از آنکه

أَنْ يُقْضٰى إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُلْ رَّبِّ زِدْنِي عِلْمًا

انجام رسانیده شود بسوی تو وحی او را و بگوای پروردگار من بیفزا مرا دانش

بَابُ مَا جَاءَ فِي فَضْلِ الْعِلْمِ

والعلماء وعن كثير بن قيس قال كنت

و روایت است از کثیر ابن قیس گفت بودم من

جالسا مع ابی الدرداء فی مسجد دمشق فجاء رجل

نشسته با ابو درداء در مسجد دمشق پس آمد او را مردی

فقال یا ابا الدرداء انی جئتک من مدینة الرسول

پس گفت ای ابا درداء بدرستیکه من آمده ام ترا از مدینه پیغمبر

صلی الله علیه وسلم لحدیث بلغنی انک تحدثه

صلی الله علیه وسلم جهت شنیدن حدیثی که رسیده است بمن که تو خبر میدهی ازان

عن رسول الله صلی الله علیه وسلم ما جئت لحاجة

از پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نیامده ام از جهت حاجتی دیگر

قال فانی سمعت رسول الله صلی الله علیه وسلم

گفت پس بدرستیکه من شنیده ام پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را

یقول من سلک طریقا یطلب فیه علما سلک الله به

گفت کسی که برود راه را که طلب کند درو علمی ببرد خدا اورا

طریقا من طرق الجنة وان الملائکة لتضع اجنحتها

براهی از راه های بهشت و بدرستیکه فرشتگان هر آینه می نهند بازوهای خود را

رضا لطالب العلم وان العالم لیستغفر له من

بجهت رضامندی طالب علم و بدرستیکه عالم هر آینه آمرزش میخواهد برای او هر که

فِي السَّمٰوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالْحِيتَانُ فِي جَوْفِ الْمَاءِ

در آسمان است وهر که در زمین است وماهیان درمیان آب

وَإِنَّ فَضْلَ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِ الْقَمَرِ لَيْلَةَ

وبدرستیکه فضیلت عالم برعابد همچو فضل ماه شب

الْبَدْرِ عَلَى سَائِرِ الْكَوَاكِبِ وَإِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ

چهاردهم است بر باقی همه کواکب وبدرستیکه عالمان وارثان

الْأَنْبِيَاءِ وَإِنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُوَرِّثُوا دِينَارًا وَلَا دِرْهَمًا

پیغمبران اند وبدرستیکه پیغمبران وارث نگردانیده اند دینار را ونه درهم را

وَإِنَّمَا وَرَّثُوا الْعِلْمَ فَمَنْ أَخَذَهُ أَخَذَ بِحَظٍّ وَافِرٍ رَوَاهُ

ونگذاشته اند بارث مگر علم را پس کسیکه گرفت علم را گرفت نصیبی تمام روایت

أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَأَبُو دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَ

احمد وترمذی وابوداود وابن ماجه و

الدَّارِمِيُّ وَسَمَّاهُ التِّرْمِذِيُّ قَيْسَ ابْنَ كَثِيرٍ

دارمی ونام ورثت را ویرا ترمذی به قیس ابن کثیر

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

وروایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَنْهُ عَمَلُهُ

علیه وسلم چون بمیرد آدمی بریده شود از وی هر عملی که میکند

إِلَّا مِنْ ثَلٰثَةٍ إِلَّا مِنْ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ

مگر از سه عمل یکی ازان صدقه جاریه و یا علم که نفع گرفته شود

بِهٖ أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُوْ لَهٗ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

بان یا فرزند نیک کردار که دعا کند اورا رواه مسلم و در روایت است

ابْنِ مَسْعُوْدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

از ابن مسعود رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ لَا حَسَدَ إِلَّا فِي الْاِثْنَيْنِ رَجُلٌ اٰتَاهُ اللّٰهُ

وسلم نیست حسد مگر درین دو کس مردیکه داد اورا خدا

مَالًا فَسَلَّطَهٗ عَلٰى هَلَكَتِهٖ فِي الْحَقِّ وَرَجُلٌ اٰتَاهُ اللّٰهُ

مال پس برگماشت وی تعالی او را بر هلاک کردن آن مال در طاعت حق و مرد یکه داد اورا خدا

الْحِكْمَةَ فَهُوَ يَقْضِيْ بِهَا وَيُعَلِّمُهَا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

حکمت پس او عمل میکند بدان و تعلیم میکند آنرا متفق علیه

وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

و در روایت است از عبد الله بن عمرو رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَلِّغُوْا عَنِّيْ وَلَوْ اٰيَةً

صلی الله علیه وسلم برسانید از من اگرچه آیتی باشد

وَحَدِّثُوْا عَنْ بَنِيْ إِسْرَاءِيْلَ وَلَا حَرَجَ

وحکایت کنید از بنی اسرائیل و نیست گناهی

91

وَمَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَبَوَّأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ

و هر که دروغ بر بندد برمن قصداً بس باید که بگیرد جای نشست خود را از آتش

رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْهُ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

روایه بخاری رحمه از وی روایت است گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ نَفَّسَ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً

صلی الله علیه وسلم کسیکه رهائش دهد و دور گرداند از مسلمانی اندوهی را

مِنْ كُرَبِ الدُّنْيَا نَفَّسَ اللّٰهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ

از اندوه های دنیا آسایش دهد و دور گرداند خدا تعالی از آنکس اندوه را از

كُرَبِ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَمَنْ يَسَّرَ عَلٰى مُعْسِرٍ يَسَّرَ اللّٰهُ عَلَيْهِ

اندوه های روز قیامت و کسیکه آسان گرداند کار بر شخصی در دشواری افتاده است آسان گرداند بر وی خدا تعالی

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللّٰهُ فِي

در دنیا و آخرت و کسیکه بپوشد عیب مسلمانی را بپوشد او را خدا تعالی

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللّٰهُ فِي عَوْنِ الْعَبْدِ مَا كَانَ الْعَبْدُ

در دنیا و آخرت و خدا تعالی در یاری کردن بنده است مادام که بنده

فِي عَوْنِ أَخِيهِ وَمَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَلْتَمِسُ فِيهِ عِلْمًا سَهَّلَ اللّٰهُ

در یاری کردن برادر خود است و کسیکه برود راهی که طلب کند در وی علم را آسان گرداند حق تعالی

لَهُ بِهِ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ وَمَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِي بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللّٰهِ

مر آنکس را بسبب آن طریق راهی بسوی بهشت و نه فراهم آیند گروهی در خانه از خانه های خدا

درس ۵

يَتْلُوْنَ كِتَابَ اللّٰهِ وَيَتَدَارَسُوْنَهٗ بَيْنَهُمْ اِلَّا نَزَلَتْ

بخوانند قرآن را بطريق درس و با تعليم كنند آنرا با يكديگر مگر آنكه فرود آيد بر ايشان

عَلَيْهِمُ السَّكِيْنَةُ وَغَشِيَتْهُمُ الرَّحْمَةُ وَحَفَّتْهُمُ

آرام باطن و بپوشد ايشانرا رحمت و گرد ميگيرند ايشانرا

الْمَلٰئِكَةُ وَذَكَرَهُمُ اللّٰهُ فِيْمَنْ عِنْدَهٗ وَمَنْ بَطَّاَ

فرشتگان و ياد بكند ايشانرا خدا تعالى در ميان جمعى كه نزد او بند و كسيكه

بِهٖ عَمَلُهٗ لَمْ يُسْرِعْ بِهٖ نَسَبُهٗ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

پس انداخت او را عمل او پيش نى آرد او را نسب او روايت كرده مسلم

وَعَنْ اَبِيْ اُمَامَةَ الْبَاهِلِيِّ رض قَالَ ذُكِرَ

و روايت است از ابى امامه باهلى رض گفت كه ذكر كرده شدند براى

لِرَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلَانِ

رسول خدا صلى الله عليه وسلم دو مرد يكى

اَحَدُهُمَا عَابِدٌ وَالْاٰخَرُ عَالِمٌ فَقَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

از ان دو مرد عابد و ديگر عالم پس فرمود پيغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ

صلى الله عليه وسلم فضل عالم بر عابد

كَفَضْلِيْ عَلٰى اَدْنَاكُمْ ثُمَّ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

همچو فضل من است بر ادناى شما باز فرمود پيغمبر خدا صلى الله

٩٢

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللّٰهَ وَمَلٰئِكَتَهُ وَأَهْلَ السَّمٰوَاتِ

علیه وسلم بدرستیکه خدا تعالی و فرشتگان او و اسمانیان

وَالْأَرْضِ حَتَّى النَّمْلَةَ فِي جُحْرِهَا وَحَتَّى الْحُوتَ لَيُصَلُّونَ

و زمینیان تا مورچه در سوراخ خود و تا ماهی هر آینه درود میفرستند

عَلٰى مُعَلِّمِ النَّاسِ الْخَيْرَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

بر تعلیم کنند خیر مردم را رواه ترمذی و روایت است

أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

اَلْكَلِمَةُ الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْحَكِيْمِ فَحَيْثُ وَجَدَهَا فَهُوَ

سخن علم و حکمت چیز گم شده حکیم است پس هر جا که یافت الکلمه را پس حکیم

أَحَقُّ بِهَا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ

سزاوار تر است بان کلمه رواه ترمذی وابن ماجه و روایت است

ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

ابن عباس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ فَقِيْهٌ وَاحِدٌ أَشَدُّ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنْ أَلْفِ

وسلم یک فقیه سخت تر است بر شیطان از هزار

عَابِدٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ أَنَسٍ رض

عابد رواه ترمذی وابن ماجه و روایت است از انس رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ طَلَبُ الْعِلْمِ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم طلب علم

فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَوَاضِعُ الْعِلْمِ عِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهِ

فرض است بر هر مسلم و نهنده علم نزد کسیکه اہل آن نیست

كَمُقَلِّدِ الْخَنَازِيرِ الْجَوْهَرَ وَاللُّؤْلُؤَ وَالذَّهَبَ

همچو اندازنده است بگردن خوکان قلاده جواهر و مروارید و طلا

رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَرَوَى الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ

روایت کرد ابن ماجه و روایت کرد بیهقی در شعب ایمان

إِلَى قَوْلِهِ مُسْلِمٍ وَقَالَ هٰذَا حَدِيثٌ مَتْنُهُ مَشْهُورٌ

تا قول او که مسلم است وگفت این حدیث است که مشهور شده است

وَإِسْنَادُهُ ضَعِيفٌ وَقَدْ رُوِيَ مِنْ أَوْجُهٍ كُلُّهَا ضَعِيفٌ

در میان مردم و اسناد او ضعیف است و بتحقیق روایت کرده شده است بوجوه طرق که همه ضعیف است

وَعَنْ أَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ خَرَجَ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ فَهُوَ فِي سَبِيلِ

علیه وسلم کسیکه بیرون آمد برای طلب علم پس وی در راه

اللّٰهِ حَتَّى يَرْجِعَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالدَّارِمِيُّ

خدا است تا هنگام بازگشتن روایت کرد ترمذی و دارمی

و آنروز که این حدیث روایت کرده بود روی او از هیبت زرد گشت و مویی بر بدنش ایستاد و گوشه‌ی کرد در میان دو کتف

وَعَنْ سَخْبَرَةَ الْاَزْدِيِّ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

روایت است از سخبره ازدی رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ كَانَ كَفَّارَةً

صلے الله علیه وسلم هرکه طلب کند علم را باشد این طلب او کفاره

لِمَا مَضٰى رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ اَبِيْ سَعِيْدٍ

گناهان را که گذشته است روایت کرد ترمذی و دارمی و روایت است از ابی سعید

الْخُدْرِيِّ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

خدری رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم

لَنْ يَّشْبَعَ الْمُؤْمِنُ مِنْ خَيْرٍ يَسْمَعُهُ حَتّٰى يَكُوْنَ مُنْتَهَاهُ

هرگز سیر نمیگردد مومن از شنیدن سخن نیک تا آنکه میباشد نهایت کار او

الْجَنَّةُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ مَسْعُوْدٍ قَالَ سَمِعْتُ

بهشت روایت کرد ترمذی و روایت است از ابن مسعود رض گفت شنیدم

رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ نَضَّرَ اللّٰهُ

پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم که میگفت تر و تازه گرداند خدای تعالی

95

إِمْرَءً سَمِعَ مِنَّا شَيْئًا فَبَلَّغَهُ كَمَا سَمِعَهُ فَرُبَّ مُبَلَّغٍ أَوْعَى لَهُ مِنْ

مرد یرا که شنید از ما چیزیرا پس برسانید آنرا همچنانکه شنید از این بسا کسیکه رسانیده شده بوی نگاهدارنده تر است از

سَامِعٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَوْفِ بْنِ مَالِكٍ الْأَشْجَعِيِّ

شنونده رواه ترمذی و روایت است از عوف ابن مالک اشجعی رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَقُصُّ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم وعظ نمیگوید

إِلَّا أَمِيرٌ أَوْ مَأْمُورٌ أَوْ مُخْتَالٌ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ

مگر حاکم یا کسیکه امر کرده است او را حاکم یا مردی متکبر رواه ابو داود و روایت

أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ

از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی علیه و سلم کسیکه

أُفْتِيَ بِغَيْرِ عِلْمٍ كَانَ إِثْمُهُ عَلَى مَنْ أَفْتَاهُ وَمَنْ أَشَارَ عَلَى

فتوی داده شد بیدانش باشد گناه او بر کسی که استفتا نمود او را و کسیکه امر کرد

أَخِيهِ بِأَمْرٍ يَعْلَمُ أَنَّ الرُّشْدَ فِي غَيْرِهِ فَقَدْ خَانَهُ رَوَاهُ

برادر خود را بکاری که میداند آنکه صلاح کار در غیر آن کار است پس بتحقیق خیانت کرد او را رواه

ابو داود وعن معاوية قال ان النبي صلى الله عليه

ابو داود در روایت ست از معاویه رض گفت بدرستیکه پیغمبر خدا صلی الله

وسلم نهى عن الاغلوطات رواه ابو داود وعن

علیه وسلم نهی کرد از اغلوطات یعنی از مغالطات رواه ابو داود و روایت ست

ابي هريرة رواية يوشك ان يضرب الناس اكباد

از ابی هریره رض بطریق روایت نزدیکست که بزنند مردم جگرهای

الابل يطلبون العلم فلا يجدون احدا اعلم

شتران را در آنحالیکه طلب می کنند علم را پس نیابند هیچ یکی را داناتر

من عالم المدينة رواه الترمذي

از عالم مدینه مطهره رواه ترمذی

97

وعنه فيما اعلم عن رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت ست ازوی در انچه میدانم از پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم این حدیث را فرمود

قال ان الله عز وجل يبعث لهذه الامة على راس كل

پیغمبر خدا [illegible] خدا برانگیزد برای نفع این امت بر سر هر

مائة سنة من يجدد لها دينها رواه ابو داؤد وعن

صد سالی کسی را که نوی گرداند برای این امت دین او را رواه ابوداود و روایت است از

الحسن مرسلا قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

حسن [illegible] بی ارسال گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

من جاءه الموت وهو يطلب العلم ليحيي به الاسلام

کسیکه بیاید او را مرگ حال آنکه وی طلب میکند علم را تا زنده گرداند بآن علم دین اسلام

فبينه وبين النبيين درجة واحدة في الجنة رواه

پس میان او و میان پیغمبران یکپایه تفاوت ست در جنت رواه

الدارمي وعن واثلة بن الاسقع قال قال رسول الله

دارمی و روایت ست از واثله بن اسقع رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم من طلب العلم فادركه كان له

صلی الله علیه وسلم کسیکه بجوید علم دین را پس دریابد آنرا باشد مراورا

كفلان من الاجر فان لم يدركه كان له كفل من الاجر

دو نصیب از ثواب [illegible] دریافت آن علم را باشد مراورا یک ثواب

رواه الدارمي وعن ابي هريرة رضـ قال قال رسول الله

رواه دارمی در روایت ست از ابی هریره رضـ گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم إن مما يلحق المؤمن من عمله

صلی الله علیه وسلم بدرستیکه از انچه میرسد مسلمان را از ثواب کردار وے

وحسناته بعد موته علما علمه ونشره وولدا

واز نیکیهای وے بعد از مرگ وے علمیست که آموخت او را و پراگنده کرد آن را و فرزند

صالحا تركه أو مصحفا ورثه أو مسجدا بناه أو بيتا

نیک کردار که گذاشت او را یا مصحفے که بارث گذاشت او را یا مسجدے که بنا کرد او را یا خانه

لابن السبيل بناه أو نهرا أجراه أو صدقة أخرجها

که برای مسافران بنا کرده ست یا نهری که روان ساخت آن را یا صدقه که بیرون آورد آن را

من ماله في صحته وحياته تلحقه بعد موته

از مال خود در تندرستی خود و در حیوه خود میرسد ثواب این چیزها آن مسلمان را پس مرگ او

رواه ابن ماجه والبيهقي في شعب الإيمان

رواه ابن ماجه بیهقی در شعب الایمان

وعن عائشة رضـ أنها قالت سمعت رسول الله

در روایت ست از عائشه رضـ بدرستیکه گفت شنیدم من انحضرت را

صلى الله عليه وسلم يقول إن الله عز وجل أوحى إليّ

صلی الله علیه وسلم میگفت بدرستی که خدا تعالی وحی کرد بسوی من

٩٩

اَنَّهُ مَنْ سَلَكَ مَسْلَكًا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ سَهَّلْتُ لَهُ طَرِيقَ

هر که برود راهی در طلب علم آسان گردانم مراو را راه

الْجَنَّةِ وَمَنْ سَلَبْتُ كَرِيمَتَيْهِ اَثَبْتُهُ عَلَيْهِمَا الْجَنَّةَ وَفَضْلٌ

بهشت و کسیکه بربایم من هر دو چشم او را ثواب دهم او را در مقابله دو چشم بهشت و زیادتی

فِي عِلْمٍ خَيْرٌ مِنْ فَضْلٍ فِي عِبَادَةٍ وَمِلَاكُ الدِّينِ الْوَرَعُ

در علم بهتر است از زیادتی در عبادت و سبب استحکام و قوهٔ دین ورع و تقوی است

رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض

روایت کرده بیهقی در شعب الایمان و روایت است از ابن عباس رض

قَالَ تَدَارُسُ الْعِلْمِ سَاعَةً مِنَ اللَّيْلِ خَيْرٌ مِنْ اِحْيَائِهَا

گفت درس گفتن علم یک ساعت از شب بهتر است از زنده گردانیدن تمام شب

رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو رض اَنَّ

روایت کرده دارمی و روایت است از عبد الله بن عمرو رض بدرستیکه

رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرَّ بِمَجْلِسَيْنِ فِي مَسْجِدِهِ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم گذشت بدو مجلس که در مسجد شریف وی بود

فَقَالَ كِلَاهُمَا عَلٰى خَيْرٍ وَاَحَدُهُمَا اَفْضَلُ مِنْ صَاحِبِهِ اَمَّا

پس فرمود آن حضرت اهل هر دو مجلس ثابت اند بر نیکی و یکی از آن دو اهل مجلس فاضلتر است از دیگر اما

هٰؤُلَاءِ فَيَدْعُونَ اللّٰهَ وَيَرْغَبُونَ اِلَيْهِ فَاِنْ شَاءَ

این جماعت مشغول اند بدعا پس میخوانند خدا را و رغبت می کنند بسوی او پس اگر بخواهد

اَعْطَاهُمْ وَاِنْ شَاءَ مَنَعَهُمْ وَاَمَّا هٰؤُلَاءِ فَيَتَعَلَّمُونَ

بدهد ایشان را و اگر بخواهد منع کند ایشان را و اما این طایفه که مشغول اند بمذاکرهٔ

الْفِقْهَ اَوِ الْعِلْمَ وَيُعَلِّمُونَ الْجَاهِلَ فَهُمْ اَفْضَلُ *

فقه را یا علم را و می آموزند نادان را پس ایشان فاضلترند

۱۰۰

وَإِنَّمَا بُعِثْتُ مُعَلِّمًا ثُمَّ جَلَسَ فِيهِمْ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْ أَبِي

و فرستاده شده ام من مگر آموزنده علم را پس نشست آنحضرت درمیان این قوم رواه دارمی و روایت است از ابی

الدَّرْدَاءِ قَالَ سُئِلَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا حَدُّ الْعِلْمِ الَّذِي

درداء رضه گفت پرسیده شد از آن حضرت صلی الله علیه وسلم که چیست نهایت علمی که

إِذَا بَلَغَهُ الرَّجُلُ كَانَ فَقِيهًا فَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

چون برسد مرد آنمرتبه را باشد دانا و فقیها پس فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَنْ حَفِظَ عَلَى أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا فِي أَمْرِ دِينِهَا بَعَثَهُ اللّٰهُ فَقِيهًا

کسیکه یاد کرد و برساند برامت من چهل حدیث از کار دین ایشان برانگیزد خدا تعالی او را در زمره فقها

وَكُنْتُ لَهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ شَافِعًا وَّشَهِيدًا وَعَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ

و باشم من و را در قیامت شفاعت کننده و گواهی دهنده و روایت است از انس ابن مالک

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هَلْ تَدْرُونَ مَنْ أَجْوَدُ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم آیا میدانید که کیست زیاده تر

جُودًا قَالُوا اللّٰهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ اللّٰهُ تَعَالَى أَجْوَدُ جُودًا ثُمَّ أَنَا

از روی جود و کرم گفتند صحابه خدا و رسول خدا داناتر است گفت کامل تر از روی جود خدا تعالی است پس من

أَجْوَدُ بَنِي آدَمَ وَأَجْوَدُهُمْ مِنْ بَعْدِي رَجُلٌ عَلِمَ عِلْمًا فَنَشَرَهُ

جوادترم از میان آدمیان جوادترین نوع انسان بعد از من مردیست که حاصل کرد علم را پس نشر کرد علم را

يَأْتِي يَوْمَ الْقِيٰمَةِ أَمِيرًا وَحْدَهُ أَوْ قَالَ أُمَّةً وَّاحِدَةً وَعَنْهُ

می آید روز قیامت تنها مانند امیرے که همراه او تابعان باشند یا گفت راوی مانند امت واحده و روایت است از وے

أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْهُومَانِ لَا يَشْبَعَانِ

بدرستیکه پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود دو حریص سیر نے شوند

مَنْهُومٌ فِي الْعِلْمِ لَا يَشْبَعُ مِنْهُ وَمَنْهُومٌ فِي الدُّنْيَا لَا يَشْبَعُ

یکی حریص در علم سیر نمی شود از تحصیل علم و حریص در دنیا سیر نمیشود

مِنْهَا رَوَى الْبَيْهَقِي الْاَحَادِيْثَ الثَّلٰثَةَ فِي شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَقَالَ

ازان روایت کرد بیہقی این ہرسہ احادیث را در شعب الایمان وگفت

قَالَ الْاِمَامُ اَحْمَدُ فِي حَدِيْثِ اَبِي الدَّرْدَآءِ هٰذَا مَتْنٌ مَشْهُوْرٌ فِيْمَا

کہ گفت امام احمد در حدیث ابی درداء متن این حدیث مشہور است درمیان

بَيْنَ النَّاسِ وَلَيْسَ لَهٗ اِسْنَادٌ صَحِيْحٌ وَعَنْ عَوْنٍ قَالَ قَالَ عَبْدُ اللّٰهِ

مردم ونیست مرویرا اسناد صحیح وروایتست ازعون گفت گفت عبداللہ

بْنُ مَسْعُوْدٍ مَنْهُوْمَانِ لَا يَشْبَعَانِ صَاحِبُ الْعِلْمِ وَصَاحِبُ الدُّنْيَا

ابن مسعود رضہ دو حریص سیر نمی شوند اہل علم و اہل دنیا

وَلَا يَسْتَوِيَانِ اَمَّا صَاحِبُ الْعِلْمِ فَيَزْدَادُ رِضًا لِلرَّحْمٰنِ وَاَمَّا

وبرابر نیستند این ہردو اما صاحب علم پس زیادہ میکند خوشنودی خدائے مہربان را ولیکن

صَاحِبُ الدُّنْيَا فَيَتَمَادٰى فِي الطُّغْيَانِ ثُمَّ قَرَأَ عَبْدُ اللّٰهِ كَلَّا اِنَّ

صاحب دنیا پس نہایت میرود در سرکشی باز خواند عبداللہ این آیۃ را حقا ہرآئینہ

الْاِنْسَانَ لَيَطْغٰى اَنْ رَّاٰهُ اسْتَغْنٰى قَالَ وَقَالَ الْاٰخَرُ

آدمے از حد میگذرد وقتیکہ می بیند خود را تونگر شدہ گفت وگفت بار دیگر

اِنَّمَا يَخْشَى اللّٰهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَآءُ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْهُ

جز این نیست کہ می ترسند از خدا عالمان از بندگان او رواہ دارمے ومرویست ازوی

مُرْسَلًا قَالَ سُئِلَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ رَجُلَيْنِ

ازروی مرسل گفت پرسیدہ شد پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم از حال دو مرد

كَانَا فِي بَنِيْ اِسْرَآئِيْلَ اَحَدُهُمَا كَانَ عَالِمًا يُصَلِّي الْمَكْتُوْبَةَ ثُمَّ

کہ بودند در فرزندان یعقوب علیہ السلام یکے ازان دو مرد بود عالم کہ میگذارد نماز فرض را بستر

يَجْلِسُ فَيُعَلِّمُ النَّاسَ الْخَيْرَ وَالْاٰخَرُ يَصُوْمُ النَّهَارَ وَيَقُوْمُ

می نشست پس می آموخت مردم را علم و مرد دیگر روزہ میداشت بروز ونماز میگذارد

اللَّيْلَ اَيُّهُمَا اَفْضَلُ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَضْلُ هٰذَا

درشب کدام یکے ازین دو مرد فاضلترست فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه و سلم زیادتی ثواب این

الْعَالِمِ الَّذِيْ يُصَلِّي الْمَكْتُوْبَةَ ثُمَّ يَجْلِسُ فَيُعَلِّمُ النَّاسَ الْخَيْرَ عَلَى

عالم که صفتش اینست که میگذارد نماز فرض را پستر می نشست و تعلیم میکرد مردم را علم بران

الْعَابِدِ الَّذِيْ يَصُوْمُ النَّهَارَ وَيَقُوْمُ اللَّيْلَ كَفَضْلِيْ عَلٰى اَدْنَاكُمْ

مرد عابد که روزه میداشت بروز و نماز میگذارد بشب همچو فضل من است بر مردیکه پست پایه تر است از شما

رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ بَابُ مَا جَاءَ فِيْ عِلْمٍ بِلَا عَمَلٍ وَشِرَارِ الْعُلَمَاءِ

روایة دارمی باب احادیثیکه وارد شده است در علم بلا عمل و بدترین علماء

اَفَرَاَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ اِلٰهَهٗ هَوَاهُ وَاَضَلَّهُ اللّٰهُ عَلٰى عِلْمٍ وَّخَتَمَ

آیا دیدی کسے را که معبود خود گرفته است خواهش نفس خود را و گمراه کرد او را خدا باوجود دانش و مُهر نهاد

عَلٰى سَمْعِهٖ وَقَلْبِهٖ وَجَعَلَ عَلٰى بَصَرِهٖ غِشَاوَةً فَمَنْ يَّهْدِيْهِ مِنْ

بر گوش او و دل او و پیدا کرد بر چشم او پرده پس نیست که راه نماید او را

بَعْدِ اللّٰهِ اَفَلَا تَذَكَّرُوْنَ ۝ اَتَاْمُرُوْنَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ

بعد از خدا آیا پند نمی گیرید آیا میفرمائید مردمان را بنکوکاری و فراموش میکنید

اَنْفُسَكُمْ وَاَنْتُمْ تَتْلُوْنَ الْكِتٰبَ اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ

خویشتن را و شما میخوانید کتاب آیا نمی فهمید و روایت است از ابی هریره رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَثَلُ عِلْمٍ لَا يُنْتَفَعُ بِهٖ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه و سلم مثال علمے که نفع گرفته نمی شود بو

كَمَثَلِ كَنْزٍ لَا يُنْفَقُ مِنْهُ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالدَّارِمِيُّ

همچو حال گنجے است که داده نمی شود ازوی در راه خدا روایه احمد و دارمی

وَعَنْ عَلِيٍّ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُوْشِكُ

و روایت است از علی رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه و سلم نزدیک است

۱ جزو ۲۵ رکوع ۱۹

۲ جزو ۱ رکوع ۵

أَنْ يَأْتِيَ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ

که بیاید بر مردم روزگاری که باقی نماند از دین مگر نام او

وَلَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ مَسَاجِدُهُمْ عَامِرَةٌ وَهِيَ خَرَابٌ

و باقی نماند از قرآن مگر آئین وی مسجدهای ایشان آبادان است وحال آنکه آن مسجدها ویران است

مِنَ الْهُدَى عُلَمَاؤُهُمْ شَرُّ مَنْ تَحْتَ أَدِيمِ السَّمَاءِ مِنْ عِنْدِهِمْ

از هدایت دانشمندان ایشان بدترین مردم اند که زیر آسمان اند از نزد ایشان

تَخْرُجُ الْفِتْنَةُ وَفِيهِمْ تَعُودُ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ

بیرون مے آید فتنه وباز هم درایشان باز میگردد روایت کرد بیهقی در شعب ایمان این حدیث را

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ومروی است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم

تَعَوَّذُوا بِاللهِ مِنْ جُبِّ الْحُزْنِ قَالُوا يَا رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

پناه جوئید بخدا از جُبّ حزن گفتند ای پیغمبر خدا صلے الله علیه

وَسَلَّمَ وَمَا جُبُّ الْحُزْنِ قَالَ وَادٍ فِي جَهَنَّمَ يَتَعَوَّذُ مِنْهُ جَهَنَّمُ كُلَّ

وسلم وچیست جُبّ حزن فرمود وادی است در دوزخ پناه میجوید از وی دوزخ هر

يَوْمٍ أَرْبَعَ مِائَةِ مَرَّةٍ قِيلَ يَا رَسُولَ اللهِ وَمَنْ يَدْخُلُهَا قَالَ

روز چهار صد مرتبه گفته شد ای پیغمبر خدا که مے در آید آنرا فرمود

الْقُرَّاءُ الْمُرَاؤُونَ بِأَعْمَالِهِمْ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَكَذَا ابْنُ مَاجَةَ

قرآن خوانندگان ریا کنندگان بعملهای خود روایت کرد ترمذی و همچنین ابن ماجه

وَزَادَ فِيهِ وَإِنَّ مِنْ أَبْغَضِ الْقُرَّاءِ إِلَى اللهِ الَّذِينَ يَزُورُونَ الْأُمَرَاءَ

وزیاده کرد در آن حدیث این کلام را و بدرستیکه از جمله دشمن داشته شده ترین قراء بسوے خدا آن کسان اند که ملاقات میکنند امرا را

قَالَ الْمُحَارِبِيُّ يَعْنِي الْجَوَرَةَ وَعَنِ الْحَسَنِ قَالَ الْعِلْمُ عِلْمَانِ

گفت محاربی مراد به امرا جابرانند وروایت است از حسن رض گفت علم دو علم است

فعلم في القلب فذاك العلم النافع وعلم على اللسان فذاك حجة
پس یک علم علمی است که در دل است پس آن علمی است سودمند و دیگر علمی است که بر سر زبان است پس این علم حجت
الله عز وجل على ابن ادم رواه الدارمي وعن زياد بن
خدا است بر آدمیان که بدان الزام خواهد داد ابن آدم را رواه الدارمی و روایت است از زیاد ابن
حدير قال لي عمر رض هل تعرف ما يهدم الاسلام قلت لا قال
حدیر که گفت مرا عمر رض آیا می‌شناسی چه چیز می‌شکند بنای اسلام را گفتم من نمی‌شناسم گفت عمر
يهدمه زلة العالم وجدال المنافق بالكتاب وحكم الائمة
می‌شکند بنای اسلام را لغزیدن عالم و نزاع منافقان بکتاب خدا و حکم کردن امرای جور
المضلين رواه الدارمي وعن ابي الدرداء رض قال ان من
که گمراه کنندگان خلق اند رواه دارمی و مرویست از ابی درداء گفت بدرستیکه از جمله
اشر الناس عند الله منزلة يوم القيمة عالم لا ينتفع بعلمه رواه
بدترین مردمان نزد خدای تعالی از روی مرتبه روز قیامت عالمی است که فایده نمی‌گیرد از علم خود رواه
الدارمي وعن الاحوص بن حكيم عن ابيه قال سأل رجل النبي
دارمی و روایت است از احوص بن حکیم از پدر خود رض گفت پرسید مردی پیغمبر خدا را
صلى الله عليه وسلم عن الشر فقال لا تسألوني عن الشر وسلوني
صلی الله علیه وسلم از بدی پس فرمود مپرسید مرا از شر و بپرسید مرا
عن الخير يقولها ثلثا ثم قال الا ان شر الشر شرار العلماء وان
از خیر فرمود این کلمه را سه بار پس فرمود بدانید که بدرستی بدترین بدان بدان علما اند و بدرستی که
خير الخير خيار العلماء رواه الدارمي وعن سفيان ان عمر بن
نیکترین نیکان نیکان علما اند رواه دارمی و مرویست از سفیان بدرستی که عمر ابن
الخطاب رض قال لكعب من ارباب العلم قال الذين يعملون بما يعلمون
خطاب رض گفت مر کعب را که کیستند خداوندان علم گفت آنکسان اند که عمل میکنند بانچه علم دارند

قَالَ فَمَا أَخْرَجَ الْعِلْمَ مِنْ قُلُوبِ الْعُلَمَاءِ قَالَ الطَّمَعُ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ

گفت پس چه چیز بیرون می کند نور علم را از دلهای علماء گفت طمع بیرون می کند رواه دارمی

وَعَنِ الْأَعْمَشِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آفَةُ الْعِلْمِ

و روایت است از اعمش رح گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم آفت علم

النِّسْيَانُ وَإِضَاعَتُهُ أَنْ تُحَدِّثَ بِهِ غَيْرَ أَهْلِهِ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ مُرْسَلًا

فراموشی است و ضائع گردانیدن علم اینست که حدیث کنی علم را بغیر اهل علم رواه دارمی بطریق مرسل

وَعَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْعِلْمِ صَانُوا الْعِلْمَ

و روایت است از عبد الله ابن مسعود رض گفت اگر بودے که اهل علم نگاه میداشتند علم را

وَوَضَعُوهُ عِنْدَ أَهْلِهِ لَسَادُوا بِهِ أَهْلَ زَمَانِهِمْ وَلٰكِنَّهُمْ بَذَلُوهُ

و می نهادند علم را نزد اهل آن هر آئینه مهتر می شدند بسبب علم اهل زمان خود را و لیکن اهل علم در باختند علم را

لِأَهْلِ الدُّنْيَا لِيَنَالُوا بِهِ مِنْ دُنْيَاهُمْ فَهَانُوا عَلَيْهِمْ سَمِعْتُ نَبِيَّكُمْ

مر اهل دنیا را تا بیابند بدان علم چیزے از دنیای ایشان پس خوار شدند نزد اهل دنیا شنیدم پیغمبر شما را

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَنْ جَعَلَ الْهُمُومَ هَمًّا وَاحِدًا هَمَّ آخِرَتِهِ

صلی الله علیه و سلم میفرمود کسے که بگرداند قصدهای خود یک قصد که قصد آخرت است

كَفَاهُ اللهُ هَمَّ دُنْيَاهُ وَمَنْ تَشَعَّبَتْ بِهِ الْهُمُومُ أَحْوَالَ الدُّنْيَا

بسنده کند او را خدا تعالی مقصود دنیاوی او و کسے که پریشان گرداند او را قصدهای او که احوال دنیا است

لَمْ يُبَالِ اللهُ فِي أَيِّ أَوْدِيَتِهَا هَلَكَ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ

باک نه پرواندارد خدا که در کدام یکے از وادیهای دنیا هلاک گردد رواه ابن ماجه و روایت است از

ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ أُنَاسًا

ابن عباس رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم بدرستیکه بعض مردم

مِنْ أُمَّتِي سَيَتَفَقَّهُونَ فِي الدِّينِ وَيَقْرَؤُونَ الْقُرْآنَ وَيَقُولُونَ

از امت من نزدیک باشد که فقیه شوند در دین و خوانند قرآن را و بگویند

نَأْتِي الْأُمَرَاءَ فَنُصِيبُ مِنْ دُنْيَاهُمْ وَنَعْتَزِلُهُمْ بِدِينِنَا وَلَا يَكُونُ

می آییم امرارا پس میرسیم چیزے از دنیاے ایشان وگوشه میگیریم از ایشان با دین خود و نمی شود

ذٰلِكَ كَمَا لَا يُجْتَنٰى مِنَ الْقَتَادِ إِلَّا الشَّوْكُ كَذٰلِكَ لَا يُجْتَنٰى مِنْ قُرْبِهِمْ

آن چنانکه چیده نمی شود از درخت خاردار مگر خار همچنین حاصل نمی شود از قرب امرا

إِلَّا قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ الصَّبَّاحِ كَأَنَّهُ يَعْنِي الْخَطَايَا رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْهُ

مگر گفت محمد بن صباح گویا میخواهد ازان گناهان را رواه ابن ماجه و روایت است ازوے

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ أَوَّلَ النَّاسِ يُقْضٰى عَلَيْهِ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم بدرستیکه نخستین مردیکه که حکم کرده شود بروے

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رَجُلٌ اسْتُشْهِدَ فَأُتِيَ بِهٖ فَعَرَّفَهُ نِعَمَهُ فَعَرَفَهَا فَقَالَ

روز قیامت مردیست که کشته شد در راه خدا پس آورده میشود پس شناساند خدا او را نعمت های خود را پس شناسد وے نعمت خدا را پس میگوید

فَمَا عَمِلْتَ فِيهَا قَالَ قَاتَلْتُ فِيكَ حَتّٰى اسْتُشْهِدْتُ قَالَ كَذَبْتَ

بآنمرد پس بگو چه عمل کردی در شکر این نعمت بگوید آنمرد کارزار کردم براے تو تا آنکه کشته شدم میگوید خدا دروغ گفتی

وَلٰكِنَّكَ قَاتَلْتَ لِأَنْ يُقَالَ جَرِيءٌ فَقَدْ قِيلَ ثُمَّ أُمِرَ بِهٖ فَسُحِبَ

ولیکن تو کارزار کردی براے اینکه گفته شود که فلان دلیر است پس تحقیق گفته شد بستر امر کرده شود بجهت وے پس کشیده شود

عَلٰى وَجْهِهٖ حَتّٰى أُلْقِيَ فِي النَّارِ وَرَجُلٌ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَعَلَّمَهُ وَقَرَأَ

بر روے خود تا آنکه انداخته شود در آتش دوزخ و دیگر مردیکه آموخت علم را و آموزانید آنرا و خواند

الْقُرْاٰنَ فَأُتِيَ بِهٖ فَعَرَّفَهُ نِعَمَهُ فَعَرَفَهَا قَالَ فَمَا عَمِلْتَ فِيهَا قَالَ

قرآن را پس آورده شود او را پس شناساند او را خدا نعمتهاے خود پس شناسد وے آن نعمتها را بگوید خدا پس چه کار کردی در شکر این نعمتها میگوید آنمرد

تَعَلَّمْتُ الْعِلْمَ وَعَلَّمْتُهُ وَقَرَأْتُ فِيكَ الْقُرْاٰنَ قَالَ كَذَبْتَ وَلٰكِنَّكَ

آموختم علم را و آموزانیدم آنرا و خواندم قرآن را در رضاے تو میگوید خدا تعالےٰ دروغ گفتی ولیکن تو

تَعَلَّمْتَ الْعِلْمَ لِيُقَالَ إِنَّكَ عَالِمٌ وَقَرَأْتَ الْقُرْاٰنَ لِيُقَالَ هُوَ قَارِئٌ

علم آموختی تا اینکه گفته شود بتحقیق که تو عالمی و خواندی قرآن را تا بگویند مردم که فلان خوانندهٔ قرآن است

فَقَدْ قِيلَ ثُمَّ أُمِرَ بِهِ فَسُحِبَ عَلَى وَجْهِهِ حَتَّى أُلْقِيَ فِي النَّارِ وَرَجُلٌ وَسَّعَ

پس تحقیق گفته شد پس امر کرده شود بجهت وی پس کشیده شود بر روی تا آنکه انداخته شود در دوزخ و دیگر مردیکه فراخ گردانیده است

اللّٰهُ عَلَيْهِ الرِّزْقَ وَأَعْطَاهُ مِنْ أَصْنَافِ الْمَالِ كُلِّهِ فَأُتِيَ بِهِ فَعَرَّفَهُ نِعَمَهُ

خدا بر وی روزی و داده است او را از گونه‌های مال همه مال پس آورده شود او را پس شناساند خدا او را نعمتهای خود

فَعَرَفَهَا قَالَ فَمَا عَمِلْتَ فِيهَا قَالَ مَا تَرَكْتُ مِنْ سَبِيلٍ تُحِبُّ أَنْ يُنْفَقَ

پس شناسد آن نعمت‌ها را میگوید پس چه عمل کردی در شکر این نعمت میگوید نگذاشتم هیچ راهی را که دوست داری تو که صرف کرده شود

فِيهَا إِلَّا أَنْفَقْتُ فِيهَا لَكَ قَالَ كَذَبْتَ وَلٰكِنَّكَ فَعَلْتَ لِيُقَالَ هُوَ

در آن مگر آنکه صرف کردم در آن برضای تو میگوید خدا تعالی دروغ گفتی ولیکن تو کردی این کار تا که گفته شود که او

جَوَادٌ فَقَدْ قِيلَ ثُمَّ أُمِرَ بِهِ فَسُحِبَ عَلَى وَجْهِهِ ثُمَّ أُلْقِيَ فِي النَّارِ رَوَاهُ

سخی است پس تحقیق گفته شد پس امر کرده شود بجهت وی پس کشیده شود بر روی خود پس انداخته شود در دوزخ. رواه

مُسْلِمٌ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

مسلم وروایت است از عبد الله بن عمرو رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ إِنَّ اللّٰهَ لَا يَقْبِضُ الْعِلْمَ انْتِزَاعًا يَنْتَزِعُهُ مِنَ الْعِبَادِ وَلٰكِنْ يَقْبِضُ

وسلم بدرستیکه خدا تعالی نگیرد علم را بطریق کشیدن که بکشد آنرا از دست بندگان ولیکن باز میگیرد

الْعِلْمَ بِقَبْضِ الْعُلَمَاءِ حَتَّى إِذَا لَمْ يُبْقِ عَالِمًا اتَّخَذَ النَّاسُ رُءُوسًا

علم را بمیرانیدن علماء تا آنکه چون باقی نگذارد هیچ عالمی را میگیرند مردم سران

جُهَّالًا فَسُئِلُوا فَأَفْتَوْا بِغَيْرِ عِلْمٍ فَضَلُّوا وَأَضَلُّوا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

قوم جاهلان را پس پرسیده شوند پس فتوی بدهند بی علم پس خود هم گمراه میشوند و هم دیگران را گمراه میکنند متفق علیه و روایت است از

أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ سُئِلَ عَنْ عِلْمٍ

ابی هریره رض گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه پرسیده شود از علمی

عَلِمَهُ ثُمَّ كَتَمَهُ أُلْجِمَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ بِلِجَامٍ مِنْ نَارٍ رَوَاهُ أَحْمَدُ

که میداند آنرا پس پوشید آنرا لگام کرده شود در دهان او روز قیامت از آتش دوزخ رواه احمد

وابوداود والترمذي ورواه ابن ماجة عن انس وعن كعب بن
و ابوداود و ترمذی ورواه ابن ماجه از انس رض وروایتست از کعب ابن

مالك رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من طلب العلم ليجاري به
مالک رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه طلب کند علم را تاکه همراهی کند علما را

العلماء او ليماري به السفهاء او يصرف به وجوه الناس اليه ادخله
بآن یاآنکه جدال کند بآن علم جاهلان را یا بگرداند بآن علم رویهای مردم بسوی خود درآورد او را

الله النار رواه الترمذي وروى ابن ماجة عن ابن عمر رض وعن
خدا درآتش دوزخ رواه ترمذی وروایت کرد ابن ماجه از ابن عمر رض ومرویست از

ابن عباس رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من قال في القرآن
ابن عباس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم هرکه بگوید درقرآن تفسیر

برأيه فليتبوأ مقعده من النار رواه الترمذي وعن ابي هريرة
از قیاس خود پس باید که بگیرد جای نشست خود را از آتش رواه ترمذی ودروایتست از ابی هریره

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من تعلم علما مما يبتغى به
گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه بیاموزد علمی را از جنس علمی که طلب کرده شود بدان علم

وجه الله لا يتعلمه الا ليصيب به عرضا من الدنيا لم يجد عرف
ذات الهی نیاموزد آن علم را مگر آنکه برسد بسبب آن علم متاعی را از دنیا نیابد آنکس بوی

الجنة يوم القيمة يعني ريحها رواه احمد وابوداود وابن ماجة
بهشت روز قیامت رواه احمد و ابوداود و ابن ماجه

وعن اسامة بن زيد قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم
ومرویست از اسامه بن زید رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

يجاء بالرجل يوم القيمة فيلقى في النار فتندلق اقتابه في النار
آورده شود مردی روز قیامت پس انداخته شود در آتش پس بیرون آید بسرعت رودهای او در آتش

فَيَطْحَنُ فِيهَا كَطَحْنِ الْحِمَارِ بِرَحَاهُ فَيَجْتَمِعُ اَهْلُ النَّارِ عَلَيْهِ فَيَقُولُونَ اَيْ

پس آس میکند گرد رودهای خود همچو آس کردن خر با سیا خود پس گرد آیند اهل دوزخ بر آمرد پس بگویند ای

فُلَانُ مَا شَانُكَ اَلَيْسَ كُنْتَ تَاْمُرُنَا بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهٰنَا عَنِ الْمُنْكَرِ

فلان چه حال تست آیا نبوده تو که امر میکردی مارا بمعروف ونهی میکردی مارا از منکر

قَالَ كُنْتُ اٰمُرُكُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَلَا اٰتِيهِ وَاَنْهٰكُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاٰتِيهِ

میگوید آمرد بودم من که امر میکردم شمارا بمعروف و خود نمیکردم آنرا ونهی میکردم شمارا از منکر وخود میکردم آنرا

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَنَسٍ اَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ

متفق علیه وروایت از انس رض بدرستی پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم گفت

رَاَيْتُ لَيْلَةَ اُسْرِيَ بِي رِجَالًا تُقْرَضُ شِفَاهُهُمْ بِمَقَارِيضَ مِنْ نَارٍ

دیدم من شبی که سیر کنانیدند مرا مردمان راکه بریده میشد لبهای اوشان از مقراض هاے آتش

قُلْتُ مَنْ هٰؤُلَاءِ يَا جِبْرَئِيلُ قَالَ هٰؤُلَاءِ خُطَبَاءُ مِنْ اُمَّتِكَ

گفتم من کیستند ایشان ای جبرئیل گفت ایشان خطیبها اند از امت تو که

يَاْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَيَنْسَوْنَ اَنْفُسَهُمْ رَوَاهُ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ

بودند امر کنندگان مردم را با نیکی و فراموش میکردند ذات های خودرا رواه در شرح سنة

كِتَابُ الطَّهَارَةِ

این کتاب طهارت است

يَا اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا اِذَا قُمْتُمْ اِلَى الصَّلٰوةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَاَيْدِيَكُمْ

ای مسلمانان چون بر خیزید بسوی نماز پس بشوئید روهای خودرا و دستهای خودرا

اِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَاَرْجُلَكُمْ اِلَى الْكَعْبَيْنِ وَاِنْ كُنْتُمْ

تا آرنج و مسح کنید سرهاے خودرا وبشوئید پاهای خودرا تا شتالنگ واگر باشید

جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَاِنْ كُنْتُمْ مَرْضٰى اَوْ عَلٰى سَفَرٍ اَوْ جَاءَ اَحَدٌ مِنْكُمْ

با جنابت پس غسل کنید واگر باشید بیمار یا مسافر یا بیاید یکی از شما

مِنَ الْغَائِطِ اَوْ لٰمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوْا مَاءً فَتَيَمَّمُوْا صَعِيْدًا

از خلا جای یا مساس کرده باشید زنان را پس نیابید آب را پس قصد کنید خاک

طَيِّبًا فَامْسَحُوْا بِوُجُوْهِكُمْ وَاَيْدِيْكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيْدُ اللّٰهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ

پاک را پس مسح کنید بر روهای خود و دستهای خود از آن خاک نمیخواهد خدا تعالی که مقرر کند بر شما

مِنْ حَرَجٍ وَّلٰكِنْ يُّرِيْدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهٗ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ

مشقتی ولیکن میخواهد که پاک سازد شمارا و تمام کند نعمت خود را بر شما تا شود که

تَشْكُرُوْنَ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

شکر کنید و روایتست از ابی هریرة رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

اَلَا اَدُلُّكُمْ عَلٰى مَا يَمْحُو اللّٰهُ بِهِ الْخَطَايَا وَيَرْفَعُ بِهِ الدَّرَجَاتِ قَالُوْا بَلٰى

آیا راه نمایم شما را بر عملهائیکه محو میکند خدا تعالی بسبب آن گناهان را و بلند میگرداند بسبب آن مرتبه ها را گفتند آری

يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ قَالَ اِسْبَاغُ الْوُضُوْءِ عَلَى الْمَكَارِهِ وَكَثْرَةُ الْخُطٰى اِلَى

راه نما ای پیغمبر خدا فرمود تمام و کمال کردن وضو در هنگام مشقت و بسیاری گامها در رفتن بسوی

الْمَسَاجِدِ وَانْتِظَارُ الصَّلٰوةِ بَعْدَ الصَّلٰوةِ فَذٰلِكُمُ الرِّبَاطُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

مسجدها و انتظار نماز بعد از نماز پس اینست رباط رواه مسلم

وَعَنْ عُثْمَانَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ

و مروی است از عثمان رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه

تَوَضَّأَ فَاَحْسَنَ الْوُضُوْءَ خَرَجَتْ خَطَايَاهُ مِنْ جَسَدِهٖ حَتّٰى تَخْرُجَ مِنْ

وضو کند و نیک کند وضو را می برآیند گناهان او از بدن او تا آنکه برآید از

تَحْتِ اَظْفَارِهٖ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

زیر ناخنهای او متفق علیه و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا تَوَضَّأَ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ اَوِ الْمُسْلِمُ فَغَسَلَ وَجْهَهٗ

صلی الله علیه وسلم چون وضو میکند بندهٔ مومن یا مسلم پس می شوید روی خود

خَرَجَ مِنْ وَجْهِهٖ كُلُّ خَطِيْئَةٍ نَظَرَ اِلَيْهَا بِعَيْنَيْهِ مَعَ الْمَاۤءِ اَوْ مَعَ اٰخِرِ

بیرون می آید از روی وی هر گناه که نظر کرده است بسوی آن گناه بهر دو چشم خود همراه آب یا با آخر

قَطْرِ الْمَاۤءِ فَاِذَا غَسَلَ يَدَيْهِ خَرَجَ مِنْ يَدَيْهِ كُلُّ خَطِيْئَةٍ بَطَشَتْهَا

قطره از قطره های آب پس چون می شوید هر دو دست خود را بیرون می آید از دستهای وی هر گناهی که میگرفت آن گناه را

يَدَاهُ مَعَ الْمَاۤءِ اَوْ مَعَ اٰخِرِ قَطْرِ الْمَاۤءِ فَاِذَا غَسَلَ رِجْلَيْهِ خَرَجَ كُلُّ

هر دو دست او همراه آب یا همراه آخر قطره از قطره های آب پس چون می شوید هر دو پای خود بیرون می آید هر

خَطِيْئَةٍ مَشَتْهَا رِجْلَاهُ مَعَ الْمَاۤءِ اَوْ مَعَ اٰخِرِ قَطْرِ الْمَاۤءِ حَتّٰى يَخْرُجَ

گناهیکه رفته است بسوی آن هر دو پای او همراه آب یا با آخر قطره از قطره های آب تا آنکه بیرون می آید

نَقِيًّا مِّنَ الذُّنُوْبِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عُثْمَانَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

از جای وضو پاک از گناهان رواه مسلم و روایت از عثمان رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنِ امْرِءٍ مُّسْلِمٍ تَحْضُرُهٗ صَلٰوةٌ مَّكْتُوْبَةٌ

صلی الله علیه وسلم نیست هیچ مردے مسلمان که حاضر میشود او را وقت نماز فرض

فَيُحْسِنُ وُضُوْءَهَا وَخُشُوْعَهَا وَرُكُوْعَهَا اِلَّا كَانَتْ كَفَّارَةً لِّمَا قَبْلَهَا

پس نیک میکند وضوی نماز را و نیک میکند خشوع نماز را و نیک کند رکوع نماز را مگر باشد این نماز کفاره مر آنچه را که پیش

مِنَ الذُّنُوْبِ مَا لَمْ يُؤْتِ كَبِيْرَةً وَذٰلِكَ الدَّهْرَ كُلَّهٗ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

ازین کرده است از گناهان مادام که بوجود نیارد گناه کبیره را و این کفاره بودن همیشه است رواه مسلم

وَعَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از عقبه ابن عامر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَا مِنْ مُّسْلِمٍ يَّتَوَضَّأُ فَيُحْسِنُ وُضُوْءَهٗ ثُمَّ يَقُوْمُ فَيُصَلِّيْ رَكْعَتَيْنِ

نیست هیچ مسلمانے که وضو کند پس نیک سازد وضوی خود را پستر بایستد پس بگذارد دو رکعت

مُقْبِلٌ عَلَيْهِمَا بِقَلْبِهٖ وَوَجْهِهٖ اِلَّا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

در حالیکه وی پیش آینده است بدان دو رکعت بدل خود و روی خود مگر آنکه واجب گردد مر وی را بهشت رواه مسلم

وَعَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ اُمَّتِيْ

وروایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه امت من

يُدْعَوْنَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ غُرًّا مُّحَجَّلِيْنَ مِنْ اٰثَارِ الْوُضُوْءِ فَمَنِ اسْتَطَاعَ مِنْكُمْ

خوانده شود در محشر غر محجلین از آثار وضو پس کسیکه می تواند از شما

اَنْ يُّطِيْلَ غُرَّتَهٗ فَلْيَفْعَلْ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

که دراز کند غره خودرا باید که بکند متفق علیه وازوی روایت گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَبْلُغُ الْحِلْيَةُ مِنَ الْمُؤْمِنِ حَيْثُ يَبْلُغُ الْوُضُوْءُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

علیه وسلم میرسد سیما و نشان وضو در دست و پای متوضی تا آنجا که میرسد آب وضو رواه مسلم

وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ تَوَضَّاَ

وروایت است از ابن عمر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه وضو سازد

عَلٰى طُهْرٍ كُتِبَ لَهٗ عَشْرُ حَسَنَاتٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ جَابِرٍ رض

بر طهارت نوشته شود برای وی ده نیکی رواه ترمذی وروایت است از جابر رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِفْتَاحُ الْجَنَّةِ الصَّلٰوةُ وَمِفْتَاحُ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کلید بهشت و مقدمهٔ در آمدن آن نماز است و کلید

الصَّلٰوةِ الطُّهُوْرُ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ الصُّنَابِحِيِّ رض قَالَ

نماز و مقدمهٔ او طهارت است رواه احمد وروایت است از عبد الله صنابحی رض گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا تَوَضَّاَ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ فَتَمَضْمَضَ

فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چون وضو سازد بندهٔ مسلمان پس آب در دهن میکند

خَرَجَتِ الْخَطَايَا مِنْ فِيْهِ وَاِذَا اسْتَنْثَرَ خَرَجَتِ الْخَطَايَا مِنْ

بیرون می آیند گناهان از دهن وی و چون بینی می افشاند بیرون می آیند گناهان از

اَنْفِهٖ وَاِذَا غَسَلَ وَجْهَهٗ خَرَجَتِ الْخَطَايَا مِنْ وَّجْهِهٖ حَتّٰى تَخْرُجَ مِنْ تَحْتِ

بینی وی و چون می شوید روی خودرا بیرون می آیند گناهان از روی وی تا آنکه بیرون می آیند از زیر

أَشْفَارِ عَيْنَيْهِ فَإِذَا غَسَلَ يَدَيْهِ خَرَجَتِ الْخَطَايَا مِنْ يَدَيْهِ حَتَّى تَخْرُجَ

مژه های دو چشم او پس چون می شوید هردو دست خود را بیرون می آیند گناهان از هردو دست وی تا آنکه بیرون آیند

مِنْ أَظْفَارِ يَدَيْهِ فَإِذَا مَسَحَ بِرَأْسِهِ خَرَجَتِ الْخَطَايَا مِنْ رَأْسِهِ حَتَّى

از ناخنهای هردو دست وی پس چون مسح میکند به سر خود بیرون می آیند گناهان از سر وی تا آنکه

تَخْرُجَ مِنْ أُذُنَيْهِ فَإِذَا غَسَلَ رِجْلَيْهِ خَرَجَتِ الْخَطَايَا مِنْ رِجْلَيْهِ حَتَّى

بیرون می آیند از هردو گوش وی پس چون می شوید هردو پای خود را بیرون می آیند گناهان از هردو پای وی تا آنکه

تَخْرُجَ مِنْ تَحْتِ أَظْفَارِ رِجْلَيْهِ ثُمَّ مَشْيُهُ إِلَى الْمَسْجِدِ وَصَلٰوتُهُ

بیرون می آیند از زیر ناخنهای هردو پای او پستر میباشد رفتن او بسوی مسجد و نماز گذاردن او

نَافِلَةً لَهُ رَوَاهُ مَالِكٌ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ أَبِي رَافِعٍ قَالَ أُهْدِيَتْ

زیادتی برای کشدن از گناهان مراد او رواه مالک و نسائی و مرویست از ابی رافع رض گفت بهدیه فرستاده شد

لَهُ شَاةٌ فَجَعَلَهَا فِي الْقِدْرِ فَدَخَلَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ

برای او گوسفندی پس گردانید آن گوسفند را ابورافع در دیگ پس درآمد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم پس فرمود

مَا هٰذَا يَا أَبَا رَافِعٍ فَقَالَ شَاةٌ أُهْدِيَتْ لَنَا يَا رَسُولَ اللهِ فَطَبَخْتُهَا فِي

آنحضرت چیست اینکه در دیگ است ای ابارافع پس گفت این گوشت گوسفندیست که بهدیه فرستاده شده است برای ما ای پیغمبر خدا پس پختم آنرا

الْقِدْرِ قَالَ نَاوِلْنِي الذِّرَاعَ يَا أَبَا رَافِعٍ فَنَاوَلْتُهُ الذِّرَاعَ ثُمَّ قَالَ نَاوِلْنِي

درین دیگ فرمود آنحضرت بده مرا دست ای ابارافع پس دادم آنحضرت را ذراع پستر فرمود بده مرا

الذِّرَاعَ الْآخَرَ فَنَاوَلْتُهُ الذِّرَاعَ الْآخَرَ ثُمَّ قَالَ نَاوِلْنِي الذِّرَاعَ الْآخَرَ

ذراع دیگر پس دادم آنحضرت را ذراع دیگر پستر فرمود بده مرا ذراع دیگر

فَقَالَ يَا رَسُولَ اللهِ إِنَّمَا لِلشَّاةِ ذِرَاعَانِ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ

پس گفت ای پیغمبر خدا نمی باشد گوسفند را مگر دو ذراع پس فرمود مر او را پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَمَا إِنَّكَ لَوْ سَكَتَّ لَنَاوَلْتَنِي ذِرَاعًا فَذِرَاعًا مَا سَكَتَّ

علیه وسلم آگاه باش بدرستیکه اگر خاموش میماند هرآئینه میدادی مرا ذراعی بعد از ذراعی مادام که خاموش می بودی

ثُمَّ دَعَا بِمَاءٍ فَتَمَضْمَضَ فَاهُ وَغَسَلَ أَطْرَافَ أَصَابِعِهِ ثُمَّ قَامَ فَصَلَّى

پستر طلبید آنحضرت آب را پس مضمضه کرد دهان مبارک خود را و بشست کرانهای انگشتان خود را پستر برخاست پس بگذارد نماز را

ثُمَّ عَادَ إِلَيْهِمْ فَوَجَدَ عِنْدَهُمْ لَحْمًا بَارِدًا فَأَكَلَ ثُمَّ دَخَلَ الْمَسْجِدَ

پستر باز گشت بسوی اهل و عیال ابی رافع پس یافت نزد ایشان گوشت سرد را پس بخورد آنحضرت پستر درآمد مسجد را

فَصَلَّى وَلَمْ يَمَسَّ مَاءً رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ أَنَسٍ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللهِ

پس بگذارد نماز را و مس نکرد آب را رواه احمد و مرویست از انس رض گفت بود پیغمبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَتَوَضَّأُ بِرَطْلَيْنِ وَيَغْتَسِلُ بِالصَّاعِ جمع الجوامع

صلی الله علیه و سلم که وضو میکرد از دو رطل و غسل میکرد از یک صاع مرویست در جمع الجوامع

وَعَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابی درداء رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم

أَنَا أَوَّلُ مَنْ يُؤْذَنُ لَهُ بِالسُّجُودِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَأَنَا أَوَّلُ مَنْ يُؤْذَنُ

من اول کسی ام که دستوری داده شود مرا در السجده روز قیامت و من نخستین کسی ام که اذن کرده شود

لَهُ أَنْ يَرْفَعَ رَأْسَهُ فَأَنْظُرُ إِلَى مَا بَيْنَ يَدَيَّ فَأَعْرِفُ أُمَّتِي مِنْ بَيْنِ

مرا او را که بردارد سر خود را پس نگاه کنم بسوی خلقی که استاده اند پیش روی دست من پس شناسم امت خود را از میان

الْأُمَمِ وَمِنْ خَلْفِي مِثْلَ ذٰلِكَ وَعَنْ يَمِيْنِي مِثْلَ ذٰلِكَ وَعَنْ شِمَالِي

امتهای دیگر و بینم از جانب پس پشت خود مانند آن و بینم از جانب راست مانند آن و از جانب چپ

مِثْلَ ذٰلِكَ فَقَالَ رَجُلٌ يَا رَسُوْلَ اللهِ كَيْفَ تَعْرِفُ أُمَّتَكَ مِنْ بَيْنِ

مانند آن پس گفت مردی ای پیغمبر خدا چگونه شناسی امت خود را از میان

الْأُمَمِ فِيْمَا بَيْنَ نُوحٍ إِلَى أُمَّتِكَ قَالَ هُمْ غُرٌّ مُحَجَّلُوْنَ مِنْ أَثَرِ

امت ها در میان آنکه دیده که درمیان نوح است تا امت تو گفت امت من نورانی پیشانی اند از نشان

الْوُضُوْءِ لَيْسَ أَحَدٌ كَذٰلِكَ غَيْرُهُمْ وَأَعْرِفُهُمْ أَنَّهُمْ يُؤْتَوْنَ كُتُبَهُمْ

وضو نیست هیچکس باین صفت غیر ایشان و شناسم ایشان را بآنکه داده شود ایشان را نامهای

اعمال شان

بِاَیْمَانِهِمْ وَاَغْرِفُهُمْ تَسْعٰی بَیْنَ اَیْدِیْهِمْ ذُرِّیَّتُهُمْ رَوَاهُ اَحْمَدُ

بدست راست ایشان و شناسم ایشان را بانکه بروند پیش پیش ایشان فرزندان خرد ایشان رواه احمد

بَابُ اٰدَبِ الْخَلَاءِ

این باب در آداب بیت الخلا است

عَنْ اَبِیْ اَیُّوْبَ الْاَنْصَارِیِّ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ اِذَا

مرویست از ابی ایوب انصاری رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم چون

اَتَیْتُمُ الْغَائِطَ فَلَا تَسْتَقْبِلُوا الْقِبْلَةَ وَلَا تَسْتَدْبِرُوْهَا وَلٰکِنْ شَرِّقُوْا

بیائید شما قضای حاجت را پس رو مکنید بسوی قبله و نه پشت دهید بجانب آن ولیکن رو بجانب شرق کنید

اَوْ غَرِّبُوْا مُتَّفَقٌ عَلَیْهِ وَعَنْ سَلْمَانَ قَالَ نَهَانَا یَعْنِیْ رَسُوْلَ اللّٰهِ

یا جانب غرب متفق علیه و مرویست از سلمان رض گفت نهی کرد ما را یعنی پیغمبر خدا

صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ اَنْ نَسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةَ لِغَائِطٍ اَوْ بَوْلٍ اَوْ اَنْ نَسْتَنْجِیَ

صلے الله علیه وسلم از روی آوردن بقبله برای پایخانه و شاشه و از استنجا کردن ما

بِالْیَمِیْنِ اَوْ اَنْ نَسْتَنْجِیَ بِاَقَلَّ مِنْ ثَلٰثَةِ اَحْجَارٍ اَوْ اَنْ نَسْتَنْجِیَ بِرَجِیْعٍ

بدست راست و از استنجا کردن بکمتر از سه سنگ و نهی کرد از استنجا کردن بسرگین

اَوْ بِعَظْمٍ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَنَسٍ قَالَ کَانَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی

یا باستخوان رواه مسلم و مرویست از انس رض گفت انس که بود پیغمبر خدا صلے

اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ اِذَا دَخَلَ الْخَلَاءَ یَقُوْلُ اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِکَ مِنَ

الله علیه وسلم چون درمی آمد بے خانه را میگفت اللهم انی اعوذ بک من

الْخُبُثِ وَالْخَبَائِثِ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ مَرَّ النَّبِیُّ صَلَّی اللّٰهُ

الخبث والخبائث و مرویست از ابن عباس رض گفت گذشت پیغمبر خدا صلے الله

عَلَیْهِ وَسَلَّمَ بِقَبْرَیْنِ فَقَالَ اِنَّهُمَا لَیُعَذَّبَانِ وَمَا یُعَذَّبَانِ فِیْ کَبِیْرٍ

علیه وسلم به دو گور پس فرمود بدرستیکه صاحب این دو گور هر آئینه عذاب کرده میشوند و عذاب کرده نمیشوند بجهت

أَمَّا أَحَدُهُمَا فَكَانَ لَا يَسْتَتِرُ مِنَ الْبَوْلِ وَفِي رِوَايَةٍ لِمُسْلِمٍ لَا يَسْتَنْزِهُ

اما یکی ازان دو حال شان این بود که پرده نمیگرفت در بول و در روایت دیگر مسلم راست که طلب نزاهت نمیکرد

مِنَ الْبَوْلِ وَأَمَّا الْآخَرُ فَكَانَ يَمْشِي بِالنَّمِيمَةِ ثُمَّ أَخَذَ جَرِيدَةً رَطْبَةً

از بول اما دیگر پس بود که میرفت بسوی مردم بسخن چینی پس گرفت شاخی از خرما که تر بود

فَشَقَّهَا بِنِصْفَيْنِ ثُمَّ غَرَزَ فِي كُلِّ قَبْرٍ وَاحِدَةً فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللّٰهِ

پس باز کرد آن شاخ را بدو پاره پس در خلانید در هر قبر یکی ازان دو پاره را پس گفتند ای پیغامبر خدا

لِمَ صَنَعْتَ هٰذَا فَقَالَ لَعَلَّهُ أَنْ يُخَفَّفَ عَنْهُمَا مَا لَمْ يَيْبَسَا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

چرا کردی تو این فعل را پس گفت کردم بامید آنکه سبک گردانیده شود عذاب ازان دو قبر تا آنکه تر باشند متفق علیه

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِتَّقُوا

و مرویست از ابی هریره گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بپرهیزید

اللَّاعِنَيْنِ قَالُوا وَمَا اللَّاعِنَانِ يَا رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

از دو کار که سبب لعنت میشوند گفتند چیست آن دو کار ای پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

قَالَ الَّذِي يَتَخَلَّى فِي طَرِيقِ النَّاسِ أَوْ فِي ظِلِّهِمْ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

فرمود آنکه قضاء حاجت میکند در راه مردم یا در سایه ایشان رواه مسلم در روایت است از

أَنَسٍ قَالَ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا دَخَلَ الْخَلَاءَ

انس رض گفت بود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم چون میخواست که در آید در متوضا

نَزَعَ خَاتَمَهُ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَالتِّرْمِذِيُّ وَقَالَ أَبُو دَاوُدَ هٰذَا

می کشید انگشتری خود را رواه ابو داؤد و نسائی و ترمذی و گفت ابو داؤد این

حَدِيثٌ مُنْكَرٌ وَفِي رِوَايَةٍ وَضَعَ بَدَلَ نَزَعَ وَعَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمَ قَالَ

حدیث منکر است و در روایت دیگر وضع آمده است در بدل نزع و مرویست از زید ابن ارقم رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ هٰذِهِ الْحُشُوشَ مُحْتَضَرَةٌ فَإِذَا أَتَى

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستی که این الخلاها جای حاضر شدن جن و شیاطین اند پس چون بیاید

أَحَدُكُمُ الْخَلَاءَ فَلْيَقُلْ أَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الْخُبُثِ وَالْخَبَائِثِ رَوَاهُ أَبُودَاوُدَ

یکی شما آنجا نه را باید که پناه بجوید و بگوید این کلمه را که اعوذ بالله من الخبث والخبائث رواه ابو داؤد

وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَلِيٍّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و ابن ماجه و مرویست از علی رضی الله عنه گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

سِتْرُ مَا بَيْنَ أَعْيُنِ الْجِنِّ وَعَوْرَاتِ بَنِي آدَمَ إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمُ الْخَلَاءَ أَنْ

پرده میان چشمهای جن و اندام شرم آدمیان چون در آید یکی از شما محل قضای حاجت را اینست

يَقُولَ بِسْمِ اللهِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ لَمَّا قَدِمَ

که بگوید بسم الله رواه ترمذی و روایت است از ابن مسعود رضی الله عنه گفت هرگاه که آمدند

وَفْدُ الْجِنِّ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالُوا يَا رَسُولَ اللهِ انْهَ أُمَّتَكَ

ایلچیان پریان بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفتند ای پیغامبر خدا نهی کن امت خود را

أَنْ يَسْتَنْجُوا بِعَظْمٍ أَوْ رَوْثَةٍ أَوْ حُمَمَةٍ فَإِنَّ اللهَ جَعَلَ لَنَا فِيهَا رِزْقًا

از استنجا کردن ایشان با استخوان یا سرگین یا انگشت زیرا که خدا تعالی گردانید برای ما درین سه چیز روزی

فَنَهَانَا رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ ذَلِكَ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ

پس نهی کرد ما را پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم ازان رواه ابو داؤد

بَابُ السِّوَاكِ

این باب در بیان مسواک کردن است

عَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَشْرٌ

روایت است از عائشه رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم ده خصلت

مِنَ الْفِطْرَةِ قَصُّ الشَّارِبِ وَإِعْفَاءُ اللِّحْيَةِ وَالسِّوَاكُ وَاسْتِنْشَاقُ

از فطرت است کوتاه کردن سبلت و فرو گذاشتن ریش و مسواک کردن و آب در بینی

الْمَاءِ وَقَصُّ الْأَظْفَارِ وَغَسْلُ الْبَرَاجِمِ وَنَتْفُ الْإِبْطِ وَحَلْقُ الْعَانَةِ

کردن و گرفتن ناخنها و شستن بند های انگشتان و برکندن موی بغل و ستردن موی زهار

وَانْتِقَاصُ الْمَاءِ يَعْنِي الْاِسْتِنْجَاءَ قَالَ الرَّاوِيْ وَنَسِيْتُ الْعَاشِرَةَ اِلَّا اَنْ

وکم کردن آبست یعنی راوی گوید مراد استنجا باشد و گفت راوی حدیث فراموش کردم خصلت دہم را مگر اینکہ

تَكُوْنَ الْمَضْمَضَةَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عَائِشَةَ رضـ قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

باشد مضمضہ رواہ مسلم و روایت از عائشہ رضـ گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَلسِّوَاكُ مَطْهَرَةٌ لِّلْفَمِ مَرْضَاةٌ لِّلرَّبِّ رَوَاهُ

صلی اللہ علیہ وسلم مسواک پاک کنندہ است مر دہن را و راضی کنندہ پروردگار را رواہ

الشَّافِعِيُّ وَاَحْمَدُ وَالدَّارِمِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَرَوَى الْبُخَارِيُّ فِيْ صَحِيْحِهٖ بِلَا اِسْنَادٍ

الشافعی واحمد والدارمی والنسائی و روایت کرد بخاری در صحیح خود بغیر از اسناد

وَعَنْ اَبِيْ اَيُّوْبَ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَرْبَعٌ

و روایت از ابی ایوب رضـ گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم چہار خصلت اند

مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِيْنَ اَلْحَيَاءُ وَيُرْوَى الْخِتَانُ وَالتَّعَطُّرُ وَالسِّوَاكُ

از سنتہای پیغمبران سابق یکی حیا است و در روایت آوردہ می شود ختان بجای حیا دوم استعمال خوشبو نمودن سوم مسواک

وَالنِّكَاحُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ اَبِيْ اُمَامَةَ رضـ اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ

وچہارم نکاح کردن است رواہ ترمذی و روایت است از ابی امامہ رضـ بدرستیکہ پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَا جَاءَنِيْ جِبْرَئِيْلُ قَطُّ اِلَّا اَمَرَنِيْ بِالسِّوَاكِ

صلی اللہ علیہ وسلم گفت نیامد جبرئیل ہرگز مگر آنکہ امر کرد مرا بمسواک کردن

لَقَدْ خَشِيْتُ اَنْ اُحْفِيَ مُقَدَّمَ فِيَّ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَعَنْ اَنَسٍ قَالَ قَالَ

ہر آئینہ ترسیدم از بس مبالغہ کہ بیست کنم پیش دہان خود را رواہ احمد و روایت از انس رضـ گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَقَدْ اَكْثَرْتُ عَلَيْكُمْ فِي السِّوَاكِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم ہر آئینہ بتحقیق بسیار کردم بر شما سخن از جہت مسواک رواہ البخاری

وَعَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تُفَضَّلُ الصَّلٰوةُ

و روایت است از عائشہ رضـ گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم زیادہ می شود در ثواب نماز کہ

الَّتِي يُسْتَاكُ لَهَا عَلَى الصَّلٰوةِ الَّتِي لَا يُسْتَاكُ لَهَا سَبْعِينَ ضِعْفًا رَوَاهُ

مسواک کرده شده برادی بر نماز یکه مسواک کرده نمیشود برای وی هفتاد چند روایت کرد

الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى ابْنِ حَبَّانَ قَالَ قُلْتُ

بیهقی در شعب ایمان وم رویست از محمد بن یحیی ابن حبان رض گفت گفتم

لِعُبَيْدِ اللّٰهِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ ابْنِ عُمَرَ أَرَأَيْتَ وُضُوْءَ عَبْدِ اللّٰهِ ابْنِ عُمَرَ

من مر عبید الله بن عبد الله بن عمر را خبرده مرا از وضوء عبد الله بن عمر

لِكُلِّ صَلٰوةٍ طَاهِرًا كَانَ أَوْ غَيْرَ طَاهِرٍ عَمَّنْ أَخَذَهُ فَقَالَ حَدَّثَتْهُ أَسْمَاءُ

برای هر نماز وضو باشد یا بے وضو از که گرفته است پس گفت که حدیث کرد اسمار

بِنْتُ زَيْدِ بْنِ الْخَطَّابِ أَنَّ عَبْدَ اللّٰهِ بْنَ حَنْظَلَةَ ابْنِ أَبِي عَامِرِ الْغَسِيلِ

دختر زید بن خطاب بدرستیکه عبد الله بن حنظله بن ابی عامر غسیل

حَدَّثَهَا أَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ أُمِرَ بِالْوُضُوْءِ لِكُلِّ

حدیث کرد اسما بنت زید را بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم بود امر کرده شده بوضو برای هر

صَلٰوةٍ طَاهِرًا كَانَ أَوْ غَيْرَ طَاهِرٍ فَلَمَّا شَقَّ ذٰلِكَ عَلَى رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

نماز با وضو باشد یا بے وضو پس هرگاه که سخت آمد آن بر پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أُمِرَ بِالسِّوَاكِ عِنْدَ كُلِّ صَلٰوةٍ وَوُضِعَ عَنْهُ الْوُضُوْءُ إِلَّا مِنْ

علیه وسلم امر کرده شد بمسواک کردن نزدیک هر نماز و نهاده شد از ذمه شریف آنحضرت وضو مگر

حَدَثٍ قَالَ فَكَانَ عَبْدُ اللّٰهِ يَرَى أَنَّ بِهِ قُوَّةً عَلَى ذٰلِكَ فَفَعَلَهُ حَتّٰى

از جهة بیوضوئے گفت عبید الله پس عبد الله که اعتقاد میکرد که مر ویرا قوتست بر این پس میکرد آنکار را تا آنکه

مَاتَ رَوَاهُ أَحْمَدُ ۞

كِتَابُ الصَّلٰوةِ

۞ وَأَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ

مرد روایه احمد این کتاب صلوة است و بر پا دارید نماز را

وَآتُوا الزَّكٰوةَ وَأَطِيْعُوا الرَّسُوْلَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُوْنَ ۞ وَاسْتَعِيْنُوْا بِالصَّبْرِ

و بدهید زکوة را و فرمانبرداری کنید پیغامبر را بود که بر شما رحم کرده شود و مدد طلبید بشکیبایی

والصلوة وانها لكبيرة الا على الخاشعين الذين يظنون انهم

ونماز و هرآینه نماز دشوار است مگر بر فروتنی کنندگان آنانکه میدانند که ایشان ملاقات کنندگان اند

ربهم وانهم اليه راجعون حافظوا على الصلوات والصلوة الوسطى

با پروردگار خویش و آنانکه ایشان بسوی خدای باز خواهند گشت محافظت کنید بر همه نمازها و بر نماز میانه

وقوموا لله قانتين فاصبر على ما يقولون وسبح بحمد ربك قبل طلوع

و باستید برای خدا فرمانبردار شده پس صبر کن بر آنچه میگویند و بپاکی یاد کن همراه ستایش پروردگار خود پیش از بر آمدن

الشمس وقبل الغروب ومن الليل فسبحه وادبار السجود

آفتاب و پیش از فرو شدن و در بعضی اوقات شب پس بپاکی یاد کن خدا را و عقب نماز ها

باب ما جاء في الترغيب فيها

باب احادیثی که در ترغیب آن وارد شده

ان الذين امنوا وعملوا الصلحت واقاموا الصلوة واتوا الزكوة لهم

هر آینه کسانیکه ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته و بر پا داشتند نماز را و دادند زکوة را مر ایشان راست

اجرهم عند ربهم ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون اقم الصلوة

مزد ایشان نزدیک پروردگار ایشان و نیست ترسی بر ایشان و نه ایشان اندوهگین شوند بر پا دار نماز را

لدلوك الشمس الى غسق الليل وقران الفجر ان قران الفجر كان

وقت زوال آفتاب تا هجوم تاریکی شب و لازم گیر قرآن خواندن فجر را هر آینه قرآن خواندن فجر

مشهودا وعن ابن مسعود رضي الله تعالى عنه قال سألت النبي

حاضر میشوند فرشتگان و در روایت است از ابن مسعود رضی الله تعالی عنه گفت پرسیدم پیغامبر خدا را

صلى الله عليه وسلم اي الاعمال احب الى الله قال الصلوة لوقتها

صلی الله علیه وسلم کدام عمل از عملها محبوب تر است نزد خدا گفت نماز گزاردن در وقتش

قلت ثم اي قال بر الوالدين قلت ثم اي قال الجهاد في سبيل الله

گفتم پستر کدام گفت نیکی کردن با مادر و پدر گفتم پستر کدام فرمود کارزار کردن با کافران در راه خدا

قال حدثني بهن ولو استزدته لزادني متفق عليه وعن ابي ذر

گفت ابن مسعود حدیث کرد مرا آنحضرت باین اعمال و اگر طلب زیاده میکردم از آنحضرت هرآینه زیاده میداد متفق علیه و بست از ابی ذر رض

ان النبي صلى الله عليه وسلم خرج زمن الشتاء والورق يتهافت

بدرستی که پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بیرون آمد در زمستان و حال آنکه برگهاے درختان می افتاد پیاپی

فاخذ بغصنين من شجرة قال فجعل ذلك الورق يتهافت قال

پس گرفت آنحضرت دو شاخ را از درختی گفت ابوذر پس نهادن گرفت برگهاے آن درخت بیشتر از آنچه بیشتر بودی افتاد گفت ابوذر

فقال يا ابا ذر قلت لبيك يا رسول الله قال ان العبد المسلم

پس فرمود آنحضرت ای ابوذر گفتم بخدمت استاده ام ای رسول خدا فرمود بدرستیکه هر بنده مسلمان

ليصلي الصلوة يريد بها وجه الله تعالى فتهافت عنه ذنوبه كما

هرآینه میگذارد نماز را در حالیکه میخواهد بآن نماز ذات خدایتعالی پس پیاپی می افتد از بنده گناهان او چنانکه

تهافت هذا الورق عن هذه الشجرة رواه احمد وعن زيد بن

می افتد این برگها از این درخت رواه احمد و مرویست از زید ابن

خالد الجهني قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من صلى

خالد جهنی رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه بگذارد

سجدتين لا يسهو فيهما غفر الله له ما تقدم من ذنبه رواه

دو رکعت را که سهو و غفلت نکند دران بیامرزد خدا مر او را هرچه گذشته است از گناه وے رواه

احمد وعن ابي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

احمد و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم

الصلوة الخمس والجمعة الى الجمعة ورمضان الى رمضان

نمازهاے پنجگانه و نماز جمعه تا جمعه دیگر و روزه رمضان تا رمضان دیگر

مكفرات لما بينهن اذا اجتنبت الكبائر رواه مسلم وعنه

محو کننده اند گناهانی را که در میان اینهاست مادامیکه پرهیز کرده شود از گناهان کبیره رواه مسلم و هم از ابی هریره است

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم أرأيتم لو أن نهرا

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم خبر دهید مرا اگر ثابت شود که جوی روانست بر در

یغتسل فیه کل یوم خمسا هل یبقی من درنه شیء قالوا لا یبقی

یکی غسل میکند در آن جوی هر روز پنج وقت آیا باقی بماند از چرک وی هیچ گفتند باقی نماند

من درنه شیء قال فذلك مثل الصلوات الخمس یمحو الله

از چرک وی چیزی فرمود پس این حال نماز پنجگانه است که محو میکند خدا

متفق علیه وعن عبادة بن الصامت قال قال رسول الله

متفق علیه و روایت است از عبادة ابن صامت رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم خمس صلوات افترضهن الله تعالى من أحسن

صلی الله علیه وسلم پنج نماز است که فرض گردانیده است آنها را خدای تعالی کسیکه نیکو کند

وضوءهن وصلاهن لوقتهن وأتم ركوعهن وخشوعهن كان

وضوی آن نمازها و بگذارد آنها را در وقت شان و تمام بجا آرد رکوع شان و خشوع شان باشد

له على الله عهد أن يغفر له ومن لم يفعل فليس له على الله

مر او را بر خدای تعالی عهد که بیامرزد مر او را و کسی که نکند آنرا و نگذارد نماز بر آن و نیست مر او را

عهد إن شاء غفر له وإن شاء عذبه رواه أحمد وأبو داود وروى

عهد لازم اگر میخواهد بیامرزد او را و اگر میخواهد عذاب کند او را روایت کرده احمد و ابو داود و روایت کرده

مالك والنسائي نحوه وعن أبي أمامة قال قال رسول الله

مالک و نسائی مانند آن و روایت است از ابی امامه رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم صلوا خمسكم وصوموا شهركم وأدوا زكوة

صلی الله علیه وسلم بگذارید پنج نماز خود را و روزه دارید ماه خود را که رمضان است و بدهید زکوة

أموالكم وأطيعوا إذا أمركم تدخلوا جنة ربكم رواه أحمد والترمذي

مالهای خود را و فرمانبرداری کنید خداوند امر خود را در آیید بهشت پروردگار خود را روایت احمد والترمذی

وعن ابن مسعود قال ان رجلا اصاب من امرأة قبلة فاتى

و مرویست از ابن مسعود که گفت بدرستیکه مردی رسید از زنی بوسه را پس آمد

النبي صلى الله عليه وسلم فاخبره فانزل الله تعالى واقم الصلوة

پیغمبر صلی الله علیه و سلم پس خبر داد آنحضرت را پس فرو فرستاد خدای تعالی این آیه را و برپا دار نماز

طرفي النهار وزلفا من الليل ان الحسنات يذهبن السيئات

در هر دو طرف روز [illegible] در چند ساعت که نزدیک بروزند بدرستیکه نیکیها میبرند بدیها را

فقال الرجل يا رسول الله ألي هذا قال لجميع امتي كلهم وفي رواية

پس گفت آن مرد [illegible] آیا مراست این حکم فرمود آنحضرت مر همه امت مراست و در روایت دیگر

لمن عمل بها من امتي متفق عليه وعن عمارة بن رويبة

مر کسی را که عمل [illegible] از امت من متفق علیه و مرویست از عمارة بن رویبه

قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول لن يلج النار احد

گفت شنیدم پیغمبر خدا را صلی الله علیه و سلم که میگفت البته در نیاید آتش دوزخ را کسیکه

صلى قبل طلوع الشمس وقبل غروبها يعني الفجر والعصر رواه مسلم

نماز گذارد پیش از طلوع آفتاب و پیش از غروب آفتاب یعنی نماز فجر و نماز عصر را

وعن ابي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و مرویست از ابی هریره گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم

يتعاقبون فيكم ملائكة بالليل وملائكة بالنهار ويجتمعون في

نوبت بنوبت می آیند در میان شما جماعت فرشتگان در شب و جماعت از فرشتگان در روز و جمع میشوند این جماعت

صلوة الفجر وصلوة العصر ثم يعرج الذين باتوا فيكم فيسألهم

ها در نماز فجر و نماز عصر پس بالا میروند آنانکه شب کردند در میان شما پس میپرسد ایشان را

ربهم وهو اعلم بهم كيف تركتم عبادي فيقولون تركناهم

پروردگار ایشان و او داناتر است باحوال بندگان که چگونه گذاشته اید بندگان مرا پس میگویند گذاشتیم ایشان را

وَهُمْ يُصَلُّوْنَ وَاَتَيْنَاهُمْ وَهُمْ يُصَلُّوْنَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ

درحالیکه ایشان نماز میکردند وآمدیم درحالیکه ایشان نماز میکردند متفق علیه ومرویست از ابی ہریرہ رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي النِّدَاۤءِ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم اگر بدانند مردم ثوابے که در اذان گفتن ست

وَالصَّفِّ الْاَوَّلِ ثُمَّ لَمْ يَجِدُوْا اِلَّا اَنْ يَّسْتَهِمُوْا عَلَيْهِ لَاسْتَهَمُوْا وَلَوْ

و در یافتن صف اول پستر نیابند مگر آنکه قرعه بیندازند بر آن هر آئینه قرعه می اندازند و اگر

يَعْلَمُوْنَ مَا فِي التَّهْجِيْرِ لَاسْتَبَقُوْا اِلَيْهِ وَلَوْ يَعْلَمُوْنَ مَا فِي الْعَتَمَةِ وَالصُّبْحِ

بدانند فضیلتے که در نیم روز رفتن ست هر آئینه پیشی میجویند بسوے آن و اگر بدانند فضیلتے که در گزاردن نماز عشا و صبح ست

لَاَتَوْهُمَا وَلَوْ حَبْوًا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

هر آئینه بیایند آنرا رونده بر هر دو دست و سینه متفق علیه و مرویست از وی رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَيْسَ صَلٰوةٌ اَثْقَلَ عَلَى الْمُنَافِقِيْنَ مِنَ الْفَجْرِ وَالْعِشَاۤءِ وَلَوْ

علیه وسلم نیست هیچ نمازی گران تر بر منافقان از نماز بامداد و نماز خفتن و اگر

يَعْلَمُوْنَ مَا فِيْهِمَا لَاَتَوْهُمَا وَلَوْ حَبْوًا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عُثْمَانَ رض

بدانند ثوابی که درین دو نماز هست هر آئینه می آمدند این دو نماز را اگرچه بطریق حبو باشد متفق علیه و مرویست از عثمان رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَلَّى الْعِشَاۤءَ فِيْ جَمَاعَةٍ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم کسیکه بگذارد نماز عشا را بجماعت

فَكَاَنَّمَا قَامَ نِصْفَ اللَّيْلِ وَمَنْ صَلَّى الصُّبْحَ فِيْ جَمَاعَةٍ فَكَاَنَّمَا صَلَّى اللَّيْلَ

پس گویا که نماز گزارد نیم شب وکسیکه گزارد نماز صبح بجماعت پس گویا نماز گزارد

كُلَّهُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ سَلْمَانَ قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

تمام شب رواه مسلم و مرویست از سلمان رض گفت شنیدم پیغامبر خدا را صلے الله علیه

وَسَلَّمَ يَقُوْلُ مَنْ غَدَا اِلٰى صَلٰوةِ الصُّبْحِ غَدَا بِرَايَةِ الْاِيْمَانِ وَمَنْ غَدَا

وسلم که میگفت کسیکه بامداد میرود بسوے نماز بامداد میرود برایت ایمان و کسیکه بامداد برود

إلى السوق غدا براية إبليس رواه ابن ماجة وعن ابن عمر قال

بسوی بازار سپیده‌دم برایت ابلیس رواه ابن ماجه و مرویست از ابن عمر رضی الله عنه گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اجعلوا في بيوتكم من صلواتكم

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بگردانید در خانهای خود چیزی از نمازهای خود را

ولا تتخذوها قبورا متفق عليه وعن أبي هريرة قال قال

و مگردانید خانهای خود را مانند گور متفق علیه و مرویست از ابی هریره رضی الله عنه گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم أقرب ما يكون العبد من ربه وهو

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم که نزدیکترین بودن بنده از آفریدگار خود حاصل است در حالیکه بنده

ساجد فأكثروا الدعاء رواه مسلم وعنه قال قال رسول الله

سجده کننده است پس زیاده کنید دعا در حال سجده رواه مسلم و مرویست از وی رضی الله عنه گفت فرمود پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم إذا قرأ ابن آدم السجدة فسجد اعتزل الشيطان

صلی الله علیه وسلم چون میخواند آدمی زاد آیه سجده را پس سجده میکند گوشه میگیرد دیو لعین

يبكي يقول يا ويلتى أمر ابن آدم بالسجود فسجد فله الجنة وأمرت

در حالیکه میگرید میگوید ای اندوه امر کرده شد آدمی زاد بسجده پس سجده کرد پس مر او راست بهشت و مرا امر کرده شدم

بالسجود فأبيت فلي النار رواه مسلم وعن ربيعة بن كعب

بسجده پس سر باز زدم از سجده پس دوزخی شدم مر آتش رواه مسلم و روایت است از ربیعه بن کعب رضی

قال كنت أبيت مع رسول الله صلى الله عليه وسلم فأتيته بوضوئه

گفت بودم من که شب میگذاردم با آنحضرت صلی الله علیه وسلم پس آوردم برای آنحضرت آب وضو را

وحاجته فقال لي سل فقلت أسألك مرافقتك في الجنة قال أو غير

و میکردم خدمتهای دیگر او را پس فرمود مرا بخواه گفتم میخواهم از تو همراه تو بودن در بهشت فرمود چیزی دیگر خواه

ذلك قلت هو ذاك قال فأعني على نفسك بكثرة السجود رواه مسلم

کز این مرتبه بس عظیمست گفتم مقصود من همانست فرمود پس یاری ده مرا بر نفس خود به بسیار کردن سجده رواه مسلم

وَعَنْ مَعْدَانَ بْنِ طَلْحَةَ قَالَ لَقِيْتُ ثَوْبَانَ مَوْلٰى رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
و مروی است از معدان بن طلحه رض گفت پیش آمدم ثوبان را که آزاد کرده آنحضرت است صلی الله
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقُلْتُ اَخْبِرْنِیْ بِعَمَلٍ اَعْمَلُهٗ یُدْخِلُنِی اللّٰهُ بِهِ الْجَنَّةَ فَسَكَتَ
علیه و سلم بود پس گفتم خبر ده مرا از کارے که کنم آن کار را تا درآرد مرا خدا تعالی بسبب آن کار در بهشت پس خاموش ماند
ثُمَّ سَاَلْتُهٗ فَسَكَتَ ثُمَّ سَاَلْتُهُ الثَّالِثَةَ فَقَالَ سَاَلْتُ عَنْ ذٰلِكَ رَسُوْلَ اللّٰهِ
باز پرسیدم او را پس خاموش ماند بستر پرسیدم او را بار سوم پس گفت پرسیدم ... ازین عمل پیغامبر خدا را
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ عَلَيْكَ بِكَثْرَةِ السُّجُوْدِ فَاِنَّكَ لَا تَسْجُدُ لِلّٰهِ
صلی الله علیه وسلم پس فرمود بر تو باد که بسیار سجده کنی پس بدرستیکه تو نمی کنی مر خدا را
سَجْدَةً اِلَّا رَفَعَكَ اللّٰهُ بِهَا دَرَجَةً وَحَطَّ عَنْكَ بِهَا خَطِيْئَةً قَالَ
سجده مگر آنکه برمیدارد ترا خدا تعالی بسبب آن سجده پایه بزرگ و کم میکند از تو بسبب آن سجده گناه ها را گفت
مَعْدَانُ ثُمَّ لَقِيْتُ اَبَا الدَّرْدَاءِ فَسَاَلْتُهٗ فَقَالَ لِیْ مِثْلَ مَا قَالَ لِیْ ثَوْبَانُ
معدان بستر ملاقات کردم ابو درداء را پس پرسیدم او را نیز پس گفته مرا مانند آنچه گفته بود مرا ثوبان
رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ كَانَتِ الصَّلٰوةُ خَمْسِيْنَ وَالْغُسْلُ
رواه مسلم و روایت است از ابن عمر رض گفت بوده است نماز پنجاه گانه و غسل
مِنَ الْجَنَابَةِ سَبْعَ مَرَّاتٍ وَغَسْلُ الْبَوْلِ مِنَ الثَّوْبِ سَبْعَ مَرَّاتٍ فَلَمْ يَزَلْ
از جنابت هفت مرتبه و شستن شاشه از پارچه هفت بار پس همیشه بود
رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَسْاَلُ حَتّٰى جُعِلَتِ الصَّلٰوةُ خَمْسًا وَغُسْلُ
رسول خدا صلی الله علیه وسلم که سوال میکرد تا آنکه گردانیده شد نماز پنجگانه و غسل
الْجَنَابَةِ مَرَّةً وَغَسْلُ الثَّوْبِ مِنَ الْبَوْلِ مَرَّةً رَوَاهُ اَبُوْ دَاوٗدَ
از جنابت یک مرتبه و شستن ثیاب از بول یک مرتبه رواه ابو داود

بَابُ مَا جَاءَ فِیْ اِثْمِ تَارِكِ الصَّلٰوةِ

باب احادیثی که وارد شده است در گناه ترک کننده نماز

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ إِنَّ

و مرویست از ابی ہریرہ رض گفت شنیدم از پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم که میگفت بدرستیکه

أَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مِنْ عَمَلِهِ صَلٰوتُهُ فَإِنْ صَلُحَتْ

نخستین چیزیکه محاسبه کرده شود بسبب آن چیز بنده روز قیامت از عمل او نماز اوست پس اگر درست آید نماز

فَقَدْ أَفْلَحَ وَأَنْجَحَ وَإِنْ فَسَدَتْ فَقَدْ خَابَ وَخَسِرَ فَإِنِ انْتَقَصَ مِنْ فَرِيضَتِهِ شَيْءٌ

پس بتحقیق فلاح و نجات یافت آن مرد و اگر فاسد شد آن نماز پس بتحقیق ناامید و خاسر شد آن مرد پس اگر ناقص شود از فرض آن بنده چیزی

قَالَ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالٰى اُنْظُرُوا هَلْ لِعَبْدِي مِنْ تَطَوُّعٍ فَيُكَمَّلُ بِهَا مَا انْتَقَصَ

بگوید پروردگار تبارک و تعالی ببینید آیا هست مر بنده مرا چیزی از نفل تا کامل کرده شود بسبب آن نفل آنچه ناقص شده

مِنَ الْفَرِيضَةِ ثُمَّ يَكُونُ سَائِرُ عَمَلِهِ عَلٰى ذٰلِكَ وَفِي رِوَايَةٍ ثُمَّ الزَّكٰوةُ

از فرض او پستر می باشد باقی عمل او بر این طور و در روایت دیگر همچنین است پستر زکوة

مِثْلَ ذٰلِكَ ثُمَّ تُؤْخَذُ الْأَعْمَالُ عَلٰى حَسَبِ ذٰلِكَ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَرَوَاهُ

مانند آن پستر مواخذه کرده شود اعمال بر این طریق رواه ابو داود و روایت کرد

أَحْمَدُ عَنْ رَجُلٍ وَعَنْ طَلْقِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَنَفِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى

احمد از مردی و روایت است از طلق بن علی حنفی رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَنْظُرُ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلٰى صَلٰوةِ عَبْدٍ لَا يُقِيمُ فِيهَا صُلْبَهُ

الله علیه وسلم قبول نمی کند خدای برتر نماز بنده را که راست نمی کند استخوان پشت خود را

بَيْنَ خُشُوعِهَا وَسُجُودِهَا رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

در رکوع و سجود نماز رواه احمد و مرویست از ابن عمر رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الَّذِي تَفُوتُهُ صَلٰوةُ الْعَصْرِ فَكَأَنَّمَا وُتِرَ أَهْلُهُ

صلی الله علیه وسلم آن کسی که فوت کند او را نماز عصر گویا نقصان کرده شد اهل خانه او

وَمَالُهُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ بُرَيْدَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ

و مال او کس متفق علیه و از بریده روایت است که گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ تَرَكَ صَلٰوةَ الْعَصْرِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهٗ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

علیه وسلم کسیکه ترک کند نماز عصر دیده و دانسته پس تحقیق باطل شود تمام عمل او رواه بخاری

وَعَنْ اَبِيْ ذَرٍّ قَالَ اَوْصَانِيْ خَلِيْلِيْ اَنْ لَّا تُشْرِكْ بِاللّٰهِ شَيْئًا

و روایت است از ابی ذر گفت وصیت کرد مرا دوست من که شریک مگردانی بخدا چیزی را

وَاِنْ قُطِّعْتَ وَحُرِّقْتَ وَلَا تَتْرُكْ صَلٰوةً مَكْتُوْبَةً مُتَعَمِّدًا فَمَنْ تَرَكَهَا

اگرچه پاره پاره کرده شوی و سوخته شوی و ترک مکن نماز فرض را دیده و دانسته پس هرکه ترک کند نماز فرض را

مُتَعَمِّدًا فَقَدْ بَرِئَتْ مِنْهُ الذِّمَّةُ وَلَا تَشْرَبِ الْخَمْرَ فَاِنَّهَا مِفْتَاحُ كُلِّ

دیده و دانسته پس بیزار شد از وی عهد مسلمانی و منوش شراب را پس بدرستیکه آن کلید همه

شَرٍّ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ شَقِيْقٍ قَالَ كَانَ اَصْحَابُ

بدی است رواه ابن ماجه و روایت است از عبد الله بن شقیق رض گفت بودند یاران

رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَرَوْنَ شَيْئًا مِّنَ الْاَعْمَالِ تَرْكُهٗ كُفْرٌ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم اعتقاد نمیکردند هیچ عملی را که ترک وی کفر باشد

غَيْرَ الصَّلٰوةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ

جز نماز رواه ترمذی و روایت است از عبد الله بن عمرو بن عاص رض

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنَّهٗ ذَكَرَ الصَّلٰوةَ يَوْمًا فَقَالَ مَنْ حَافَظَ

از پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم که آنحضرت ذکر کرده نماز را روزی پس فرمود کسیکه نگاه دارد

عَلَيْهَا كَانَتْ لَهٗ نُوْرًا وَّبُرْهَانًا وَّنَجَاةً يَّوْمَ الْقِيٰمَةِ وَمَنْ لَّمْ يُحَافِظْ عَلَيْهَا

برنماز باشد مراورا نماز سبب نورانیت و حجت قوی و نجات روز قیامت و کسیکه محافظت نکند بر نماز

لَمْ تَكُنْ لَهٗ نُوْرًا وَّلَا بُرْهَانًا وَّلَا نَجَاةً وَّكَانَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مَعَ قَارُوْنَ وَ

باشد مرورا نور و نه حجت و نه سبب رستگاری و باشد انیس روز قیامت با قارون و

فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَاُبَيِّ بْنِ خَلَفٍ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالدَّارِمِيُّ وَالْبَيْهَقِيُّ

فرعون و هامان است و ابی ابن خلف راشقی اینان است، روایت کرد آنرا احمد و دارمی و بیهقی

فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَعَنْ عَمْرِو بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ

در شعب الایمان و روایت است از عمرو بن شعیب واو از پدر خود واو از جد او

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالصَّلٰوةِ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم امر کنید فرزندان خود را بنماز گذاردن

وَهُمْ أَبْنَاءُ سَبْعِ سِنِينَ وَاضْرِبُوهُمْ عَلَيْهَا وَهُمْ أَبْنَاءُ عَشْرِ سِنِينَ وَ

حال آنکه ایشان هفت ساله باشند و بزنید فرزندان خود را بگذاردن نماز چون ده ساله شوند و

فَرِّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَكَذَا رَوَاهُ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ عَنْهُ

جدا کنید میان فرزندان در خوابگاه روایت کرد این حدیث را ابوداود و همچنین روایت کرده است در شرح السنه از عمرو بن شعیب

وَفِي الْمَصَابِيحِ عَنْ سَبْرَةَ بْنِ مَعْبَدٍ وَعَنْ بُرَيْدَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

و در مصابیح روایت کرد از سبره بن معبد و روایت است از بریده رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْعَهْدُ الَّذِي بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمُ الصَّلٰوةُ فَمَنْ تَرَكَ الصَّلٰوةَ

صلی الله علیه وسلم عهد و امانتیکه در میان ما و میان منافقان است نماز است پس کسیکه بگذارد نماز را

فَقَدْ كَفَرَ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ

پس تحقیق بظاهر شرع کافر شد روایت کرد این حدیث را احمد و ترمذی و نسائی و ابن ماجه

وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از جابر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

بَيْنَ الْعَبْدِ وَبَيْنَ الْكُفْرِ تَرْكُ الصَّلٰوةِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

حدیکه واقع شده است میان بنده و میان کفر همین ترک نماز است روایت کرد این حدیث را مسلم

بَابُ تَعْجِيلِ الصَّلٰوةِ

باب احادیثی که در فضیلت تعجیل نماز وارد شده اند

حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلٰوةِ الْوُسْطٰى وَقُومُوا لِلّٰهِ قَانِتِينَ ۝

نگهبانی کنید بر همه نمازها و بر نماز میانه که نماز عصر است و بایستید برای خدا فرمانبردار شده

وعن ابن عمر رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم الوقت الاول

و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم اول وقت

من الصلوة رضوان الله والوقت الآخر عفو الله رواه الترمذي وعن

از نماز سبب رضای خدا تعالی است و گذاردن نماز در آخر وقت عفو خداست رواه ترمذی و روایت است

علي رض ان النبي صلى الله عليه وسلم قال يا علي ثلث لا تؤخرها الصلوة

از علی رض بدرستیکه پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود ای علی سه خصلت است تاخیر مکن در آن یکی نماز

إذا أتت والجنازة إذا حضرت والأيم إذا وجدت لها كفوا رواه

چون بیاید دوم جنازه وقتیکه حاضر شود سوم زن بی شوهر وقتیکه بیابی مر اورا کفو رواه

الترمذي وعن رافع بن خديج قال كنا نصلي المغرب مع رسول الله

ترمذی و روایت است از رافع بن خدیج رض گفت بودیم ما که میگذاردیم نماز مغرب را با پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم فينصرف أحدنا وإنه ليبصر مواقع نبله متفق

صلی الله علیه وسلم پس میگشت یکی از ما و حال آنکه وی هر آینه میدید جای افتادن تیر خود را متفق

عليه وعن أبي أيوب رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

علیه و مرویست از ابی ایوب رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

لا يزال أمتي بخير أو قال على الفطرة ما لم يؤخروا المغرب الى ان

همیشه اند امت من پیوسته به نیکی یا گفت همیشه اند بر آفرینش اسلام مادام که تاخیر نکنند نماز مغرب را تا آنکه

تشتبك النجوم رواه ابو داود وعن النعمان بن بشير رض قال

مختلط شوند ستارها رواه ابوداود و مرویست از نعمان بن بشیر رض گفت

انا اعلم بوقت هذه الصلوة صلوة العشاء الآخرة كان رسول الله

من دانا ترم بوقت این نماز که نماز عشاء پسین باشد میگذارد پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم يصليها لسقوط القمر لثالثة رواه ابو داود والدارمي

صلی الله علیه وسلم آنرا در وقت افتادن ماه یعنی غروب وی در شب سوم رواه ابوداود و دارمی

وعن رافع بن خديج رضـ قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

وروايت است از رافع بن خديج رضـ گفت فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم

أسفروا بالفجر فإنه أعظم للأجر رواه الترمذي وأبو داود والدارمي

روشن كنيد در فجر يعني بگذاريد نماز را پس در وقت اسفار بزرگتر است اجر را روايت كرد آنرا ترمذي و ابوداود و دارمي

وعن أبي هريرة رضـ قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا اشتد

وروايت است از ابي هريره رضـ گفت فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم وقتيكه سخت شود

الحر فأبردوا بالصلوة وفي رواية للبخاري عن أبي سعيد بالظهر

گرمي پس سرد كنيد بنماز و در روايت بخاري است از ابي سعيد لفظ بالظهر آمده

فإن شدة الحر من فيح جهنم واشتكت النار إلى ربها فقالت

پس بدرستيكه سختي گرمي از جوشيدن دوزخ است و گله كرد آتش بسوي پروردگار خود پس گفت

يا رب أكل بعضي بعضا فأذن لها بنفسين نفس في الشتاء

اي پروردگار من خورد اجزاء من يكديگر را پس دستوري داد پروردگار مر آتش را بدو نفس برآوردن يكي در زمستان

ونفس في الصيف أشد ما تجدون من الحر وأشد ما تجدون

و دمے ديگر در تابستان سخت تر آنچه مي يابيد شما از گرمي و سخت تر آنچه مي يابيد شما

من الزمهرير متفق عليه وفي رواية للبخاري فأشد ما تجدون

از سردي ازان دو نفس است متفق عليه و در روايت ديگر مر بخاري را چنين آمده است پس سخت تر آنچه مي يابيد

من الحر فمن سمومها وأشد ما تجدون من البرد فمن زمهريرها

از گرمي پس از دم گرم آتش است و سخت تر آنچه مي يابيد شما از سردي پس از دم سرد اوست

باب فضل الأذان وإجابة المؤذن

عن أبي سعيد الخدري رضـ قال قال رسول الله صلى الله عليه

روايت است از ابي سعيد خدري رضـ گفت فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه

وسلم لا يسمع مدى صوت المؤذن جن ولا انس ولا شئ الا شهد له

وسلم نمی شنوند غایت آواز مؤذن را نه جن و نه انس و نه هیچ شئ مگر آنکه گواهی میدهد برا

يوم القيمة رواه البخاري وعن معاوية رض قال سمعت رسول الله صلى

روز قیامت رواه بخاری و مرویست از معاویه رضی الله عنه گفت شنیدم پیغامبر خدارا صلی

الله عليه وسلم يقول المؤذنون اطول الناس اعناقا يوم القيمة رواه مسلم

الله علیه وسلم میگفت مؤذنان گردن دراز ترند از مردمان روز قیامت رواه مسلم

وعن ابي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا نودي

و مرویست از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم وقتیکه آواز کرده میشود

للصلوة ادبر الشيطان له ضراط حتى لا يسمع التاذين فاذا قضى

برای نماز پشت میدهد شیطان درحالیکه تیز میزند تا نشنود اذان را پس چون تمام کرده شود

النداء اقبل حتى اذا ثوب بالصلوة ادبر حتى اذا قضى التثويب اقبل

اذان پیش آید تا آنکه وقتیکه اقامت گفته شود برای نماز پشت میدهد تا آنکه چون تمام کرده شد اقامت پیش می آ

حتى يخطر بين المرء ونفسه يقول اذكر كذا اذكر كذا لما لم يكن يذكر

تا آنکه وسوسه می اندازد درمیان مرد و میان نفس وی میگوید یاد کن چنین یاد کن چنان یا میدهد چیزها را که نبود یاد دا

حتى يظل الرجل لا يدري كم صلى متفق عليه وعن ابي هريرة قال

تا آنکه میگردد مرد چنانکه درنمی یابد که چند رکعت گزارده است متفق علیه و مرویست از ابی هریره رض گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم الامام ضامن والمؤذن مؤتمن

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم امام برخود گیرنده است کار و بار و مؤذن امانت دار است

اللهم ارشد الائمة واغفر للمؤذنين رواه احمد وابوداود والترمذي

خدا و ندا راه راست نما امامان را و بیامرز مؤذنان را رواه احمد و ابوداود و ترمذی

والشافعي وعن ابن عباس قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و شافعی و روایت است از ابن عباس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

من أذن سبع سنين محتسبا كتبت له براءة من النار رواه الترمذي

کسی که اذان گوید هفت سال برای طلب اجر نوشته شود برای او بیزاری از آتش دوزخ رواه ترمذی

وابن ماجة وعن عقبة بن عامر قال قال رسول الله صلى الله

وابن ماجه و ابو داود روایت است از عقبه بن عامر رضه گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

عليه وسلم يعجب ربك من راعي غنم في رأس شظية للجبل يؤذن

علیه وسلم تعجب دارد پروردگار تو از چرانندهٔ گوسفندان که در بلندی کوه که اذان میگوید

بالصلوة ويصلي فيقول الله عز وجل انظروا إلى عبدي هذا يؤذن

برای نماز و میگذارد نماز را پس میگوید خدای بزرگ بفرشتگان نظر کنید بسوی بنده من را نیست این میگوید

ويقيم الصلوة يخاف مني قد غفرت لعبدي وأدخلته الجنة رواه

و برپای دارد نماز را میترسد از من بتحقیق آمرزیدم این بنده خود را و درآوردم او را در بهشت رواه

أبو داود والنسائي وعن ابن عمر قال قال رسول الله صلى الله

ابو داود و نسائی روایت است از ابن عمر رضه گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

عليه وسلم ثلثة على كثبان المسك يوم القيمة عبد أدى حق الله

علیه وسلم سه کس بر تلهای مشک در روز قیامت یکی بنده که گزارد حق خدا را

وحق مولاه ورجل أم قوما وهم به راضون ورجل ينادي بالصلوة

و حق خداوند خود را دیگر مردی که امامت کرد گروهی را و ایشان از وی راضی اند دیگر مردی که اذان میگوید

الخمس كل يوم وليلة رواه الترمذي وقال هذا حديث غريب وعن

نماز پنجگانه در هر شب و روز رواه ترمذی و گفت این حدیث غریب است و روایت است از

أبي هريرة رضه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم المؤذن يغفر له مدى

ابی هریره رضه گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بانگ نماز گزیننده آمرزیده شود مر او را تا غایة

صوته ويشهد له كل رطب ويابس وشاهد الصلوة يكتب له خمس

آواز او و گواهی دهد مر او را هر تر و خشک و حاضر آینده نماز را نوشته میشود بیست و پنج

ويشهدون صلوة ويكفر عنه ما بينهما رواه احمد وابو داود وعن

نماز و گذشته میشود از وی گناهان که واقع میشود میان هر دو نماز روایت کرد احمد و ابوداود و روایت است از

عثمان بن ابي العاص قال قلت يا رسول الله اجعلني

عثمان بن ابی العاص گفت گفتم ای پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم بگردان مرا

امام قومي قال انت امامهم واقتد باضعفهم واتخذ مؤذنا لا يأخذ

امام قوم من فرمود تو امام قومی و اقتدا کن بضعیف ترین ایشان و بگیر مؤذنی را که نگیرد

على اذانه اجرا رواه احمد وابو داود وعن ابن عمر ان رسول الله صلى

بر اذان خود اجرت روایت کرد احمد و ابوداود و روایت است از ابن عمر که پیغامبر خدا صلی

الله عليه وسلم قال من اذن اثنتي عشرة سنة وجبت له الجنة و

الله علیه و سلم فرمود کسیکه اذان گوید دوازده سال واجب گردد مر او را بهشت و

كتب له بتأذينه في كل يوم ستون حسنة وبكل اقامة ثلاثون

و نوشته میشود مر او را بسبب اذان گفتن وی در هر روز شصت نیکی و در هر بار اقامت گفتن سی نیکی

حسنة رواه ابن ماجة وعن سهل بن سعد قال قال رسول الله

نیکی روایت کرد ابن ماجه و روایت است از سهل بن سعد رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم ثنتان لا تردان الدعاء عند النداء وعند

صلی الله علیه و سلم دو چیز است که رد کرده نمیشود دعا نزد بانگ نماز و نزد

البأس حين يلحم بعضهم بعضا وفي رواية وتحت المطر رواه ابو داود

جنگ با کافران وقتی که پیوسته شوند بعضی ایشان ببعضی و در روایتی آمده که دعا زیر باران مقبول است روایت کرد ابوداود

وعن ام سلمة قالت علمني رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از ام سلمه رضی الله عنها گفت که تعلیم کرد مرا رسول الله صلی الله علیه و سلم

ان اقول عند اذان المغرب اللهم هذا اقبال ليلك وادبار نهارك

اینکه بگویم نزد بانگ نماز شام ای خداوند این وقت پیش آمدن شب تست و وقت پشت دادن روز تست

وَاَصْوَاتُ دُعَاتِكَ فَاغْفِرْلِيْ رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ وَالْبَيْهَقِيُّ فِي الدَّعْوَاتِ الْكَبِيْرِ

واین آوازهای خوانندگان تست بعبادت پس بیامرز مرا رواه ابو داود و روایت کرد بیهقی در دعوات کبیر

وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از عبد الله بن عمرو بن العاص گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

اِذَا سَمِعْتُمُ الْمُؤَذِّنَ فَقُوْلُوْا مِثْلَ مَا يَقُوْلُ ثُمَّ صَلُّوْا عَلَيَّ فَاِنَّهُ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ

چون بشنوید مؤذن را که اذان میگوید پس بگوئید مانند آنچه وی میگوید آنگاه درود بفرستید بر من زیرا که هر که درود بفرستد

صَلٰوةً صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ بِهَا عَشْرًا ثُمَّ سَلُوا اللّٰهَ لِيَ الْوَسِيْلَةَ فَاِنَّهَا مَنْزِلَةٌ

یکبار درود بفرستد خدا تعالی بر وی بجای آن ده بار پس در سؤال کنید خدا را از برای من وسیله زیرا که وسیله درجه ایست

فِي الْجَنَّةِ لَا يَنْبَغِيْ اِلَّا لِعَبْدٍ مِنْ عِبَادِ اللّٰهِ تَعَالٰى وَاَرْجُوْا اَنْ اَكُوْنَ اَنَا

در بهشت نمی سزد آن منزلت مگر برای یک بنده از بندگان خدا تعالی و امید میدارم که باشم من آن بنده

فَمَنْ سَأَلَ لِيَ الْوَسِيْلَةَ حَلَّتْ عَلَيْهِ الشَّفَاعَةُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

پس هر که سؤال کند برای من وسیله فرود آمد بر وی شفاعت رواه مسلم و روایت است از

جَابِرٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَالَ حِيْنَ يَسْمَعُ النِّدَاءَ

جابر رضه گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه گوید هنگام شنیدن اذان

اَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ وَالصَّلٰوةِ الْقَائِمَةِ اٰتِ مُحَمَّدَا

خداوندا ای پروردگار این دعای تامه و صلوة قایمه بده محمد صلعم را

نِ الْوَسِيْلَةَ وَالْفَضِيْلَةَ وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَّحْمُوْدَا نِ الَّذِيْ وَعَدْتَّهُ حَلَّتْ لَهُ

وسیلت و فضیلت و استاده کن محمد را در مقام محمود آن مقام که وعده کرده او را فرود می آید مرا ورا

شَفَاعَتِيْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ سَعْدِ بْنِ اَبِيْ وَقَّاصٍ

شفاعت من روز قیامت رواه البخاری و روایت است از سعد بن ابی وقاص رضه

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَالَ حِيْنَ يَسْمَعُ الْمُؤَذِّنَ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه گوید هنگام شنیدن اذان

مسلم ورواه جمع الدعوات الكبير

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

اینکه گواهی میدهم که نیست هیچ معبود بحق مگر خدا واحد لاشریک است و گواهی میدهم بدرستیکه محمد بنده او و رسول او اند

رَضِيتُ بِاللّٰهِ رَبًّا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا غُفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ رَوَاهُ

راضی شدم با خدا تعالی از روی رب و با محمد از روی رسول و با اسلام از روی دین آمرزیده شوند مراد از آن گناهان صغار در رواه

مُسْلِمٌ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَصْلَتَانِ

مسلم و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم دو خصلت

مُعَلَّقَتَانِ فِي أَعْنَاقِ الْمُؤَذِّنِينَ لِلْمُسْلِمِينَ صِيَامُهُمْ وَصَلٰوتُهُمْ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

آویخته شده اند در گردنهای بانگ نماز گویندگان برای مسلمانان روزه شان و نماز ایشان رواه ابن ماجه

بَابُ فَضْلِ الصَّلٰوةِ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

باب فضیلت درود بر نبی صلی الله علیه وسلم

إِنَّ اللّٰهَ وَمَلٰئِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ

هر آینه خدا و فرشتگان او درود میفرستند بر پیغامبر ای آن کسانیکه ایمان آورده اند درود فرستید

وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا وَعَنْ أَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و سلام گوئید سلام گفتنی و روایت است از انس رض گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ مَنْ صَلّٰى عَلَيَّ صَلٰوةً وَاحِدَةً صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ عَشْرَ صَلَوَاتٍ وَحُطَّتْ

وسلم کسیکه درود بفرستد بر من یکبار بفرستد خدا تعالی بر وی ده بار درودها و افگنده شود

عَنْهُ عَشْرُ خَطِيئَاتٍ وَرُفِعَتْ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ رَوَاهُ النَّسَائِيُّ

از وی ده گناه و برداشته شود مر او را ده پایه در قرب حق رواه نسائی

وَعَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَوْلَى

و مروی است از ابن مسعود رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نزدیکترین

النَّاسِ بِي يَوْمَ الْقِيٰمَةِ أَكْثَرُهُمْ عَلَيَّ صَلٰوةً رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

مردم بمن روز رستخیز بیشترینها ایشانست بر من درود گوینده رواه ترمذی

وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان لله ملٰئكة

واز وی مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم مر خدای را فرشتگانند

سياحين في الارض يبلغوني من امتي السلام رواه النسائي والدارمي

رونده در زمین که میرسانند مرا از امت من سلامی که میگویند بر من رواه نسائی و دارمی

وعن ابي هريرة رضه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ما من احد

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نیست هیچ یکی

يسلم علي الا رد الله علي روحي حتى ارد عليه السلام رواه ابوداود

که سلام میفرستد بر من مگر آنکه باز میفرستد خدای تعالی بر من روح مرا تا آنکه جواب گویم بر وی سلام را رواه ابوداود

والبيهقي في الدعوات الكبير وعنه قال سمعت رسول الله صلى الله

و بیهقی روایت کرد در دعوات کبیر و مرویست از وی گفت شنیدم پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم يقول لا تجعلوا بيوتكم قبورا ولا تجعلوا قبري عيدا

علیه وسلم را که میگفت مگردانید خانهای خود را مانند قبرها و مگردانید قبر مرا عیدگاه

وصلوا علي فان صلوتكم تبلغني حيث كنتم رواه النسائي وعنه

و درود فرستید بر من زیرا که درود شما میرسد مرا هر جا که باشید رواه نسائی و روایت است از وی

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم رغم انف رجل ذكرت عنده

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم خاک آلوده باد بینی مردی که ذکر کرده شوم نزد او

فلم يصل علي ورغم انف رجل دخل عليه رمضان ثم انسلخ قبل

پس درود نفرستد بر من و هلاک باد مردی که درآید بروی ماه رمضان پستر جدا شد پیش از آنکه

ان يغفر له ورغم انف رجل ادرك عنده ابواه الكبر او

دریابد نزد وی مادر و پدرش بزرگ سالی را یا

آمرزیده شود او و خوار باد مردی که

احدهما فلم يدخلاه الجنة رواه الترمذي وعن ابي طلحة ان

یکی از آن دو پس نیارند به در آوردن او را در بهشت رواه ترمذی و روایت است از ابی طلحه

رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَاءَ ذَاتَ يَوْمٍ وَالْبِشْرُ فِي وَجْهِهِ فَقَالَ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم آمد روزی و اثر بشاشت در روی وی ظاهر بود پس گفت

اِنَّهٗ جَاءَنِي جِبْرَئِيْلُ فَقَالَ اِنَّ رَبَّكَ يَقُوْلُ اَمَا يُرْضِيْكَ يَا مُحَمَّدُ اَنْ لَا يُصَلِّيَ

بدرستیکه شان اینست که آمد جبرئیل مرا پس گفت بدرستیکه پروردگار تو میگوید آیا راضی نمیسازد ترا ای محمد آنکه نه درود فرستد

عَلَيْكَ اَحَدٌ مِّنْ اُمَّتِكَ اِلَّا صَلَّيْتُ عَلَيْهِ عَشْرًا وَّلَا يُسَلِّمُ عَلَيْكَ اَحَدٌ مِّنْ

بر تو هیچ یکی از امت تو مگر درود بفرستم بر وی ده بار و نه سلام فرستد بر تو هیچ یکی از

اُمَّتِكَ اِلَّا سَلَّمْتُ عَلَيْهِ عَشْرًا رَوَاهُ النَّسَائِيُّ وَعَنْ اُبَيِّ بْنِ كَعْبٍ

امت تو مگر آنکه سلام باز فرستم بر وی ده بار روایت کرد این را نسائی و روایت است از ابی بن کعب

قَالَ قُلْتُ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنِّيْ اُكْثِرُ الصَّلٰوةَ عَلَيْكَ فَكَمْ

گفت گفتم ای پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه من بسیار میفرستم درود بر تو پس چه مقدار

اَجْعَلُ لَكَ مِنْ صَلٰوتِيْ فَقَالَ مَا شِئْتَ قُلْتُ الرُّبُعَ قَالَ مَا شِئْتَ فَاِنْ

زمان معین گردانم برای درود فرستادن بر تو پس فرمود بهر مقداریکه میخواهی گفتم چهار یک از زمان فرمود هر قدر که میخواهی اگر

زِدْتَّ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكَ قُلْتُ النِّصْفَ قَالَ مَا شِئْتَ فَاِنْ زِدْتَّ فَهُوَ خَيْرٌ

زیاده کنی اندر چهار یک پس آن بهتر است مرترا گفتم نصف زمان را بگردانم فرمود هرچه میخواهی پس اگر زیاده کنی پس آن بهتر است

لَّكَ قُلْتُ فَالثُّلُثَيْنِ قَالَ مَا شِئْتَ فَاِنْ زِدْتَّ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكَ قُلْتُ

مرترا گفتم پس دو ثلث کنم فرمود هرچه میخواهی پس اگر زیاده کنی آن بهتر است مرترا گفتم

اَجْعَلُ لَكَ صَلٰوتِيْ كُلَّهَا قَالَ اِذًا يُّكْفٰى هَمُّكَ وَيُكَفَّرُ لَكَ ذَنْبُكَ رَوَاهُ

میگردانم برای تو زمان دعای خود را همه فرمود آنگاه کفایت کرده شود همه مقصودهای تو و پوشیده کرده شود همه گناهان تو

التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَلِيٍّ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایه ترمذی و روایت است از علی رض گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم

اَلْبَخِيْلُ الَّذِيْ مَنْ ذُكِرْتُ عِنْدَهٗ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

بخیل سخت کسیکه ذکر کرده شوم من نزد وی پس او درود نفرستد بر من روایه ترمذی

ورواه احمد عن حسين بن علي رض وعن ابي هريرة رض قال قال
و رواه احمد از حسين بن علي رض و روايت ست از ابي هريرة رض گفت فرمود
رسول الله صلى الله عليه وسلم من صلى علي عند قبري سمعته ومن صلى
پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه درود فرستد بر من نزد قبر من می شنوم درود او را وکسیکه
علي نائيا ابلغته رواه البيهقي في شعب الايمان وعن عبد الله
بر من از دور رسانیده شود درود او مرا رواه بیهقی در شعب الایمان و روایت ست از عبد الله
بن عمرو رض قال من صلى على النبي صلى الله عليه وسلم واحدة صلى
بن عمرو رض گفت کسیکه درود بفرستد بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم یکبار درود فرستد
الله عليه وملائكته سبعين صلوة رواه احمد وعن رويفع ان
خدا تعالی بر وی و فرشتگان وی هفتاد بار درود رواه احمد و روایت ست از رویفع بدرستیکه
رسول الله صلى الله عليه وسلم قال من صلى على محمد وقال اللهم انزله
پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه درود فرستد بر محمد صلی الله علیه وسلم میگوید خداوندا در آر محمد را
المقعد المقرب عندك يوم القيمة وجبت له شفاعتي رواه احمد
در نشستگاه که نزدیک گردانیده شد نزد تو در روز رستخیز واجب گردد باو شفاعت من رواه احمد
وعن عمر بن الخطاب رض قال ان الدعاء موقوف بين السماء
و روایت ست از عمر بن الخطاب رض گفت بدرستیکه دعا ایستاده گردانیده شود میان آسمان
والارض لا يصعد منها شيء حتى تصلي على نبيك رواه الترمذي
و زمین نمیرود و بالا برده نمیشود از دعوت چیزی تا آنکه درود بفرستی بر نبی خود رواه ترمذی
وقال صلى الله عليه وسلم من صلى علي صلت عليه الملائكة ما دام
و فرمود صلی الله علیه وسلم کسیکه درود فرستد بر من درود میفرستند بر وی فرشتگان تا وقتیکه آن
يصلي علي فليقل عند ذلك او ليكثر اخرجه ابن حبان بسند ضعيف
درود میفرستد بر من پس باید که کم کند نزد من چنین یا زیاده کند آن بنده روایت کرد ابن حبان بسند ضعیف

والطبراني في الاوسط بسند حسن والامام احمد وسعيد ابن منصور
وطبرانی در اوسط بسند حسن وامام احمد وسعید ابن منصور

وابو نعيم كلهم عن عامر بن ربيعة كذا في مطالع المسرات شرح
وابو نعیم همه ایشان از عامر بن ربیعه همچنین است در مطالع مسرات که شرح

دلائل الخيرات وقال صلى الله عليه وسلم من افضل ايامكم يوم
دلائل خیرات است وفرمود صلی الله علیه وسلم فاضلترین روزهای شما روز

الجمعة فيه خلق آدم وفيه قبض وفيه النفخة وفيه الصعقة
جمعه است درو آفریده شد آدم ودروی وفات یافت ودروی نفخه است ودروی صعقه است

فاكثروا علي من الصلوة فيه فان صلوتكم معروضة علي قالوا
پس زیاده کنید بر من از درود در روز جمعه پس بدرستیکه درود شما عرض کرده شود بر من گفتند

يا رسول الله وكيف تعرض عليك صلوتنا وقد ارمت اي بليت اي
یا رسول الله صلی الله علیه وسلم وچه طور عرض کرده شود بر تو درود ما حالی اینکه جسد شما در قبر کهنه شده باشد یعنی

صرت رميما قال ان الله تعالى حرم على الارض ان تاكل اجساد
خاک شده باشد فرمود بدرستیکه خدایتعالی حرام کرده است بر زمین اینکه بخورد اجساد

الانبياء اخرجه ابو داود والنسائي وابن ماجة باسانيد صحيحة وابن
پیغمبران را روایت کرد ابوداود ونسائی وابن ماجه بسندهای صحیحه وابن

حبان والحاكم وقال صحيح على شرط البخاري من حديث اوس
حبان وحاکم وگفت این حدیث صحیح است بر شرط بخاری از حدیث اوس

بن اوس الثقفي مطالع وقال صلى الله عليه وسلم من صلى علي
ابن اوس ثقفی همچنین حدیث در مطالع است وفرمود صلی الله علیه وسلم کسیکه درود نوشت برمن

في كتاب لم تزل الملئكة تصلي عليه مادام اسمي في ذلك الكتاب
در کتاب همیشه اینست که فرشتگان درود میفرستند بروی تا وقتیکه نام من در ان کتاب باقی باشد

قَالَ الْعِرَاقِيُّ رَوَاهُ الطَّبَرَانِيُّ فِي الْاَوْسَطِ وَاَبُو الشَّيْخِ فِي الثَّوَابِ وَالْمُسْتَغْفِرِيُّ

گفت عراقی روایت کرد طبرانی در اوسط و ابو شیخ در ثواب و المستغفری

فِي الدَّعَوَاتِ مِنْ حَدِيثِ اَبِي هُرَيْرَةَ بِسَنَدٍ ضَعِيفٍ مطالع وَقَالَ

در دعوات از حدیث ابی هریره رض بسند ضعیف این حدیث در مطالع است و گفت

اَبُو سُلَيْمَانَ الدَّارَانِيُّ مَنْ اَرَادَ اَنْ يَسْئَلَ حَاجَتَهُ فَلْيُكْثِرْ بِالصَّلٰوةِ عَلَى

ابو سلیمان دارانی کسیکه خواهد که سوال کند حاجت خود را پس باید که زیاده بفرستد درود را بر

النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثُمَّ يَسْئَلُ اللهَ حَاجَتَهُ وَلْيَخْتِمْ بِالصَّلٰوةِ عَلَى النَّبِيِّ

نبی صلی الله علیه وسلم پستر سوال کند خدا تعالی حاجت خود را و باید که تمام کند دعا بدرود فرستادن بر

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَاِنَّ اللهَ يَقْبَلُ الصَّلٰوتَيْنِ وَهُوَ اَكْرَمُ مِنْ اَنْ يَدَعَ

بر نبی صلی الله علیه وسلم پس بدرستیکه خدا قبول میکند هر دو درود را و آن خدا بزرگتر است ازینکه ترک کند دعا را

مَا بَيْنَهُمَا كَذَا فِي دَلَائِلِ الْخَيْرَاتِ وَرُوِيَ عَنْهُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

که میان هر دو درود است چنان است در دلائل الخیرات و روایت است از آنحضرت صلی الله علیه وسلم

اَنَّهُ قَالَ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ مِائَةَ مَرَّةٍ غُفِرَتْ لَهُ خَطِيئَةُ

بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه درود فرستد بر من روز جمعه یکصد مرتبه آمرزیده شود برای وی گناه

ثَمَانِينَ سَنَةً اَخْرَجَهُ الدَّيْلَمِيُّ عَنْ اَنَسٍ مطالع وَفِي رِوَايَةِ

هشتاد ساله تخریج کرد این حدیث را دیلمی از انس رض از مطالع نقل کرده شد و در روایت

عَبْدِ الرَّحْمٰنِ بْنِ عَوْفٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَاءَنِي جِبْرَئِيلُ

عبد الرحمن بن عوف رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم آمد نزد من جبرئیل

عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ يَا مُحَمَّدُ لَا يُصَلِّي عَلَيْكَ اَحَدٌ اِلَّا صَلَّى عَلَيْهِ سَبْعُونَ

علیه السلام و گفت ای محمد صلی الله علیه وسلم درود نمیفرستد بر تو کسی یک مگر درود میفرستد بر وی هفتاد

اَلْفَ مَلَكٍ وَمَنْ صَلَّتْ عَلَيْهِ مَلٰئِكَةٌ كَانَ مِنْ اَهْلِ الْجَنَّةِ هٰكَذَا ذَكَرَهُ

هزار فرشتگان و کسیکه درود میفرستند بروی فرشتگان می باشد آن شخص از اهل بهشت همچنین ذکر کرد آنرا

بهذا اللفظ ابن فرحون مطالع وقال صلى الله عليه وسلم أكثركم

باین الفاظ ابن فرحون از مطالع و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بیشترین شما

على صلوة أكثركم أزواجا في الجنة ذكره ابن وداعة بهذا اللفظ

بر من از روی درود بسیار ترین شما از روی ازواج است در جنت ذکر کرد این حدیث را ابن وداعه باین لفظ

ونقله السخاوي عن صاحب الدر المنتظم مطالع وعنه صلى الله عليه

و نقل کرد این حدیث را سخاوی از صاحب در منتظم از مطالع و از وی است صلی الله علیه

وسلم أنه قال من صلى على صلوة تعظيما لحقي خلق الله عز وجل من ذلك

وسلم روایت است که فرمود کسیکه درود فرستد بر من یکبار برای تعظیم حق من آفریند خدای بزرگ و بلند ازین

القول ملكا له جناح بالمشرق والآخر بالمغرب ورجلاه مقرورتان

قول یک فرشته که مر ویرا باشد یک بازو در مشرق و دیگر در مغرب و هر دو پای او قرار یافته

في الأرض السابعة السفلى وعنقه ملتوية تحت العرش يقول الله

در زمین هفتم تحتانی و گردن وی متصل زیر عرش میگوید خدای

عز وجل له صل على عبدي كما صلى على نبيي صلى الله عليه وسلم

عز وجل مر ویرا درود بفرست بر بنده من چنانکه درود فرستاده است آن بنده بر پیغامبر من صلی الله علیه وسلم

فهو يصلي عليه الى يوم القيامة الحديث ذكره ابن سبع من دون نسبة

پس آن فرشته درود میفرستد بر وی تا روز قیامت تا آخر حدیث ذکر کرد این حدیث را ابن سبع بغیر

ذكر صحابي ولا مخرج وذكره ابن جبير عن انس ولم يعزه ولكن

ذکر صحابی و بغیر ذکر صاحب تخریج و ذکر کرد این حدیث را ابن جبیر از انس و نسبت نکرد بکسی و لیکن ذکر کرد

ابن وداعة واسنده ابن بشكوال عن انس الا انى لم اجد عنده قوله

ابن وداعه و باسناد رسانید این حدیث را ابن بشکوال از انس مگر این لفظ نیز گفت که نیافته ام نزد وی

ورجلاه الى تحت العرش مطالع وروى عنه صلى الله عليه وسلم

که ورجلاه تا تحت عرش است از مطالع و روایت است از وی صلی الله علیه وسلم

أنه قال ليردن على الحوض يوم القيمة أقوام ما أعرفهم إلا بكثرة

بدرستيكه آنحضرت صلى الله عليه وسلم فرمود هر آينه وارد شوند بر حوض كوثر روز رستخيز قومها كه نمى شناسم من ايشانرا مگر بسبب زيادتى

الصلوة علي ذكره القاضي عياض في الشفاء وعنه صلى الله عليه

درود كه بر من فرستاده اند ذكر كرده است قاضى عياض در كتاب شفاء حقوق مصطفى در روايتست از آنحضرت صلى الله عليه

وسلم أنه قال من صلى علي مرة واحدة صلى الله عليه عشر مرات ومن

وسلم بدرستيكه آنحضرت صلى الله عليه وسلم فرمود هر كسيكه درود فرستاد بر من يكبار درود ميفرستد خداى تعالى بر وى ده بار وكسيكه

صلى علي عشر مرات صلى الله عليه مائة ومن صلى علي مائة صلى

درود فرستد بر من ده مرتبه درود ميفرستد خداى تعالى بر وى صد بار وكسيكه درود فرستد بر من صد بار درود ميفرستد

الله عليه ألف مرة ومن صلى علي ألف مرة حرم الله جسده على النار

بر وى خداى تعالى هزار مرتبه وكسيكه درود فرستد بر من هزار مرتبه حرام گرداند خداى تعالى جسد ويرا بر آتش دوزخ

وثبته بالقول الثابت في الحيوة الدنيا وفي الآخرة وعند المسئلة

وثابت ميدارد ويرا بقول ثابت كه توحيد است در حيات دنيا و در آخرت نزديك سوال

وأدخله الجنة وجاءت صلوته علي نورا له يوم القيمة على الصراط

و داخل كند خداى تعالى آن بنده را در بهشت و آيد درود وى بر من نور مر ويرا روز رستخيز بر پل صراط

مسيرة خمسمائة عام وأعطاه الله بكل صلوة صلاها قصرا في

كه راه وى پنج صد ساله است و ميدهد او را خداى تعالى بسبب هر درود كه خوانده است آنرا يك محل در

الجنة قل ذلك أو أكثر ذكره ابن وداعة كله من غير نسبة

بهشت كم كند آن بنده يا زياده كند ذكر كرد ابن وداعه همه اين را بغير نسبت

وقال صلى الله عليه وسلم ما من عبد يصلي علي إلا خرجت الصلوة

و فرمود صلى الله عليه وسلم نيست هيچ يك بنده كه درود ميفرستد بر من مگر آنكه بيرون مى آيد آن درود

مسرعة من فيه فلا يبقى بر ولا بحر ولا شرق ولا غرب إلا وتمر

بسرعت از دهن آن بنده پس باقى نمى ماند هيچ يك بيابان و نه دريا و نه شرق و نه غرب مگر اينكه گذر ميكند آن درود

بِهٖ وَتَقُوْلُ اَنَا صَلوٰةُ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ صَلّٰی عَلٰی مُحَمَّدِ نِ الْمُخْتَارِ خَیْرِ خَلْقِ اللّٰہِ

بدان ومیگوید کہ درود فلان بن فلان ام کہ درود فرستادہ بود بر محمد کہ برگزیدہ وبہترین مخلوق خدا اند

فَلَا یَبْقٰی شَیْءٌ اِلَّا وَصَلّٰی عَلَیْهِ وَیُخْلَقُ مِنْ تِلْكَ الصَّلٰوةِ طَائِرٌ لَهٗ

پس باقی نماند ہیچ شی مگر حال اینکہ درود میفرستد بر وے وآفریدہ میشود ازین درود یک طایر کہ میباشد مر اورا

سَبْعُوْنَ اَلْفَ جَنَاحٍ فِیْ كُلِّ جَنَاحٍ سَبْعُوْنَ اَلْفَ رِیْشَةٍ فِیْ كُلِّ رِیْشَةٍ

ہفتاد ہزار بازو ودر ہر بازو ہفتاد ہزار پر در ہر پر

سَبْعُوْنَ اَلْفَ رَاْسٍ فِیْ كُلِّ رَاْسٍ سَبْعُوْنَ اَلْفَ وَجْهٍ فِیْ كُلِّ وَجْهٍ

ہفتاد ہزار سر در ہر سر ہفتاد ہزار روے در ہر روے

سَبْعُوْنَ اَلْفَ فَمٍ فِیْ كُلِّ فَمٍ سَبْعُوْنَ اَلْفَ لِسَانٍ كُلُّ لِسَانٍ یُسَبِّحُ اللّٰهَ

ہفتاد ہزار دہان ودر ہر دہان ہفتاد ہزار زبان ہر زبان تسبیح میکند خداے

تَعَالٰی بِسَبْعِیْنَ اَلْفَ لُغَاتٍ وَیَكْتُبُ اللّٰهُ تَعَالٰی لَهٗ ثَوَابَ ذٰلِكَ كُلِّهٖ هٰكَذَا

تعالے را بہفتاد ہزار لغت ومینویسد خدا تعالے مر ویرا ثواب اینہمہ ہمچنین نبشت

فِیْ دَلَائِلِ الْخَیْرَاتِ وَقَالَ صَاحِبُ مَطَالِعِ الْمَسَرَّاتِ هٰذَا لَمْ اَجِدْهُ وَعَنْ

در دلائل الخیرات وگفت صاحب مطالع مسرات این لفظ را نیافتم ومرویست از

عَلِیِّ ابْنِ اَبِیْ طَالِبٍ رضـ اَنَّهٗ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَلّٰی

علی بن ابی طالب رضـ بدرستیکہ علی گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ درود میفرستد

عَلَیَّ یَوْمَ الْجُمُعَةِ مِائَةً جَاءَ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ وَمَعَهٗ نُوْرٌ لَوْ قُسِّمَ ذٰلِكَ النُّوْرُ بَیْنَ

بر من روز جمعہ صد بیاید روز رستخیز حالانکہ ہمراہ او نورے باشد کہ اگر تقسیم کردہ شود این نور میان

الْخَلْقِ كُلِّهِمْ لَوَسِعَهُمْ اَخْرَجَهٗ اَبُوْ نُعَیْمٍ فِی الْحِلْیَةِ وَفِی الْحِرْزِ الثَّمِیْنِ

مخلوق ہمہ ایشان ہر آئینہ گنجائش دارد ایشانرا روایت کرد آنرا ابو نعیم در حلیہ شریف ودر حرز ثمین

لِلْحِصْنِ الْحَصِیْنِ مَا جَلَسَ قَوْمٌ مَجْلِسًا لَمْ یَذْكُرُوا اللّٰهَ فِیْهِ وَلَمْ یُصَلُّوْا

شرح حصن حصین مذکور ہست ننشیند قومی در مجلسے کہ نیاد کنند خدا تعالی را دران مجلس ودرود نفرستند

نبيهم إلا كان عليهم حسرة يوم القيامة وإن دخلوا الجنة للثواب

بر نبی خود مگر باشد بر ایشان حسرتی در روز قیامت اگرچه داخل شوند در بهشت برای ثواب

رواه ابن حبان وأحمد وأبو داود والنسائي والحاكم كلهم عن أبي هريرة

روایت کرد ابن حبان و احمد و ابو داود و نسائی و حاکم همه ایشان روایت کرده اند از ابی هریره

أكثروا علي من الصلاة يوم الجمعة فإن صلاتكم معروضة علي رواه

زیاده بفرستید بر من درود در روز جمعه پس بدرستی که درود شما عرض کرده میشود بر من روایت کرد

أبو داود والنسائي وابن ماجة وابن حبان كلهم من حديث أوس بن

ابو داود و نسائی و ابن ماجه و ابن حبان همه ایشان از حدیث اوس ابن

أوس الثقفي ما من أحد يسلم علي إلا رد الله علي روحي حتى

اوس ثقفی نیست هیچ کسی که سلام کند بر من مگر آنکه باز پس میدهد خدا تعالی بر من روح من تا آنکه

أرد عليه السلام رواه أبو داود عن أبي هريرة ورواه أحمد أيضا

رد کنم بر وی سلام را روایت کرد ابو داود از ابی هریره و روایت کرد احمد نیز

أولى الناس بي يوم القيامة أكثرهم علي صلاة رواه الترمذي وابن

نزدیکترین مردمان با من روز قیامت بیشترین ایشان است از روی درود بر من روایت کرد ترمذی و ابن

حبان كلاهما عن ابن مسعود البخيل من ذكرت عنده فلم يصل

حبان هردو از ابن مسعود بخیل کسیست که ذکر کرده شوم من نزد او و نفرستد درود بر من

علي رواه الترمذي والنسائي عن علي وابن حبان والحاكم عن حسين

روایت کرد ترمذی و نسائی از علی رضی الله عنه و ابن حبان و حاکم از حسین

أكثروا الصلاة علي فإنها زكوة لكم رواه أبو يعلى عن

زیاده بفرستید درود بر من پس بدرستی که درود شما زکوة است مر شما را روایت کرد ابو یعلی از

إني لقيت جبريل فبشرني وقال إن ربك يقول من صلى

[illegible]

عليك صليت عليه عشرا ومن سلم عليك سلمت عليه فسجدت لله

بر تو درود میفرستم بر وی ده بار و کسیکه سلام کند بر تو سلام میفرستم بر وی پس سجده کردم از جهت خدا

شكرا رواه الحاكم واحمد عن عبد الرحمن بن عوف ومن صلى على النبي واحدة

روایه حاکم و احمد از عبد الرحمن بن عوف رضی الله عنه و کسیکه درود فرستد بر پیغمبر یکبار

صلى الله عليه وملائكته سبعين صلوة رواه احمد عن ابن عمرو

درود میفرستد خدا تعالی بر وی و فرشتگان او هفتاد درود

قال علي رضي الله تعالى عنه كل دعاء محجوب حتى يصلى على محمد صلى الله

گفت علی رضی الله عنه همه دعاها محجوب است تا آنکه درود فرستی بر محمد صلی الله

عليه وسلم وآل محمد رواه الطبراني في الاوسط وعن عمر ان الدعاء

علیه وسلم و بر آل محمد روایه طبرانی در اوسط و مرویست از عمر بدرستیکه دعا

موقوف بين السماء والارض لا يصعد منه شيء حتى تصلي على نبيك

موقوف میماند میان آسمان و میان زمین بالا نمیرود از ان دعا چیزی تا آنکه درود فرستی بر نبی تو

رواه الترمذي انتهى ذكر في بعض الاخبار انه مكتوب على ساق

روایه ترمذی آخر شد مذکور است در بعض اخبارات بدرستیکه شان اینست که نوشته است بر ساق

العرش من اشتاق الى رحمته ومن سألني اعطيته ومن تقرب الي

عرش کسیکه مشتاق است بسوی من رحم میکنم او را و کسیکه سوال کرد از من عطا میکنم او را و کسیکه تقرب جوید بسوی من

بالصلوة على محمد غفرت له ذنوبه ولو كانت مثل زبد البحر ذكره

با درود فرستادن بر محمد آمرزیدم مر او را گناهان او را اگرچه باشد مانند کف دریا ذکر کرد این حدیث را

ابن سبع وروي عن بعض الصحابة رضوان الله تعالى عليهم اجمعين

ابن سبع و روایه کرده شده است از بعض صحابه رضوان الله تعالی علیهم اجمعین

انه قال ما من مجلس يصلى فيه على محمد صلى الله عليه وسلم الا قامت

بدرستیکه گفت نیست هیچ مجلسی که درود فرستاده شود در وی بر محمد صلی الله علیه وسلم مگر آنکه

منه رائحة طيبة حتى تبلغ عنان السماء فتقول الملائكة هذا مجلس

از ان مجلس بوی خوش تا آنکه میرسد آن بوی ابر آسمان میگویند فرشتگان این مجلسی است

صلى فيه على محمد صلى الله عليه وسلم كذا في دلائل الخيرات قال الشيخ

که درود فرستاده شده است در این مجلس محمد صلى الله عليه وسلم چنین است در دلائل الخیرات گفت شیخ

ابو جعفر ابن وداعة رحمه الله في الحديث عن بعض الصحابة انه قال ما من

ابو جعفر ابن وداعه رحمه الله در حدیث که مرویست از بعض صحابه رضی الله عنهم آنکه گفت نیست هیچ

موضع يذكر فيه النبي صلى الله عليه وسلم ويصلى عليه فيه الا قامت منه

جائی که ذکر کرده شود در ان جا اسم نبی صلی الله علیه وسلم و درود فرستاده شود بر وی در ان جا مگر بخیزد از ان جا بوی

رائحة تخرق السموات السبع حتى تنتهي الى العرش يجد ريحها كل من

بوی که بشگافد آسمانهای هفت را تا آنکه میرسد تا عرش بوی می یابد آن بوی را هر آنکس که

خلق الله في الارض الا الانس والجن فانهم لو وجدوا ريحها يشغل كل واحد

آفریده است خدای تعالی در زمین سوای انسان و پریان بدرستیکه ایشان اگر می یافتند بوی آن را در هر آینه باز میماند هر یک

منهم بلذتها عن معيشته ولا يجد تلك الرائحة ملك ولا خلق من

ایشان بسبب لذت آن از معیشت خود و نمی یابد این بوی خوش را هیچ فرشته و نه هیچ مخلوق از

خلق الله تعالى الا استغفر لاهل المجالس ويكتب لهم بعددهم حسنات

مخلوقات خدا تعالی مگر آمرزش میخواهد برای اهل مجلس نوشته میشود مر ایشان را بشمار ایشان نیکی ها

ويرفع لهم بعددهم درجات سواء كان في المجلس واحد او مائة الف

و بلند کرده میشود ایشان را بشمار ایشان پایه ها برابر است که باشد در مجلس واحد یا صد هزار

احد من الاجر هذا العدد وما عند الله خير واجزل كذا في المطالع

یکی از ثواب این عدد شمار را آنچه که نزد خداست از نیکی بهتر و عطای کثیر است در مطالع

وذكر في بعض الاخبار ان العبد المؤمن او الامة المؤمنة اذا بدأ

و ذکر کرده شده در بعض اخبار بدرستیکه بنده مومن یا زن مومنه چون شروع میکند

الصلوة على محمد صلى الله عليه وسلم فتحت له ابواب السماء

درود فرستادن بر محمد صلى الله عليه وسلم کشاده سے شود مروی را بابهاے آسمان

السرادقات حتى الى العرش فلا يبقى ملك في السموات الا صلى على

وپرده ها تا آنکه تا عرش پس باقی نمیماند هیچ فرشته در آسمانها مگر درود میفرستند بر

محمد صلى الله عليه وسلم ويستغفرون لذلك العبد او الامة ما شاء

محمد صلى الله عليه وسلم ومغفرت میخواهند مر این مرد یا زن را آنقدر که خواسته است

الله كذا في الدلائل وعن جابر ابن عبد الله قال قال رسول الله

خدا تعالے چنین است در دلائل واز جابر بن عبد الله رض مرویست گفت فرمود پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم من صلى علي في كل يوم مائة مرة قضيت

صلى الله عليه وسلم کسیکه درود فرستد بر من در هر روز صد مرتبه روا کرده شود

له مائة حاجة منها ثلثون للدنيا وسائرها للاخرة اخرجه

مرو برا صد حاجت ازان صد سی حاجت دنیا وے و باقی شان اخروی باشد روایت کرده این

المستغفري كذا في المطالع وعن بعض الصالحين انه

مستغفری در مطالع است چنین واز بعض صالحین مرویست که بدرستیکه

قال كان لي جار نساخ فمات فرأيته في المنام فقلت له ما فعل

گفت که بود مرا همسایه کاتب پس مرد آن پس دیدم من او را در خواب پس گفتم مراو را چه معامله کرد

الله بك فقال غفر لي فقلت له فبم ذلك فقال كنت اذا كتبت

خدا با تو پس گفت آمرزید مرا پس گفتم مراو را پس بچه چیز حاصل شد این آمرزش پس گفت بودم من وقتیکه مینوشتم

اسم محمد صلى الله عليه وسلم في كتب صليت عليه فاعطاني ربي

اسم مبارک محمد صلى الله عليه وسلم در کتاب درود میفرستادم بر آنحضرت پس داد مرا پروردگار من

ما لا عين رأت ولا اذن سمعت ولا خطر على قلب بشر ...

آنچه که نه چشمے دیده است ونه گوشے شنیده است ونه خطره گذشت بر دل کسے بشر چنین است

فِي دَلَائِلِ الْخَيْرَاتِ وَقَالَ صَاحِبُ الْمَطَالِعِ الْمُرَادُ بِهٰذَا الْبَعْضِ هُنَا عُبَيْدُ اللهِ

در دلائل خيرات گفت صاحب مطالع مراد باين بعض در اينجا عبيد الله

بِالتَّصْغِيرِ ابْنُ عُمَرَ الْقَوَارِيرِيُّ بِفَتْحِ الْقَافِ رَحِمَهُ اللهُ تَعَالٰى وَقَالَ

بصيغه تصغير ابن عمر قواريري است بفتح قاف رحم كناد خدا تعالى او را و نيز گفت

اَيْضًا وَحِكَايَتُهُ هٰذِهٖ ذَكَرَهَا غَيْرُ وَاحِدٍ مِنْهُمْ ابْنُ سَبُعٍ وَابْنُ بَشْكُوَالَ

حكايت اين كاتب كه اينست ذكر كرده اند از بسيار كسان بعض از ايشان ابن سبع وابن بشكوال

وَجَبْرٌ وَابْنُ وَدَاعَةَ وَابْنُ الْفَاكِهَانِيِّ وَقِيلَ لِرَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

وجبر وابن وداعه وابن فاكهاني است و گفته شد مر رسول را صلى الله عليه

وَسَلَّمَ اَرَاَيْتَ صَلٰوةَ الْمُصَلِّينَ عَلَيْكَ مِمَّنْ غَابَ عَنْكَ وَمَنْ يَّاْتِي

وسلم را چه فرمايند در حق فرستندگان درود بر تو از ان كسان كه غايب اند از تو و در حق آنكسانكه مى آيند

بَعْدَكَ مَا حَالُهُمَا عِنْدَكَ فَقَالَ اَسْمَعُ صَلٰوةَ اَهْلِ مَحَبَّتِي وَاَعْرِفُهُمْ

بعد تو چه مرتبه دارند نزد تو اين هر دو پس فرمود مى شنوم درود اهل محبت من و مى شناسم ايشان را

وَتُعْرَضُ عَلَيَّ صَلٰوةُ غَيْرِهِمْ عَرْضًا كَذَا فِي الدَّلَائِلِ وَقَالَ صَاحِبُ الْمَطَالِعِ

وعرض كرده شود بر من درود غير ايشان نوع عرض كردني چنين است در دلائل و گفت صاحب مطالع

لَا اَعْرِفُهُمْ وَلَهُمْ اَجْلَاهُ وَعَنْ اَنَسٍ قَالَ ارْتَقٰى رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ

نمى شناسم من از او نها شم آنها وا ز انس مرويست كه گفت برمنبر آمد پيغامبر خدا صلى الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمِنْبَرَ فَقَالَ اٰمِيْنَ ثُمَّ ارْتَقٰى ثَانِيَةً فَقَالَ اٰمِيْنَ ثُمَّ

عليه وسلم پس گفت امين پس تر بر منبر آمد آنحضرت دوباره پس گفت آنحضرت امين پس تر

ارْتَقٰى ثَالِثَةً فَقَالَ اٰمِيْنَ ثُمَّ اسْتَوٰى فَقَالَ اٰمِيْنَ فَقَالَ اَصْحَابُهُ

سوم بار بر منبر آمد پس فرمود امين پس تر برابر نشست بر منبر پس فرمود امين پس گفت ياران آنحضرت

عَلَامَ اٰمَنْتَ يَا رَسُولَ اللهِ فَقَالَ اَتَانِي جِبْرَئِيلُ فَقَالَ لِي مُحَمَّدُ

بر چه آمين كرديد اى پيغامبر خدا پس فرمود آمد مرا جبرئيل عليه السلام پس گفت مرا اى محمد

رَغِمَ اَنفُ اِمرِئٍ ذُكِرتُ عِندَهٗ فَلَم يُصَلِّ عَلَيكَ فَقُلتُ اٰمِين وَقَالَ

خوار باد امرد که تو ذکر کرده شدی نزد وی پس درود نفرستاد بر تو پس گفتم آمین و گفت

رَغِمَ اَنفُ اِمرِئٍ اَدرَكَ وَالِدَيهِ اَو اَحَدَهُمَا فَلَم يُدخِلَاهُ الجَنَّةَ فَقُلتُ

خوار باد مرد یکه یافت والدین را یا یکی از آن ها پس داخل نکردند آنها ویرا به بهشت پس گفتم

اٰمِين وَقَالَ رَغِمَ اَنفُ امرِئٍ اَدرَكَ شَهرَ رَمَضَانَ فَلَم يُغفَر لَهٗ

آمین و گفت خوار باد امرد یکه یافت ماه رمضان مبارک پس آمرزیده نشد مر وی را

فَقُلتُ اٰمِين ابنُ النَّجَّارِ جمع الجوامع

پس گفتم آمین روایت کرد ابن نجار در جمع الجوامع

بَابُ الذِّكرِ بَعدَ الصَّلٰوةِ

این باب در فضیلت ذکر بعد نماز است

عَن اَبِي هُرَيرَةَ قَالَ اِنَّ فُقَرَاءَ المُهَاجِرِينَ اَتَوا رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى

و روایت است از ابی هریره گفت بدرستیکه فقراء مهاجرین آمدند پیش پیغامبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيهِ وَسَلَّمَ فَقَالُوا قَد ذَهَبَ اَهلُ الدُّثُورِ بِالدَّرَجٰتِ العُلٰى وَالنَّعِيمِ

الله علیه و سلم پس گفتند بتحقیق بردند خداوندان اموال بسیار پایهاء بلند و نعمت

المُقِيمِ فَقَالَ وَمَا ذَاكَ قَالُوا يُصَلُّونَ كَمَا نُصَلِّي وَيَصُومُونَ كَمَا

پاینده را پس فرمود و چیست این سخن گفتند ایشان نماز میگذارند ایشان چنانکه نماز میگذاریم ما و روزه میدارند چنانکه

نَصُومُ وَيَتَصَدَّقُونَ وَلَا نَتَصَدَّقُ وَيُعتِقُونَ وَلَا نُعتِقُ فَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

روزه میداریم ما و صدقه میدهند ایشان و صدقه نمیدهیم و برده آزاد میکنند ایشان و آزاد نمیکنیم ما پس فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَسَلَّمَ اَفَلَا اُعَلِّمُكُم شَيئًا تُدرِكُونَ بِهٖ مَن سَبَقَكُم

صلی الله علیه و سلم آیا نیاموزم شما را عملی که دریابید بسبب آن عمل فضل کسانی را که پیشی کردند

وَتَسبِقُونَ بِهٖ مَن بَعدَكُم وَلَا يَكُونُ اَحَدٌ اَفضَلَ مِنكُم اِلَّا مَن صَنَعَ

و پیشی کنید بسبب آن عمل کسانی را که بعد از شما باشند و نباشد هیچ یکی از اغنیا زیاده تر از شما مگر کسی که کند آنچه

مِثْلَ مَا صَنَعْتُمْ قَالُوا بَلٰى يَا رَسُولَ اللّٰهِ قَالَ تُسَبِّحُونَ وَتُكَبِّرُونَ وَ

مانند آن عملی که شما کنید گفتند آری تعلیم کن ای پیغامبر خدا فرمود تسبیح کنید و تکبیر گوئید و

تُحَمِّدُونَ دُبُرَ كُلِّ صَلٰوةٍ ثَلٰثًا وَّثَلٰثِيْنَ مَرَّةً قَالَ اَبُوْ صَالِحٍ فَرَجَعَ فُقَرَاءُ

حمد خوانید پس هر نماز سی و سه بار گفت ابو صالح راوی پس باز گشتند فقرا

الْمُهَاجِرِيْنَ اِلٰى رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالُوْا سَمِعَ اِخْوَانُنَا

مهاجرین بسوی آنحضرت صلی الله علیه و سلم پس گفتند که شنیدند برادران ما

اَهْلُ الْاَمْوَالِ بِمَا فَعَلْنَا فَفَعَلُوْا مِثْلَهٗ فَقَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

که مالها دارند عملی را که کردیم ما پس کردند مانند آن پس فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ ذٰلِكَ فَضْلُ اللّٰهِ يُؤْتِيْهِ مَنْ يَّشَاءُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَلَيْسَ قَوْلُ

وسلم این افزونی اغنیا بر شما فضل خداست که میدهد فضل خود را بهر که میخواهد متفق علیه و نیست قول

اَبِيْ صَالِحٍ اِلٰى اٰخِرِهٖ اِلَّا عِنْدَ مُسْلِمٍ وَعَنْ كَعْبِ ابْنِ عُجْرَةَ قَالَ قَالَ

ابی صالح تا آخر ، مگر نزد مسلم و مرویست از کعب ابن عجره گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُعَقِّبَاتٌ لَا يَخِيْبُ قَائِلُهُنَّ اَوْ

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کلماتی که بعضی عقب بعضی آینده اند که نومید گردانیده نمیشود گوینده آن کلمات یا

فَاعِلُهُنَّ دُبُرَ كُلِّ صَلٰوةٍ مَكْتُوْبَةٍ ثَلٰثٌ وَّثَلٰثُوْنَ تَسْبِيْحَةً وَّثَلٰثٌ

کننده آن در پس هر نماز فریضه سی و سه بار سبحان الله گفتن و سی

وَّثَلٰثُوْنَ تَحْمِيْدَةً وَّاَرْبَعٌ وَّثَلٰثُوْنَ تَكْبِيْرَةً رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

و سه بار الحمد لله گفتن و سی و چهار بار الله اکبر گفتن روایه مسلم و مرویست از

اَبِيْ هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ سَبَّحَ

ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه سبحان الله

اللّٰهَ دُبُرَ كُلِّ صَلٰوةٍ ثَلٰثًا وَّثَلٰثِيْنَ وَحَمِدَ اللّٰهَ ثَلٰثًا وَّثَلٰثِيْنَ وَكَبَّرَ

بگوید در پس هر نماز فریضه سی و سه بار و الحمد لله بگوید سی و سه بار و الله اکبر بگوید

اللّٰه ثلثا وثلثين فتلك تسعة وتسعون وقال تمام المائة لا اله الا اللّٰه

سی وسه بار پس این مجموعه نود ونه ۹۹ بار میشود و بگوید برای تمام کردن عدد صد این کلمه لا اله الا اللّٰه

وحده لا شريك له له الملك وله الحمد وهو على كل شيء قدير غفرت

وحده لا شریک له له الملک و له الحمد و هو علی کل شیء قدیر آمرزیده شود

خطاياه وان كانت مثل زبد البحر رواه مسلم وعن ابي امامة قال

گناهانش اگرچه باشد گناهانش مانند کف دریا رواه مسلم و از ابی امامه رضی الله عنه گفت

قيل يا رسول الله اي الدعاء اسمع قال جوف الليل الآخر ودبر الصلوات

گفته شد ای پیغمبر خدا کدام دعا مسموع تر است فرمود دعا در میانه شب آخر و عقب نمازهای

المكتوبات رواه الترمذي وعن انس قال قال رسول الله صلى الله

فرض رواه ترمذی و مرویست از انس رضی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم لان اقعد مع قوم يذكرون الله من صلوة الغداة حتى تطلع

علیه وسلم که هر آئینه نشستن من با گروهی که ذکر میکنند خدا تعالی را بعد از نماز بامداد تا برآمدن

الشمس احب الي من ان اعتق اربعة من ولد اسمعيل ولان اقعد مع

آفتاب محبوب تر است بسوی من از آزاد کردن من چهار مرد را از اولاد اسمعیل و هر آئینه نشستن من با

قوم يذكرون الله من صلوة العصر الى ان تغرب الشمس احب الي من

گروهی که ذکر میکنند خدا را بعد از نماز عصر تا غروب آفتاب محبوب تر است بسوی من از

ان اعتق اربعة رواه ابو داود وعنه قال قال رسول الله صلى الله

آزاد کردن من چهار مرد را رواه ابو داود و مرویست از انس رضی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم من صلى الفجر في جماعة ثم قعد يذكر الله حتى تطلع الشمس

علیه وسلم کسیکه بگذارد نماز بامداد با جماعت پس بنشیند در جائیکه یاد میکند خدا را تا آنکه برآید آفتاب

ثم صلى ركعتين كانت له كاجر حجة وعمرة تامة تامة تامة

پس بگذارد دو رکعت باشد مر او را مانند اجر حج و اجر عمره بر او تمام تمام تمام

رواه الترمذي وعن علي قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم

روایت کرد او را ترمذی در روایت است از علی رض گفت شنیدم پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را

على أعواد هذا المنبر يقول من قرأ آية الكرسي في دبر كل صلوة لم يمنعه

بر چوبهای این منبر که میفرمود کسیکه بخواند آیة الکرسی را در پس هر نماز باز نمیدارد او را از در آمدن

من دخول الجنة إلا الموت ومن قرأها حين يأخذ مضجعه آمنه الله

بهشت مگر مرگ و هر که بخواند آیة الکرسی را وقتیکه میگیرد خوابگاه خود را ایمن گرداند او را خدا تعالی

على داره ودار جاره وأهل دويرات حوله رواه البيهقي في شعب الإيمان

بر سرای او و سرای همسایه او و اهل چند سرایها که گرد اویند روایت کرد بیهقی در شعب الایمان

وعن عبد الرحمن بن غنم عن النبي صلى الله عليه وسلم قال من قال

و روایت است از عبد الرحمن بن غنم و او از نبی صلی الله علیه وسلم گفت آنحضرت کسیکه گفت

قبل أن ينصرف ويثني رجليه من صلوة المغرب والصبح لا إله إلا الله

پیش از آنکه برگردد از نماز و دو تا گرداند پایهای خود را از نماز شام و بامداد لا اله الا الله

وحده لا شريك له له الملك وله الحمد بيده الخير يحيي ويميت وهو على

وحده لا شریک له له الملک وله الحمد بیده الخیر یحیی ویمیت وهو علی

كل شيء قدير عشر مرات كتب له بكل واحدة عشر حسنات ومحيت عنه

کل شیء قدیر ده مرتبه نوشته شود مر آنکس را بهر یکی ازین کلمات ده نیکی و محو کرده شود از وی

عشر سيئات ورفع له عشر درجات وكانت له حرزا من كل مكروه

ده بدی و بلند گردانیده شود مر او را ده پایه و باشد هر یک ازین کلمه برای او امان از هر ناخوش

وحرزا من الشيطان الرجيم ولم يحل لذنب أن يدركه إلا الشرك

و پناه از شیطان سنگسار کرده شده و روا نیست هیچ گناهی را که دریابد او را مگر کفر

وكان من أفضل الناس عملا إلا رجلا يفضله يقول أفضل مما قال رواه أحمد

و باشد گوینده کلمات از بهترین مردم از روی عمل مگر مردیکه زیاده شود او را که بگوید فاضلتر از آنچه که گفته است روایت کرد احمد

باب تعمير المساجد

[illegible]

ومن أظلم ممن منع مساجد الله أن يذكر فيها اسمه وسعى في خر
[illegible]
أولئك ما كان لهم أن يدخلوها إلا خائفين لهم في الدنيا خزي و
[illegible]
لهم في الآخرة عذاب عظيم إنما يعمر مساجد الله من آمن بالله واليوم الآخر
[illegible]
وأقام الصلوة وآتى الزكوة ولم يخش إلا الله فعسى أولئك أن يكونوا
[illegible]
من المهتدين في بيوت أذن الله أن ترفع ويذكر فيها اسمه يسبح
[illegible]
له فيها بالغدو والآصال رجال لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن
[illegible]
ذكر الله وإقام الصلوة وإيتاء الزكوة يخافون يوما تتقلب فيه
[illegible]
القلوب والأبصار ليجزيهم الله أحسن ما عملوا ويزيدهم من فضله
[illegible]
والله يرزق من يشاء بغير حساب وعن أبي هريرة قال قال رسول
[illegible]
الله صلى الله عليه وسلم أحب البلاد إلى الله مساجدها وأبغض البلاد
[illegible]

إلى الله أسواقها رواه مسلم وعن عثمان رضه قال قال رسول الله صلى الله

دشمن ترین جاها بسوی خدا بازارهای آنست روایت کرد آنرا مسلم و روایت است از عثمان رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم من بنى لله مسجدا بنى الله له بيتا في الجنة متفق عليه

علیه وسلم کسیکه بنا کند برای خدا مسجد را بنا کند خدا تعالی مر ویرا خانه در بهشت متفق علیه

وعن أبي هريرة رضه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من غدا إلى

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه برود اول روز بسوی

المسجد أو راح أعد الله له نزله من الجنة كلما غدا أو راح متفق عليه

مسجد یا برود ... آخر روز آماده گرداند خدا تعالی برای وی مهمانی از بهشت هرگاه که برود اول روز یا آخر روز

وعن أبي موسى قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم أعظم الناس أجرا

و روایت است از ابی موسی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بزرگترین مردم از روی ثواب

في الصلوة أبعدهم فأبعدهم ممشى والذي ينتظر الصلوة حتى يصليها

در نماز دورترین ایشانست پس دورترین ایشانست در راه و آنکسیکه نشسته است در مسجد انتظار میکند نماز تا بگذارد

مع الإمام أعظم أجرا من الذي يصلي ثم ينام متفق عليه وعن

با امام بزرگترست از روی اجر از کسیکه نماز گذارد و تنها پس بخوابد میرود متفق علیه و از

جابر رضه قال خلت البقاع حول المسجد فأراد بنو سلمة أن ينتقلوا قرب

جابر رض روایت است گفت خالی شد جایها گرد مسجد الحنفی پس خواستند بنو سلمه که نقل کنند از منازل خود و بیایند نزدیک

المسجد فبلغ ذلك النبي صلى الله عليه وسلم فقال لهم بلغني أنكم تريدون

مسجد پس رسید این خبر بپیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را پس گفت مر ایشان را که رسید مرا که شما میخواهید

أن تنتقلوا قرب المسجد قالوا نعم يا رسول الله قد أردنا ذلك فقال

که نقل کنید و بیایید نزدیک مسجد گفتند آری یا پیغمبر خدا بتحقیق خواسته ایم این را پس فرمود

يا بني سلمة دياركم تكتب آثاركم دياركم تكتب آثاركم رواه مسلم

ای بنی سلمه لازم گیرید خانهای خود را نوشته میشود قدمهای شما فرمود برای تاکید روایت کرد مسلم

وعن ابی هریرة قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم سبعة

و از ابی هریره روایت است گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم هفت قوم اند از مردم

یظلهم الله فی ظله یوم لا ظل الا ظله امام عادل وشاب نشأ فی عبادة

که سایه دارد ایشان را خدا سبحانه در پناه خود در روزیکه نیست هیچ پناهی جز پناه وی یکی پادشاه عادل است دوم جوانیکه نشو و نما یافت در پرستش

الله ورجل قلبه معلق بالمسجد اذا خرج منه حتی یعود الیه

خدا و سوم مردیکه دلش متعلق است بمسجد می که بیرون آید از ان تا آنکه باز گردد بسوی مسجد

ورجلان تحابا فی الله اجتمعا علیه وتفرقا علیه ورجل ذکر الله

و چهارم هر یکی از دو مرد یکدیگر را دوست دارند یکدیگر را از جهت خدا فراهم آمدند بر محبت خدا و جدا شدند بر محبت خدا پنجم مردیکه یاد کرد خدا را

خالیا ففاضت عیناه ورجل دعته امرأة ذات حسب وجمال

تنها پس اشک ریخت هر دو چشم وی و ششم مردیکه خواند او را زنی صاحب جاه و جمال

فقال انی اخاف الله ورجل تصدق بصدقة فاخفاها حتی لا تعلم

پس گفت آن مرد بدرستیکه من میترسم خدا را و هفتم مردیکه صدقه کرد بچیزی از صدقه پس پنهان کرد صدقه را تا آنکه نداند

شماله ما تنفق یمینه متفق علیه وعنه قال قال رسول الله صلی

دست چپ او آنچه میدهد دست راست وی متفق علیه و از وی مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

الله علیه وسلم صلوة الرجل فی الجماعة تضعف علی صلوته فی

الله علیه وسلم نماز مردیکه میگذارد در مسجد بجماعت زیاده گردانیده میشود ثواب آن بر نماز او که میکند تنها در

بیته وفی سوقه خمسا وعشرین ضعفا وذلک انه اذا توضأ

خانه خود و در بازار خود بست و پنج درجه و این تضعیف ثواب بسبب آنست که چون وضو کند

فاحسن الوضوء ثم خرج الی المسجد لا یخرجه الا الصلوة لم یخط

پس نیک کرد وضو را پستر بیرون آمد بسوی مسجد در حالیکه بیرون نمی آرد او را مگر نماز نمی نهد

خطوة الا رفعت له بها درجة وحط عنه بها خطیئة فاذا صلی

هیچ گامی مگر بلند گردانیده میشود مر او را بآن گام پایه ثواب و کم کرده میشود از وی بآن گام گناهی پس چون نماز گذارد

لم تزل الملائكة تصلي عليه مادام في مصلاه اللهم صل عليه اللهم

همیشه اند فرشتگان که درود میفرستند بروی تا انکه نشسته است وی در جای نماز خود باین صیغه که خداوندا درود بفرست بروی خداوندا

ارحمه ولا يزال احدكم في صلوة ما ينتظر الصلوة وفي رواية قال اذا

رحمت کن بروی و همیشه است از شما در نماز تا انکه انتظار میکند نماز را و در روایتی اینچنین امده است که گفت انحضرت چون

دخل المسجد كانت الصلوة تحبسه وزاد في دعاء الملائكة اللهم اغفر

درامد مسجد را درحالیکه تحقیق باشد نماز که منع کند او را از بیرون رفتن و زیاده کرده است درین روایت در دعای فرشتگان این عبارت را خداوندا بیامرز

له اللهم تب عليه ما لم يؤذ فيه ما لم يحدث فيه متفق عليه

مراورا خداوندا رجوع کن برحمت بروی مادام که نرنجاند در مسجد هیچ مسلمانی را مادام که حدث نکند در مسجد متفق علیه است

وعن ابي اسيد قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و از ابی اسید مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

اذا دخل احدكم المسجد فليقل اللهم افتح لي ابواب رحمتك واذا خرج

چون درآید یکی از شما مسجد را پس باید که بگوید خداوندا بگشا برای من درهای رحمت خود را و چون برآید از مسجد

فليقل اللهم اني اسئلك من فضلك رواه مسلم وعن ابي قتادة

پس باید که بگوید خداوندا من سوال میکنم ترا از فزونی خیر تو رواه مسلم و روایت است از ابی قتاده رض

ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال اذا دخل احدكم المسجد

بدرستیکه پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود چون درآید یکی از شما مسجد را

فليركع ركعتين قبل ان يجلس متفق عليه وعن معاوية ابن

پس باید که بگذارد دو رکعت پیش از انکه بنشیند متفق علیه و از معاویه ابن

قرة عن ابيه ان رسول الله صلى الله عليه وسلم نهى عن هاتين

قره مرویست او روایت میکند از پدر خود که بدرستیکه انحضرت صلی الله علیه وسلم نهی کرد از خوردن این

الشجرتين يعني البصل والثوم وقال من اكلهما فلا يقربن مسجدنا

دو درخت یعنی پیاز و سیر و فرمود انحضرت کسیکه بخورد این دو درخت را پس نزدیک نشود مسجد ما را

وقال إن كنتم لا بد آكليهما فأميتوهما طبخا رواه أبو داود وعن

وگفت اگر هستید شما که ناچار خورندهٔ این دو درخت پس بمیرانید بوی آنها را به پختن روایت کرد ابوداود و مرویست از

جابر رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من أكل من هذه الشجرة

جابر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم کسیکه بخورد از این درخت ناخوشبوی پیاز یا سیر را

المنتنة فلا يقربن مسجدنا فإن الملائكة تتأذى مما يتأذى منه

پس باید که قریب نشود و در نیاید مسجد ما را زیرا که فرشتگان آزار میکشند از آن چیزی که آزار میکشند از وی

الإنس متفق عليه وعن عائشة قالت أمر رسول الله صلى الله

آدمیان متفق علیه است و مرویست از عائشه رض گفت امر کرد پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم ببناء المسجد في الدور وأن ينظف ويطيب رواه أبو داود

علیه و سلم به بنا کردن مسجد در سراها و محلها و امر کرد که پاکیزه داشته شوند مسجدها و خوشبو کرده شوند روایت کرد ابوداود

والترمذي أي المحلات وابن ماجة وعنه قال قال رسول الله صلى الله

و ترمذی مراد داشته است از دور محلات را و ابن ماجه و از وی مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم عرضت علي أجور أمتي حتى القذاة يخرجها الرجل من

علیه و سلم عرض کرده شد بر من عملهای امت من که بر آن ثواب میابند تا آنکه خس و خاشاک و چیزی که بیرون می‌آرد آنرا مرد از

المسجد وعرضت علي ذنوب أمتي فلم أر ذنبا أعظم من سورة من

مسجد عرض کرده شد بر من گناهان امت من پس ندیدم هیچ گناهی بزرگتر از فراموش کردن سوره از

القرآن أو آية أوتيها رجل ثم نسيها رواه الترمذي وأبو داود وعن

قرآن یا آیتی که داده شد آن سوره یا آن آیه را مرد و باز فراموش کرد آنرا روایت کرد ترمذی و ابوداود و از

بريدة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم بشر المشائين في الظلم

بریده رض مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم بشارت ده مروندگان را در تاریکیها

إلى المساجد بالنور التام يوم القيامة رواه الترمذي وأبو داود

بمسجد بروشنی تام در روز رستخیز روایت کرد ترمذی و ابوداود

وَابْنُ مَاجَهْ عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ وَأَنَسٍ رضـ وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رضـ

وابن ماجه از سهل ابن سعد وازانس رضـ وازابی سعید خدری مرویست رضـ

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ يَتَعَاهَدُ الْمَسْجِدَ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چون به بینید مرد یرا که عهده برائی مسجد میکند

فَاشْهَدُوا لَهُ بِالْإِيمَانِ فَإِنَّ اللّٰهَ يَقُولُ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللّٰهِ مَنْ

پس گواهی دهید حکم کنید مر اورا که او مومن است زیرا که خدای تعالی میفرماید معمور میدارد مسجد های خدارا مگر کسیکه

آمَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَهْ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ

ایمان آورده است بخدا و روز آخرت رواه ترمذی وابن ماجه والدارمی دروایت است

أَبِي أُمَامَةَ رضـ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ خَرَجَ مِنْ

ازابی امامه رضـ گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه بیرون آید از

بَيْتِهِ مُتَطَهِّرًا إِلَى صَلٰوةٍ مَكْتُوبَةٍ فَأَجْرُهُ كَأَجْرِ الْحَاجِّ الْمُحْرِمِ

خانه خود بوضو بسوی نماز فرض پس اجر او همچو اجر کسیکه بحج بر آمده است احرام بسته

وَمَنْ خَرَجَ إِلَى تَسْبِيحِ الضُّحٰى لَا يَنْصِبُهُ إِلَّا إِيَّاهُ فَأَجْرُهُ كَأَجْرِ الْمُعْتَمِرِ

وکسیکه بیرون آید بسوی نماز چاشت نه در آرد اورا مگر تسبیح ضحی پس ثواب او همچو کسیکه عمره می آرد

وَصَلٰوةٌ عَلٰى أَثَرِ الصَّلٰوةِ لَا لَغْوَ بَيْنَهُمَا كِتَابٌ فِي عِلِّيِّينَ رَوَاهُ أَحْمَدُ

ونماز بر نمازی دیگر که نیست کلامی بیهوده درمیان آن هردو علییست که نوشته شود در اعلی مرتب رواه احمد

وَأَبُو دَاوُدَ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضـ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

وابو داود وازابهریره رضـ مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

إِذَا مَرَرْتُمْ بِرِيَاضِ الْجَنَّةِ فَارْتَعُوا قِيلَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

وقتیکه بگذرید شما به باغ های بهشت پس بچرید گفته شد ای پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ وَمَا رِيَاضُ الْجَنَّةِ قَالَ الْمَسَاجِدُ قِيلَ وَمَا الرَّتْعُ يَا رَسُولَ اللّٰهِ

وسلم وچیست ریاض الجنة فرمود مساجد گفته شد وچیست چریدن ای پیغمبر خدا

قال سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر رواه الترمذي

فرمود آن کلمہ سبحان اللہ والحمد للہ ولا الہ الا اللہ واللہ اکبر روایت کرد ترمذی

وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من اتى المسجد

و مرویست ازوی گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ بیاید مسجد را

لشيء فهو حظه رواه ابوداود وعن ابي امامة قال ان حبرا

برای چیزی پس ہمان چیز بہرہ اوست روایت کرد ابوداود و مرویست از ابی امامہ رض گفت بدرستیکہ دانشمندی

من اليهود سال النبي صلى الله عليه وسلم اي البقاع خير فسكت عنه

از یہود پرسید پیغمبر خدا را صلے اللہ علیہ وسلم کدامی از جاہا بہتر ہست پس خاموش ماند آنحضرت از وی

وقال اسكت حتى يجيء جبرئيل فسكت وجاء جبرئيل عليه السلام فسال

و گفت خاموش میباشم تا آنکہ بیاید جبرئیل پس خاموش ماند آنحضرت و آمد جبرئیل علیہ السلام پس پرسید آنحضرت

فقال ما المسئول عنها باعلم من السائل ولكن اسال ربي تبارك وتعالى

پس گفت جبرئیل نیست سوال کردہ شدہ ازان داناتر از سوال کنندہ لیکن میپرسم من پروردگار خود را تبارک و تعالی

ثم قال جبرئيل يا محمد اني دنوت من الله دنوا ما دنوت منه قط قال

پس گفت جبرئیل ای محمد بدرستیکہ من نزدیک شدم از درگاہ خدا نزدیک شدنی کہ نزدیک نشدہ بودم در مدۃ عمر از او ہرگز فرمود چگونہ

وكيف كان يا جبرئيل قال كان بيني وبينه سبعون الف حجاب

بود ای جبرئیل آن نزدیک شدن تو با خدا گفت جبرئیل بود میان من و خدا ہفتاد ہزار پردہ

من نور فقال شر البقاع اسواقها وخير البقاع مساجدها رواه ابن

از نور پس جبرئیل گفت پس فرمود حقتعالی بدترین جاہا بازارہا ست و بہترین جاہا مسجد ہاست روایت کرد ابن

حبان مس وعن ابي هريرة رض قال سمعت رسول الله صلى

حبان و روایت است از ابی ہریرہ رض گفت شنیدم من پیغمبر خدا صلے

الله عليه وسلم يقول من جاء مسجدي هذا لم يات الا لخير يتعلمه او يعلمه

اللہ علیہ وسلم را کہ میگفت کسیکہ بیاید بمسجد من کہ این مسجد است نیامد مگر برای کار نیک کہ فرا گیرد یا بیاموزد آن را

فهو بمنزلة المجاهد في سبيل الله ومن جاء لغير ذلك فهو بمنزلة

پس اجر و ثواب همچو کسیکه جهاد میکند در راه خدا و کسیکه بیاید برای کار دیگر پس آنکس همچو

الرجل ينظر الى متاع غيره رواه ابن حبان والبيهقي في شعب الايمان

مردیست که می نگرد بجانب متاع دیگر رواه ابن حبان و بیهقی در شعب الایمان

وعن الحسن مرسلا قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم يأتي على

و مرویست از حسن بصری از روی مرسل گفت حسن فرموده پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم می آید بر

الناس زمان يكون حديثهم في مساجدهم في امر دنياهم فلا تجالسوهم

مردمان زمانه گفت گوی ایشان در مسجدهای ایشان در کار دنیای ایشان پس همنشینی مکنید ایشانرا

فليس لله فيهم حاجة رواه البيهقي في شعب الايمان وعن انس

پس نیست مر خدا را از ایشان حاجتی رواه بیهقی در شعب ایمان و از انس رض

بن مالك قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم صلوة الرجل في

مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نماز مردی در

بيته بصلوة وصلوته في مسجد القبائل بخمس وعشرين صلوة

خانه وی بمنزله یکنماز است و نماز وی در مسجد قبیله وی بمنزله بیست و پنجنماز است

وصلوته في المسجد الذي يجمع فيه بخمس مائة صلوة وصلوته

و نماز وی در مسجدیکه جمعه ادا کرده میشود در آن مسجد بمنزله پانصد نماز است و نماز وی

في المسجد الاقصى بخمسين الف صلوة وصلوته في مسجدي بخمسين

در مسجد اقصی پنجاه هزار نماز است و نماز وی در مسجد من بمنزله پنجاه

الف صلوة وصلوته في المسجد الحرام بمائة الف صلوة رواه ابن

هزار نماز است و نماز وی در مسجد حرام بمنزله صد هزار نماز است رواه ابن

ماجة وعن ابي ذر قال قلت يا رسول الله اي مسجد وضع في

ماجه و روایت است از ابی ذر رض گفت گفتم ای پیغمبر خدا کدام مسجد است که بنا کرده شد در

الأرض أول قال المسجد الحرام قلت ثم أي قال ثم المسجد الأقصى

زمین نخست فرمود مسجد حرام گفتم پستر کدام فرمود پستر مسجد اقصی است

قلت كم بينهما قال أربعون عاما ثم الأرض لك مسجد فحيث ما

گفتم چند مدت است در میان این هر دو مسجد فرمود چهل سال پستر زمین تمام ترا مسجد است پس هر کجا که

أدركتك الصلوة فصل متفق عليه وعن عبد الله بن عمرو بن

دریابد ترا نماز پس بگذارد متفق علیه و مرویست از عبد الله بن عمرو بن

العاص رض قال كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول إذا دخل المسجد

عاص رض گفت بود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم میگفت در وقت در آمدن مسجد

أعوذ بالله العظيم وبوجهه الكريم وسلطانه القديم من الشيطان

پناه میجویم بخدای بزرگ و بذات پاک وی و بسلطنت و برهان وی که قدیم است از شیطان

الرجيم قال فإذا قال ذلك قال الشيطان حفظ مني سائر اليوم رواه

سنگسار کرده شده فرمود آنحضرت چون بگوید کسی این کلمات را بگوید شیطان نگاه داشته شد این بنده از من تمام روز روایت

أبو داود وعن معاذ بن جبل قال احتبس عنا رسول الله صلى الله

ابو داود و مرویست از معاذ بن جبل رض گفت باز داشته شد از ما پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم ذات غداة عن صلوة الصبح حتى كدنا نترائ عين الشمس

علیه وسلم یک بامداد از نماز صبح تا آنکه نزدیک بودیم که ببینیم آفتاب را طلوع کرده

فخرج سريعا فثوب بالصلوة فصلى رسول الله صلى الله عليه وسلم

پس بیرون آمد با شتابی پس تکبیر گفته شد نماز پس نماز گذارد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

وتجوز في صلوته فلما سلم دعا بصوته فقال لنا على مصافكم كما

و سبک ساخت نماز را برخلاف عادت پس چون سلام داد آواز بلند بخواند ما را بر جای صفها بنشینید چنانکه

أنتم ثم انفتل إلينا ثم قال أما إني سأحدثكم ما حبسني عنكم

هستید پستر گشتند آنحضرت بجانب ما پستر فرمود آگاه باشید بدرستیکه من خبر میدهم شما را که چه چیز باز داشت مرا از شما در این

الغداة إني قمت من الليل فتوضأت وصليت ما قدر لي فنعست في

بامداد که بدرستی من برخاستم از شب پس وضو کردم و نماز گذاردم آنچه که تقدیر کرده شده بود برای من پس خواب رفتم در

صلوتي حتى استثقلت فإذا أنا بربي تبارك وتعالى في أحسن صورة

نماز تا آنکه ثقیل شدم پس ناگاه من بودم که با پروردگار خودم تبارک و تعالی در نیکوترین صفت و حالت

فقال يا محمد قلت لبيك رب قال فيم يختصم الملأ الأعلى قلت

پس گفت حق تعالی ای محمد گفتم ایستاده‌ام در خدمت تو ای رب من گفت در چه بحث و نزاع میکنند فرشتگان بلند گفتم

لا أدري قالها ثلثا قال فرأيته وضع كفه بين كتفي حتى وجدت

نمیدانم گفت حق تعالی این کلمه را سه بار گفت آنحضرت دیدم حق تعالی را نهاده دست خود را در میان شانه‌های من تا آنکه یافتم

برد أنامله بين ثديي فتجلى لي كل شيء وعرفت فقال يا محمد

سردی انگشتان او در میان هر دو پستان خود پس ظاهر شد مرا هر چیز و شناختم همه را پس فرمود حق تعالی ای محمد

قلت لبيك رب قال فيم يختصم الملأ الأعلى قلت في الكفارات

گفتم ایستاده‌ام در خدمت تو ای پروردگار من گفت در چه چیز نزاع میکنند فرشتگان عالی گفتم بحث میکنند در کفارات

قال وما هن قلت مشي الأقدام إلى الجماعات والجلوس في المساجد

فرمود در چه چیز اند کفارات گفتم رفتن پاها بسوی جماعتهای نماز و در نشستن در مسجدها

بعد الصلوة وإسباغ الوضوء حين الكريهات قال ثم فيم قلت

بعد از نماز و تمام کامل و سیراب کردن وضو در حالت کراهت ... فرمود باز در ... بحث میکنند گفتم

في الدرجات قال وما هن قلت إطعام الطعام ولين الكلام والصلوة

در درجات فرمود در چه چیز هستند درجات گفتم در جا خورانیدن طعام بمسکینان و نرمی کردن در سخن و نماز گذاردن

بالليل والناس نيام ثم قال سل قال قلت اللهم إني أسئلك فعل

در شب در حال آنکه مردم در خواب باشند پس فرمود حق تعالی بخواه از خیرات گفتم ... بار خدایا بدرستی که من سوال میکنم ترا کردن

الخيرات وترك المنكرات وحب المساكين وأن تغفر لي وترحمني

نیکی‌ها و گذاشتن کار بد را که ناشناخته اند سوال میکنم دوستی مسکینان را و آنکه بیامرزی مرا و رحم کنی مرا

وَاِذَا اَرَدْتَ فِتْنَةً فِي قَوْمٍ فَتَوَفَّنِي غَيْرَ مَفْتُوْنٍ وَاَسْأَلُكَ حُبَّكَ وَحُبَّ

وچون خواهی فتنه در قومی پس بمیران مرا بیش از آنکه گرفتار فتنه شوم و سوال میکنم از تو دوستی ترا و دوستی

مَنْ يُحِبُّكَ وَحُبَّ عَمَلٍ يُقَرِّبُنِي اِلَى حُبِّكَ فَقَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

کسیرا که دوست دارد ترا و دوستی کاری که مرا قریب گرداند بسوی دوستی تو پس فرمود پیغمبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّهَا حَقٌّ فَادْرُسُوْهَا ثُمَّ تَعَلَّمُوْهَا رَوَاهُ اَحْمَدُ

الله علیه وسلم این واقعه که دیدم حق است پس بخوانید از بهتر تعلیم کنید از ان روا‌ه احمد

وَالتِّرْمِذِيُّ وَقَالَ هٰذَا حَدِيْثٌ حَسَنٌ صَحِيْحٌ وَسَأَلْتُ مُحَمَّدَ بْنَ اِسْمٰعِيْلَ

و ترمذی و گفت که این حدیث حسن صحیح است و پرسیدم محمد بن اسمٰعیل

عَنْ هٰذَا الْحَدِيْثِ فَقَالَ هٰذَا حَدِيْثٌ صَحِيْحٌ

یعنی بخاری را ازین حدیث که چه حال دارد پس گفت که این حدیث صحیح است

بَابُ فَضِيْلَةِ الْجَمَاعَةِ

باب در فضیلت نماز با جماعت

وَاَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ وَارْكَعُوْا مَعَ الرَّاكِعِيْنَ

و برپا دارید نماز را و بدهید زکوة را و رکوع کنید همراه رکوع کنندگان

عَنِ ابْنِ عُمَرَ رضی قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَلٰوةُ

مرویست از ابن عمر که گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نماز که

الْجَمَاعَةِ تَفْضُلُ صَلٰوةَ الْفَذِّ بِسَبْعٍ وَّعِشْرِيْنَ دَرَجَةً مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

بجماعت بگذارند زیاده میشود در ثواب بر نماز یکه تنها گذارد به بیست و هفت درجه متفق علیه است

وَعَنْ اُبَيِّ بْنِ كَعْبٍ قَالَ صَلّٰى بِنَا رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

مرویست از ابی بن کعب که گفت نماز کرد با ما آنحضرت صلی الله علیه وسلم

يَوْمًا الصُّبْحَ فَلَمَّا سَلَّمَ قَالَ اَشَاهِدٌ فُلَانٌ قَالُوْا لَا قَالَ اَشَاهِدٌ

روزی نماز بامداد پس هرگاه که سلام داد فرمود که آیا حاضر است فلان گفتند حاضر نیست فرمود آیا حاضر است

فلان قالوا لا قال إنّ هاتين الصّلوتين أثقل الصّلوات على المنافقين

فلان شخص گفتند که حاضر نیست فرمود آنحضرت که این دو نماز صبح و شام گرانترین نمازهاست بر منافقین

ولو تعلمون ما فيهما لأتيتموهما ولو حبواً على الرّكب وإنّ الصّفّ الأوّل

واگر بدانید ثواب آنکه در گذاردن این دو نماز است هر آینه می آمدید برای این دو نماز زانو رونده و بدرستیکه صف اول

على مثل صفّ الملائكة ولو علمتم ما فضيلته لابتدرتموه وإنّ صلوة

بر مانند صف فرشتگان است در فضل اگر بدانستید که چیست فضیلت صف اول هر آینه شتابی میگردید برای یافتن آن و بدرستیکه نماز

الرّجل مع الرّجل أزكى من صلوته وحده وصلوته مع الرّجلين أزكى من

مرد با یکمرد پاکیزه تر است از گذاردنش تنها و نماز وی با دو مرد پاکیزه تر است

صلوته مع الرّجل وما كثر فهو أحبّ إلى الله رواه أبوداود والنّسائي

از نماز گذاردنش با یکمرد و هر چه بسیار است از جماعت پس آن محبوب تر است بسوی خدا رواه ابوداود و نسائی

وعن أمّ الدّرداء قالت دخل عليّ أبو الدّرداء وهو مغضب فقلت

روایت است از ام درداء گفت در آمد بر من ابو درداء و حال آنکه وی در غضب بود پس گفتم من

ما أغضبك قال والله ما أعرف من أمر أمّة محمّد صلّى الله عليه وسلّم

چه چیز غضبناک کرد ترا گفت بخدا که نمیشناسم من از کار امت محمد صلی الله علیه وسلم

شيئاً إلّا أنّهم يصلّون جميعاً رواه البخاري وعن أبي بكر

چیزی را مگر آنکه نماز میگذارند بجماعت رواه بخاری و از ابی بکر

بن سليمان بن أبي حثمة أنّ عمر بن الخطّاب فقد سليمان بن

بن سلیمان بن ابی حثمه مرویست که بدرستی عمر بن الخطاب رضی الله عنه گم کرد سلیمان بن

أبي حثمة في صلوة الصّبح وإنّ عمر غدا إلى السّوق ومسكن سليمان

ابی حثمه را در نماز بامداد و بدرستیکه عمر رض رفته بود بامداد بجانب بازار و خانه سلیمان

بين المسجد والسّوق فمرّ على الشّفاء أمّ سليمان فقال لها لم أر

در میان مسجد و بازار بود پس بگذشت بر شفا که مادر سلیمان است پس گفت عمر شفا را که ندیدم

سليمان في الصبح قالت انه بات يصلي فغلبت عيناه فقال عمر

سلیمان را در نماز صبح چه باشد گفت شفا بدرستیکه سلیمان شب نماز میگذارد پس غالب آمد او را دو چشم او پس فرمود عمر رضی

لان اشهد صلوة الصبح في جماعة احب الي من ان اقوم ليلة

هر آینه حاضر شدن من نماز بامداد را در جماعت محبوب تر است بسوی من از آنکه تمام شب قیام کنم

رواه مالك وعن ابي موسى الاشعري قال قال رسول الله صلى

روایت کرد مالک و روایت است از ابی موسی اشعری رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

الله عليه وسلم اثنان فما فوقهما جماعة رواه ابن ماجة وعنه

الله علیه و سلم دو کس و آنچه زیاده از آنهاست جماعت است روایت کرد ابن ماجه و مرویست از وی رضی

قال اتى النبي صلى الله عليه وسلم رجل اعمى فقال يا رسول الله انه

گفت آمد آنحضرت را صلی الله علیه و سلم مرد نابینا پس گفت ای پیغمبر خدا بدرستیکه شان اینست

ليس لي قائد يقودني الى المسجد فسال رسول الله صلى الله عليه

که نیست مرا کشنده که بکشد مرا بسوی مسجد پس سوال کرد و خواست از آنحضرت صلی الله علیه

وسلم ان يرخص له فيصلي في بيته فرخص له فلما ولى دعاه

و سلم که رخصت دهد او را تا بگذارد آنمرد نماز در خانه خود پس رخصت داد مر او را پس هرگاه که بازگشت خواند او را

فقال هل تسمع النداء بالصلوة قال نعم قال فاجب رواه مسلم

پس فرمود آیا میشنوی مر آواز اذان را برای نماز گفت آری میشنوم فرمود پس اجابت کن یعنی بیا روایت کرد مسلم

وعن عائشة انها قالت سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم

و از عایشه مرویست رضی الله عنها گفت شنیدم پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم را که

يقول لا صلوة بحضرة الطعام ولا هو يدافعه الاخبثان رواه

میگفت نیست نماز در حضور طعام و نه در حالیکه باز میدارند او را دو چیز پلید یعنی بول و غائط روایت کرد

مسلم وعن ابي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

مسلم و روایت است از ابی هریره رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم

إذا أقيمت الصلوة فلا صلوة إلا المكتوبة رواه مسلم وعن

چون اقامت گفته شود نماز پس جائز نیست نماز غیر از نماز فرض رواه مسلم و روایت است از

ابن عمر قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا تمنعوا نساءكم

ابن عمر رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم منع نکنید زنان خود را

المساجد وبيوتهن خير لهن رواه أبو داود وعن أبي هريرة قال

بر رفتن مساجد و خانهای ایشان بهتر است مر ایشان را رواه ابو داود و از ابی هریره رض گفت

أمرنا رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا كنتم في المسجد فنودي بالصلوة

امر فرمود ما را رسول الله صلی الله علیه وسلم که وقتیکه باشید در مسجد پس اذان گفته شد

فلا يخرج أحدكم حتى يصلي رواه أحمد وعن عبد الله بن أم

پس باید که بیرون نرود کسی از شما تا اینکه نماز گزارد رواه احمد و مروی است از عبد الله ابن

مكتوم قال يا رسول الله صلى الله عليه وسلم إن المدينة كثيرة الهوام

ام مکتوم رض گفت ای پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه در مدینه بسیار است گزندها

والسباع وأنا ضرير البصر فهل تجد لي من رخصة قال هل تسمع حي

و درندها و من نابینام پس آیا رخصت می یابی برای من فرمود می‌شنوی این کلمات را که حی

على الصلوة حي على الفلاح قال نعم قال فحي هلا ولم يرخص رواه

على الصلوة حي على الفلاح است گفت عبد الله آری میشنوم فرمود آنحضرت پس بیا و رخصت نداد رواه

أبو داود والنسائي وعن أبي هريرة قال قال رسول الله صلى الله

ابو داود و نسائی و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم من توضأ فأحسن وضوءه ثم راح فوجد الناس قد صلوا

علیه وسلم کسیکه وضو کرد پس نیک کرد وضوی خود را بعد ازان رفت بسوی مسجد پس یافت مردم را که نماز گذاردند

أعطاه الله مثل أجر من صلاها وحضرها لا ينقص ذلك من أجورهم

دهد او را خدای تعالی مانند ثواب کسیکه گذارده است آنرا و حاضر شده در جماعت کم نکند این از ثوابهای ایشان

شيئاً رواه ابو داود والنسائي مس ايضاً وعن انس قال قال رسول الله

چيزي رواه ابو داود و نسائي وروايت است از انس گفت فرمود پيغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم من صلى لله اربعين يوماً في جماعة يدرك التكبيرة

صلى الله عليه وسلم كسيكه نماز گذارد براي خدا چهل روز در جماعت درحاليكه دريابد تكبير

الاولى كتب له براءتان براءة من النار وبراءة من النفاق رواه

اولى را نوشته ميشود مر ويرا دو خط بيزاري يكي بيزاري از آتش دوزخ و دوم بيزاري از نفاق رواه

الترمذي وعن عبد الله بن وهب عن ثوابة بن مسعود عمن

ترمذي وروايت است از عبد الله بن وهب او روايت ميكند از ثوابة بن مسعود از كسيكه

حدثه عن انس بن مالك قال توفي ابن لعثمان بن مظعون فاشتد

روايت كرده است از انس بن مالك گفت وفات كرد فرزند عثمان بن مظعون پس زياده شد

حزنه عليه حتى اتخذ في داره مسجداً يتعبد فيه فبلغ ذلك

غم او بر عثمان تا آنكه گرفت در خانه خود مسجد كه عبادت ميكرد در آن مسجد پس رسيد آن خبر

النبي صلى الله عليه وسلم فقال يا عثمان ان الله لم يكتب علينا

بپيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم را پس فرمود اي عثمان بدرستيكه خدا نه نوشت بر ما

الرهبانية انما رهبانية امتي الجهاد في سبيل الله يا عثمان ابن

رهبانيت را جز اين نيست كه رهبانيت امت من جهاد است در راه خدا اي عثمان ابن

مظعون ان للجنة ثمانية ابواب وللنار سبعة ابواب فما يسرك

مظعون بدرستيكه مر جنت را هشت در است و مر دوزخ را هفت در است پس خوش نمى آيد ترا

الا تاتي باباً منها الا وجدت ابنك الى جنبك اخذ بحجزتك

اينكه بيائي دري را از درهاي آن مگر آنكه بيابي تو كه فرزند تو بر پهلوي تو گيرنده است بكمر بند تو

يستشفع لك الى ربك عز وجل قال بلى فقيل يا رسول الله

طلب شفاعت كند براي تو بسوي پروردگار تو كه بزرگ و بلند است گفت آري گفتند اي پيغمبر خدا

وَكُلُّنَا فِي فَرَطِنَا مَا لِعُثْمَانَ قَالَ نَعَمْ لِمَنْ صَبَرَ مِنْكُمْ وَاحْتَسَبَ ثُمَّ قَالَ

[illegible] یا رسول الله عثمان [illegible] گفت آری برای کسیکه صبر کرد از شما و ثواب طلبید پس گفت

لَهُ يَا عُثْمَانَ بْنَ مَظْعُونٍ مَنْ صَلَّى صَلٰوةَ الْفَجْرِ فِي جَمَاعَةٍ ثُمَّ جَلَسَ يَذْكُرُ

گفت او را ای عثمان بن مظعون کسیکه نماز ادا کرد نماز بامداد را با جماعت پس نشست تا ذکر کند

اللهَ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ كَانَ لَهُ فِي الْفِرْدَوْسِ سَبْعُونَ دَرَجَةً بَيْنَ كُلِّ

خدا را تا که طلوع شود آفتاب باشد مر او را در فردوس هفتاد درجه مسافت میان

دَرَجَتَيْنِ كَرَكْضِ الْفَرَسِ الْجَوَادِ الْمُضَمَّرِ سَبْعِينَ سَنَةً وَمَنْ صَلَّى الظُّهْرَ

هر دو درجه مانند رفتار اسپ تیز رو تضمیر کرده شده هفتاد سال و کسیکه نماز ظهر خواند

فِي جَمَاعَةٍ كَانَ لَهُ فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ خَمْسُونَ دَرَجَةً كَرَكْضِ الْفَرَسِ الْجَوَادِ

در جماعت باشد مر او را در جنت عدن پنجاه درجه مانند رفتار اسپ تیز رو

الْمُضَمَّرِ خَمْسِينَ سَنَةً وَمَنْ صَلَّى الْعَصْرَ فِي جَمَاعَةٍ كَانَ لَهُ كَأَجْرِ ثَمَانِيَةٍ

تضمیر کرده شده پنجاه ساله راه و کسیکه ادا کرد نماز عصر در جماعت باشد او را مانند ثواب هشت کس

مِنْ وُلْدِ إِسْمٰعِيلَ كُلُّهُمْ رَبُّ بَيْتٍ يُعْتِقُهُمْ وَمَنْ صَلَّى الْمَغْرِبَ فِي

آزاد از اولاد اسمعیل همه ایشان را مالک خانهاشان آزاد کرد ایشان را و کسیکه نماز مغرب را ادا کرد با

جَمَاعَةٍ كَانَ لَهُ كَحَجَّةٍ مَبْرُوْرَةٍ وَعُمْرَةٍ مُتَقَبَّلَةٍ وَمَنْ صَلَّى الْعِشَاءَ فِي

جماعت باشد او را مانند حج مبرور و عمره مقبول و کسیکه ادا کرد نماز عشا را با

جَمَاعَةٍ كَانَ لَهُ كَقِيَامِ لَيْلَةِ الْقَدْرِ هب جمع الجوامع

جماعت باشد مر ویرا مانند قیام و زنده داشتن شب قدر از جمع الجوامع

بَابُ إِثْمِ تَرْكِ الْجَمَاعَةِ

این باب در معصیت ترک جماعت است

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ مَنْ أَدْرَكَ الرَّكْعَةَ فَقَدْ أَدْرَكَ

روایت است از ابی هریره رضی الله عنه که بود او میگفت کسیکه یافت رکوع را پس تحقیق یافت

السَّجدةَ ومَن فاتَتْهُ قِراءةُ أُمِّ القُرآنِ فقد فاتَهُ خيرٌ رواهُ مالكٌ

سجده را یعنی رکعت را وکسیکه فوت شد او را خواندن فاتحه الکتاب پس تحقیق فوت شد از وی نیکی بسیار رواه مالک

وعنهُ أنَّهُ قالَ الَّذي يرفعُ رأسَهُ ويخفِضُهُ قبلَ الإمامِ فإنَّما

در روایه است از وی بدرستیکه او گفت کسیکه بردارد سر خود را و پست کند سر را پیشتر از امام پس نیست

ناصيتُهُ بيدِ الشَّيطانِ رواهُ مالكٌ وعن أبي هريرةَ رض

موی پیشانی او مگر بدست شیطان رواه مالک در روایه است از ابوهریره رضی الله عنه

عنِ النَّبيِّ صلَّى اللهُ عليهِ وسلَّمَ قالَ لولا ما في البُيوتِ مِنَ النِّساءِ

از نبی صلے الله علیه وسلم فرمود اگر نبی بود چیزیکه در خانه هاست از زنان

والذُّرِّيَّةِ أقمتُ صلوةَ العِشاءِ وأمرتُ فِتياني يُحرِّقونَ ما في

واطفال بر پا میکردم نماز عشا را و میفرمودم خادمان خود را که بسوزانند چیزیرا که در

البُيوتِ بالنَّارِ رواهُ أحمدُ وعن أبي الشَّعثاءِ قالَ خرجَ رجلٌ مِنَ

خانهاست بآتش رواه احمد در روایت است از ابو شعثاء گفت بیرون امد مردے از

المسجدِ بعدما أُذِّنَ فيهِ فقالَ أبو هريرةَ أمَّا هذا فقد عصى

مسجد بعد از آنکه اذان گفته شد در مسجد پس گفت ابوهریره رضه اما این مرد تحقیق که گناه کرد

أبا القاسمِ صلَّى اللهُ عليهِ وسلَّمَ رواهُ مسلمٌ وعن عثمانَ

ابا قاسم را که کنیت آنحضرت است صلے الله علیه وسلم رواه مسلم واز عثمان

بنِ عفَّانَ رضيَ اللهُ تعالى عنهُ قالَ قالَ رسولُ اللهِ صلَّى اللهُ عليهِ وسلَّمَ مَن

بن عفان رضی الله عنه مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم کسیکه

أدركَهُ الأذانُ في المسجدِ ثمَّ خرجَ لم يخرُجْ لحاجةٍ وهو لا يريدُ الرَّجعةَ

که در یابد او را بانگ نماز در مسجد پس بیرون آمد در انحالیکه بیرون نیامده باشد برای حاجت و نمیخواهد باز آمدن

فهو منافقٌ رواهُ ابنُ ماجةَ وعنِ ابنِ عبَّاسٍ رضيَ اللهُ تعالى عنهُ

پس او منافق است رواه ابن ماجه در روایه است از ابن عباس رضی الله تعالے عنه

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ سَمِعَ النِّدَاءَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَا صَلٰوةَ

از نبی صلے الله علیه وسلم فرمود کسیکه بشنود بانگ نماز را پس اجابت نکرد براے نماز در مسجد نیامد نیست نماز

لَهُ إِلَّا مِنْ عُذْرٍ رَوَاهُ الدَّارُ قُطْنِيُّ وَعَنْ مُجَاهِدٍ عَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عُمَرَ

مر اورا مگر از جهت عذری روایه دار قطنی و روایت است از مجاهد و او از عبد الله بن عمر

رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُمَا أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَا يَمْنَعَنَّ رَجُلٌ أَهْلَهُ

رضی الله عنهما بدرستیکه نبی صلے الله علیه وسلم فرمود منع نکند هیچ مردی کسان خود را

أَنْ يَأْتُوا الْمَسَاجِدَ فَقَالَ ابْنٌ لِعَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عُمَرَ فَإِنَّا نَمْنَعُهُنَّ فَقَالَ عَبْدُ اللّٰهِ

از آمدن مسجد ها پس گفت پسری که مر عبد الله بن عمر را بود که ما البته منع میکنیم پس گفت عبد الله

أُحَدِّثُكَ عَنْ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَتَقُوْلُ هٰذَا قَالَ فَمَا كَلَّمَهُ

حدیث میکنم مر ترا از پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم و تو میگوئی این کلمه گفت راوی پس کلام

عَبْدُ اللّٰهِ حَتّٰى مَاتَ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ مَسْعُوْدٍ رض قَالَ

نکرد با فرزند عبد الله بن عمر تا آنکه مرد روایه احمد و مرویست از عبد الله بن مسعود رض گفت

لَقَدْ رَأَيْتُنَا وَمَا يَتَخَلَّفُ عَنِ الصَّلٰوةِ إِلَّا مُنَافِقٌ قَدْ عُلِمَ نِفَاقُهُ أَوْ مَرِيْضٌ

بتحقیق دانستیم خود و دیگران را که حکم میکردیم با ینکه پس نمیماند از جماعة نماز مگر منافقی که بتحقیق معلوم بود نفاق او یا بیماری [illegible]

وَإِنْ كَانَ الْمَرِيْضُ لَيَمْشِيْ بَيْنَ رَجُلَيْنِ حَتّٰى يَأْتِيَ الصَّلٰوةَ وَقَالَ إِنَّ

و بتحقیق بود بیمار که راه میرفت میان دو مرد تکیه کرده بر ایشان تا آنکه می آمد در مسجد براے نماز و گفت ابن مسعود بدرستیکه

رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَّمَنَا سُنَنَ الْهُدٰى وَإِنَّ مِنْ سُنَنِ

پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم تعلیم کرد ما را سنتهارا که عمل کردن آن موجب هدایت است بدرستیکه از جمله سنن هدی

الْهُدٰى الصَّلٰوةَ فِي الْمَسْجِدِ الَّذِيْ يُؤَذَّنُ فِيْهِ وَفِيْ رِوَايَةٍ قَالَ مَنْ سَرَّهُ

نماز هست در مسجدیکه اذان گفته شود در آن مسجد و در روایت آمده است که ابن مسعود گفت کسیکه خوشحال میگرداند اورا

أَنْ يَلْقَى اللّٰهَ غَدًا مُسْلِمًا فَلْيُحَافِظْ عَلٰى هٰذِهِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ

آنکه ملاقات کند خدا را فردا مسلمان حال پس باید که نگهبانی کند بر نمازهاے پنجگانه

حَيْثُ يُنَادٰى بِهِنَّ فَاِنَّ اللّٰهَ شَرَعَ لِنَبِيِّكُمْ سُنَنَ الْهُدٰى وَاِنَّهُنَّ مِنْ

در جائیکه ندا کرده شود برای آنها پس بدرستیکه خدایتعالی مشروع کرد برای پیغامبر شما طریقهای هدایت را و بدرستیکه این نمازها از

سُنَنِ الْهُدٰى وَلَوْ اَنَّكُمْ صَلَّيْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ كَمَا يُصَلِّي هٰذَا الْمُتَخَلِّفُ فِي

جملهٔ ان طریقهاست اگر ثابت شود آنکه شما گذارید نماز را در خانهای خود چنانکه میگذارد این شخص باز مانده در

بَيْتِهٖ لَتَرَكْتُمْ سُنَّةَ نَبِيِّكُمْ وَلَوْ تَرَكْتُمْ سُنَّةَ نَبِيِّكُمْ لَضَلَلْتُمْ وَمَا مِنْ

خانه خود هر آینه ترک کرده شوید طریقهٔ پیغامبر خود را و اگر ترک کنید طریقهٔ پیغمبر خود را هر آینه گمراه شوید و نیست

رَجُلٍ يَتَطَهَّرُ فَيُحْسِنُ الطُّهُوْرَ ثُمَّ يَعْمِدُ اِلٰى مَسْجِدٍ مِنْ هٰذِهِ الْمَسَاجِدِ اِلَّا

مردیکه طهارت کند پس نیک کند طهارت را [illegible] قصد رفتن کند بسوی مسجدی از این مسجدها مگر آنکه

كَتَبَ اللّٰهُ لَهٗ بِكُلِّ خُطْوَةٍ يَخْطُوْهَا حَسَنَةً وَرَفَعَهٗ بِهَا دَرَجَةً وَحَطَّ عَنْهُ

نویسد خدای تعالی برای او بهر گامیکه میزند نیکی و ثواب بلند گرداند برای او پایهٔ ارجمندی و کم گرداند از و

بِهَا سَيِّئَةً وَلَقَدْ رَاَيْتُنَا وَمَا يَتَخَلَّفُ عَنْهَا اِلَّا مُنَافِقٌ مَعْلُوْمُ النِّفَاقِ

بسبب آن بدی و بتحقیق دانستیم ما صحابه همه که تخلف نمیکرد از جماعت مگر منافق که نفاق او ظاهر بود

وَلَقَدْ كَانَ الرَّجُلُ يُؤْتٰى بِهٖ يُهَادٰى بَيْنَ الرَّجُلَيْنِ حَتّٰى يُقَامَ فِي الصَّفِّ

و بتحقیق بود مرد بیماری که آورده میشد در حالیکه تکیه میکرد از غایت ضعف بیماری دو مرد تا آنکه ایستاده کرده میشد در صف نماز

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

روایه مسلم و روایت است از ابن عباس رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ مَنْ سَمِعَ الْمُنَادِيَ فَلَمْ يَمْنَعْهُ مِنَ اتِّبَاعِهٖ عُذْرٌ قَالُوْا وَمَا

وسلم کسیکه بشنود بانگ نماز پس باز ندارد او را از پیروی کردن آن هیچ بهانه گفتند صحابه که چیست عذر

الْعُذْرُ قَالَ خَوْفٌ اَوْ مَرَضٌ لَمْ تُقْبَلْ مِنْهُ الصَّلٰوةُ الَّتِيْ صَلّٰى رَوَاهُ

فرمود ترس هلاک یا بیماری پذیرفته نمیشود از وی نمازیکه گذارده است روایه

اَبُوْدَاؤُدَ وَالدَّارَقُطْنِيُّ وَعَنْ اَبِي الدَّرْدَاءِ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

ابو داود و دار قطنی و روایت است از ابی درداء رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ ثَلٰثَةٍ فِي قَرْيَةٍ وَلَا بَدْوٍ لَا تُقَامُ فِيهِمُ الصَّلٰوةُ

صلی الله علیه وسلم نیست سه مرد در دیهی و یا در بادیه که برپا کرده نشود در میان ایشان نماز بجماعت

إِلَّا قَدِ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَعَلَيْكَ بِالْجَمَاعَةِ فَإِنَّمَا يَأْكُلُ الذِّئْبُ

مگر آنکه غالب آمد برایشان شیطان پس بر تو باد که لازم گیری جماعت را زیرا که میخورد گرگ گوسفند را

الْقَاصِيَةَ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَأَبُودَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ

که دور افتاده است رواه احمد وابو داود ونسائی در روایت است از ابی هریره رضی

اللهُ تَعَالٰى عَنْهُ صَلٰوةُ الْجَمَاعَةِ تَفْضُلُ صَلٰوةَ الْفَذِّ بِسَبْعٍ وَعِشْرِينَ دَرَجَةً

الله تعالی عنه نماز که بجماعت گذارند زیادتی میکند بر نمازیکه تنها گذارد به بست و هفت درجه

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

متفق علیه روایت است از ابی هریره رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ آمُرَ بِحَطَبٍ فَيُحْطَبَ ثُمَّ آمُرَ

بخدای که بقای ذات من در دست قدرت اوست بتحقیق آهنگ کردم که امر کنم بجمع کردن هیزم پس جمع کرده شود هیزم پس امر کنم

بِالصَّلٰوةِ فَيُؤَذَّنَ لَهَا ثُمَّ آمُرَ رَجُلًا فَيَؤُمَّ النَّاسَ ثُمَّ أُخَالِفَ إِلٰى

باذان گفتن نماز پس اذان گفته شود برای نماز پس امر کنم مردی را تا امامت کند پس امامت کند مردم را پس بیایم بسوی

رِجَالٍ وَفِي رِوَايَةٍ لَا يَشْهَدُونَ الصَّلٰوةَ فَأُحَرِّقَ عَلَيْهِمْ بُيُوتَهُمْ

مردانیکه و در روایتی است که حاضر نشوند برای نماز پس بسوزانم برایشان خانهای ایشان

وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ يَعْلَمُ أَحَدُهُمْ أَنَّهُ يَجِدُ عَرْقًا سَمِينًا أَوْ مِرْمَاتَيْنِ

بخدای سوگند اگر بداند یکی از ایشان که آدمی یابد استخوان فربه یا در دو سم گاو

حَسَنَتَيْنِ لَشَهِدَ الْعِشَاءَ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَلِمُسْلِمٍ نَحْوُهُ

دو گوسفند نیکو در آید در نظر مرد و زن هر آینه حاضر میشد در نماز عشا را رواه بخاری و مر مسلم را مانند اوست

بَابُ تَسْوِيَةِ الصَّفِّ

باب در برابر کردن صف وقت نماز

عَنِ النُّعْمَانِ ابْنِ الْبَشِيْرِ رَضِيَ اللهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ كَانَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى

وارد است از نعمان ابن بشیر رضی الله تعالی عنه گفت نعمان که بود پیغمبر خدا صلی

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُسَوِّيْ صُفُوْفَنَا حَتّٰى كَاَنَّمَا يُسَوِّيْ بِهَا الْقِدَاحَ حَتّٰى رَاٰى

الله علیه وسلم که برابر میکرد صفهای ما را بهر نماز تا آنکه گویا برابر میکرد با صفوف قداح را یعنی چوب تیر تا آنکه دید آنحضرت

اَنَّا قَدْ عَقَلْنَا عَنْهُ ثُمَّ خَرَجَ يَوْمًا فَقَامَ حَتّٰى كَادَ اَنْ يُّكَبِّرَ فَرَاٰى رَجُلًا

که ما بتحقیق فهمیدیم از قول و فعلش پس بیرون آمد آنحضرت یک روز پس ایستاد تا آنکه قریب بود که الله اکبر بگوید پس دید مردی را

بَادِيًا صَدْرُهٗ مِنَ الصَّفِّ فَقَالَ عِبَادَ اللهِ لَتُسَوُّنَّ صُفُوْفَكُمْ اَوْ

که بیرون است سینه او از صف پس گفت ای بندگان خدا هر آینه باید که برابر کنید شما صفهای خود را یا آنکه

لَيُخَالِفَنَّ اللهُ بَيْنَ وُجُوْهِكُمْ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عَائِشَةَ

بتحقیق مخالفت می اندازد خدا تعالی در میان رویهای شما رواه مسلم و روایت است از عائشه

رَضِيَ اللهُ عَنْهَا قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ اللهَ

رضی الله عنها گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه

وَمَلٰٓئِكَتَهٗ يُصَلُّوْنَ عَلٰى مَيَامِنِ الصُّفُوْفِ وَعَنْ اَبِيْ اُمَامَةَ

و فرشتگان او درود میفرستند بر جانبهای دست راست از صفوف و از ابی امامه مروی است

رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ اللهَ

رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه خدا تعالی

وَمَلٰٓئِكَتَهٗ يُصَلُّوْنَ عَلَى الصَّفِّ الْاَوَّلِ قَالُوْا يَا رَسُوْلَ اللهِ وَعَلَى

و فرشتگان او درود میفرستند بر صف اول گفتند ای پیغمبر خدا و بر

الثَّانِيْ قَالَ اِنَّ اللهَ وَمَلٰٓئِكَتَهٗ يُصَلُّوْنَ عَلَى الصَّفِّ الْاَوَّلِ قَالُوْا يَا

صف دوم نیز فرمود بدرستیکه خدا و فرشتگان او درود میفرستند بر صف اول گفتند ای

رَسُوْلَ اللهِ وَعَلَى الثَّانِيْ قَالَ اِنَّ اللهَ وَمَلٰٓئِكَتَهٗ يُصَلُّوْنَ عَلَى الصَّفِّ

پیغمبر خدا و بر صف دوم نیز فرمود آخر بدرستیکه خدا و فرشتگان او درود میفرستند بر صف

الأوّل قالوا يا رسول الله وعلى الصفّ الثاني قال وعلى الثاني وقال

را گفتند ای پیغمبر خدا و بر صف دوم نیز فرمود آنحضرت و بر صف دوم و فرمود

رسول الله صلّى الله عليه وسلّم سوّوا صفوفكم وحاذوا بين

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم برابر سازید صفهای خود را و برابر کنید میان

مناكبكم ولينوا في أيدي إخوانكم وسدّوا الخلل فإنّ الشيطان

دوشهای خود و نرمی کنید در دستهای برادران خود و بندید فرجهای صف خود زیراکه شیطان

يدخل فيما بينكم بمنزلة الحذف يعني أولاد الضأن الصغار

می درآید میان شما چنانکه حذف درآید و مراد بلفظ حذف بچهای میش که خرد باشند

رواه أحمد وعن ابن عمر رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله

روایت کرد احمد و از ابن عمر مرویست رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا

صلّى الله عليه وسلّم أقيموا الصفوف وحاذوا بين المناكب وسدّوا

صلی الله علیه وسلم برپا کنید صفوف را و برابر کنید درمیان دوشهای خود و بندید

الخلل ولينوا بأيدي إخوانكم ولا تذروا فرجات الشيطان ومن

فرجهای صف را و نرمی کنید در دستهای برادران شما و مگذارید فرجها شیطان را و کسیکه

وصل صفًّا وصله الله ومن قطعه قطعه الله رواه أبو داود

وصل کند صف را وصل کند او را خدای تعالی و کسیکه ببرد و رخنه کند صف را ببرد و دور اندازد او را خدای تعالی رواه ابو داود

وعن عائشة رضي الله تعالى عنها قالت قال رسول الله صلّى الله

و روایت است از عائشه رضی الله تعالی عنها گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلّم لا يزال قوم يتأخّرون عن الصفّ الأوّل حتّى يؤخّرهم

علیه وسلم همیشه اند گروهی که پس می افتند از صف اول تا آنکه پس اندازد ایشان را

الله في النار رواه أبو داود وعن أبي هريرة رضي الله تعالى عنه

خدای تعالی در آتش رواه ابو داود و روایت است از ابی هریره رضی الله تعالی عنه

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اما يخشى الذي يرفع رأسه

گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم آیا نمی ترسد آنکس که برمیدارد سر خود را

قبل الامام ان يحول الله رأسه رأس حمار متفق عليه وعن انس

پیش از امام از آنکه بگرداند خدا تعالی سر او را همچو سر خر متفق علیه است و از انس رضی الله عنه مروی

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم رصوا صفوفكم وقاربوا

گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم پیوسته دارید و استوار کنید صفهای خود را و نزدیک کنید

بينها وحاذوا بالاعناق فوالذي نفسي بيده اني لارى الشيطان

میان صفها و برابر کنید گردنهارا پس سوگند بخدا که بقدرت اوست ذات من بدرستیکه من هر آینه می بینم شیطان را

يدخل من خلل الصف كانها الحذف رواه ابوداود وعن

که درمی آید از رخنهٔ صف گویا آن شیطان بچه میش است رواه ابوداود و روایت است از

ابي هريرة رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم خير

ابی هریره رضی الله تعالے عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم بهترین

صفوف الرجال اولها وشرها آخرها وخير صفوف النساء آخرها

صفهای مردان اولین آنهاست و بدترین صفهای مردان پسین آنهاست و بهترین صفهای زنان پسین آنهاست

وشرها اولها رواه مسلم وعن ابي سعيد الخدري

و بدترین صفهای زنان پیشین آنهاست رواه مسلم و از ابی سعید الخدری

رضي الله تعالى عنه رأى رسول الله صلى الله عليه وسلم في اصحابه تأخرا

رضی الله عنه مروی است دید پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم در یاران خود واپس ماندنی در صف نماز

فقال لهم تقدموا وائتموا بي وليأتم بكم من بعدكم لا يزال

پس گفت مر ایشان را پیش آیید و اقتدا کنید بمن و باید که اقتدا کنند بشما کسیکه پس شما باشند همیشه اند

قوم يتأخرون حتى يؤخرهم الله رواه مسلم وعن ابي مسعود

قومی که پس می ایستند تا آنکه پس می کند ایشان را خدا تعالی از ثواب عظیم رواه مسلم و روایت است از ابی مسعود

الانصاری رضی الله تعالی عنه قال کان رسول الله صلی الله علیه وسلم

انصاری رضی الله تعالی عنه گفت بود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

یمسح مناکبنا فی الصلوة ویقول استووا ولا تختلفوا فتختلف

که مسح میکرد کتفهای ما را در نماز و میفرمود که برابر شوید و اختلاف مکنید پس مختلف گردد

قلوبکم لیلینی منکم اولو الاحلام والنهی ثم الذین یلونهم

دلهای شما باید که متصل شوند مرا از شما خداوندان بلوغ و عقل در صف اول پس آنکسانیکه قریب باشند بایشان از ذی

ثم الذین یلونهم قال ابو مسعود فانتم الیوم اشد اختلافا

پس آنکسانیکه قریب اند بایشان گفت ابو مسعود انصاری رض پس شما امروز سخت ترید از روی اختلاف

رواه مسلم وعن البراء بن عازب رضی الله تعالی عنه قال کان

رواه مسلم و روایت است از براء بن عازب رضی الله عنه گفت بود

رسول الله صلی الله علیه وسلم یقول ان الله وملٰئکته یصلون

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم که میفرمود بدرستیکه خدا و فرشتگان او درود میفرستند

علی الذین یلون الصفوف الاولی وما من خطوة احب

بر آنانکه متصل اند صفهای پیشین را و نیست هیچ گامی محبوب تر

الی الله من خطوة یمشیها یصل بها صفا رواه ابوداود

بسوی خدا از گامی که میرود بسوی که پیوندد بوی صف را رواه ابوداود

باب السترة واثم المرور بین یدی المصلی

باب احادیثی که وارد است در بیان ستره و گناه گذشتن از روبروی مصلی

عن طلحة بن عبید الله قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم

روایت است از طلحة بن عبید الله گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

اذا وضع احدکم بین یدیه مثل مؤخرة الرحل فلیصل ولا یبال

چون بنهد یکی از شما پیش خود مانند پس پالان شتر پس باید که نماز گزارد و باک ندارد کسی را که بگذرد

مَن مَرّ وراء ذلك رواه مسلم وعن ابي جهيم رضي الله تعالى عنه
بس ان ستره رواه مسلم و روايت است از ابي جهيم رضي الله عنه
قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لو يعلم المارّ بين يدي المصلي
گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم اگر بداند گذرنده پیش مصلی
ماذا عليه لكان ان يقف اربعين خيرا له من ان يمرّ بين يديه قال
که چه گناه است بروی هرآینه باشد ایستادن او تا چهل بهتر مر او را از گذشتن پیش مصلی گفت
ابو النضر لا ادري قال اربعين يوما او شهرا او سنة متفق عليه
ابو النضر که یکی از راویان است که در نمی یابم که گفت چهل روز یا چهل ماه یا چهل سال است متفق علیه
وعن ابي هريرة رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه
و روایت است از ابو هریره رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه
وسلم اذا صلى احدكم فليجعل تلقاء وجهه شيئا فان لم يجد فلينصب
وسلم چون نماز گذارد یکی از شما پس باید که بگرداند در مقابل روی خود چیزی را پس اگر نیابد چیزی را پس باید که ایستاده کند
عصاه فان لم يكن معه عصا فليخطط خطا ثم لا يضره ما مرّ
عصای خود را پس اگر نباشد با وی عصا پس باید که بکشد خطی را در زمین پس زیان ندارد او را چیزی که بگذرد
امامه رواه ابو داود وابن ماجة وعن ابي سعيد رضي الله
پیش او رواه ابو داود و ابن ماجه و روایت است از ابی سعید رضی الله
تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا يقطع الصلوة شيء
تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم باطل نمیگرداند نماز را چیزی که
وادرءوا ما استطعتم فانما هو شيطان رواه ابو داود وعن
پیش مصلی بگذرد و دفع کنید بقدریکه توانید زیرا که آن گذرنده شیطانست رواه ابو داود و روایت است از
ابي هريرة رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لو يعلم احدكم
ابی هریره رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم اگر بداند یکی از شما آنچه در آنست

مَالَهٗ فِی اَنْ یَّمُرَّ بَیْنَ یَدَیْ اَخِیْهِ مُعْتَرِضًا فِی الصَّلٰوۃِ کَانَ لَاَنْ یُّقِیْمَ

از گناه در گذشتن وی از پیش برادر مسلمان از مقابل در نماز باشد هر آینه ایستادن او

مِائَةَ عَامٍ خَیْرًا لَّهٗ مِنَ الْخُطْوَۃِ الَّتِیْ خَطَا رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ

صد سال بهتر مر او را از گامے که میزند آنرا رواه ابن ماجه واز

کَعْبِ الْاَحْبَارِ قَالَ لَوْ یَعْلَمُ الْمَارُّ بَیْنَ یَدَیِ الْمُصَلِّیْ مَاذَا

کعب احبار مرویست گفت اگر بداستے گذرنده از پیش مصلے آنچه بر او ست

عَلَیْهِ لَکَانَ اَنْ یُّخْسَفَ بِهٖ خَیْرًا لَّهٗ مِنْ اَنْ یَّمُرَّ بَیْنَ

از گناه هر آینه بهتر بود فرو برده شدن او در زمین از گذشتن ... از پیش

یَدَیْهِ وَفِیْ رِوَایَةٍ اَهْوَنُ عَلَیْهِ رَوَاهُ مَالِكٌ

مصلے و در روایتی این لفظ یعنے آسانتر است بر وے رواه مالک

بَابُ السُّنَنِ

این باب در بیان سنت هاست

عَنْ اُمِّ حَبِیْبَةَ رَضِیَ اللّٰهُ تَعَالٰی عَنْهَا قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ

روایت است از ام حبیبه رضی الله تعالے عنها گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله

عَلَیْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَلّٰی فِیْ یَوْمٍ وَّلَیْلَةٍ ثِنْتَیْ عَشْرَۃَ رَکْعَةً بُنِیَ لَهٗ بَیْتٌ

علیه وسلم کسیکه بگذارد در روز و شب دوازده رکعة بنا کرده شود برای وی خانه

فِی الْجَنَّةِ اَرْبَعًا قَبْلَ الظُّهْرِ وَرَکْعَتَیْنِ بَعْدَهَا وَرَکْعَتَیْنِ بَعْدَ الْمَغْرِبِ

در بهشت چهار رکعة سنت پیش از نماز پیشین و دو رکعة پس از ظهر و دو رکعة نماز بعد از نماز شام

وَرَکْعَتَیْنِ بَعْدَ الْعِشَآءِ وَرَکْعَتَیْنِ قَبْلَ صَلٰوۃِ الْفَجْرِ رَوَاهُ التِّرْمِذِیُّ

و دو رکعة نماز بعد از نماز خفتن و دو رکعة پیش از نماز فجر رواه ترمذی

وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِیَ اللّٰهُ تَعَالٰی عَنْهَا قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ

واز عائشه رضی الله عنها مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَكْعَتَا الْفَجْرِ خَيْرٌ مِّنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

علیه وسلم دو رکعة سنت فجر بهتر است از عالم سفلی و هرچه در وی است رواه مسلم و از

ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يُصَلِّي بَعْدَ

ابن عمر رضی الله عنه مرویست گفت که بود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم که نمیگزارد بعد از نماز

الْجُمُعَةِ حَتَّى يَنْصَرِفَ فَيُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ فِي بَيْتِهِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

جمعه تا آنکه برگشت از نماز پس میگزارد دو رکعت در خانه خود. متفق علیه و مرویست از

أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالَى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ كَانَ

ابوهریره رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه است

مِنْكُمْ مُصَلِّيًا بَعْدَ الْجُمُعَةِ فَلْيُصَلِّ أَرْبَعًا رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللّٰهُ

از شما نمازگذارنده بعد از جمعه پس باید که بگذارد چهار رکعت رواه مسلم و از ابن عمر رضی الله

تَعَالَى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَحِمَ اللّٰهُ امْرَءًا صَلَّى

تعالی عنه مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم رحمت کند خدا تعالی بر وی براکه بگذارد

قَبْلَ الْعَصْرِ أَرْبَعًا رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَأَبُو دَاوُدَ وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ

پیش از نماز عصر چهار رکعت رواه احمد و ترمذی و ابوداود و روایت است از عائشه

اللّٰهُ تَعَالَى عَنْهَا قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَلَّى بَعْدَ الْمَغْرِبِ

الله تعالی عنها گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه بگذارد بعد نماز مغرب

عِشْرِينَ رَكْعَةً بَنَى اللّٰهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

بست رکعت را بنا کند خدا برای وی خانه در بهشت رواه ترمذی و روایت است از

مَكْحُولٍ يَبْلُغُ بِهِ أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ صَلَّى بَعْدَ الْمَغْرِبِ

مکحول میرساند حدیث را بآنحضرت پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه بگذارد بعد از مغرب

قَبْلَ أَنْ يَتَكَلَّمَ رَكْعَتَيْنِ وَفِي رِوَايَةٍ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ رُفِعَتْ صَلٰوتُهُ

پیش از آنکه تکلم کند دو رکعت و در روایتی آمده است که بگذارد چهار رکعت برداشته شود نماز او

فِي عِلِّيِّينَ مُرْسَلًا وَعَنْ حُذَيْفَةَ نَحْوَهُ وَزَادَ فَكَانَ يَقُولُ

در علیین از روی مرسل و از حذیفه رض مانند این حدیث و زیاده کرده است این عبارت پس بود که میگفت آنحضرت

عَجِّلُوا الرَّكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْمَغْرِبِ فَإِنَّهُمَا تُرْفَعَانِ مَعَ الْمَكْتُوبَةِ رَوَاهُمَا

تعجیل کنید دو رکعت را که بعد مغرب اند زیرا که این دو رکعت برداشته میشوند بعلیین با فرض روایت کرد هر دو را

رَزِينٌ وَرَوَى الْبَيْهَقِيُّ الزِّيَادَةَ عَنْهُ نَحْوَهَا فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ

رزین و روایت کرد بیهقی زیادت را از حذیفه مانند آن در شعب ایمان

بَابُ صَلٰوةِ التَّهَجُّدِ وَالتَّحْرِيضِ عَلَى قِيَامِ اللَّيْلِ

باب در بیان احادیثیکه در باب فضیلت نماز تهجد و تحریص بر قیام شب واقع شده

وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا

و بعضی شب بیدار باش بقران شب چیزی زیاده برای تو قریب است که ایستاده کند ترا پروردگار تو بمقامی

مَحْمُودًا تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا

پسندیده دور میباشد پهلوی ایشان از خوابگاه میخوانند پروردگار خود را بترس و امید وار

وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ

و از آنچه روزی داده ایم ایشان را خرج میکنند پس نمیداند هیچ نفس چیز پنهان داشته شده برای ایشان از خنکی چشم

جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ وَعَنْ أَسْمَاءَ بِنْتِ يَزِيدَ عَنْ رَسُولِ اللّٰهِ

باداش داده شد بانچه میکردند و روایت است از اسما بنت یزید رض از پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ يُحْشَرُ النَّاسُ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

صلی الله علیه وسلم فرمود فراهم آورده میشوند مردم بصعید واحد روز قیامت

فَيُنَادِي مُنَادٍ فَيَقُولُ أَيْنَ الَّذِينَ كَانَتْ تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ

پس آواز دهد آواز دهنده پس بگوید کجا اند آنکسان که دور و جدا میباشند پهلوهای ایشان از خوابگاههای ایشان

فَيَقُومُونَ وَهُمْ قَلِيلٌ فَيَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ ثُمَّ يُؤْمَرُ

پس بخیزند در حال آنکه ایشان کم باشند پس میدرایند بهشت را بی آنکه حساب گرفته شوند پس امر کرده میشود

جزء ١٥ ع ٩

جزء ٢١ ركوع ١٥

بسائر الناس إلى الحساب رواه البيهقي في شعب الإيمان باب الحساب

سائر مردم بحساب گزشتن روایت کرد بیهقی در شعب الایمان باب حساب

وعن أبي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ينزل ربنا

و مرویست از ابی هریره گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فرود آید پروردگار ما

تبارك وتعالى كل ليلة إلى السماء الدنيا حين يبقى ثلث الليل الآخر

که بزرگ بلند است هر شب بآسمان دنیا تا بماند سیم حصه که شب آخر است

يقول من يدعوني فأستجيب له من يسألني فأعطيه من يستغفرني

میفرماید حق تعالی کیست که دعا کند مرا تا قبول کنم دعا او کیست که درخواست کند از من تا دهم او را کیست که آمرزش خواهد

فأغفر له متفق عليه وفي رواية لمسلم ثم يبسط يديه يقول

از من تا بیامرزم او را متفق علیه است

و در روایت مسلم آمده است پس فراخ میکند پروردگار هر دو دست خود را میگوید پروردگار

من يقرض غير عدوم ولا ظلوم حتى ينفجر الفجر وعن جابر

کیست قرض دهد کسی را که نه فقیر است و نه ظلم کننده بگوید خدا تا بشکافد فجر و از جابر مرویست

رضي الله تعالى عنه قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول إن

رضی الله عنه گفت شنیدم پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را که میگفت بدرستیکه

في الليل لساعة لا يوافقها رجل مسلم يسأل الله خيرا من أمر الدنيا

در شب هر آینه ساعتی است که موافق نمیشود آنرا مرد مسلمان در حالیکه سوال میکند خدا را نیکی از کار دنیا

والآخرة إلا أعطاه الله إياه وذلك كل ليلة رواه مسلم وعن

و آخرت مگر آنکه میدهد خدا تعالی آنرا و این ساعت در هر شب است روایت کرد مسلم و روایت است از

عبد الله بن عمرو رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه

عبد الله بن عمرو رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم أحب الصلاة إلى الله تعالى صلاة داود وأحب الصيام إلى الله

وسلم دوست داشته شده ترین نماز بسوی خدا تعالی نماز داود علیه السلام است و دوست داشته شده ترین روزه بسوی

صِيَامُ دَاوُدَ وَكَانَ يَنَامُ نِصْفَ اللَّيْلِ وَيَقُومُ ثُلُثَهُ وَيَنَامُ سُدُسَهُ وَيَصُومُ

روزه داود است بود داود که خواب میکرد نصف شب و برخاست دو و سه حصه و خواب میکرد و باز بیدار میگشت و روزه میداشت

يَوْمًا وَيُفْطِرُ يَوْمًا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي أُمَامَةَ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالَى

یک روز و افطار میکرد دیگر روز متفق علیه است و از ابی امامه رضی الله تعالی

عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَيْكُمْ بِقِيَامِ اللَّيْلِ فَإِنَّهُ

عنه مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم شما باد برخواستن شب برای نماز زیرا که شب خیزی

دَأْبُ الصَّالِحِينَ قَبْلَكُمْ وَهُوَ قُرْبَةٌ لَكُمْ إِلَى رَبِّكُمْ وَمَكْفَرَةٌ لِلسَّيِّئَاتِ

عادت نیکوکارانست که پیش از شما بودند و قیام لیل سبب نزدیکیست مر شما را بسوی پروردگار شما و سبب پوشیدنست مر بدیها را

وَمَنْهَاةٌ عَنِ الْإِثْمِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ

و باز دارنده است از گناهان رواه ترمذی و از ابی سعید الخدری

رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالَى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثَلَاثَةٌ يَضْحَكُ

رضی الله تعالی عنه مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم سه کس اند که بخندد

اللّٰهُ تَعَالَى إِلَيْهِمُ الرَّجُلُ إِذَا قَامَ بِاللَّيْلِ يُصَلِّي وَالْقَوْمُ إِذَا صَفُّوا فِي

خدای تعالی برای ایشان یکی مردیکه چون بر خیزد برای نماز شب و دوم قوم چون صف بندند در

الصَّلٰوةِ وَالْقَوْمُ إِذَا صَفُّوا فِي قِتَالِ الْعَدُوِّ رَوَاهُ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ

نماز سوم قومیکه چون صف بندند در کشتن دشمنان دین رواه در شرح سنة

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالَى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی هریره رضی الله تعالی عنه مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ يَعْقِدُ الشَّيْطَانُ عَلَى قَافِيَةِ رَأْسِ أَحَدِكُمْ إِذَا هُوَ نَامَ ثَلٰثَ

وسلم گره میزند شیطان بر پس سر یکی از شما وقتیکه او در خواب میکند

عُقَدٍ يَضْرِبُ عَلَى كُلِّ عُقْدَةٍ عَلَيْكَ لَيْلٌ طَوِيلٌ فَارْقُدْ فَإِنِ اسْتَيْقَظَ

سه گره میزند بر هر گره که لازم گیر بر خود خواب را که شب دراز است پس خواب بکن پس اگر بیدار شود

فذكر الله انحلت عقدة فان توضأ انحلت عقدة فان صلى انحلت
پس اگر گوید خدا را گشاده شود گرهی پس اگر وضو کند گشاده شود گرهی پس اگر نماز کند گشاده شود
عقدة فاصبح نشيطا طيب النفس والا اصبح خبيث النفس كسلان
گرهی پس صبح کند شادمان پاک نفس و اگر بیدار نشود و ذکر نکند صبح میکند پلید نفس کاهل
متفق عليه وعن المغيرة قال قام النبي صلى الله عليه وسلم حتى
متفق علیه است و روایت است از مغیره رض گفت ایستاد آنحضرت صلی الله علیه وسلم در نماز شب
تورمت قدماه فقيل له لم تصنع هذا وقد غفر لك ما تقدم من
تا آنکه آماسید قدم مبارک پس گفته شد مر آنحضرت را که برای چه میکنی اینهمه ریاضت را و حال آنکه آمرزیده شد مر ترا آنچه از
ذنبك وما تأخر قال افلا اكون عبدا شكورا متفق عليه وعن
گناه پیش رفته و آنچه پس خواهد ماند فرمود آنحضرت آیا پس نباشم من بنده سپاس گذار متفق علیه است و از
ابن مسعود رضي الله تعالى عنه قال ذكر عند النبي صلى الله عليه وسلم
ابن مسعود رضی الله عنه گفت ذکر کرده شد نزد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم
رجل فقيل له ما زال نائما حتى اصبح ما قام الى الصلوة قال ذلك رجل
مردی گفته شد مر او را که همیشه ماند خواب کننده تا آنکه صبح کرد و نایستاد برای نماز شب فرمود آن مردیست
بال الشيطان في اذنيه او قال في اذنه متفق عليه وعن عمرو بن
که بول کرده شیطان در گوش او یا گفت آنحضرت در گوش او متفق علیه و از عمرو بن
عبسة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اقرب ما يكون الرب من
عبسه مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نزدیکتر بودن پروردگار از بنده
العبد في جوف الليل الآخر فان استطعت ان تكون ممن يذكر الله
میانه شب است در جانب آخر پس اگر بتوانی که باشی تو ای عمرو از جماعت که یاد میکنند خدا را
في تلك الساعة فكن رواه الترمذي وعن ابي هريرة قال قال
در آن ساعت پس باش تو از آن رواه ترمذی و از ابی هریره رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَحِمَ اللّٰهُ رَجُلًا قَامَ مِنَ اللَّيْلِ فَصَلّٰى وَاَيْقَظَ

پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم بہ بخشاد خدا تعالی مردیراکہ برخاست بنماز شب پس گذارد نماز را و بیدار کرد

اِمْرَاَتَهٗ فَصَلَّتْ فَاِنْ اَبَتْ نَضَحَ فِيْ وَجْهِهَا الْمَاءَ رَحِمَ اللّٰهُ امْرَاَةً قَامَتْ

زن خود را پس نماز گذارد آن زن پس اگر انکار کند باشد در روی آن زن آب را بخشاید خدا تعالی زنی را کہ برخاست

مِنَ اللَّيْلِ فَصَلَّتْ وَاَيْقَظَتْ زَوْجَهَا فَصَلّٰى فَاِنْ اَبٰى نَضَحَتْ فِيْ وَجْهِهِ

از شب پس نماز گذارد و بیدار کرد مرد خود را پس نماز گذارد آن مرد پس اگر سر باز زند آن مرد بپاشد آن زن در روی او

الْمَاءَ رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ اَبِيْ اُمَامَةَ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ

آب را رواه ابو داود والنسائی و از ابی امامہ رضی اللہ تعالی عنہ مرویست

قَالَ قِيْلَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَيُّ الدُّعَاءِ اَسْمَعُ قَالَ جَوْفَ اللَّيْلِ

گفت گفته شد ای پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم کدامین دعا مسموع ترست با جابت فرمود دعا ئیکہ در درون شب

الْاٰخِرِ وَدُبُرَ الصَّلٰوةِ الْمَكْتُوْبَاتِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ اَبِيْ مَالِكٍ

اخر واقع شد و پس نمازهای فرض کہ شامل است عاراد را خرشید رواه ترمذی و از ابی مالک

الْاَشْعَرِيِّ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

اشعری رضی اللہ تعالی عنہ مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

اِنَّ فِي الْجَنَّةِ غُرَفًا يُرٰى ظَاهِرُهَا مِنْ بَاطِنِهَا وَبَاطِنُهَا مِنْ ظَاهِرِهَا اَعَدَّهَا

بدرستیکہ در بہشت غرفہاست کہ دیدہ میشود ظاهرش از باطنش و باطنش از ظاهرش از عین لطافت و صفا آماده ساخته است

اللّٰهُ لِمَنْ اَلَانَ الْكَلَامَ وَاَطْعَمَ الطَّعَامَ وَتَابَعَ الصِّيَامَ وَصَلّٰى بِاللَّيْلِ

خدا آنہا را برای کسیکہ نرم گوید سخن را و بخوراند طعام را و پیاپی دارد روزه ها را و نماز گذارد بشب

وَالنَّاسُ نِيَامٌ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَرَوَى التِّرْمِذِيُّ

در حال آنکہ مردم در خواب باشند روایت کرد بیهقی در شعب ایمان و روایت کرد ترمذی

عَنْ عَلِيٍّ نَحْوَهٗ وَفِيْ رِوَايَتِهٖ لِمَنْ اَطَابَ الْكَلَامَ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ

از علی رضی اللہ عنہ مانند آن و در روایتی آمده است طیب کلام یعنی کسانی کہ پاکیزه گویند کلام و از عبد اللہ

بْنِ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ لِي رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

بن عمرو بن عاص رضی الله تعالی عنه مرویست فرمود مرا پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ يَا عَبْدَ اللّٰهِ لَا تَكُنْ مِثْلَ فُلَانٍ كَانَ يَقُومُ مِنَ اللَّيْلِ فَتَرَكَ قِيَامَ

وسلم ای عبد الله مباش مانند فلان بر خاستی که بر نماز شب پس گذاشت

اللَّيْلِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عُثْمَانَ بْنِ أَبِي الْعَاصِ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ

تهجد را متفق علیه و روایت است از عثمان بن ابی العاص رضی الله تعالی عنه

قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ كَانَ لِدَاوُدَ عَلَيْهِ

گفت شنیدم پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم میفرمود بود داود علیه

السَّلَامُ مِنَ اللَّيْلِ سَاعَةٌ يُوقِظُ فِيهَا أَهْلَهُ يَقُولُ يَا آلَ دَاوُدَ قُومُوا فَصَلُّوا

السلام را از شب ساعتی که بیدار میکرد در آن ساعت اهل خود را میگفت ای اهل عیال داود خیزید نماز کنید

فَإِنَّ هٰذِهِ سَاعَةٌ يَسْتَجِيبُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهَا الدُّعَاءَ إِلَّا لِسَاحِرٍ أَوْ

زیرا که بتحقیق این ساعتی است که قبول میکند خدا تعالی دروی دعا را مگر ساحر را

عَشَّارٍ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ سَمِعْتُ

و عشر ستاننده را رواه احمد و از ابی هریره رضی الله تعالی عنه مرویست گفت شنیدم

رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ أَفْضَلُ الصَّلٰوةِ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ صَلٰوةُ

پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم که میفرمود افزون ترین نماز در ثواب بعد از نماز فرض

فِي جَوْفِ اللَّيْلِ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْهُ قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ

درون شب است رواه احمد و از وی مرویست گفت آمد مردی نزدیک آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ إِنَّ فُلَانًا يُصَلِّي بِاللَّيْلِ فَإِذَا أَصْبَحَ سَرَقَ فَقَالَ إِنَّهُ

علیه وسلم پس گفت که بتحقیق فلان شخص نماز میکند بشب پس چون صبح میکند دزدی میکند پس گفت آنحضرت زود در

سَيَنْهَاهُ مَا تَقُولُ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَعَنْ

باز دارد آن نماز او را از دزدی رواه احمد و بیهقی در شعب الایمان و از

ابي سعيد و ابي هريرة رضي الله تعالى عنهما قالا قال رسول الله صلى الله

از ابي سعيد و ابي هريره رضي الله عنهما گفتند هر دو که فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم اذا ايقظ الرجل اهله من الليل فصليا او صلى ركعتين جميعا

علیه وسلم چون بیدار کند مرد زن خود را پاره شب پس بگذارند دو رکعت هر دو یا هر یک را دو رکعت را همه

كتبا في الذاكرين والذاكرات رواه ابو داود وابن ماجة وعن

نوشته میشوند هر دو در حلقه مردان ذاکرین و زنان ذاکرات رواه ابو داؤد و ابن ماجه و مرویست از

ابن عباس رضـ قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اشراف امتي

ابن عباس رضـ گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بزرگ قدران امت من

حملة القرآن واصحاب الليل رواه البيهقي في شعب الايمان وعن

بردارندگان قرآن یعنی حافظان و شب جاگندگان آن در نماز رواه بیهقی در شعب الایمان و روایت است از

ابن عمر رضـ ان اباه عمر بن الخطاب كان يصلي من الليل ما شاء الله

ابن عمر رضي الله عنه پدر ویکه پدر او عمر بن الخطاب بود نماز شب میکرد و از اندازه شب آنچه خواسته بود خدا

حتى اذا كان من آخر الليل ايقظ اهله للصلوة يقول لهم الصلوة ثم

تا آنکه چون میشد آخر شب بیدار میکرد اهل خود را برای نماز شب میگفت اهل خود را که وقت نماز است بگذارید نماز را باز

يتلو هذه الآية وأمر أهلك بالصلوة واصطبر عليها لا نسألك

میخواند این آیه را بفرما اهل خود را بنماز و همیشگی کن در صبر کردن بر نماز نمی طلبیم ما از تو

رزقا نحن نرزقك والعاقبة للتقوى رواه مالك وعن عبد الله

روزی را ما روزی میرسانیم ترا و خوبی عاقبت کار مر متقیان راست رواه مالک و از عبد الله

بن مسعود رضـ قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم عجب ربنا من رجلين

بن مسعود مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم عجب دارد پروردگار ما از دو مرد

رجل ثار عن وطائه ولحافه من بين حبه واهله الى صلوته فيقول

مردیکه برخاست از فرش نرم خود و از لحاف خود برخاست از میان محبوب و اهل خود بسوی نماز پس میگوید

الله للملائكة انظروا الى عبدي ثار عن فراشه ووطائه من بين

خدا تعالی بفرشتگان خود نگاه کنید بسوی بنده من که برخاست از فراش خود و از لحاف خود از میان

حبه واهله الى صلوته رغبة فيما عندي وشفقا مما عندي ورجل غزا

محبوب خود و اهل خود بسوی نماز خود از جهة رغبت نمودن در ثواب نزد منست و از جهة خوف از عقاب که نزد منست و مردیکه جنگ کرد با کفار

في سبيل الله فانهزم مع اصحابه فعلم ما عليه في الانهزام

در راه خدا پس شکست خورد با یاران خود پس دانست آنچه از الم که بر اوست در شکست خوردن و

وما له في الرجوع فرجع حتى اهريق دمه فيقول الله لملائكته انظروا

آنچه مر او راست در باز گشتن پس برگشت تا آنکه ریخته شد خون او پس میگوید خدا تعالی بفرشتگان خود نظر کنید

الى عبدي رجع رغبة فيما عندي وشفقا مما عندي حتى اهريق دمه

بسوی بنده من که برگشت از جهة خواهش در ثوابیکه نزد منست و از جهة ترسیدن عقابیکه نزد منست تا آنکه ریخته شد خونش

رواه في شرح السنة

رواه در شرح سنة

باب صلوة الضحى

باب نماز چاشت

وعن ابي ذر قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم يصبح على كل سلامى من

و روایت است از ابی ذر گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم ثابت میگردد بر هر بند و استخوان از

احدكم صدقة وكل تسبيحة صدقة وكل تحميدة صدقة وكل تهليلة

یکی از شما صدقه پس هر بار سبحان الله گفتن صدقه است و هر بار الحمد لله گفتن صدقه است و هر بار لا اله الا الله گفتن

صدقة وكل تكبيرة صدقة وامر بالمعروف صدقة ونهي عن

صدقه است و هر بار الله اکبر گفتن صدقه است و فرمودن کسی را بکار مشروع صدقه است و باز داشتن کسی را از

المنكر صدقة ويجزئ من ذلك ركعتان يركعهما من الضحى

کار نا مشروع صدقه است کفایت میکند از شکرانه سلامی و صدقه آن دو رکعت که بگذارد آن دو رکعت را از چاشت

رواه مسلم وعن ابي الدرداء وابي ذر رضي الله تعالى عنهما

رواه مسلم و روایت است از ابی درداء و ابی ذر رضی الله تعالی عنهما

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم عن الله تبارك وتعالى انه

گفتند هر دو که فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم از خدا تعالی

قال يا ابن آدم اركع لي اربع ركعات من اول النهار اكفك آخره

که فرمود ای آدمی زاد بگذار برای من چهار رکعت را در اول روز بنده دگار گذاری میکنم ترا در آخر روز

رواه الترمذي ورواه ابو داود والدارمي عن نعيم بن همار

رواه ترمذی و روایت ابو داود و الدارمی از نعیم بن همار

الغطفاني واحمد عنهم وعن بريدة رضي الله تعالى عنه قال

غطفانی و احمد از هر سه در روایت است از بریده رضی الله تعالی عنه گفت

سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول في الانسان ثلث مائة

شنیدم پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را که میگفت در آدمی سه صد

وستون مفصلا فعليه ان يتصدق عن كل مفصل منه بصدقة

و شصت بند است پس بر او است باد که تصدق کند از هر بندی از خود بصدقه

قالوا ومن يطيق ذلك يا نبي الله قال النخاعة في المسجد تدفنها

گفتند صحابه که طاقت دارد آنرا ای پیغمبر خدا فرمود آنحضرت آب دهن افتاده در مسجد دفن کنی آنرا

والشيء تنحيه عن الطريق فان لم تجد فركعتا الضحى تجزئك

و چیزی یکسو کنی آنرا از راه مردم پس اگر نیابی آنرا پس دو رکعت نماز چاشت بسند گی میکند ترا

رواه ابو داود وعن انس رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله

روایه ابو داود در روایت است از انس رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم من صلى الضحى ثنتي عشرة ركعة بنى الله له

صلی الله علیه وسلم کسیکه بگذارد نماز ضحی را دوازده رکعت بنا کند خدا تعالی برای او

قصرا من ذهب في الجنة رواه الترمذي وابن ماجة وعن

کوشکی از طلا در بهشت روایه ترمذی و ابن ماجه در روایت است از

معاذ بن انس الجهني قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من
معاذ بن انس جهنی رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم هرکه
قعد في مصلاه حين ينصرف من صلوة الصبح حتى يسبح ركعتي
بنشیند در جای نماز وقتیکه بر گردد از نماز بامداد تا آنکه بگذارد دو رکعت
الضحى لا يقول الا خيرا غفر له خطاياه وان كانت اكثر من زبد البحر
چاشت را نگوید مگر سخن نیک آمرزیده شود مر او را گناهان او اگرچه باشد مانند کف دریا در بسیاری
رواه ابو داود وعن ابي هريرة رضي الله تعالى عنه قال قال
رواه ابو داود در روایت است از ابی هریره رضی الله تعالی عنه گفت پیغمبر
رسول الله صلى الله عليه وسلم من حافظ على شفعة الضحى غفرت
پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه محافظت کند بر دو رکعت ضحی آمرزیده شود
له ذنوبه وان كانت مثل زبد البحر رواه احمد والترمذي وابن
مر او را گناهان او اگرچه باشد مانند کف دریا رواه احمد و الترمذی و ابن
ماجة وعن عائشة رضي الله تعالى عنها انها كانت تصلي الضحى
ماجه در روایت است از عائشه رضی الله تعالی عنها که حضرت عائشه بگذارد نماز چاشت را
ثماني ركعات ثم تقول لو نشر لي ابواي ما تركتهما رواه مالك
هشت رکعت پس میگفت اگر زنده گردانیده شوند برای من پدر و مادر من ترک نکنم رواه مالک
وعن ابي سعيد رضي الله تعالى عنه قال كان رسول الله صلى الله
در روایت است از ابی سعید رضی الله تعالی عنه گفت بود پیغمبر خدا صلی الله
عليه وسلم يصلي الضحى حتى نقول لا يدعها ويدعها حتى نقول
علیه وسلم که میگذارد چندگاه نماز چاشت را تا آنکه میگفتیم هرگز ترک نخواهد کرد آنرا و ترک میکرد آنرا تا آنکه میگفتیم
لا يصليها رواه الترمذي
هرگز نخواهد گذارد آنرا رواه ترمذی

باب التطوع

باب در احادیثی که در نوافل وارد اند

عن جابر رضي الله تعالى عنه قال كان رسول الله صلى الله عليه

روایت است از جابر رضی الله تعالی عنه گفت بود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم يعلمنا الاستخارة في الامور كما يعلمنا السورة من القرآن

وسلم تعلیم میکرد ما را دعاء استخاره و نماز در کارهای مقصوده چنانکه تعلیم میکرد ما را سوره از قرآن

يقول اذا هم احدكم بالامر فليركع ركعتين من غير الفريضة

میگفت چون قصد کند یکی از شما بکاری پس باید که بگذارد دو رکعت را غیر نماز فرض

ثم ليقل اللهم اني استخيرك بعلمك واستقدرك بقدرتك

پس باید که بخواند این دعا را خداوندا من طلب میکنم خیر از تو باستعانت علم تو و طلب قدرت میکنم از تو بقدرت تو

واسئلك من فضلك العظيم فانك تقدر ولا اقدر وتعلم

و سوال میکنم از تو چیزی از فضل تو که بزرگ است پس بدرستیکه تو قادری و من قدرت ندارم و تو میدانی

ولا اعلم وانت علام الغيوب اللهم ان كنت تعلم ان هذا

و من نمیدانم و تو دانندهٔ غیبها را خداوندا اگر هستی تو که میدانی که این

الامر خير لي في ديني ومعاشي وعاقبة امري او قال في عاجل

کار من بهتر است در دین من و در زندگانی من و پایان کار من یا گفت آنحضرت بجای

امري وآجله فاقدره لي ويسره لي ثم بارك لي فيه وان كنت

کار من معاشی در اینجهان و در آنجهان پس تقدیر کن از برای من پس برکت ده مرا بدان کار و اگر

تعلم ان هذا الامر شر لي في ديني ومعاشي وعاقبة امري او قال

میدانی تو که این کار بدست مرا در دین من و زندگانی من و در پایان کار من یا گفت

في عاجل امري وآجله فاصرفه عني واصرفني عنه واقدر لي الخير

در اینجهان و در آنجهان پس برگردان آنرا از من و برگردان مرا از وی و تقدیر کن مرا نیکی را

حيثُ كانَ ثمّ أرضني به قال ويسمّي حاجته رواه البخاري وعن

هر جا كه باشد پس راضي گردان مرا بدان گفت آنحضرت باز نام برد حاجت را رواه بخاري و در روايت است از

عليٍّ رضي الله عنه قال حدّثني أبو بكرٍ وصدق أبو بكرٍ رضي الله عنه قال

علي رضي الله عنه گفت حديث كرد مرا ابو بكر و راست گفت ابو بكر رضي الله عنه گفت

سمعتُ رسولَ الله صلّى الله عليه وسلّم يقولُ ما من رجلٍ يذنبُ ذنباً

شنيدم من پيغمبر خدا را صلى الله عليه وسلم كه ميگفت نيست هيچ مردي كه بكند گناهي را

ثمّ يقومُ فيتطهّرُ ثمّ يصلّي ثمّ يستغفرُ الله إلّا غفرَ الله له ثمّ قرأ

پس برخيزد پس طهارت كند پس نماز گذارد پس آمرزش طلبد از خدا مگر آنكه بيامرزد خداي تعالى مر او را پس خواند

والّذين إذا فعلوا فاحشةً أو ظلموا أنفسهم ذكروا الله فاستغفروا

آنحضرت اين آيه را و آنهايند چون بكنند كار بد را يا ظلم كنند بر جانهاي خود ياد ميكنند خداي تعالى را پس طلب بخشش

لذنوبهم رواه الترمذيّ وابن ماجه إلّا أنّ ابن ماجه لم يذكر الآية

مر گناهان ايشانرا روايت كرد ترمذي و ابن ماجه مگر آنكه ابن ماجه ذكر نكرد آيه را

وعن بريدة رضي الله تعالى عنه قال أصبح رسولُ الله صلّى الله عليه وسلّم

و روايت است از بريده رضي الله تعالى عنه گفت صبح كرد آنحضرت صلى الله عليه وسلم

فدعا بلالاً فقال بما سبقتني إلى الجنّة ما دخلتُ الجنّة قطّ إلّا سمعتُ

پس خواند بلال را پس گفت بچه چيز پيشي گرفتي تو بر من در بهشت داخل نشدم در بهشت هرگز مگر شنيدم

خشخشتك أمامي قال يا رسول الله صلّى الله عليه وسلّم ما أذّنتُ قطّ

آواز نعلين ترا گفت بلال اي پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم اذان نگفتم هرگز

إلّا صلّيتُ ركعتين وما أصابني حدثٌ قطّ إلّا توضّأتُ عنده ورأيتُ

مگر آنكه گذاردم دو ركعت را بعد از آن و نرسيد مرا حدثي هرگز مگر آنكه وضو ساختم نزد آن و اعتقاد كردم

أنّ لله عليّ ركعتين فقال رسولُ الله صلّى الله عليه وسلّم بهما رواه الترمذي

كه مر خداي راست بر من دو ركعت پس فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم بسبب اين دو ركعت روايت كرد ترمذي

وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِلْعَبَّاسِ ابْنِ

وروایت است از ابن عباس رضی الله عنه که نبی صلی الله علیه و سلم فرمود مر عباس ابن

عَبْدِ الْمُطَّلِبِ يَا عَبَّاسُ يَا عَمَّاهُ اَلَا اُعْطِيكَ اَلَا اَمْنَحُكَ اَلَا اُخْبِرُكَ

عبد المطلب را یعنی عباس اے عم من آیا ندهم ترا آیا نه بخشم ترا آیا خبر ندهم ترا

اَلَا اَفْعَلُ بِكَ عَشْرَ خِصَالٍ اِذَا اَنْتَ فَعَلْتَ ذٰلِكَ غَفَرَ اللّٰهُ لَكَ ذَنْبَكَ اَوَّلَهُ

آیا نکنم بتو ده خصلت چون تو بکنے آنرا بیامرزد خدا تعالی ترا گناه ترا که پیش از آن کردی

وَاٰخِرَهُ قَدِيمَهُ وَحَدِيثَهُ خَطَاَهُ وَعَمْدَهُ صَغِيرَهُ وَكَبِيرَهُ سِرَّهُ وَعَلَانِيَتَهُ

و پسین را نیز گناه کهنه تو گناه نو که بقصد کرده و بقصد کرده و گناه خرد و کلان پوشیده و آشکارا

اَنْ تُصَلِّيَ اَرْبَعَ رَكَعَاتٍ تَقْرَاُ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَسُورَةً فَاِذَا

بگذاری تو چهار رکعت نماز را بخوان در هر رکعت سوره فاتحه و سوره از قرآن پس چون

فَرَغْتَ مِنَ الْقِرَاءَةِ فِي اَوَّلِ رَكْعَةٍ وَاَنْتَ قَائِمٌ قُلْتَ سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ

فارغ شوی از قراءة در اول رکعت و حالانکه تو ایستاده میگوئی این کلمه مجیدرا

وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ خَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً ثُمَّ تَرْكَعُ فَتَقُولُهَا وَاَنْتَ رَاكِعٌ

پانزده بار پس میگوئی تو این کلمات را و حالانکه تو راکع باشے

عَشْرًا ثُمَّ تَرْفَعُ رَاْسَكَ مِنَ الرُّكُوعِ فَتَقُولُهَا عَشْرًا ثُمَّ تَهْوِي سَاجِدًا

ده بار بعد از سبحان ربی العظیم پس بر میداری سر خود را از رکوع پس میگوئی تو این کلمه را ده بار بعد سمع الله لمن حمده پس فرود آئی برای سجده

فَتَقُولُهَا وَاَنْتَ سَاجِدٌ عَشْرًا ثُمَّ تَرْفَعُ رَاْسَكَ مِنَ السُّجُودِ فَتَقُولُهَا

پس میگوئی آنرا و حالانکه تو در سجده باشی ده بار پس بر میداری سر خود را از سجده و میگوئے آنرا

عَشْرًا ثُمَّ تَسْجُدُ فَتَقُولُهَا عَشْرًا ثُمَّ تَرْفَعُ رَاْسَكَ فَتَقُولُهَا عَشْرًا

ده بار پس سجده میکنی پس میگوئی آنرا ده بار پس بر میداری سر خود را پس میگوئے آنرا ده بار

فَذٰلِكَ خَمْسٌ وَسَبْعُونَ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ تَفْعَلُ ذٰلِكَ فِي اَرْبَعِ رَكَعَاتٍ

پس مجموع این هفتاد و پنج بار میشود در هر رکعت میکنے آنرا در چهار رکعت

إِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تُصَلِّيَهَا فِي كُلِّ يَوْمٍ مَرَّةً فَافْعَلْ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ

اگر میتوانی بگذاری این نماز را در هر روز یکبار پس بکن پس اگر نکنی تو در هر هفته

فَفِي كُلِّ جُمُعَةٍ مَرَّةً فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَفِي كُلِّ شَهْرٍ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ

پس بکن در هر جمعه یکبار پس اگر نکنی در هر جمعه پس بکن در هر ماه پس اگر نکنی در هر ماه

فَفِي كُلِّ سَنَةٍ مَرَّةً فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَفِي عُمُرِكَ مَرَّةً رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ

پس بکن در هر سال یکبار پس اگر نکنی در هر سال بکن در عمر خود یکبار رواه ابوداود وابن ماجه

وَالْبَيْهَقِيُّ فِي الدَّعَوَاتِ الْكَبِيرِ وَرَوَى التِّرْمِذِيُّ عَنْ أَبِي رَافِعٍ نَحْوَهُ وَعَنْ

وبیهقی در دعوات کبیر و روایت کرد ترمذی از ابی رافع رضی مانند آن و روایت است از

أَبِي أُمَامَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا أَذِنَ اللّٰهُ لِعَبْدٍ فِي

ابی امامه رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم گوش ننهد خدا بسوی هیچ بنده در

شَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ رَكْعَتَيْنِ يُصَلِّيهِمَا وَإِنَّ الْبِرَّ لَيُذَرُّ عَلَى رَأْسِ الْعَبْدِ

چیزی که فاضل تر است از دو رکعت که میگذارد آنها را و بدرستیکه نیکی و رحمت نثار کرده شود بر سر بنده

مَا دَامَ فِي صَلَاتِهِ وَمَا تَقَرَّبَ الْعِبَادُ إِلَى اللّٰهِ بِمِثْلِ مَا خَرَجَ مِنْهُ

مادام که بنده در نماز خود است و تقرب نجستند بنده ها بسوی خدا مانند چیزیکه بیرون آمده از خدا تعالی

يَعْنِي الْقُرْآنَ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ

که قرآنست رواه احمد و ترمذی

بَابُ الْجُمُعَةِ

باب در بیان جمعه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى

ای مسلمانان چون اذان داده شود برای نماز در روز جمعه پس سعی کنید بسوی

ذِكْرِ اللّٰهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ فَإِذَا قُضِيَتِ

یاد کردن خدا و بگذارید خرید و فروخت را این بهتر است شما را اگر شما میدانید پس چون تمام کرده شود

جزء ۲۸ سوره جمعه ۱۰

الصلوة فانتشروا في الارض وابتغوا من فضل الله واذكروا الله كثيرا

نماز پس متفرق شوید در زمین و طلب کنید از فضل خدا و یاد کنید خدا را بسیار

لعلكم تفلحون وعن ابي هريرة رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله

تا شما رستگار شوید در روایت است از ابی هریره رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم نحن الآخرون السابقون يوم القيمة بيد انهم

صلی الله علیه وسلم ما پسینانیم در دنیا پیشینانیم در آخرت در شرف جز این نیست که اهل کتاب

اوتوا الكتب من قبلنا واوتيناه من بعدهم ثم هذا يومهم الذي فرض

داده شدند کتاب را پیش از ما و داده شدیم ما کتاب را پس از ایشان پس این روز یهود و نصاری است که فرض کرده

عليهم يعني يوم الجمعة فاختلفوا فيه فهدانا الله له والناس لنا فيه

بر ایشان مراد باین روز جمعه است پس اختلاف کردند ایشان در وی پس راه نمود ما را خدای تعالی آن روز را و مردم یعنی یهود و نصاری

تبع اليهود غدا والنصارى بعد غد متفق عليه وعن ابي هريرة

یهود و فردا جمعه که شنبه است و نصاری پس فردا که یکشنبه است متفق علیه و در روایت است از ابی هریره

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم خير يوم طلعت عليه الشمس

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بهترین روزیکه برآمد بروی آفتاب

يوم الجمعة فيه خلق آدم وفيه ادخل الجنة وفيه اخرج منها ولا تقوم

روز جمعه است آفریده شد آدم علیه السلام و درین روز در آورده شد آدم در بهشت و درین روز برآورده شد آدم از بهشت و برپا نشود

الساعة الا في يوم الجمعة مسلم وعنه قال قال رسول الله

قیامت مگر در روز جمعه روایت است از وی رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم ان في الجمعة لساعة لا يوافقها عبد مسلم

صلی الله علیه وسلم بدرستیکه در روز جمعه هر آینه ساعتی هست که موافق نیفتد آنرا بنده مسلمان

يسأل الله فيها خيرا الا اعطاه اياه متفق عليه وزاد مسلم قال وهي

در حالیکه سوال میکند خدا را در آن ساعت نیکی مگر اینکه میدهد خدای تعالی آن بنده را آن نیکی متفق علیه و زیاده کرد مسلم این عبارت را گفت

سَاعَةً خَفِيفَةً وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ خَرَجْتُ إِلَى الطُّورِ

ساعتی سبک یعنی کوتاه و در روایت است از ابو هریره رضی الله تعالی عنه گفت بیرون آمدم بسوی کوه طور

فَلَقِيتُ كَعْبَ الْأَحْبَارِ فَجَلَسْتُ مَعَهُ فَحَدَّثَنِي عَنِ التَّوْرَاةِ وَحَدَّثْتُهُ

پس ملاقات کردم کعب احبار را پس نشستم با او پس حدیث کرد مرا از توریت و حدیث کردم او را

عَنْ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَكَانَ فِيمَا حَدَّثْتُهُ أَنْ قُلْتُ قَالَ

از رسول الله صلی الله علیه وسلم پس بود از جمله آنچه حدیث کردم او را آنکه گفتم فرمود

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَيْرُ يَوْمٍ طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ يَوْمُ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بهترین روزیکه تابد بر وی آفتاب روز

الْجُمُعَةِ فِيهِ خُلِقَ آدَمُ وَفِيهِ أُهْبِطَ وَفِيهِ تِيبَ عَلَيْهِ وَفِيهِ مَاتَ

جمعه است که پیدا کرده شد آدم در آن روز و درین روز فرود آورده شد و درین روز رجوع برحمت کرده شد بروی و در آن روز مرد

وَفِيهِ تَقُومُ السَّاعَةُ وَمَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا وَهِيَ مُصِيخَةٌ يَوْمَ الْجُمُعَةِ

و درین روز بر پا میشود قیامت و نیست هیچ جنبنده بر زمین مگر آنکه وی گوش نهنده و انتظار برنده است روز جمعه

مِنْ حِينَ تُصْبِحُ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ شَفَقًا مِنَ السَّاعَةِ إِلَّا الْجِنَّ وَ

از وقتیکه صبح میکند تا آنکه بر آید آفتاب از جهت ترسیدن از قیامت مگر پریان

الْإِنْسَ وَفِيهِ سَاعَةٌ لَا يُصَادِفُهَا عَبْدٌ مُسْلِمٌ وَهُوَ يُصَلِّي يَسْأَلُ

و آدمیان و درین روز جمعه ساعتی است که نمی یابد از ان بنده مسلم در حالانکه او نماز و دعا میکند میخواهد

اللّٰهَ شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُ إِيَّاهُ وَقَالَ كَعْبٌ ذٰلِكَ فِي كُلِّ سَنَةٍ يَوْمٌ

از خدا چیزی را مگر آنکه عطا کند او را آن چیز گفت کعب احبار این ساعت در هر سالی یک روز از روزها جمعه است

فَقُلْتُ بَلْ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ فَقَرَأَ كَعْبٌ التَّوْرَاةَ فَقَالَ صَدَقَ

پس گفتم بلکه در هر جمعه است پس خواند کعب توراة را پس گفت کعب راست گفته است

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْحَدِيثَ رَوَاهُ مَالِكٌ وَأَبُو دَاوُدَ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم تا آخر حدیث روایه مالک و ابو داود

والترمذي والنسائي واحمد الى قوله صدق كعب وعن انس
وترمذی ونسائی واحمد در روایت است از انس
رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم التمسوا
رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم طلب کنید
الساعة التي ترجى في يوم الجمعة بعد العصر الى غيبوبة الشمس
ساعتی را که امید داشته میشود اجابت دعا را در روز جمعه بعد از نماز عصر تا غایب شدن آفتاب
رواه الترمذي وعن اوس بن اوس قال قال رسول الله
روایت کرده ترمذی و از اوس بن اوس مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا
صلى الله عليه وسلم ان من افضل ايامكم يوم الجمعة فيه خلق
صلی الله علیه وسلم بدرستیکه از فاضل‌ترین روزهای شما روز جمعه است که درو پیدا کرده شده
آدم وفيه قبض وفيه النفخة وفيه الصعقة فاكثروا علي
آدم ودرو قبض کرده شد جان او ودرو نفخه است ودرو صعقه است پس بسیار کنید برمن
من الصلوة فيه فان صلوتكم معروضة علي قالوا يا رسول الله
درود فرستادن درین روز زیرا که بدرستیکه درود شما عرض کرده شود برمن گفتند ای پیغمبر خدا
وكيف تعرض صلوتنا عليك وقد ارمت قال يقولون بليت
چگونه عرض کرده شود درود ما بر تو وحال آنکه پوسیده شده تو گفت راوی میگویند صحابه بلفظ ارمت ومیخوانند بلیت یعنی کهنه شدی
قال ان الله حرم على الارض اجساد الانبياء رواه ابوداود
گفت آنحضرت که خدا تعالی حرام گردانید بر زمین تنهای پیغمبران را روایت کرده ابوداود
والنسائي وابن ماجة والدارمي والبيهقي في الدعوات الكبير وعن
ونسائی وابن ماجه ودارمی وبیهقی در دعوات کبیر در روایت است از
ابي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اليوم الموعود يوم
ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم که مراد به یوم موعود روز

القيمة واليوم المشهود يوم عرفة والشاهد يوم الجمعة وما طلعت

قیامت است و مراد بیوم مشهود عرفه است و مراد بشاهد روز جمعه است و طلوع کرده

الشمس ولا غربت على يوم افضل منه فيه ساعة لا يوافقها عبد

آفتاب و نه غروب کرده بر روزی که فاضل تر از روز جمعه باشد در این روز ساعتی است که موافق نشود آن ساعت را بنده

مؤمن يدعو الله بخير الا استجاب الله له ولا يستعيذ من شيء

مؤمن که دعا کند خدا را بخیر مگر آنکه قبول کند خدا تعالی دعا او را و پناه نجوید از چیزی

الا اعاذه منه رواه احمد والترمذي وعن ابي لبابة ابن

مگر آنکه پناه دهد او را از وی رواه احمد و ترمذی و روایت است از ابی لبابه بن

عبد المنذر قال قال النبي صلى الله عليه وسلم ان يوم الجمعة

عبد المنذر گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه روز جمعه

سيد الايام واعظمها عند الله وهو اعظم عند الله من يوم الاضحى

بهتر روزهاست و بزرگترین روزهاست نزد خدا تعالی روز جمعه بزرگ تر است نزد خدا از روز عید

ويوم الفطر فيه خمس خلال خلق الله فيه آدم واهبط الله فيه

و عید رمضان در روز جمعه پنج خصلت است پیدا کرد خدا در وی آدم را و فرود آورد خدا در این روز

آدم الى الارض وفيه توفى الله آدم وفيه ساعة لا يسأل

آدم را بسوی زمین و در وی بمیرانید خدا تعالی آدم را و در وی ساعت است که نطلبد

العبد فيها شيئا الا اعطاه ما لم يسأل حراما وفيه تقوم الساعة

بنده در وی چیزی را مگر آنکه بدهد خدا او را مادام که نطلبد چیزی را که حرام است و در روز جمعه برپا شود قیامت

ما من ملك مقرب ولا سماء ولا ارض ولا رياح ولا جبال

نیست هیچ فرشته نزدیک گردانیده شده و نه آسمانی و نه زمینی و نه بادها و نه کوه ها

ولا بحر الا هو مشفق من يوم الجمعة رواه ابن ماجة وعن

و نه دریاها مگر آنکه وی ترسنده است از روز جمعه رواه ابن ماجه و روایت است از

أبي هريرة قال قيل للنبي صلى الله عليه وسلم لأي شيء سمي يوم

ابا هریره رض گفت گفته شد مر آنحضرت را صلی الله علیه وسلم که از چه چیز نامیده شد روز

الجمعة قال لأن فيها طبعت طينة أبيك آدم وفيها الصعقة

جمعه بجمعه فرمود آنحضرت از جهت آنکه در جمعه ساخته شد گل پدر تو که آدم است در روز جمعه هلاک شدن جانوران است

والبعثة وفيها البطشة وفي آخر ثلث ساعات منها ساعة

و برانگیختن انسان و در و بطش ای اخذ قوی شدید و در آخر سه ساعت از ساعات جمعه ساعتی است

من دعا الله فيها استجيب له رواه أحمد وعن عبد الله بن عمرو

که هر که دعا کند خدا را در آن ساعت قبول کرده میشود دعا برای او رواه احمد و روایت است از عبد الله بن عمرو

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ما من مسلم يموت يوم

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نیست هیچ مسلمانی که بمیرد روز

الجمعة أو ليلة الجمعة إلا وقاه الله فتنة القبر رواه أحمد

جمعه یا شب جمعه مگر آنکه نگاه دارد او را خدای تعالی از عذاب قبر رواه احمد

والترمذي وعن ابن عباس رضي الله عنه أنه قرأ اليوم

والترمذی و روایت است از ابن عباس رضی الله عنه بدرستیکه وی خواند این آیت را

أكملت لكم دينكم الآية وعنده يهودي فقال لو نزلت هذه

که امروز کامل گردانیدم دین شما را تا آخر آیت و نزد ابن عباس یهودی بود پس گفت یهودی اگر فرود می آمدی این

الآية علينا لاتخذناها عيدا فقال ابن عباس فإنها نزلت في

آیت بر ما هر آینه میگرفتیم ما نزول این آیت را در روز نزول او عید پس گفت ابن عباس بدرستیکه این آیت فرود آمده است در

يوم عيدين في يوم جمعة ويوم عرفة رواه الترمذي وعن

روز دو عید در روز جمعه و در روز عرفه رواه ترمذی و روایت است از

أنس رضي الله عنه قال كان رسول الله صلى الله عليه وسلم

انس رضی الله عنه گفت بود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

إذا دخل رجب قال اللهم بارك لنا في رجب وشعبان وبلغنا

چون می درآمد ماه رجب میگفت خداوندا افزونی ده ما را خیر و رحمت در ماه رجب و شعبان و برسان ما را

رمضان قال وكان يقول ليلة الجمعة ليلة أغر ويوم الجمعة

برمضان گفت انس رض و بود آنحضرت که میگفت شب جمعه شبی است سفید و روز جمعه

يوم أزهر رواه البيهقي في الدعوات الكبير وعن سلمان

روزیست سفید و روشن روایت کرد بیهقی در دعوات کبیر و روایت است از سلمان

رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا يغتسل

رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم غسل نکند

رجل يوم الجمعة ويتطهر ما استطاع من طهر ويدهن من دهنه

مردی روز جمعه برای نماز جمعه و مبالغه نکند در پاکی آنقدر که تواند یا آنکه چرب کند موی سر و بدن را از روغن خود

أو يمس من طيب بيته ثم يخرج فلا يفرق بين اثنين ثم يصلي

یا نساید از بوی خوش هرچه در خانه وی باشد پستر بیرون آید بسوی مسجد پس جدا نکند میان دو کس پستر نماز گذارد

ما كتب له ثم ينصت إذا تكلم الإمام إلا غفر له ما بينه و

آنچه تقدیر کرده شده است برای وی از نوافل پستر خاموش نشیند وقتیکه خطبه خواند امام مگر آنکه آمرزیده شود مر او را گناه که در میان او و میان

بين الجمعة الأخرى رواه البخاري وعن أبي هريرة رضي

و میان جمعه دیگر گذشته رواه البخاری و روایت است از ابی هریره رضی

الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من توضأ

الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه وضو کند

فأحسن الوضوء ثم أتى الجمعة فاستمع وأنصت غفر له ما بينه و

پس نیک کند وضو را پستر بیاید جمعه را پس بشنود و خاموش نشیند آمرزیده شود آنچه گذشت میان او

بين الجمعة وزيادة ثلاثة أيام ومن مس الحصا فقد لغا

و میان جمعه و زیاده سه روز و کسیکه مساس کند سنگریزه را بی هیچ تحقیق لغو کرد

رواه مسلم وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

روایه مسلم در روایت است از وی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

اذا كان يوم الجمعة وقفت الملئكة على باب المسجد يكتبون

چون باشد روز جمعه می ایستند فرشتگان بر در مسجد جمعه می نویسند نام

الاول فالاول ومثل المهجر كمثل الذي يهدي بدنة ثم

هر که پیشتر آید پیشتر به مقصود حال آنکه اول وقت آید همچو حال کسیکه می فرستد شتر را بمکه برای قربانی پس تر

كالذي يهدي بقرة ثم كبشا ثم دجاجة ثم بيضة فاذا خرج

مانند کسی که پس از وی می آید همچو گاو فرستد است پس تر شاه پس تر ماکیان پس تر بیضه تصدق کنند پس چون بیرون می آید

الامام طووا صحفهم ويستمعون الذكر متفق عليه وعن

امام می پیچند نامهای خود را و استماع میکنند ذکر خطبه را متفق علیه است . در روایت است از

ابي سعيد وابي هريرة قالا قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

ابی سعید و از ابی هریره رضی گفتند هر دو که فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

من اغتسل يوم الجمعة ولبس من احسن ثيابه ومس من طيب

کسیکه غسل کند روز جمعه و بپوشد از بهترین جامهای خود و مس کند از بوی خوش

ان كان عنده ثم اتى الجمعة فلم يتخط اعناق الناس ثم صلى

اگر باشد نزد وی پس تر بیاید جمعه را پس نگذارد پای خود بر گردن مردمان پس تر نماز بگذارد

ما كتب الله له ثم انصت اذا خرج امامه حتى يفرغ من صلوته

آنچه نوشته است خدا برای وی پس تر خاموش شود وقتیکه بیرون آید امام وی تا آنکه فارغ شود از نماز خود

كانت كفارة لما بينها وبين جمعة التي قبلها رواه ابوداود

باشد این اعمال پوشنده مر این گناهان که میان این جمعه اند و جمعه که پیشتر ازین جمعه بود رواه ابوداود

وعن اوس بن اوس قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

در روایت است از اوس بن اوس گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَنْ غَسَّلَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَاغْتَسَلَ وَبَكَّرَ وَابْتَكَرَ وَمَشٰى وَلَمْ يَرْكَبْ وَدَنَا

کسیکه غسل کناند روز جمعه و خود غسل کند و بیاید نماز را در اول وقت دراو اگر کند اول خطبه را و پیاده رفت و سوار نشد و نزدیک شد

مِنَ الْاِمَامِ وَاسْتَمَعَ وَلَمْ يَلْغُ كَانَ لَهٗ بِكُلِّ خُطْوَةٍ عَمَلُ سَنَةٍ اَجْرُ

از امام پس شنید خطبه را و لغو نکرد باشد او را بهر گام ثواب عبادت یک سال یاد ر ستس

صِيَامِهَا وَقِيَامِهَا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَاَبُوْ دَاوٗدَ وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ

روزه یکساله و نماز شب یکسال رواه ترمذی وابو داود ونسائی وابن ماجه

وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ سَلَامٍ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

و روایت است از عبدالله بن سلام رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا عَلٰى اَحَدِكُمْ اِنْ وَجَدَ اَنْ يَّتَّخِذَ ثَوْبَيْنِ لِيَوْمِ الْجُمُعَةِ

الله علیه وسلم نیست بر یکی از شما باکی و نقصی اگر بیابد و تواند که بگیرد و بسازد دو جامه برای روز جمعه

سِوٰى ثَوْبَيْ مِهْنَتِهٖ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَرَوَاهُ مَالِكٌ عَنْ يَحْيَى

ورای دو جامه خدمت خود رواه ابن ماجه و روایت کرد این حدیث را مالک از یحیی

بْنِ سَعِيْدٍ وَعَنْ عُبَيْدِ بْنِ السَّبَّاقِ مُرْسَلًا قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

بن سعید و روایت است از عبیدالله بن سباق از روی مرسل گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِيْ جُمُعَةٍ مِّنَ الْجُمَعِ يَا مَعْشَرَ الْمُسْلِمِيْنَ اِنَّ هٰذَا

صلی الله علیه وسلم در روز جمعه از جمعها ای گروه مسلمانان بتحقیق این

يَوْمٌ جَعَلَهُ اللّٰهُ عِيْدًا فَاغْتَسِلُوْا وَمَنْ كَانَ عِنْدَهٗ طِيْبٌ فَلَا يَضُرُّهٗ

روزیست که گردانیده است او را خدا ایشعار روز جشن و اجتماع پس غسل کنید و کسیکه باشد نزد وی بوی خوش پس زیان ندارد او را

اَنْ يَّمَسَّ مِنْهُ وَعَلَيْكُمْ بِالسِّوَاكِ رَوَاهُ مَالِكٌ وَرَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

که مساس کند از آن و بر شما باد که مسواک کنید رواه مالک و روایت کرد ابن ماجه

عَنْهُ وَهُوَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ مُتَّصِلًا وَعَنِ الْبَرَاءِ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ

از وی و او از ابن عباس متصلا و روایت است از براء رضی الله عنه

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم حقا على المسلمين ان يغتسلوا
گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم حق وثابت است بر مسلمانان که غسل کنند
يوم الجمعة وليمس احدهم من طيب اهله فان لم يجد فالماء له
روز جمعه وباید که مساس کنند یکی از ایشان از بوی خوش زن خود پس اگر نیابد طیب پس آب برای او
طيب رواه احمد والترمذي وعن سهل بن سعد رضي
طیب است روایت کرد احمد وترمذی و روایت است از سهل بن سعد ساعدی رضی
الله عنه قال ما كنا نقيل ولا نتغدى الا بعد الجمعة متفق عليه
الله عنه گفت نبودیم ما که قیلوله میکردیم و نه طعام چاشت میخوردیم مگر بعد از نماز جمعه متفق علیه است
وعن السائب بن يزيد قال كان النداء يوم الجمعة اوله
و روایت است از سائب بن یزید گفت بود اذان روز جمعه اول وی
اذا جلس الامام على المنبر على عهد رسول الله صلى الله عليه
وقتیکه می نشست امام بر منبر در زمان پیغمبر خدا صلی الله علیه
وسلم وابي بكر وعمر فلما كان عثمان وكثر الناس زاد النداء
وسلم وابی بکر رضی و عمر رضی پس آنگاه که موجود شد زمان عثمان و بسیار شدند مردم زیاده کرد اذان
الثالث على الزوراء رواه البخاري وعن ابن عمر رضي الله
سوم را بر مقام زوراء و روایت کرد این حدیث را بخاری و از ابن عمر رضی الله تعالی
عنه قال كان النبي صلى الله عليه وسلم يخطب خطبتين كان يجلس اذا
عنه مرویست گفت که بود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم خطبه میخواند دو خطبه و بود که می نشست چون بر می آید
صعد المنبر حتى يفرغ اراه المؤذن ثم يقوم فيخطب ثم يجلس فلا يتكلم ثم
منبر را تا که فارغ شود گفت راوی گمان می برم که گفت ابن عمر حتی یفرغ المؤذن تا که فارغ شود مؤذن پس بر میخاست پس خطبه میخواند پس بر می نشست و تکلم نمیکرد پس
يقوم فيخطب رواه ابو داود وعن ابي هريرة رضي الله عنه
بر میخاست پس خطبه میخواند این حدیث را روایت کرد ابو داود و روایت است از ابی هریره رضی الله عنه

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ الْجُمُعَةُ عَلٰى مَنْ اٰوَاهُ اللَّيْلُ اِلٰى اَهْلِهٖ

از پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم فرمود جمعہ فرض است بر کسیکہ جای دہد او را شب بسوی خانہ وے

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ طَارِقِ بْنِ شِهَابٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

رواه الترمذی در روایت است از طارق بن شہاب رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلے

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَلْجُمُعَةُ حَقٌّ وَاجِبٌ عَلٰى كُلِّ مُسْلِمٍ فِيْ جَمَاعَةٍ اِلَّا

اللہ علیہ وسلم جمعہ حق واجب است بر ہر مسلمان در جماعت مگر

عَلٰى اَرْبَعَةٍ عَبْدٍ مَمْلُوْكٍ اَوِ امْرَاَةٍ اَوْ صَبِيٍّ وَمَرِيْضٍ رَوَاهُ اَبُوْ دَاوٗدَ

بر چہار گروہ یکی بندہ کہ در ملک کسی ہست دوم زن سوم کودک چہارم بیمار رواه ابو داود

بَابُ بَيَانِ اِثْمِ تَرْكِ الْجُمُعَةِ

باب در بیان گناہ ترک جمعہ

وَعَنِ ابْنِ مَسْعُوْدٍ رض اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِقَوْمٍ

روایت است از ابن مسعود رض بدرستیکہ پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم فرمود مر گروہے را کہ

يَتَخَلَّفُوْنَ عَنِ الْجُمُعَةِ لَقَدْ هَمَمْتُ اَنْ اٰمُرَ رَجُلًا يُّصَلِّيْ بِالنَّاسِ

پس ماندند از نماز جمعہ ہر آئینہ بتحقیق قصد کردم من کہ بفرمایم مردی را کہ بگذارد نماز جمعہ را با مردم و امامت کند ایشان را

ثُمَّ اُحَرِّقَ عَلٰى رِجَالٍ يَّتَخَلَّفُوْنَ عَنِ الْجُمُعَةِ بُيُوْتَهُمْ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

پس بسوزم بر سر مردانی کہ حاضر نشوند نماز جمعہ را خانہای ایشان را رواه مسلم

وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ تَرَكَ

روایت است از ابن عباس رض بدرستیکہ پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم فرمود کسیکہ ترک کند

الْجُمُعَةَ مِنْ غَيْرِ ضَرُوْرَةٍ كُتِبَ مُنَافِقًا فِيْ كِتَابٍ لَا يُمْحٰى وَلَا يُبَدَّلُ

نماز جمعہ را بی ضرورت نوشتہ میشود از جملہ منافقان در کتابی کہ سودہ نمیشود و تغییر نمیشود

وَفِيْ بَعْضِ الرِّوَايَاتِ ثَلٰثًا رَوَاهُ الشَّافِعِيُّ وَعَنْ جَابِرٍ رض اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ

و در بعض روایات نیز واقع شدہ است سہ کرت یعنی سہ بار ترک کند جمعہ را رواه شافعی و از جابر رض کہ پیغمبر

صلى الله عليه وسلم قال من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فعليه

صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه باور دارد بخدا و بروز قیامت پس بر وی فرض است

الجمعة يوم الجمعة الا مريض او مسافر او امرأة او صبي او مملوك

نماز جمعه در روز جمعه مگر بیمار و مسافر و زنان و کودک و بنده

فمن استغنى بلهو او تجارة استغنى الله عنه والله غني حميد

پس کسیکه بی نیاز شود از نماز جمعه به بازی کردن و بازرگانی بی نیاز گردد از وی خدای تعالی بی نیاز است ستوده

رواه الدارقطني وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

رواه دارقطنی و روایت است از وی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

اذا قلت لصاحبك يوم الجمعة انصت والامام يخطب فقد لغوت

زمانیکه بگوئی مر یار خود را که با تو نشسته است روز جمعه خاموش باش در حال آنکه امام خطبه میخواند پس تحقیق تو لغو گفتی

متفق عليه وعن جابر قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

متفق علیه و روایت است از جابر رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

لا يقيمن احدكم اخاه يوم الجمعة ثم يخالف الى مقعده فيقعد

باید که بر نخیزاند یکی از شما برادر خود را روز جمعه پس برود بسوی نشستگاه وی پس بنشیند

فيه ولكن يقول افسحوا رواه مسلم وعن سمرة بن جندب

در وی ولیکن بگوید کشاده کنید جای را رواه مسلم و از سمره بن جندب رض مرویست

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم احضروا الذكر وادنوا من

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم حاضر شوید ذکر را یعنی خطبه را و نزدیک شوید از

الامام فان الرجل لا يزال يتباعد حتى يؤخر في الجنة وان دخلها

امام زیراکه مرد همیشه دور میشود پس می افتد از موضع فضایل تا آنکه پس افکنده میشود در بهشت اگرچه در آید بهشت را

رواه ابوداود وعن سهل بن معاذ بن انس الجهني عن ابيه

رواه ابوداود و روایت است از معاذ بن انس جهنی از پدر خود

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من تخطى رقاب الناس يوم

گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم کسیکه بیگذرد بر گردنهای مردم روز

الجمعة اتخذ جسرا الى جهنم رواه الترمذي وعن معاذ بن

جمعه گرفته میشود آنکس پل بسوی دوزخ رواه ترمذی و روایت است از معاذ بن

انس ان النبي صلى الله عليه وسلم نهى عن الحبوة يوم الجمعة

انس رض مر روایت پدر ست که پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم نهی کرد از احتبا یعنی تکیه زده نشستن روز جمعه

والامام يخطب رواه الترمذي وابو داود وعن ابن عمر رض

و حالانکه امام خطبه میخواند رواه الترمذی و ابو داود و روایت است از ابن عمر رض

عنهما قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا نعس احدكم يوم الجمعة

گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم چون پینکی زند یکی از شما روز جمعه

فليتحول من مجلسه ذلك رواه الترمذي وعن نافع قال

پس باید که بگردد از نشستگاه خود که در آنجا نشسته است رواه ترمذی و از نافع رض مروی است گفت

سمعت ابن عمر رض يقول نهى رسول الله صلى الله عليه وسلم ان يقيم

شنیدم ابن عمر را رض که میگفت نهی کرد پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم از برخیزانیدن

الرجل الرجل من مقعده ويجلس فيه قيل لنافع في الجمعة قال

مرد مردی را از جای نشست وی و نشستن وی در آنجای گفته شد مر نافع را این نهی در روز جمعه است گفت

في الجمعة وغيرها متفق عليه وعن عبد الله بن عمرو رض

در جمعه و غیر جمعه است متفق علیه و روایت است از عبد الله بن عمرو رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم يحضر الجمعة ثلثة نفر

گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم حاضر میشود جمعه را سه نفر

فرجل حضرها بلغو فذلك حظه ورجل حضرها بدعاء فهو

پس مردیست که حاضر میشود جمعه را بلغو پس آن لغو حصه اوست و مردیست که حاضر میشود آنرا بدعا پس او

رجل دعا الله إن شاء أعطاه وإن شاء منعه ورجل حضرها

و دعا کرده است خدا را اگر خواهد خدا بدهد ایشان را مقصد به سائل مراد او و اگر خواهد ندهد و دیگر مردیست که حاضر شد

بإنصات وسكوت ولم يتخط رقبة مسلم ولم يؤذ أحدا فهي

جمعه را به استماع و خاموشی و گام نه نهاده است گردن مسلمانی را و ایذا نکرده است کسی را پس این

كفارة إلى الجمعة التي تليها وزيادة ثلثة أيام وذلك بأن

کفاره است تا جمعه دیگر که متصل است با جمعه و زیادتی سه روز و این بسبب این است

الله يقول من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها رواه أبو داود

خدا تعالی میگوید هر که بیارد نیکی را پس او راست ده مانند آن روایت کرد ابو داود

وعن ابن عباس قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

روایت است از ابن عباس رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

من تكلم يوم الجمعة والإمام يخطب فهو كمثل الحمار يحمل

کسی که سخن کند در روز جمعه و حال آنکه امام خطبه میخواند پس او مانند خر است که بر میدارد

أسفارا والذي يقول له أنصت ليس له جمعة رواه أحمد

کتابها را بر پشت و آنکس که گوید مر او را خاموش باش نیست مر او را ثواب جمعه روایت کرد احمد

وعن ابن عمر وأبي هريرة أنهما قالا سمعنا رسول الله

و روایت است از ابن عمر رض و ابو هریره که آن هر دو گفتند که شنیدیم پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم يقول على أعواد منبره لينتهين أقوام

صلی الله علیه وسلم را که میگفت بر چوبهای منبر خود میدید که البته باز آیند گروهها مسلمان

عن ودعهم الجمعات أو ليختمن الله على قلوبهم ثم ليكونن

از ترک کردن ایشان جمعه ها را یا مهر کند خدا بر دلهای ایشان پس هر آینه باشند

من الغافلين رواه مسلم وعن أبي الجعد الضميري رض

از غافلین روایت کرد مسلم و روایت است از ابی جعد ضمیری رضی الله عنه

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ تَرَكَ ثَلٰثَ جُمَعٍ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم کسیکه ترک کند سه جمعه را

تَهَاوُنًا بِهَا طَبَعَ اللّٰهُ عَلٰى قَلْبِهٖ رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ

از جهت آسان و حقیر پنداشتن آنرا مهر میکند خدایتعالی بر دل وی رواه ابوداود و ترمذے و نسائے

وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ وَرَوَاهُ مَالِكٌ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ سُلَيْمٍ

وابن ماجه و دارمے و روایت کرد آنرا مالک از صفوان ابن سلیم

وَاَحْمَدُ عَنْ اَبِيْ قَتَادَةَ وَعَنْ سَمُرَةَ ابْنِ جُنْدُبٍ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ

واحمد از ابی قتاده و روایت است از سمره بن جندب رضے الله عنه گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ تَرَكَ الْجُمُعَةَ مِنْ غَيْرِ

فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم کسیکه ترک کند جمعه را اکتفی بظهر کند

عُذْرٍ فَلْيَتَصَدَّقْ بِدِيْنَارٍ فَاِنْ لَّمْ يَجِدْ فَبِنِصْفِ دِيْنَارٍ رَوَاهُ اَحْمَدُ

بعذر شرعے پس باید که تصدق کند بیک دینار پس اگر دینار نیابد پس نصف دینار تصدق کند رواه احمد

وَاَبُوْدَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ صَالِحِ بْنِ اِبْرَاهِيْمَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ

وابو داود وابن ماجه واز صالح بن ابراهیم بن عبد الرحمن

بْنِ عَوْفٍ قَالَ دَخَلَ عَلَيْنَا اَنَسٌ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَالْاِمَامُ يَخْطُبُ

بن عوف مرویست گفت در آمد بر ما انس رض روز جمعه و حالانکه امام خطبه میخواند

وَنَحْنُ نَتَحَدَّثُ فَقَالَ مَهْ فَلَمَّا اُقِيْمَتِ الصَّلٰوةُ قَالَ اِنِّيْ اَخَافُ

و ما سخن میکردیم پس گفت انس رض خاموش باشید پس هرگاه که تکبیر نماز گفته شد گفت تحقیق که من میترسم

اَنْ اَكُوْنَ قَدْ اَبْطَلْتُ جُمُعَتِيْ بِقَوْلِيْ لَكُمْ مَهْ ابْنُ سَعْدٍ كَرٌ

بیکم باینکه باشم من بدرستیکه باطل کرده شود جمعه من به سبب گفتن من برای شما مه ای بازایست

جَمْعُ الْجَوَامِعِ

بَابُ الْعِيْدَيْنِ

وَعَنْ اَبِيْ سَعِيْدٍ

از جمیع الجوامع این باب در بیان احکام عید الفطر و عید الاضحی است و روایت است از ابی سعید

الخدري رضي الله عنه قال كان النبي صلى الله عليه وسلم يخرج يوم الفطر

الخدری رضی الله عنه گفت بود پیغمبر صلی الله علیه وسلم که بیرون می آمد روز عید فطر

والأضحى إلى المصلى فأول شيء يبدأ به الصلوة ثم ينصرف

و روز عید اضحی بسوی مصلی پس نخست چیزی که آغاز میکرد آنحضرت بآن چیز نماز بود پس برمیگشت

فيقوم مقابل الناس والناس جلوس على صفوفهم فيعظهم

از نماز پس ایستاده میشد روبروی مردم و حالانکه مردم نشسته بودند بر صفهای خود پس پند میکرد و

ويوصيهم ويأمرهم وإن كان يريد أن يقطع بعثا قطعه

مردم را اندرز میکرد و بخیر امر میکرد ایشان را و اگر میخواست که جدا کند و بفرستد لشکری را جدا میکرد او را

أو يأمر بشيء أمر به ثم ينصرف متفق عليه وعن ابن

یا اگر میخواست که بفرماید کاری را امر میفرمود از آن بعد برمیگشت متفق علیه و روایت است از ابن

عباس رضي الله عنهما قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ما من أيام

عباس رضی الله عنهما گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نیست هیچ روزها

العمل الصالح فيهن أحب إلى الله من هذه الأيام العشر قالوا

که کار نیک در روزهای وی دوست داشته تر باشد نزد خدا از این ده روز که ده ذی الحجه است گفتند

يا رسول الله ولا الجهاد في سبيل الله قال ولا الجهاد في

ای پیغمبر خدا و نه کارزار کردن در راه خدا است فرمود آنحضرت و نه جهاد در

سبيل الله إلا رجل خرج بنفسه وماله فلم يرجع من ذلك

راه خدا مگر جهاد مردی که بیرون آید به نفس خود و مال خود پس باز برنگشت از نفس و نه مال خود

بشيء رواه البخاري وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال قال رسول الله

بچیزی روایت کرد بخاری و از ابی هریره رضی الله عنه روایت گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم ما من أيام أحب إلى الله أن يتعبد له

صلی الله علیه وسلم نیست هیچ روزها از روزها که دوست داشته تر نزد خدا است که

فِيهَا مِنْ عَشْرِ ذِي الْحِجَّةِ يَعْدِلُ صِيَامُ كُلِّ يَوْمٍ مِنْهَا بِصِيَامِ سَنَةٍ

درآن روزها از ده ذیحجه برابر است روزه هر روز در آن روزها بروزه یکساله

وَقِيَامُ كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْهَا بِقِيَامِ لَيْلَةِ الْقَدْرِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ

و برابر است برخاستن هر شب از شبهای آن روزها بنماز شب قدر روایت کرد ترمذی و ابن

مَاجَةَ وَعَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

ماجه و روایت است از عایشه رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ مَا عَمِلَ ابْنُ آدَمَ مِنْ عَمَلٍ يَوْمَ النَّحْرِ أَحَبَّ إِلَى اللّٰهِ مِنْ

و سلم نکرد آدمی هیچ کاری روز نحر دوست داشته شده تر بسوی خدا از

إِهْرَاقِ الدَّمِ وَإِنَّهُ لَيَأْتِي يَوْمَ الْقِيٰمَةِ بِقُرُونِهَا وَأَشْعَارِهَا

ریختن خون و بدرستیکه آن جانور می آید روز قیامت بشاخهای خود و مویهای خود

وَأَظْلَافِهَا وَإِنَّ الدَّمَ لَيَقَعُ مِنَ اللّٰهِ بِمَكَانٍ قَبْلَ أَنْ يَقَعَ

و سمهای خود و بدرستیکه خون هر آینه می افتد نزد خدا بمرتبهٔ قبول پیش از آنکه افتد

بِالْأَرْضِ فَطِيبُوا بِهَا نَفْسًا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ

بزمین پس خوشحال گردانید بآن نفس را روایت کرد ترمذی و ابن ماجه

وَعَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمَ قَالَ قَالَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت است از زید ابن ارقم گفت گفتند یاران پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ مَا هٰذِهِ الْأَضَاحِيُّ قَالَ سُنَّةُ أَبِيكُمْ

علیه و سلم ای پیغمبر خدا چیست این قربانیها و چیست اصل این قربانی فرمود سنت پدر شما

إِبْرَاهِيمَ قَالُوا فَمَا لَنَا فِيهَا يَا رَسُولَ اللّٰهِ قَالَ بِكُلِّ شَعَرَةٍ حَسَنَةٌ

ابراهیم است گفتند صحابه پس چیست ما را در آن از جزاء و ثواب ای رسول خدا فرمود بمقابل هر موی نیکی است

قَالُوا فَالصُّوفُ يَا رَسُولَ اللّٰهِ قَالَ بِكُلِّ شَعَرَةٍ مِنَ الصُّوفِ حَسَنَةٌ

گفتند پس پشم را چه حکم است ای رسول خدا فرمود بمقابل هر موی از پشم نیکی است

رواه احمد وابن ماجة وعن عبد الله

روایت کرد احمد و ابن ماجه و روایت است از عبدالله

بن عمرو قال قال رسول الله صلى الله عليه

بن عمرو رضی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم أمرت بيوم الاضحى عيدا جعله الله لهذه

وسلم امر کرده شده ام بروز اضحی درحالیکه این عیدی است گردانید او را خدا تعالی برای

الامة قال له رجل يا رسول الله أرأيت

این امت گفت آنحضرت را مردی ای پیغمبر خدا که خبر ده مرا

إن لم أجد إلا منيحة أنثى أفأضحي

که اگر نیابم مگر منیحه انثی که مرا ست آیا پس قربانی کنم

بها قال لا ولكن خذ من شعرك

بدان فرمود مکن ولیکن بگیر از موی سر خود

وأظفارك وتقص شاربك وتحلق عانتك

و ناخنهای خود و ببر موی بروتهای خود را و بتراش موی زیر ناف خود

فذلك تمام أضحيتك عند الله رواه أبوداود والنسائي

پس این افعال از تمام قربانی تست نزد خدای تعالی روایت کرد ابوداود و نسائی

كتاب الجنائز

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ

هر نفسے چشند مرت است و جزاين نيست كه تمام داده خواهيد مزد خويش را

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ

روز قيامت و بهر گروهے ميعاد ہے ہست پس چوں مي آيد

لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَّلَا يَسْتَقْدِمُونَ ۝

ميعاد ايشان توقف نكنند ساعتے و نه سبقت كنند

بَابُ عِيَادَةِ الْمَرِيضِ

باب در بيمار پرسے

عَنْ أَبِي مُوسَى قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ

روايت است از ابي موسى رض گفت فرمود پيغمبر خدا صلے الله

وازين منهيات مذكوره حرمت مخصوص بمرد وآنيت الآنية فضه كه حرام است برمرد و برزنان

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَطْعِمُوا الْجَائِعَ وَعُودُوا الْمَرِيضَ وَفُكُّوا الْعَانِيَ

عليه وسلم طعام دهيد گرسنه را و عبادت كنيد بيمار را و خلاص كنيد اسير را

رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ ثَوْبَانَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

رواه بخاري و روايت است از ثوبان رض گفت فرمود پيغمبر خدا صلى الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ الْمُسْلِمَ اِذَا عَادَ اَخَاهُ الْمُسْلِمَ لَمْ يَزَلْ فِي خُرْفَةِ

عليه وسلم بدرستيكه مسلمان چون عيادت ميكند برادر خود مسلمان را هميشه ميباشد در چيدن ميوه

الْجَنَّةِ حَتّٰى يَرْجِعَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ

بهشت تا آنوقت كه باز گردد رواه مسلم و روايت است از براء بن عازب رض

قَالَ اَمَرَنَا النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِسَبْعٍ وَنَهَانَا عَنْ سَبْعٍ

گفت امر كرد مارا آنحضرت صلى الله عليه وسلم از هفت چيز و نهى كرد مارا از هفت چيز

اَمَرَنَا بِعِيَادَةِ الْمَرِيضِ وَاتِّبَاعِ الْجَنَائِزِ وَتَشْمِيتِ الْعَاطِسِ

امر كرد به بيمار پرسى پس روى كردن جنازه ها و دعا كردن عطسه زننده را

وَرَدِّ السَّلَامِ وَاِجَابَةِ الدَّاعِي وَاِبْرَارِ الْمُقْسِمِ وَنَصْرِ الْمَظْلُومِ

وجواب سلام دادن و قبول كردن دعوت طعام و برست گردانيدن سوگند خورنده و بيارى كردن مظلوم

وَنَهَانَا عَنْ خَاتَمِ الذَّهَبِ وَعَنِ الْحَرِيرِ وَالْاِسْتَبْرَقِ وَالدِّيبَاجِ

ونهى كرد مارا از انگشترى طلا و از پوشيدن جامه حرير و از پوشيدن استبرق و ديبا

وَالْمِيثَرَةِ الْحَمْرَاءِ وَالْقَسِّيِّ وَاٰنِيَةِ الْفِضَّةِ وَفِي رِوَايَةٍ

ونهى كرد از ميثره سرخ ونهى كرد از قسى و از آوندهاى نقره و در روايت ديگر

وَعَنِ الشُّرْبِ فِي الْفِضَّةِ فَاِنَّهُ مَنْ شَرِبَ فِيهَا فِي الدُّنْيَا

و از نوشيدن در نقره زيرا بدرستيكه كسيكه بنوشد در آوند نقره در دنيا

لَمْ يَشْرَبْ فِيهَا فِي الْاٰخِرَةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ رض

نه نوشد در آن در آخرة متفق عليه و روايت است از ابي هريره رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ
گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم حق مسلمان بر مسلمان
خَمْسٌ رَدُّ السَّلَامِ وَعِيَادَةُ الْمَرِيضِ وَاتِّبَاعُ الْجَنَائِزِ وَإِجَابَةُ
پنج است جواب سلام دادن است وبیمار پرسے کردن است وپس روے کردن جنازہا وقبول کردن
الدَّعْوَةِ وَتَشْمِيتُ الْعَاطِسِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ
دعوت طعام ودعا کردن است عطسه زننده را متفق علیه ودروایت است از وے گفت فرمود
رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ سِتٌّ
پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم حق مسلمان بر مسلمان شش است
قِيلَ مَا هُنَّ يَا رَسُولَ اللّٰهِ قَالَ إِذَا لَقِيتَهُ فَسَلِّمْ عَلَيْهِ وَإِذَا
گفته شد چه چیزهاست آن شش اے پیغمبر خدا فرمود چون پیش آئی مسلمان را پس سلام کن بر وے وچون
دَعَاكَ فَأَجِبْهُ وَإِذَا اسْتَنْصَحَكَ فَانْصَحْ لَهُ وَإِذَا عَطَسَ
بخواند ترا بطعام پس اجابت کن اورا وچون نصیحت طلب کند از تو پس نصیحت کن مر اورا وچون عطسه زند
فَحَمِدَ اللّٰهَ فَشَمِّتْهُ وَإِذَا مَرِضَ فَعُدْهُ وَإِذَا مَاتَ فَاتَّبِعْهُ
پس حمد گوید خدا را پس تشمیت کن اورا وچون بیمار شود پس عیادت کن اورا وچون بمیرد پس اتباع کن جنازه اورا
رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ
روایت کرد مسلم ودروایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللّٰهَ تَعَالَى يَقُولُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ
صلی الله علیه وسلم بدرستے خداے تعالی میفرماید در روز قیامت
يَا ابْنَ آدَمَ مَرِضْتُ فَلَمْ تَعُدْنِي قَالَ يَا رَبِّ كَيْفَ أَعُودُكَ
اے پسر آدم بیمار شدم من پس نکردی بیمار پرسی مرا گوید اے پروردگار من چگونه عیادت کنم ترا
وَأَنْتَ رَبُّ الْعٰلَمِينَ قَالَ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ عَبْدِي فُلَانًا مَرِضَ
وتو پروردگار جهانیانی گوید خدا آیا ندانستی تو بدرستیکه بنده من فلانے بیمار شد

فلم تعده اما علمت انك لو عدته لوجدتني عنده يا ابن آدم

پس نه پرسیدی او را آیا ندانستی که اگر عیادت میکردی آن بنده را هر آینه می‌یافتی مرا نزد وی یعنی رحمت مرا میگوید ای پسر آدم

استطعمتك فلم تطعمني قال يا رب كيف اطعمك وانت

طلب طعام کردم از تو پس ندادی طعام مرا گوید آدمی ای پروردگار چگونه طعام دهم ترا و تو

رب العالمين قال اما علمت انه استطعمك عبدي فلان

پروردگار عالمیانی گوید حق تعالی آیا ندانستی که طعام طلبید از تو بنده من فلان

فلم تطعمه اما علمت انك لو اطعمته لوجدت ذلك عندي

پس ندادی تو او را طعام آیا ندانستی که اگر طعام میدادی او را هر آینه می‌یافتی تو ثواب و جزای آن طعام نزد من

يا ابن آدم استسقيتك فلم تسقني قال يا رب كيف اسقيك

ای فرزند آدم طلبیدم از تو آب پس ندادی تو مرا آب گوید آدمی ای پروردگار من چگونه آب دهم ترا

وانت رب العالمين قال استسقاك عبدي فلان فلم تسقه

و تو پروردگار عالمی و منزه هستی از آب خوردن گوید حق تعالی آب طلبید از تو بنده من فلان پس ندادی آب او را

اما علمت انك لو سقيته وجدت ذلك عندي رواه

آیا ندانستی که اگر آب میدادی او را می‌یافتی جزای آن نزد من روایت

مسلم وعن عائشة رض قالت كان رسول الله صلى الله

کرده مسلم و روایت است از عائشه رض گفت بود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم اذا اشتكى منا انسان مسحه بيمينه ثم قال

علیه و سلم چون بیمار میشد از ما آدمی مسح میکرد او را بدست راست خود پیغمبر پس میگفت آنحضرت این دعا را

اذهب الباس رب الناس واشف انت الشافي لا شفاء

که ببر این زحمت را ای پروردگار آدمیان و تندرستی ده تو تندرستی دهنده نیست شفا

الا شفاؤك شفاء لا يغادر سقما متفق عليه وعن علي

مگر شفای تو شفائی که نگذارد بیماری را متفق علیه است و روایت است از علی رض